

فصلنامه گنجینه اسناد

سال سی و دوم، دفتر دوم، تابستان ۱۴۰۱
شماره پیاپی ۱۲۶
شاپا (شماره استاندارد بین‌المللی پیاپیها): ۱۰۲۳-۳۶۵۲
شاپای الکترونیک: ۲۵۳۸-۲۲۶۸



فصلنامه تحقیقات تاریخی مطبوع آیین‌نامه نشریات علمی مورخ ۱۳۹۸/۲/۹ به شماره
۱۱/۲۵۶۸۵ فقط عنوان «علمی» برای نشریات علمی-پژوهشی ذکر می‌شود.
و مطالعات آرشیوی

صاحب امتیاز: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران-پژوهشکده اسناد
مدیرمسئول: دکتر غلامرضا عزیزی greazizi@gmail.com

سر دبیر: دکتر سعید رضائی شریف آبادی srezaei@alzahra.ac.ir

هیئت تحریریه

دکتر ری ادموندسون، مدرس برنامه حافظه جهانی یونسکو، استرالیا / دکتر تری ایستوود، استاد دانشگاه بریتیش کلمبیا، کانادا / دکتر فریبرز خسروی، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر سعید رضائی شریف آبادی، استاد دانشگاه الزهرا / دکتر سید امیرمسعود شهرام‌نیا، دانشیار دانشگاه اصفهان / دکتر غلامرضا فدائی، استاد دانشگاه تهران / دکتر عبدالحسین فرج پهلوی، استاد دانشگاه شهید چمران اهواز / دکتر حسین میرجعفری، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر مرتضی نورائی، استاد دانشگاه اصفهان / دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران / دکتر محمدباقر وثوقی، استاد دانشگاه تهران



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
پژوهشکده اسناد

دبیر اجرایی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی m.sadat@yahoo.com

مترجم: دکتر ابراهیم افشارزنجانی

ویراستار انگلیسی: ری ادموندسون

ناشر: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

صفحه آرا: مرتضی میرزائی

ویراستار فنی: دکتر سید محمود سادات بیدگلی

چاپ و صحافی: انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، ابتدای خ کوشا، ساختمان گنجینه اسناد ملی ایران، طبقه هفتم.

صندوق پستی ۶۵۵-۱۹۹۳۵ | تلفن: ۰۲۱ ۸۱۶۲۵۵۵۴

وبگاه: ganjineh.nlai.ir

پیام‌نگار: ganjinehasnad@gmail.com

فروشگاه: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بلوار کتابخانه ملی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۸۱۶۲۳۳۱۵

این نشریه در SID, ISC, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال (نظام ماهه سازی مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری) نمایه می‌شود.

www.ISC.gov.ir | www.sid.ir | www.ricest.ac.ir | www.researchgate.net | Scholar.google.com



وهرست مطالب

گنجینه اسناد

(علمی)

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱

شماره پیاپی ۱۲۶

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲

شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸



تحقیقات تاریخی

- بازنمایی رتبه درباری رجال و صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره شاه‌سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) // علی مشهدی رفیع
۳۷(۳۲)-۶
- برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم و اهمیت آرشیوهای دیجیتال آنلاین در شناخت آن / محمد جعفر چمنکار
تحلیل عرایض انتخاباتی دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی / حمید بصیرت منش
۴۳(۸۰)-۳۸
- فراز و فرود تعیین مسیر راه آهن سراسری ایران / مصطفی نوری
۴۰(۱۲۱)-۸۳
- ۲۸(۱۴۹)-۱۲۲

مطالعات آرشیوی

- پایش کمی و کیفی محیطی و بیولوژیک در مخازن و فضاهای کتاب‌خانه‌ای در مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران / نسرين نوحی باباجان، منیژه هادیان دهکردی، پرستو عرفان منش
۲۹(۱۷۸)-۱۵۰
- مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های برتر جهان / کوثر بابایی، زویا آتام، سعیدرضایی شریف‌آبادی
۳۳(۲۱۲)-۱۸۰

شرایط پذیرش مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. در پذیرش مقالات، اولویت با مقالات پژوهشی است.
۳. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۴. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۳ Blotus تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده ساختار یافته فارسی و انگلیسی مقاله، هر کدام حداکثر در ۲۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۵ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه انجمن روانشناسی آمریکا (A.P.A) است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.

- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.

- کهام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- مُتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

- مپس (maps): مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

- کمشا (kamšā): کتابخانه مرکزی شهرداری اصفهان.

- ماد (mād): موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.

- مَکَم (mokamem): مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک.

کوتاه‌تنتها



Representation of the Officials' Social Status in Correspondences between The Safavid and The Mughal Courts at the Time of Shah Soleiman/Safi II (r. 1666-94)

Ali MashhadiRafie¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: Studying the relationship between the social status of the senders and recipients of correspondences between The Safavid and The Mughal at the time of Shah Suleiman (1666-1694 AH) and the content and superficial characteristics of letters.

Method and Research Design: Historical evidence in books, archival records and manuscript number 5032 of The Library, Museum, and Document Center of Iran Parliament were investigated using content analysis, and the relationship between the superficial characteristics of each letter and the social status of the senders and recipients was studied in a comparative way.

Findings and conclusions: According to the study, there are strong evidences that there is a direct relationship between textual and non-textual content of the letters and the social status of their senders and recipients. Thus, textual elements such as words and phrases, preambles, titles and non-textual elements such as size and quality of the papers, script-styles, embellishments and the form of packaging represented the social status of both sender and recipients, and their positions, age and gender.

Keywords: Epistolary Art, Shah Soleiman, Social Status, Court Correspondences, Dar al-Enshah²

Citation: Mashhadi Rafi, A. (1401). Representation of the Officials' Social Status in Correspondences between The Safavid and The Mughal Courts at the Time of Shah Soleiman/Safi II (r. 1666-94). *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 6-37 | doi: 10.30484/ganj.2022.2931

1. PhD In Iranian Studies, Shahid Beheshti University and Iranology Foundation, Tehran, I. R. Iran
a_mashhadi@sbu.ac.ir
Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2931

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 6 - 37 (32) | Received: 1, Dec. 2020 | Accepted: 19, Jun. 2021

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بازنمایی رتبه درباری رجال و صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق)

علی مشهدی رفیع^۱

چکیده:

هدف: بررسی رابطه میان رتبه اجتماعی فرستندگان و گیرندگان مکاتبات رجال درباری ایران و هند هم‌عصر سلطنت شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق) با محتوا و شکل ظاهری این دسته از اسناد.

روش/ رویکرد پژوهش: در این مقاله در گام نخست با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا (Content Analysis)، شواهد تاریخی موجود در کتب و سایر اسناد تاریخی و همچنین اطلاعات یادشده در دست‌نویس شماره ۵۰۳۲ مجلس شورای اسلامی ذیل توصیفات مرتبط با مکاتبات دیوانی دوره شاه سلیمان صفوی استخراج شد و در گام دوم رابطه میان متن و مشخصات ظاهری این مکاتبات با رتبه اجتماعی فرستندگان و گیرندگان در قالب مطالعه تطبیقی (Comparative Study) بررسی شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: شواهدی قوی بر وجود رابطه مستقیم میان محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و رتبه اجتماعی افراد دخیل در روند صدور این مکاتبات دیده می‌شود؛ بدین ترتیب که عناصر متنی مانند الگو و واژگان استفاده‌شده در متن مکاتبات و عناصر غیرمتنی مانند قطع‌نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی بازنمایاننده رتبه اجتماعی افراد مرتبط با مکاتبات دیوانی اعم فرستنده و گیرنده یا مکتوب‌الیه است و با تحلیل و بررسی آن می‌توان علاوه بر قضاوت درباره رتبه اجتماعی، به برخی از مشخصات این افراد از قبیل منصب، سن و جنسیت پی برد.

کلیدواژه‌ها: نامه‌نگاری؛ شاه سلیمان صفوی؛ رتبه اجتماعی؛ دیوانیات؛ دارالانشاء.

استناد: مشهدی رفیع، علی. (۱۴۰۱). بازنمایی رتبه درباری رجال و صاحب‌منصبان در مکاتبات رجال درباری ایران و هند در دوره شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق). (گنجینه اسناد)، ۳۲(۲)، ۶-۳۷. doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۳۱

۱. دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی
و بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران
a_mashhadi@sbu.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۳۱

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC, و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۶-۳۷ (۳۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

اصطلاحاتی مانند منزلت و پایگاه اجتماعی که در گفتار روزمره بارها استفاده می‌شوند و عموماً به ارجح دانستن فردی در نظام ارزش‌گذاری جامعه نسبت به سایر افراد اشاره دارند، در علوم اجتماعی در چارچوب مفهوم «رتبه اجتماعی»^۱ بازتعریف می‌شوند.

در اصطلاح ساختارگرایان پیرو رالف لیتتون، رتبه اجتماعی به موقعیت فرد در نظام رتبه‌بندی اجتماعی^۲ گفته می‌شود؛ مانند موقعیت شاه در مقابل رعیت، و یا موقعیت کارفرما در برابر کارگر و یا مادر در مقابل فرزند. این مفهوم در انسان‌شناسان پیرو ماکس وبر با سه عامل قدرت، دارایی و حیثیت سنجیده می‌شود (Barnard & Spencer, 1996, p623). درحقیقت وبر تلاش کرد تا با کمک این سه عامل الگویی را برای سنجش یا مقایسه رتبه اجتماعی افراد با یکدیگر به دست دهد (وبر، ۱۳۸۷، صص ۲۰۷-۲۲۴). بعدها عرضه این الگو توسط وبر به کاربرد این مفهوم در متون علوم اجتماعی بیشتر دقت بخشید؛ به طوری که از دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی به این سو، برخی مؤسسات افکارسنجی در ایالات متحده آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بر مبنای الگوی وبر تحقیقات بسیاری را درباره نظام رتبه‌بندی اجتماعی در جوامع خود ارائه دادند (تامین، ۱۳۷۳، ص ۳۷).

با آنکه هنوز هم کاربرد اصطلاح «رتبه اجتماعی» ابهاماتی را با خود به همراه دارد، ولی استفاده از آن در متون علوم اجتماعی بسیار رایج است و به‌ویژه جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان علاقه‌مند به پژوهش در زمینه نظام قشربندی جوامع انسانی عموماً آن را به معنای جایگاه فرد در نظام رتبه‌بندی اجتماعی به کار می‌برند که مراد از این نظام نیز طیفی از نقش‌های اجتماعی است که بر اساس میزان اهمیتشان در نظام ارزش‌گذاری جامعه مرتب شده‌اند. در این طیف، از نظر افکار عمومی جامعه، رتبه‌ای اجتماعی نسبت به رتبه‌ای دیگر مهم‌تر یا مرجح‌تر دانسته می‌شود.

اسناد و مکاتبات به‌جای‌مانده از ادوار تاریخی از جمله پدیده‌های فرهنگی‌ای هستند که چون میان افرادی با رتبه‌های اجتماعی متفاوت تنظیم و ردوبدل شده‌اند، گاه به‌نحو مستقیم و گاه به‌صورت غیرمستقیم نشانه‌هایی از رتبه اجتماعی افراد را با خود به همراه دارند. این نوشته‌جات در تقسیم‌بندی چهارگانه مرحوم جهانگیر قائم‌مقامی از اسناد تاریخی (اوراق صریحه، اخوانیات، سلطانیات، دیوانیات)^۳، عموماً در دو دسته سلطانیات و دیوانیات جای می‌گیرند. اوراق صریحه که اساساً از نوع مراسلات نیستند و فاقد دو رکن «فرستنده» و «گیرنده» هستند و اخوانیات نیز چون به مکاتبات دوستانه محدود می‌شوند، به‌جهت ویژگی ذاتی دوستانه‌بودنشان بیشتر میان افرادی هم‌تراز و هم‌رتبه دیده می‌شود و بسیار محتمل است که به محملی برای بازنمایی رتبه اجتماعی تبدیل نشود.

1. Social Status
2. Social Order

۳. جهانگیر قائم‌مقامی دسته‌بندی چهارگانه‌ای را از اسناد تاریخی ارائه می‌دهد، شامل: اوراق صریحه (اسناد حقوقی و قضایی)؛ اخوانیات (مکاتبات دوستانه)؛ سلطانیات (مکاتبات پادشاهان و شاه‌زادگان)؛ و دیوانیات (مکاتبات مربوط به مسائل و امور دولتی و کشوری تهیه‌شده در دستگاه‌های اداری) (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، صص ۴۳-۴۱).



بنابراین برای بررسی بازنمودهای رتبه‌اجتماعی فرستندگان و گیرندگان در مکاتبات به‌جای‌مانده از دوره صفوی، به‌دلیل آنکه برطبق منابع تاریخی دوره صفوی، روند تنظیم و تشریفات اداری مرتبط با صدور و ارسال آن‌ها به‌طور نسبتاً متمرکز در تشکیلات دیوانی صفویان و در رأس آن در دیوان‌اعلی^۱ و احتمالاً مطابق نوعی عرف جاری در دیوان‌سالاری این دوره انجام می‌شد (فلور، ۱۳۸۷، صص ۶۳-۱۱۰)، می‌بایست بیش‌از هرچیز در میان سلطانیات و دیوانیات به‌جای‌مانده از این دوره به‌دنبال چنین نمودهایی بود. به‌عبارت بهتر باتوجه‌به آنکه در این دسته از نوشته‌جات معمولاً نشانه‌هایی از مشخصات افراد دیده می‌شود، می‌توان از آن‌ها به‌عنوان منبعی خوب برای تشخیص نظام رتبه‌بندی در دربار پادشاهان صفوی سود جست. از این‌رو آنچه اهمیت می‌یابد پاسخ‌گویی به دو پرسش زیر است:

۱. آیا میان محتوای مکاتبات دیوانی و رتبه‌اجتماعی فرستنده و گیرنده، رابطه‌ای وجود دارد؟
۲. در صورت وجود چنین رابطه‌ای، رتبه‌اجتماعی فرستنده و گیرنده با چه ویژگی‌هایی در متن و ظاهر اسناد (اندازه کاغذ، محل مهر، نوع تزئینات، جنس کاغذ، نحوه بسته‌بندی و شیوه ارسال مکتوب و ...) بازنمایانده می‌شود؟

در پاسخ به این دو پرسش، این نکته را نباید دور از ذهن داشت که نظام‌های رتبه‌بندی نیز مانند بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، در طول زمان دستخوش تغییر و تحول می‌شوند؛ از این‌رو، برای پرهیز از هرگونه آشفتگی در تحلیل نمونه‌های موردبررسی و برای جلوگیری از دخیل شدن متغیرهای دیگری از قبیل تغییر نظام ارزشی جامعه و مواردی از این‌دست، بهتر است که بررسی‌های معطوف به رتبه‌بندی درباری، در بازه زمانی مشخص و کوتاهی انجام شود.

راجر مروین سیوری در بخشی از مقاله خود در جلد ششم کتاب «تاریخ ایران کمبریج» درباره نظام اداری سلسله صفوی، روند تحول نهادهای اداری صفوی را به سه دوره تقسیم می‌کند: (۱) دوره نخست یا متقدم: فاصله زمانی میان به‌تخت‌نشستن شاه‌اسماعیل اول تا آغاز پادشاهی شاه‌عباس اول (۹۰۷-۹۹۶ق) که دوره تغییر، تطبیق و تعدیل وظایف مقامات حکومتی است. (۲) دوره دوم یا میانه: دوره پادشاهی شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) که دوره سامان‌دهی کلی نظام اداری دولت صفوی بر پایه‌های نویناد به‌جای‌مانده از دوره پیشین است. (۳) دوره سوم یا متأخر: از پادشاهی شاه‌صفی تا حمله افغان‌ها (۱۰۳۸-۱۱۳۵ق) که سنت‌های درباری در آن تثبیت شد و شکلی یکنواخت به‌خود گرفت (Savory, 1986, pp 356-357).

باتوجه‌به تقسیم‌بندی یادشده می‌توان نتیجه گرفت که تغییر و تحولات نظام اداری صفویان

۱. دیوان‌اعلی در دوره صفوی از دو بخش دارالانشاء و دفترخانه همایون/اعلی تشکیل شده بود و عمده مکاتبات درباری به‌غیراز مواردی مانند صورت‌برداریهای امور مالی و مکاتبات مربوط به دیوان استیفاء، در این دو بخش از دیوان‌اعلی انجام می‌شد (فلور، ۱۳۸۷، ص ۶۳).



در دوره سوم بسیار کمتر از دو دوره پیشین بوده است و سنت‌ها، آداب و تشریفات اداری رایج در این دوره، میراث به جای مانده از دوره‌های پیشین است که رفته رفته تثبیت شده است. در پژوهش حاضر، با توجه به دوره نسبتاً طولانی حکومت خاندان صفوی بر ایران که بیش از دو سده به طول انجامید، متغیر زمان را به دوران سلطنت شاه سلیمان (شاه صفی دوم) به عنوان یکی از پادشاهان دوره سوم این دودمان و متغیر مکان را به حوزه جغرافیایی ایران و هند محدود کرده‌ایم تا دو پرسش اصلی یادشده را در دوره سلطنت او که پس از دوره پرافت‌وخیز سلطنت شاه عباس اول قرار داشت و آداب و تشریفات دستگاه اداری ایران تاحدزیادی تثبیت شدند، بررسی کنیم.

۲. نظام رتبه‌بندی درباری در عصر صفوی

در میان آثار به جای مانده از دوره صفوی که به نحوی مستقیم به ترسیم جایگاه و نظام رتبه‌بندی مناصب درباری پرداخته‌اند تاکنون سه رساله *تذکره الملوک*، *دستور الملوک* و رساله *القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری* شناسایی شده‌اند. به نظر می‌رسد که هر سه این رسالات در اواخر دوره صفوی به نگارش درآمده‌اند و هدف از تألیف آن‌ها تهیه دستورنامه‌هایی برای تثبیت آداب درباری بوده که در اثر تلاطمات سیاسی از جمله حمله افغانه، نظم معمول خود را از دست داده بود و نیاز به وجود الگویی مرجع برای سامان‌دهی نقش‌های درباری و روابط میان آن‌ها احساس می‌شد.

به عنوان شاهدی بر فرضیه یادشده می‌توان به دیباچه کوتاه *تذکره الملوک* اثر میرزاسمیعا اشاره کرد که در آن به صراحت از ارائه «دستور العمل خدمت هریک از ارباب مناصب درگاه معلی، موافق از منته سلاطین صفویه» به عنوان دلیل نگارش این کتاب یاد می‌شود (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ۱).

افزون بر این، در متن دیگری بانام *دستور الملوک* که توسط میرزارفیعای جابری انصاری نوشته شده است و رساله دیگری درباره القاب و مواجب مناصب دوره صفوی از میرزاعلی نقی نصیری، اطلاعات نسبتاً مشابهی درباره مقامات درباری، محل نشستن هر صاحب منصب در مجلس بهشت‌آیین^۱ و حقوقی که هر ساله از خزانه حکومتی دریافت می‌کردند ارائه شده است (رحیم‌لو، ۱۳۶۳، صص ۱۰-۱۱).

باتوجه به قراین تاریخی و متنی و بنابه فرضیات موجود، این دو رساله، یا در اصفهان تحت سلطه اشرف افغان و به قصد آموزش چندوچون دربار صفویان به حاکمان افغان به نگارش درآمده‌اند و یا پس از انتقال پایتخت صفویان از اصفهان به قزوین و ادامه حکومت صفوی در این شهر تدوین شده‌اند. از طرفی با توجه به شباهت‌های متنی قابل توجه

۱. محفلی درباری که پادشاه صفوی خود شخصاً در آن حضور داشت و براساس آداب رایج در آن، دوری و نزدیکی محل نشستن منصب‌داران به محل جلوس پادشاه براساس رتبه اجتماعی آن مناصب و اهمیت آن مناصب تعیین می‌شد.



هر سه رساله با یکدیگر و برخی عباراتی که در هر سه متن به نحوی کمابیش یکسان تکرار شده‌اند، این فرضیه نیز بسیار محتمل است که تمامی این متون از متنی قدیمی‌تر و جامع‌تر درباره شرح وظایف اداری صاحب‌منصبان دربار صفوی الگوبرداری شده‌اند (فلور، ۱۳۸۴، ص ۷۶۶؛ رحیم‌لو، ۱۳۶۳، صص ۱۰-۱۱).

در هر سه این رسالات قشرهای مختلف درباریان دارای القاب یا امتیازاتی خاص هستند که وجود آنها نشانه نوعی مهتری یا کهتری نسبت به سایرین است و تداعی‌کننده نوعی نظام قشربندی است (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵؛ مشهدی‌رفیعی، ۱۳۹۹، صص ۴۹-۵۰؛ نک به نمودار ۱ و ۲).

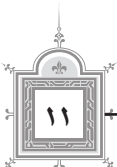
برای نمونه در باب دوم از تذکرةالملوک، میرزاسمیعا از چهارده منصب به عنوان «امرای عظام» نام می‌برد و به صراحت عنوان می‌کند که لفظ «عالی‌جاه» مختص آن‌هاست. این چهارده منصب عبارت‌اند از: وزیر اعظم؛ قورچی‌باشی؛ قوللر آقاسی؛ ایشیک آقاسی‌باشی؛ دیوان‌اعلی؛ تنگ‌چی آقاسی؛ ناظر بیوتات؛ دیوان‌بیگی؛ امیرشکارباشی؛ توپ‌چی‌باشی؛ امیر آخورباشی جلو؛ امیر آخورباشی صحرا؛ مجلس‌نویس؛ مستوفی‌الممالک؛ و خلیفه‌الخلفاء (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص الف).

از سایر متون و گزارش‌های منابع تاریخ‌نگاری عصر صفوی نیز چنین برمی‌آید که از نظر حیثیت و رتبه درباری بین امرایی که لقب عالی‌جاه داشتند و آن‌هایی که فاقد این لقب بودند تفاوتی آشکار وجود داشته‌است. برای نمونه بنابه گزارش سیدحسن استرآبادی در تاریخ سلطانی^۱ در مجلس بهشت‌آیین نوروز ۹۷۰ ق ایت‌ئیل، شاه‌تهماسب صفوی، عیسی‌خان پسر لوندمیرزا را به لقب عالی‌جاه ملقب می‌گرداند و به این ترتیب او را مقدم بر سایر امرای قرار می‌دهد (استرآبادی، ۱۳۶۶، ص ۸۸).

پس از این لقب می‌توان از القاب «مقرب‌الخاقان» و «مقرب‌الحضرت» نام برد. چراکه در هر سه رساله پس از معرفی امرای عظام، به معرفی مناصبی پرداخته می‌شود که این لفظ به آنها اختصاص دارد و این خود نشان‌دهنده آن است که این مناصب در دربار صفوی کمتر از لقب عالی‌جاه اهمیت داشته‌اند.

با وجود این نمی‌توان به صراحت القاب درباریان را مبنای رتبه‌بندی آن‌ها در نظر گرفت؛ چراکه در این بین استثنائاتی نیز وجود دارد که نشان‌دهنده تغییراتی است که در اهمیت و اعتبار مناصب درباری در دوره‌های مختلف رخ داده‌است. برای نمونه اگر ترتیب فصل‌بندی این سه رساله را مبنای ارجحیت در رتبه‌بندی مناصب درباری دوره صفوی قرار دهیم، در میان امرای عظام به دو منصب «دیوان‌بیگی» و «مجلس‌نویس» برمی‌خوریم که دو لقب عالی‌جاه و مقرب‌الخاقان را توأمان یدک می‌کشند. چنین کاربری‌های توأمانی

۱. تاریخ سلطانی کتابی است در تاریخ عمومی که آن را سیدحسن بن مرتضی حسینی استرآبادی در سال ۱۱۱۵ ق در اصفهان نوشته‌است و به مناسبت سال دهم جلوس شاه‌سلطان حسین صفوی به او تقدیم شده‌است. جلد سوم این کتاب در سال ۱۲۶۴ به صورت مجزا و به تصحیح دکتر احسان اشراقی با عنوان «تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه‌صفی» و توسط انتشارات علمی چاپ شد.



می‌تواند نتیجه ارتقای رتبه یک مقام از سطحی به سطح دیگر باشد؛ مانند آنچه درباره منصب مجلس‌نویس در منابع تاریخی آمده است که از عصر شاه‌عباس اول به این سو بر اهمیت آن افزوده شد و حتی از دوره شاه‌اسماعیل دوم به بعد این منصب بالاتر از دیگر منشیان قرار گرفت (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۷۳، صص ۲۹-۳۰). بدین ترتیب مجلس‌نویس که پیش از این از زمره مقامات مقرب‌الخاقان بود از اواسط دوره صفوی رفته‌رفته به جرگه مقامات عالی‌جاه وارد شد.

بر مبنای توصیفات ارائه شده در سه رساله تذکرةالملوک، دستورالملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری» درباره مناصب درباری دوره صفوی و مرتب کردن آن‌ها بر روی طیفی مشترک، می‌توان الگویی از نظام رتبه‌بندی اجتماعی مناصب درباری در دوره صفویان متأخر به صورت جدول ۱ استخراج کرد.

تعداد مناصب			توضیحات	لقب
رساله «القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری»	دستورالملوک	تذکرةالملوک		
۴ (منصب مذهبی) ۱۵ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	۴ (منصب مذهبی) ۱۵ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	۵ (منصب مذهبی) ۱۴ (امراء) دولت‌خانه) ۵ (امراء) غیردولت‌خانه)	عالی‌ترین مقامات درباری بالقب «عالی‌جاه» خطاب می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص الف).	عالی‌جاه
۱۵	۱۶	۹	این مقامات از زمره عالی‌ترین مقامات درباری نبودند؛ ولی به سبب نزدیک بودن به پادشاه صفوی بالقب «مقرب‌الخاقان» خوانده می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ب).	مقرب‌الخاقان

جدول ۱

نظام رتبه‌بندی در دربار صفویان متأخر براساس القاب ذکر شده در سه رساله تذکرةالملوک، دستورالملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی نقی نصیری» (مشهدی رفیع، ۱۳۹۹، صص ۴۷-۴۸).



لقب	توضیحات	تعداد مناصب	
		تذکره الملوک	دستور الملوک
مقرب‌الحضرت	مأمورانی که وظیفه‌شان خارج از حرم و اقامتگاه‌های خصوصی شاه بود، از نظر نزدیکی به شاه و اعتمادالدوله پس از مقرب‌الخاقان‌ها قرار می‌گرفتند و با لقب «مقرب‌الحضرت» خطاب می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ب)؛ (سیوری، ۱۳۹۳، ص ۲۱۶).	۵	۱۹
عالی‌حضرت	مقاماتی که از مقربان پادشاه به‌شمار نمی‌رفتند، ولی به‌سبب اهمیت منصبشان در برخی از امور طرف مشورت پادشاه یا اعتمادالدوله قرار می‌گرفتند با لقب «عالی‌حضرت» خطاب می‌شدند (میرزاسمیعا، ۱۳۷۸، ص ب).	۱۲	-
فاقد خطاب یا لقب	مقاماتی که اجازه داشتند در مجلس بهشت‌آیین، در حضور پادشاه در کنار سایر مقامات درباری اعلی‌مرتب‌ه بنشینند (دانش‌پژوه ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	۳۶	۲۴
	مقاماتی که به‌صورت ایستاده در مجلس بهشت‌آیین حاضر می‌شدند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم
	مقاماتی که هیچ‌یک از امتیازات پیش‌گفته را نداشتند و تنها به‌عنوان سرپرست، عده‌ای از خدمه زبردست را در انجام وظیفه‌های خاص هدایت و رهبری می‌کردند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم
	سایرین که خدمه و کارگزاران عادی دربار را تشکیل می‌دادند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۷ الف، صص ۴۸۸-۴۹۵).	نمعلوم	نمعلوم

ادامه جدول ۱

نظام رتبه‌بندی در دربار صفویان متأخر براساس القاب ذکرشده در سه رساله تذکره الملوک، دستور الملوک و رساله «القاب و مواجب میرزاعلی‌نقی نصیری» (مشهدی‌رفیعی، ۱۳۹۹، صص ۴۷-۴۸).

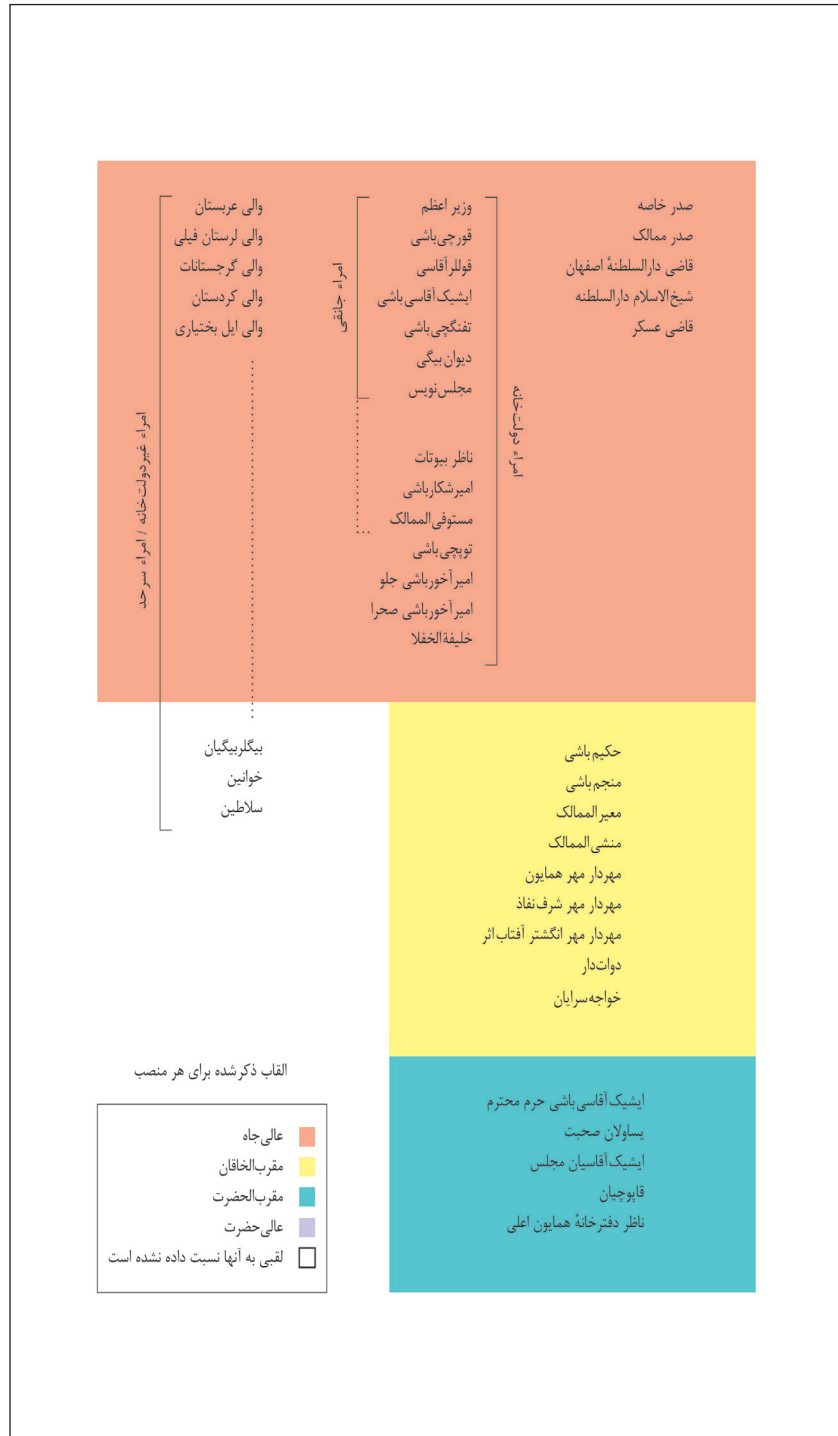


علاوه بر این با توجه به کتب آموزشی دبیری و انشاء عصر صفوی از قبیل منشآت سلیمانی^۱، کفایت الانشاء^۲ و تعداد قابل توجهی دستور ترسل به جای مانده از این دوره، می توان برای افرادی در مناصب و قشرهای مختلف، مراتب اعلی، متوسط الحال و ادنی نیز در نظر گرفت. برای نمونه در کفایت الانشاء، قشر بندی تنها مختص به مناصب درباری از قبیل امراء نیست و برخی از اقشار جامعه عصر صفوی مانند علما، فقها و سادات نیز به دو دسته اعلی مرتبه و ادنی مرتبه تقسیم می شده اند (کفایت الانشاء، ۴ر- ۵پ).

با توجه به آنچه گفته شد، نه تنها می توان دلایل محکمی بر وجود نظام رتبه بندی اجتماعی در دربار صفوی برشمرد، بلکه در کنار آن نیز می توان با توجه به شواهد موجود طرحی مقدماتی از ساختار و چند و چون این نظام رتبه بندی به دست داد که اگر چه خارج از چارچوب پژوهش حاضر است، ولی محمل خوبی برای بررسی دقیق و تفصیلی نشانه ها و نمودهای این نظام رتبه بندی درباری در بسیاری از پدیده های فرهنگی عصر صفوی، از جمله مکاتبات و مراسلات خواهد بود.

۱. نامه نگاری نوشته محمد رضا نصیری از دبیران دربار شاه سلیمان صفوی که تصحیحی از آن به کوشش رسول جعفریان در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات کتاب خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شده است.
 ۲. کفایت الانشاء رساله ای هست در آداب نامه نگاری از مؤلفی ناشناس که تمام نسخه هایی که تا کنون از آن شناسایی شده است به دوره صفوی تعلق دارد (مشهدی رفیع، ۱۳۹۲، صص ۵۸-۵۹).





وزیر بیوتات
وزیر سرکار فیض آثار
وزیر سرکار انتقالی
وزیر دارالسلطنه اصفهان
مستوفی ارباب التجار
مستوفی سرکار فیض آثار
مستوفی سرکار انتقالی
مستوفی دارالسلطنه اصفهان
مستوفی موقوفات ممالک محروسه
کلانتر دارالسلطنه اصفهان
صاحب توجیه دیوان اعلی
محتسب الممالک

داروغه دفترخانه
وزیر سرکار قورچیان
وزیر سرکار غلامان
وزیر سرکار تفنگچیان
وزیر توپخانه مبارکه
مستوفی سرکار قورچیان
مستوفی سرکار غلامان
مستوفی سرکار تفنگچیان
مستوفی توپخانه مبارکه
لشکر نویس دیوان اعلی
سرخط نویس دیوان اعلی
ضابطه نویس
دفتر دار دفترخانه همایون
عزب باشی
ضابط دوشلک و کیل
اوارجه نویسان

القاب ذکر شده برای هر منصب

عالی جاه	■
مقرب الخاقان	■
مقرب الحضرت	■
عالی حضرت	■
لقبی به آنها نسبت داده نشده است	□

نمودار ۲

رتبه‌بندی ارباب مناصب دربار صفوی براساس سه رساله تذکرة الملوک، دستورالملوک و «رساله القاب و مواجب میرزا علی نقی نصیری» (بخش دوم)



۳. رابطه‌ی میان محتوای متنی مکاتبات دیوانی عصر صفوی و رتبه‌ی اجتماعی افراد

مکاتبات دیوانی به‌جامانده از عصر صفوی را از دو جنبه می‌توان بررسی کرد: محتوای متنی؛ محتوای غیرمتنی. محتوای متنی، عناصری مانند متن اصلی سند، سجع مهرها، عبارت طغرا، یادداشت‌ها و برافزوده‌ها را دربر می‌گیرد و شامل متنی نوشتاری است که در چارچوب نظام معنایی زبانی که به آن نوشته شده است قابل بررسی و تحلیل است. در کنار محتوای متنی عناصر دیگری را نیز می‌توان بررسی کرد که به شکل ظاهری مکاتبات و ویژگی‌های مادی آن‌ها مربوط می‌شود. این دسته را در پژوهش حاضر با عنوان «محتوای غیرمتنی» می‌خوانیم که شامل قطع و اندازه کاغذ، آرایه‌ها و نقش‌مایه‌های آن، نوع کاغذ و سایر ویژگی‌های فن‌شناختی مکاتبات دیوانی می‌شود. درحقیقت رابطه‌ی میان رتبه‌ی اجتماعی افراد و محتوای مکاتبات دیوانی‌شان را، هم در وجوه متنی و هم در وجوه غیرمتنی مکاتبات دیوانی می‌توان بررسی کرد.

۳.۱. رتبه‌ی اجتماعی افراد و محتوای متنی نوشته‌جات دیوانی

باتوجه به شواهد متعدد و صریحی که در متون مربوط به فن دبیری عصر صفوی وجود دارد اثبات رابطه‌ی رتبه‌ی اجتماعی افراد و محتوای متنی نوشته‌جات دیوانی بسیار ساده می‌نماید؛ زیرا رعایت رتبه و شأن افراد، یکی از بدیهی‌ترین آداب نامه‌نگاری دیوانی است که در ادوار گذشته نیز مسبوق به سابقه بوده است و رسالات متعددی مانند دستور دبیری (الرسائل بالفارسیه) (اثر محمدبن عبدالخالق میهنی)، مصباح‌الرسائل و مفتاح‌الفضائل (اثر موفق‌بن محمد مجدی)، رسوم‌الرسائل و نجوم‌الفضائل (اثر حسن‌بن عبدالؤمن خوبی) و دستورالکاتب فی تعیین‌المراتب (اثر محمدبن هندوشاه نخجوانی) درباره‌ی آن نگاشته شده‌اند. افزون‌براین، بیش از ۱۶ دستور نامه‌نگاری از عصر صفوی به‌جا مانده است که به‌صراحت فصل‌هایی را درباره‌ی «القاب و اسامی افراد» و «الگوهای ذکر خطاب و دعای متناسب با هر فرد» شامل می‌شود (مشهدی رفیع، ۱۳۹۲، ص ۵۱).

یکی از بهترین شواهد موجود درباره‌ی وجود رابطه میان محتوای متنی مکاتبات دیوانی عصر شاه‌سلیمان و رتبه‌ی اجتماعی افراد رساله‌ای است در فن دبیری بانام منشآت سلیمانی که در زمان همین پادشاه صفوی نوشته شده است و قواعد نامه‌نگاری و بسیاری از نکات ریز و درشت دارالانشاء صفوی در این دوره را آشکار می‌کند.

پنج باب اول این رساله به صاحب‌منصبان اختصاص دارد؛ باب ششم به «اوساط الناس» و باب هفتم به «سایر الناس» (نصیری، ۱۳۸۸، صص ۱۸-۱۹). باتوجه به این رساله

به سادگی می توان دریافت که هر شخص با توجه به رتبه و اهمیت منصب و همین طور رابطه خویشاوندی اش با پادشاه به صورت ویژه ای خطاب قرار می گرفته است. برای نمونه، خطاب، القاب و دعایی^۱ که در نوشته جات دیوانی برای وزیر اعظم - که در دوره صفوی اختصاصاً با لقب اعتمادالدوله خوانده می شد - می بایست به کار می رفت در این رساله این طور نقل شده است:

«[... شرایف دعوات وافیات^۲ محبت فزون و لطایف^۳ تسلیمات^۴ زاکیات^۵ مودت مقرون که از شمائم^۶ نسایم^۷ آن دماغ روحانیان معطر و از بوارق^۸ لوامع^۹ آن صوامع^{۱۰} ملکوتیان منور گردد، با قوافل^{۱۱} اخلاص و نیازمندی و رواحل^{۱۲} شوق و آرزومندی، تحفه مجلس عالی و هدیه محفل متعالی نواب مستطاب^{۱۳} معلی القاب [=خطاب]، عالمیان مآب، وزارت و شوکت و اقبال پناه، حشمت و عظمت و اجلال دستگاه، ابهت و جلالت انتباه، عالی جاه مخلصان ملاذ^{۱۴} خلایق معاذ^{۱۵}، آصف^{۱۶} سلیمان مرتبت ممالک مدار، ناظم مهام صغار و کبار، اعتضاد السلطنه البهیة السلطانیة، اعتماد الدوله العلیة العالیة الخاقانیة، نظاماً لوزاره و الشوکه و العظمة و الجلاله و الرافه و العطفه و العز و الاقبال [=القاب]، فلان ادام الله تعالی زمان دولته و ضاعف اقباله [=دعا] [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

از سوی دیگر در این رساله در باب دوازدهم به صراحت به تناسب متن مکاتبه با رابطه گیرنده و فرستنده (مکتوب الیه و مرسل الیه) اشاره می شود و قواعدی ارائه می شود که براساس آن، منشی می باید این نکته را که مرتبه مکتوب الیه بالاتر، پایین تر و یا برابر با مرسل الیه است در متن نامه بنمایاند. برای نمونه در مواردی که مرسل الیه (فرستنده) در مرتبه ای نازل تر از مکتوب الیه (گیرنده) بود، قاعده اصلی نگارش متن نامه بدین صورت بود:

«[...] اگر مرسل الیه را پایه نازل تر باشد، عرض را نسبت به او داده، به تلتیم^{۱۶} و تقبیل^{۱۷} تُراب^{۱۸} و حضرت و آنچه فی الجمله قُرب و شهود است مقرون کند [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵).

به علاوه با تحلیل رکن مطلع مکاتبات دیوانی نیز متوجه می شویم که به ویژگی هایی مانند جنسیت، رابطه خویشاوندی با پادشاه، حضورداشتن یا حضورنداشتن در مجلس بهشت آیین و حتی گروه های شغلی نیز اشاره می شود. برای نمونه، دسته ای از پرکاربردترین صفت های ذکر شده در رکن مطلع نوشته جات دیوانی عصر صفوی برای گروه های شغلی در جدول ۲ آمده است.

۱. ترکیب متن اسناد معمولاً از سه رکن اصلی «مطلع» (مقدمه)، «احوال» یا «کلام» (شرح موضوع) و «خاتمه» تشکیل می شود. رکن مطلع بخشی از متن بود که می بایست تا حد امکان زیباتر و جالب تر ترتیب داده می شد و به همین سبب در آداب دبیری و ترسل، به آن بیشتر توجه می کردند و منشیان و دبیران در انشاء و تنظیم آن قدرت و تسلط ادبی خود را نشان می دادند. این مقدمه ها متناسب با قدر و منزلت گیرنده و فرستنده، مفصل و یا کوتاه نوشته می شد. اجزاء رکن مطلع عبارت بود از خطاب، القاب و دعا که برای هر شخص به صورتی متناسب با او تنظیم می شد (قائم مقامی، ۱۳۵۰، صص ۱۵۳-۱۵۵).
۲. وافیات: در این جا معنی شایسته می دهد.
۳. لطایف: لطیف ترین
۴. تسلیمات: تحیات و تکریمات و احترامات؛ جمع تسلیم: درود و سلام
۵. زاکیات: جمع زاکیه: پاکیزه و نیکو
۶. شمائم: جمع شمیمه: بوی خوش
۷. نسایم: جمع نسیم: باد نرم
۸. بوارق: جمع بارقه: روشنائی
۹. لوامع: جمع لامع و لامعه: درخشنده، تابان
۱۰. صوامع: جمع صومعه
۱۱. قوافل: جمع قافله
۱۲. رواحل: جمع راحله: مرکب
۱۳. ملاذ: پناهگاه، مأوا، ملجأ
۱۴. معاذ: پناهگاه
۱۵. آصف: لقب وزیر دانا و باتدبیر
۱۶. تلتیم: بوسیدن
۱۷. تقبیل: بوسیدن
۱۸. تُراب: خاک



قشر یا منصب	صفت
سلطان، پادشاه	حضرت اعلی، حضرت خاقانی
اولاد ملوک	شاهزاده جهان‌پناه، شاهزاده کیوان‌رفعت، شاهزاده جم‌شوکت
خواتین ملوک	حضرت علیا، ملکه سلطنت‌پناه، ملکه عفت‌پناه
امرا	امارت‌پناه، امارت‌دستگاه، امارت‌مآب
صدور	صدارت‌پناه، صدارت‌دستگاه
وزرا	وزارت‌پناه، وزارت‌دستگاه
سادات	سیادت‌دستگاه، نقابت‌دستگاه، نجابت‌دستگاه، سیادت‌مآب
مشایخ	حقایق‌پناه، هدایت‌دستگاه، ارشاد‌مآب
علما	افادت‌پناه، فضایل‌دستگاه، افاضل‌مآب
قضات	اقضی‌القضات ^۱ ، شریعت‌دستگاه، شریعت‌مآب
حکما	حکمت‌پناه، حکمت‌دیار، حکمت‌شعار
منجمین	افضل‌المنجمین، زبده‌المنجمین، قدوة‌المنجمین
شعرا	فصاحت‌دیار، فصاحت‌شعار

۱. اقصی: نعت تفضیلی از قضا. اقصی‌القضات: قاضی‌تر از قاضیان؛ یعنی آن قاضی که در مرتبه قضا بالاتر از قاضیان باشد. این مقام مقامی پست‌تر از مقام قاضی‌القضاة بوده‌است.

جدول ۲

گروه‌های شغلی و صفت‌های
منداولشان در رکن مطلع
نوشته‌جات دیوانی (مشهدی‌رفیع،
۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

باتوجه به چنین مواردی آشکار می‌شود که محتوای متنی مکاتبه دیوانی با رتبه اجتماعی افراد مرتبط با آن رابطه‌ای مستقیم دارد و می‌توان اصلی‌ترین نمود آن را در شیوه خطاب‌قراردادن هر شخص دانست. این شیوه شامل سه عنصر خطاب، القاب و دعا بوده‌است که در منشآت سلیمانی به تفصیل به آن پرداخته شده‌است.

۳.۲. رتبه اجتماعی افراد و محتوای غیرمتنی نوشته‌جات دیوانی

بررسی نحوه‌بازنمایی رتبه اجتماعی افراد در محتوای غیرمتنی اسناد، کمی دشوارتر از انجام چنین کاری درباره محتوای متنی است؛ زیرا عناصر تشکیل‌دهنده محتوای غیرمتنی، در شکل و ظاهر مکاتبات دیوانی بروز پیدا می‌کنند و عموماً صراحت عناصر نوشتاری را ندارند؛ از این رو به نظر می‌رسد که اشاره به شواهد موجود در منابع تاریخی که به صراحت به وجود چنین رابطه‌ای می‌پردازند، راه بهتری برای اثبات این موضوع باشد.

از جمله منابعی که به صراحت به تنظیم شکل و ظاهر هر نامه براساس رتبه اجتماعی افراد اشاره می‌کند، دستورالملوک میرزارفیع است. نویسنده در بخشی از این کتاب به صورت زیر به توصیف روند صدور مکاتبات دیوانی می‌پردازد:



«...» و معمول چنین بود که کاغذ هر نامه را از کتابخانه می دادند؛ و مذهببان، هریک را فراخور حال و رتبه و عظمت شأن آن پادشاه، موافق قاعده و ضابطه‌ای که منشی‌الممالک آن سررشته آن را داشتند و خاطر نشان می کردند، جدول کشیده، تذهیب و تزیین [می کردند] و متن نامه را افشان‌طلا می نمودند، آنگاه [نامه] نویس شروع به نوشتن او می کرد [...]» (دانش پژوه، ۱۳۴۷، ص ۳۱۵).

از سوی دیگر در منشآت سلیمانی نیز گزارش‌هایی درباره نحوه تنظیم شکل ظاهری نامه دیوانی براساس شأن و مرتبه مرسل‌الیه و مکتوب‌الیه دیده می شود. برای نمونه در این رساله درباره محل ذکر نام فرستنده و نقش مهر او چنین آمده است:

«...» و هر چند مرتبه مرسل‌الیه کمتر می شود، اسمش پایین تر می آید و به جانب یسار میل می کند تا در کرسی سایر حروف سطر آمده مانند سایر کلمات آن سطر نوشته می شود؛ و مهر مُرسَل^۱ در ضمن بالاتر می رود تا چهار انگشت^۲؛ پس اسم و مهر در متن کتابت ثبت می شود و به تاریخ مُختتم می گردد [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۶).

و یا در جایی دیگر درباره اینکه آیا فرستنده می تواند نامه را به خط خود بنویسد یا نه چنین آمده است:

«...» پس اگر از جمله اکابر باشد، متن کتابت را به خط خود ننویسد و در ضمن نیز اسم ننویسد، بلکه مهر به جهت اعتبار و اعتماد در ضمن کند، آنجا که آخر سطور است، چنانچه [چنان که] نصف مهر مُتَبَّت گردد؛ و اگر از جمله اصاغر باشد به خط خود تواند نوشت و در ضمن نیز اسم به خط تواند نوشت و مهر نیز تواند کرد [...]» (نصیری، ۱۳۸۸، صص ۱۲۵-۱۲۶).

اگرچه با دردست داشتن گزارش‌های یادشده و شواهد دیگری از این دست می توان وجود ارتباط میان شکل ظاهری مکاتبات تاریخی و رتبه اجتماعی را نشان داد، ولی اطلاعات مستخرج از چنین گزارش‌هایی به قدری اندک است که برای توصیف چند و چون این رابطه کافی به نظر نمی رسد. از این رو برای بررسی رابطه میان محتوای غیرمتنی و رتبه اجتماعی افراد، در کنار گزارش‌های منابع تاریخی به بررسی و تحلیل صورت مادی اسناد دیوانی نیز می بایست پرداخت.

۱. مُرسَل: ارسال کننده
۲. محل مهر مرسل احتمالاً «چهار انگشت بالاتر از سطر نخست نامه» است (نگارنده).





تصویر ۱

صفحه‌ای از بیاض ۵۰۳۲ کتاب‌خانه
مجلس شورای اسلامی



از طرفی انجام چنین کاری مستلزم آن است تا با تعداد قابل قبولی از اسناد دیوانی به جای مانده از دوره یادشده روبه‌رو باشیم و از سوی دیگر اسناد به جای مانده نیز تا حد امکان اصالت خود را حفظ کرده باشند و تغییراتی در قطع و اندازه و شکل ظاهری آن‌ها اعمال نشده باشد؛ و این در حالی است که بیشتر نمونه‌های موجود در آرشیوهای اسناد یا از دسترس پژوهش‌گران علاقه‌مند به انجام بررسی فیزیکی خارج‌اند و یا خدمات‌رسانی درباره آن‌ها بیشتر به صورت دیجیتال انجام می‌شود و یافتن مجموعه پرتعدادی از این اسناد برای بررسی فیزیکی و استخراج ویژگی‌های ظاهری این مکاتبات، اگر نه ناممکن ولی بسیار دشوار است

از جمله نمونه‌های نادر منابع مربوط به دبیری و انشاء در عصر صفوی، دست‌نویسی در قالب بیاض به شماره‌بازیابی ۵۰۳۲ در مجموعه نسخ خطی کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی است که از یادداشت‌های کسانی تشکیل شده است که احتمالاً به عنوان منشی در دارالانشاء دربار صفوی به کار مشغول بوده‌اند (حائری، ۱۳۶۶، صص ۵۹۵۲-۵۹۵۳)؛ (نک به تصویر ۱). بخش قابل توجهی از این بیاض توصیفات عمدتاً مجمل از مشخصات ظاهری ۱۶۳ مکاتبه دیوانی متعلق به فاصله سال‌های ۹۹۷ تا ۱۱۳۰ ق است که اطلاعات قابل توجهی از نوع کاغذ، طرز آرایش، اسلوب کتابت، جای مهر، شیوه تا کردن و محفظه‌ای را دربر می‌گیرد که نامه را هنگام فرستادن در آن می‌گذاشتند (افشار، ۱۳۸۷، صص ۲۳).

این بیاض ظاهراً نمونه‌ای از دفترچه‌های یادداشتی است که منشیان عصر صفوی با خود به همراه داشتند تا مشخصات مکاتباتی را که در دارالانشاء صادر می‌شد در آن صورت‌برداری کنند. نمونه دیگری از این نوع دفاتر، به صورت نسخه عکسی از نسخه‌ای در کتاب‌خانه ملی شهر ناپل ایتالیا به شماره Ma.III.F.30 در کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد که ۱۷۰ نامه متعلق به سال‌های ۱۰۱۸ تا ۱۰۳۳ ق در آن صورت‌برداری شده است (ستوده، ۱۳۸۱، پاییز، صص ۵۶۱). البته توصیفات مربوط به شکل ظاهری مکاتبات دیوانی در نمونه کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی به مراتب مفصل‌تر از نمونه کتاب‌خانه ملی ناپل است؛ به عبارت دیگر دقت گزارش‌های بیاض ۵۰۳۲ مجلس به حدی است که می‌توان در بررسی شکل ظاهری اسناد از گزارش‌های آن به عنوان مابازاء اصل مکاتبات دیوانی سود جست.

از آنجاکه مکتوبات ذکرشده در بیاض ۵۰۳۲ مجلس به مقامات کشورهای مختلفی صادر شده‌اند و نمی‌توان همه مقامات مذکور در این مکاتبات را در یک نظام رتبه‌بندی در کنار یکدیگر قرار داد، برای اطمینان از درستی مقایسه میان رتبه اجتماعی این افراد، در پژوهش حاضر تنها به بررسی مشخصات آن دسته از نامه‌های ذکرشده در این بیاض



می‌پردازیم که در طول حکومت شاه سلیمان صفوی به دربار گورکانیان هند ارسال شده‌اند؛ چراکه مشخصات ظاهری این مکاتبات با دقت و جزئیات بیشتری توصیف شده‌اند و می‌توان این نامه‌ها را از جهت مؤلفه‌هایی مانند قطع نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی (لغافه و کیسه) با یکدیگر مقایسه کرد. برای سهولت در ارجاع و طبقه‌بندی بهتر اطلاعات موجود در بیاض مذکور، به هریک از مکتوبات دیوانی بررسی شده یک شناسه اختصاص یافته‌است که در جدول ۳ به‌همراه فرستنده، گیرنده و تاریخ نامه آمده‌است.

شناسه نامه	فرستنده	گیرنده	تاریخ
۱	نمعلوم	سلطان محمد معظم	جمادی الاول ۱۰۸۹
۲	احتمالاً شاه سلیمان صفوی	سلطان محمد معظم	-
۳	نمعلوم	سلطان محمد معظم	غره صفر ۱۰۹۷
۴	وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	محمد حسن خان، طبیب سلطان محمد معظم	صفر ۱۰۹۷
۵	ناظر بیوتات	محمد حسن خان، طبیب سلطان محمد معظم	صفر ۱۰۹۷
۶	نمعلوم	فیاض خان ناظر سلطان محمد اکبر	رجب ۱۰۹۸
۷	احتمالاً وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	احتمالاً یکی از شاهزادگان گورکانی	محرم ۱۰۹۷
۸	وزیر اعظم (شیخ علی خان زنگنه)	سلطان محمد اکبر ^۲	شوال ۱۰۹۸
۹	نمعلوم	سلطان محمد اکبر	شوال ۱۰۹۸
۱۰	نمعلوم	محمد خان وزیر سلطان محمد اکبر	-
۱۱	نمعلوم	یکی از شاهزادگان گورکانی	ذی قعدة ۱۰۹۸

۱. شاهزاده گورکانی و پسر اورنگ‌زیب از همسر هندی‌اش رحمت‌النساء که پس از اورنگ‌زیب با عنوان بهادرشاه تاج‌گذاری کرد.
۲. شاهزاده گورکانی و پسر اورنگ‌زیب از همسر ایرانی‌اش دل‌رس بانو (دل‌رس): مایه آرامش و رسیدگی به دل که خود از شاهزادگان صفوی بود. سلطان محمد اکبر بر پدر خود شوریید و پس از شکست به ایران فرار کرد و به دربار صفویان پناهنده شد. در کتاب تاریخ کشیک‌خانه همایون نوشته نجیب کاشانی به وقایع اقامت او در اصفهان اشاره شده‌است (نجیب کاشانی، ۱۳۹۴، صص نوزده-بیست و یک).

جدول ۳

مکتوبات دیوانی از دارالانشاء دربار شاه سلیمان صفوی به گورکانیان هند ثبت شده در بیاض ۵۰۲۳ مجلس



۳.۲.۱. قطع نامه

اندازه طول و عرض نامه‌های صورت برداری شده در بیاض یادشده، همگی با واحدهای ذرع مُقَصَّر^۱، ذرع شاهی، گره^۲، شبر^۳، اِصْبَعُ مُنْفَرَجٌ^۴ و اِصْبَعُ مُنْضَمٌ^۵ گزارش شده‌اند که همگی از اوزان و مقیاس‌های سنتی به‌شمار می‌روند که در حال حاضر دیگر رواج ندارند. از این رو بایستی در گام اول این واحدها را براساس گزارش‌های ذکر شده در منابع تاریخی و دایرةالمعارفی به واحدهای امروزی تبدیل کرد (نک جدول ۴) و سپس به مقایسه اندازه نامه‌ها با یکدیگر پرداخت (نک جدول ۵).

نام واحد	معادل به سانتی‌متر	منبع
ذرع مُقَصَّر	۱۰۴ سانتی‌متر	(ستوده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱۵)
ذرع شاهی	۱۱۲ سانتی‌متر	(ستوده و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱۵)
گره	۶٫۵ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۳۸، ص ۱۰۰)
شبر	احتمالاً ۱۵٫۴۵ سانتی‌متر	(هاکس، ۱۳۹۴، ص ۹۰۴)
اِصْبَعُ مُنْفَرَج	۲٫۰۷۸ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۳۸، صص ۸۷-۸۸)
اِصْبَعُ مُنْضَم	احتمالاً ۱٫۳۴ سانتی‌متر	(هینس، ۱۳۳۸، صص ۸۷-۸۸)

جدول ۴

تبدیل واحدهای سنتی طول به واحد طول در سیستم SI

اگرچه از اطلاعات ذکر شده در بیاض یادشده تنها می‌توان اندازه شش نامه را استخراج کرد، ولی داده‌های جدول ۵ به وضوح نشان می‌دهند که نامه فرستاده شده از طرف پادشاه (نامه شماره ۲) بسیار بزرگ‌تر از ۵ نامه دیگری است که از جانب صاحب‌منصبی «عالی‌جاه» - احتمالاً اعتمادالدوله وزیر اعظم - صادر شده است؛ چراکه طول نامه پادشاه به بیش از ۴ متر می‌رسد و در عرض نیز تقریباً دو یا سه برابر ۵ نامه دیگر است. پس می‌توان یکی از نمودهای رتبه اجتماعی فرستنده را اندازه کاغذ نامه دانست. هرچقدر رتبه اجتماعی فرستنده بالاتر بوده، اندازه کاغذ نیز بزرگ‌تر بوده است.

۱. ذرع مُقَصَّر: ۱۰۴ سانتی‌متر؛ ذرعی که در اندازه آن کوتاهی شده است و از ذرع شاهی کوتاه‌تر است. ذرع شاهی ۱۱۲ سانتی‌متر است.
۲. گره: مقیاس طول؛ یک‌شانزدهم ذرع؛ در ذرع شاهی ۷ سانتی‌متر و در ذرع مقصر ۶٫۵ سانتی‌متر می‌شود.
۳. شبر: وجب؛ از سرانگشت ابهام تا انگشت کوچک.
۴. اِصْبَعُ مُنْفَرَج: انگشت کوچک.
۵. اِصْبَعُ مُنْضَم: باز.
۶. مُنْضَم [m/monzam]: پیوسته

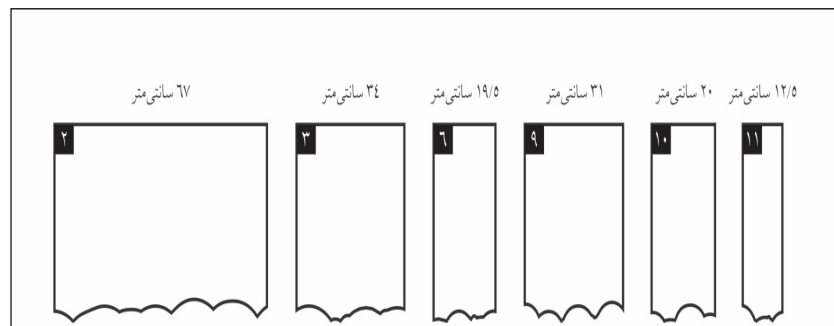


شناسه نامه	اندازه تقریبی
۲	۶۷ × ۴۳۶ سانتی‌متر
۳	۳۴ × ۸۲ سانتی‌متر
۶	(طول نامعلوم) ۱۹٫۵ × سانتی‌متر
۹	۳۱ × ۷۹ سانتی‌متر
۱۰	(طول نامعلوم) ۲۰ × سانتی‌متر
۱۱	۱۲٫۵ × ۲۰ سانتی‌متر

جدول ۵

قطع / اندازه نامه‌ها

ولی در میان ۵ نامه دیگر نیز به نظر می‌رسد با توجه به پهنای کاغذ قاعده‌ای در اندازه کاغذها وجود دارد (نک به تصویر ۲). مکتوبات شماره ۳ و ۹ که تاحدودی هم‌اندازه‌اند، از جانب مقامی عالی‌جاه در دربار صفوی به شاهزاده‌ای گورکانی نوشته شده‌اند و از نظر اندازه پس از نامه شماره ۲ قرار می‌گیرند. پس از آن‌ها مکتوبات شماره ۶ و ۱۰ قرار می‌گیرند که از جانب مقامی عالی‌جاه در دربار صفوی به کارگزاران این دو شاهزاده نوشته شده‌است و در آخر نیز رقع‌های کوچک قرار دارد که به علت مشخص نبودن گیرنده و فرستنده نمی‌توان درباره آن قضاوتی کرد. این ترتیب بازهم نشان‌دهنده آن است که هرچه گیرنده نامه رتبه اجتماعی پایین‌تری داشته، احتمالاً نامه در اندازه کوچک‌تری صادر می‌شده‌است.



تصویر ۲

بررسی تطبیقی شمای کلی مکاتبات
باتوجه به عرض کاغذ نامه‌ها



۳.۲.۲. نوع کاغذ

کاغذ یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات مطالعات نسخه‌شناسی و سندشناسی است و هنوز هم بعد از نزدیک به بیش از نیم قرن فهرست‌نگاری مدرن اسناد و نسخ خطی فارسی، معیاری دقیق و مشخص برای شناسایی نوع کاغذ وجود ندارد. البته با توجه به گزارش‌های تاریخی موجود در منابع تاریخی می‌توان درباره کیفیت، محل ساخت و موارد کاربرد برخی از نمونه‌های کاغذ قضاوت‌هایی قابل‌اعتنا کرد.

همان‌طور که در جدول ۶ نیز آمده است، در بیاض ۵۰۳۲ مجلس به‌صراحت از کاغذهای ایلگیری، ختایی و خان‌بالغی به‌عنوان کاغذ استفاده شده در چهار نمونه از ۱۱ نمونه مکاتبه بررسی شده نام برده شده است.

در بین این چهار نمونه، کاغذ ایلگیری بحث‌برانگیزترین نوع کاغذ است. این نوع از کاغذ در عصر صفوی رواج داشت و ضبط دقیق نام آن مشخص نیست. این کاغذ که اطلاعات دقیقی از جنس و کیفیت آن در دست نیست با نام‌های اکلی سر، اکلی سی، ایلیری/ایلگیری/ایلیری/ایلبری، اکلیسری و اکلیری^۱ نیز خوانده شده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۱۱۸-۱۱۹).

کاغذ ختایی/خطایی که در مشخصات نامه شماره ۳ از آن یاد شده است منسوب به «ختا» یا «خطا» (= چین خارجی) است که در برخی منابع تاریخی از قبیل «خطای‌نامه» (سفرنامه‌ای از علی‌اکبر خطایی در سفر به چین در دوره شاه اسماعیل اول صفوی) و «دُرّه نادره» (اثر میرز امهدی خان استرآبادی) به مرغوب بودن و مطلوب بودن آن اشاره شده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۹۹-۱۰۰).

و بالاخره کاغذ خان‌بالغ/خان‌بالغی/خان‌بالغی/خان‌بالق، نوعی کاغذ چینی است منسوب به شهر خان‌بالغ که نام مغولی شهر پکن است. طبق فهرست گنجینه موجود در بقعه صفی‌الدین اردبیلی، کاغذ بعضی از نسخه‌های این مجموعه از جنس خان‌بالغ است و همان‌طور که در اینجا ذکر شده است، در بیاض ۵۰۳۲ مجلس نیز چندین بار از دو نوع ساده و ضخیم کاغذ خان‌بالغ یاد شده است؛ ولی در منابع موجود به کیفیت آن دقیقاً اشاره نشده است (افشار، ۱۳۹۰، صص ۹۸-۹۹).

کاغذ	شناسه نامه
ایلگیری	۱
ختایی	۳
خان‌بالغی ضخیم	۹
خان‌بالغی ساده	۱۱

۱. در تصحیح میرودود سید یونس از طومار بقعه شیخ‌صفی، این نوع از کاغذ علاوه بر نام «اکلیسری» با نام «اکلیری» نیز خوانده شده است (مستوفی، ۱۳۴۸، صص ۸۷-۹۲).

جدول ۶

نوع کاغذ نامه‌ها



اگرچه درباره کیفیت کاغذ اپلیسری اطلاع دقیقی در دست نیست، ولی از آنجاکه در گزارش‌های یادشده به مرغوب بودن کاغذ ختایی اشاره شده است و نمونه شماره ۳ نامه‌ای است خطاب به شاهزاده‌ای گورکانی که از نظر اعتبار به حدی بوده که بعدها به سلطنت نیز رسیده است، می‌توان این‌گونه فرض کرد که هرچه رتبه اجتماعی فرد بالاتر بوده است، از کاغذ مرغوب‌تری برای کتابت نامه خطاب به او استفاده می‌شده است. به‌ویژه این فرض زمانی قدرت می‌یابد که درمی‌یابیم نمونه شماره ۹، نامه‌ای است خطاب به سلطان محمد اکبر که اگرچه او هم شاهزاده‌ای گورکانی و سومین پسر اورنگ‌زیب است، ولی در زمان صدور این نامه به سبب شورش بر پدر به ایران پناهنده شده بود و به همین دلیل در دارالانشاء دربار صفوی دیگر شأنی معادل شاهزاده‌ای صاحب‌قدرت برای او قائل نبودند. از این رو، همان‌طور که از نام کاغذ استفاده شده برای او نیز برمی‌آید، از نوعی کاغذ ضخیم برای مکاتبه با او استفاده شده است که چندان مرغوب به‌شمار نمی‌رود.

۳.۲.۳. نوع خط

همان‌طور که در جدول ۷ نیز مشاهده می‌شود، اطلاعات چندانی درباره نوع خط مکتوبات بررسی شده از بیاض ۵۰۳۲ مجلس قابل استخراج نیست؛ ولی نکته قابل توجه درباره نامه شماره ۱۱ این است که با توجه به اندازه و کاغذ پیش‌از این چنین قضاوت شد که گیرنده نامه رتبه اجتماعی بالاتری از فرستنده ندارد. هم‌چنین به این واقعیت برمی‌خوریم که این نامه به خط شخص ارسال‌کننده نوشته شده است و همان‌طور که پیش‌از این نیز یاد شد، محمدرضا نصیری در رساله منشآت سلیمانی، ارسال نامه‌ای با دست خط فرستنده را دلیلی بر پایین‌تر بودن مرتبه اجتماعی گیرنده نسبت به فرستنده می‌داند. پس اگرچه درباره نوع خط نمی‌توانیم قضاوت قابل اطمینانی بکنیم، ولی این نکته را که نامه را منشیان نوشته باشند یا خود شخص صادرکننده می‌توان به‌عنوان یکی از شاخصه‌های تعیین‌کننده رتبه اجتماعی گیرنده در مقایسه با رتبه اجتماعی فرستنده دانست.

شناسه نامه	نوع خط
۲	نستعلیق
۱۱	دست‌نویس به خط تحریری فرستنده

جدول ۷

نوع خط نامه‌ها



۳.۲.۴. تزینات و آرایه‌ها

همان‌طور که از جدول ۸ برمی‌آید، زمانی تزینات در آرایش نامه به کار رفته که شخص مورد خطاب از زمره شاهزادگان بوده است؛ از جمله نامه‌های ۱، ۲ و ۳ که همگی مستقیماً خطاب به سلطان محمد معظم و نامه شماره ۹ خطاب به سلطان محمد اکبر است. باین حال نامه شماره ۸ در این میان استثناء است؛ زیرا خطاب به سلطان محمد اکبر نوشته شده است ولی گزارشی درباره تزینات آن در دست نیست؛ ولی از آنجاکه نامه‌های شماره ۸ و ۹ باتوجه به متن بیاض هر دو حاصل نامه‌نگاری پیاپی هستند و درحقیقت نامه شماره ۹ جواب یکی از نامه‌های سلطان محمد اکبر است که بعد از ارسال نامه شماره ۸ در ماه شوال ۱۰۹۸ ق ارسال شده است، این امکان وجود دارد که نویسنده بیاض که دو یادداشت را در کنار هم ذکر کرده است، مشخصات هر دو نامه را در یک زمان در بیاض خود وارد کرده و از تکرار مشخصات مشابه هر دو نامه خودداری کرده است. با این توجیه می‌توان وجود تزیناتی از قبیل جدول، افشان‌طلا و تذهیب را از جمله عناصر معمول تزینات نامه‌هایی خطاب به افراد با رتبه اجتماعی بالا هم‌چون شاهزادگان دانست.

از طرفی نامه شماره ۲ که از طرف شاه سلیمان صفوی خطاب به سلطان محمد معظم شاهزاده گورکانی صادر شده است، با مهر پادشاه مهر شده است و مهر پادشاه نیز با گل سرخ تزین شده است. این نوع از تزین موضع مهر باتوجه به نمونه اسناد به‌جای مانده از دوره صفوی، صرفاً برای مهر پادشاه صفوی به کار رفته است و برای دیگر صاحب‌منصبان درباری به کار نرفته است (مشهدی رفیع، ۱۳۹۳، تابستان، ص ۱۱۷).

شناسه نامه	تزینات	
	آرایه‌ها	تزینات حاشیه مهر
۱	جدول دور متن، افشان طلا	-
۲	جدول دور متن، افشان طلا، سرلوح مذهب و حاشیه مذهب	گل سرخ
۳	جدول دور متن، افشان طلا، حل کاری حاشیه متن	تذهیب
۹	جدول دور کاغذ، جدول دور متن، افشان طلا	-

۱. حل کاری: (dissolve): شیوه‌ای از تزین است که در آن نقوشی از قبیل گل‌ها و پرندگان را با زر محلول بر سطح کاغذ ایجاد کنند. در این حالت نقش‌ها را با خطوط ایجاد نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به صورت سطوحی از زر بر صفحه نقش می‌کنند. این شیوه بیشتر در تزین حاشیه صفحات نسخه‌ها کاربرد داشته است (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳، ص ۷۱).

جدول ۸

تزینات اجرا شده در نامه‌ها



۳.۲.۵. نوع بسته‌بندی

از داده‌های جدول ۹ چنین برمی‌آید که کیسه برای بسته‌بندی نامه تنها برای شاهزادگان به‌کار رفته‌است. برای نمونه در نامه‌های شماره ۱، ۲ و ۳، برای خطاب به سلطان محمد معظم و در نامه‌های شماره ۸ و ۹ خطاب به سلطان اکبر برای بسته‌بندی نامه از کیسه استفاده شده‌است. درباره‌ی نمونه ۱۱ نیز اگرچه نام دقیق مخاطب نامه قابل استخراج نیست، ولی از عبارات به‌کاررفته در توصیف مشخصات نامه، این‌طور برمی‌آید که این نامه نیز خطاب به شاهزاده‌ای گورکانی صادر شده‌است و همانند نمونه‌های یادشده، در کیسه‌ی زرینت برای او ارسال شده‌است. این در حالی است که در سایر نمونه‌ها که مخاطب از کارگزاران شاهزادگان گورکانی است، گزارشی درباره‌ی نحوه‌ی بسته‌بندی اعم از کیسه یا لفافه دیده نمی‌شود. پس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که ارسال نامه در کیسه و به‌ویژه در لفافه (به‌صورت نامه شماره ۲ که لفافه آن نیز کاغذ آهارمهره‌دار سفیدی است که احتمالاً مرغوب است) را می‌توان نشانه‌ای بر رتبه اجتماعی بالای شخص گیرنده و یا حتی تعلق او به خاندان سلطنتی دانست.

بسته‌بندی		شناسه نامه
کیسه	لفافه	
زرینت‌بندمنگوله‌دار	-	۱
چکن ^۱ و مفتول طلا دوخته در هم	کاغذ طغرای ضخیم آهارمهره‌کرده سفید	۲
زرینت طلا باف عمل کارخانه	-	۳
زرینت بوم‌نقره، عمل کارخانه، بند طلا گلابتون بافته	-	۸
(کیسه دارد ولی مشخصاتش ذکر نشده‌است)	-	۹
زرینت	کاغذ ساده اپلیسری	۱۱

۱. چکن: چ / ک / ک / ک (ترکی، ا) نوعی از کشیده و زرکش‌دوزی و بخیه‌دوزی باشد (فرهنگ دهخدا، ذیل واژه).

جدول ۹

بسته‌بندی نامه‌ها

۴. نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه گفته شد، به‌نظر می‌رسد که شواهدی قوی بر وجود رابطه مستقیم میان محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات دیوانی دوره سلطنت شاه سلیمان صفوی و رتبه اجتماعی افراد فرستنده یا مخاطب این مکاتبات وجود دارد. این شواهد علاوه بر نمونه‌های موجود از مکاتبات دیوانی دوره مذکور، در متون ناظر بر آداب دبیری و انشاء این دوره نیز وجود دارند و به کمک آن‌ها می‌توان عناصر متنی متناظر با رتبه اجتماعی افراد مانند الگو و واژگان



مورد استفاده در متن نامه‌های دیوانی، به‌ویژه رکن مطلع این مکاتبات را استخراج کرد. این عناصر متنی عمدتاً اشاراتی به جایگاه و القاب شخص و هم‌چنین ترکیباتی متناظر با مرتبه، نسب خویشاوندی‌اش با پادشاه، و سن و جنسیت او را شامل می‌شوند و گاه اشاراتی غیرمستقیم به شغل و منصب او نیز دارند.

از طرفی عناصر غیرمتنی مانند قطع نامه، نوع کاغذ، نوع خط، تزیینات و نوع بسته‌بندی نیز از جمله مهم‌ترین عناصر بازنمایاننده رتبه اجتماعی افراد مرتبط با مکاتبات دیوانی اعم از فرستنده و گیرنده به‌شمار می‌آیند؛ به‌طوری‌که بزرگی قطع نامه، مرغوبیت جنس کاغذ، به‌کارنرفتن دست‌خط شخص فرستنده، وجود تزیینات و آرایه‌ها و بسته‌بندی در کیسه و لفافه نشان از بالابودن رتبه فرستنده و هم‌چنین میزان بذل توجه او به گیرنده دارد. از طرفی هرچه این عناصر به‌شکل تقلیل‌یافته‌تری ظاهر شوند، به‌طور مشابه می‌توان این‌طور قضاوت کرد که فرستنده به‌سبب ارجحیت رتبه خود بر گیرنده، اهمیت کمتری برای او مبذول داشته‌است.

بررسی کنونی ارائه‌شده در مقاله حاضر با توجه به اقتضائات و شرایط تحقیق، در مقیاسی کوچک و تنها در زمینه مکاتبات دوره شاه‌سلیمان صفوی با اشخاص و رجال دربار گورکانیان هند، انجام شده‌است و برای دست‌یافتن به تصویری دقیق‌تر از رابطه نظام رتبه‌بندی درباری و محتوای متنی و غیرمتنی مکاتبات دیوانی، در پژوهش‌های آتی باید به جامعه آماری وسیع‌تر و هم‌چنین بررسی تطبیقی نمونه‌های به‌جای‌مانده از ادوار تاریخی با یکدیگر پرداخت. پژوهش حاضر از دید نگارنده آن طرحی آغازین در این زمینه به‌شمار می‌رود و امید است که این بررسی در پژوهش‌های آتی در حوزه‌ی سندشناسی دوره صفوی و سایر ادوار تاریخی ایران پیگیری شود.

منابع

نسخه خطی

کفایت‌الانشاء، از مؤلفی ناشناس، مخزن کتب خطی کتابخانه ملی ایران، شماره‌بازیابی ۱۸۰۷۸-۵.

کتاب

استرآبادی، سیدحسین بن مرتضی حسینی. (۱۳۳۶). *تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی*. (احسان اشراقی، مصحح). تهران: انتشارات علمی.

افشار، ایرج. (۱۳۹۰). *کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی*. تهران: میراث مکتوب.

افروشته‌ای نطنزی، محمودبن هدایت‌الله. (۱۳۷۳). *نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار در تاریخ صفویه*. (احسان



- اشراقی، مصحح). تهران: علمی و فرهنگی.
- تاهین، ملوین ماروین. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی نظری و کاربردی*. (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم). تهران: توتیا.
- حائری، عبدالحسین. (۱۳۴۶). *فهرست نسخه‌های خطی کتاب‌خانه مجلس شورای ملی*. تهران: کتاب‌خانه مجلس شورای ملی.
- ستوده، غلام‌رضا؛ مهرکی، ایرج؛ سلطانی، اکرم. (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. (جعفر شهیدی، ناظر). تهران: دانشگاه تهران، موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۸۳). *اسناد پادریان کرملی: بازمانده از عصر شاه عباس صفوی*. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- فلور، ویلم. (۱۳۸۷). *دیوان و قشون در عصر صفوی*. (کاظم فیروزمند، مترجم). تهران: آگه.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۷۳). *فرهنگ واژگان خوش‌نویسی و هنرهای وابسته*. تهران: روزنه. لغت‌نامه دهخدا.
- میرزاسمیعا. (۱۳۷۸). *تذکره الملوک: سازمان اداری حکومت صفوی*. (محمد دبیرسیاقی، مصحح). تهران: امیرکبیر.
- نجیب کاشانی، نورالدین محمدشریف. (۱۳۹۴). *تاریخ کشیک‌خانه همايون*. (اصغر دادبه و مهدی صدری، مصححان؛ مهدی صدری، مقدمه‌نویس). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- [نصیری، محمدرضا]. (۱۳۸۸). *منشآت سلیمانی*. (رسول جعفریان، مصحح). تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ویر، ماکس. (۱۳۸۷). *دین، قدرت، جامعه*. (احمد تدین، مترجم). تهران: هرمس.
- هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. تهران: اساطیر.
- هینس، والتر. (۱۳۸۸). *اوزان و مقیاس‌ها در فرهنگ اسلامی*. (غلام‌رضا وره‌رام، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقاله

- افشار، ایرج. (۱۳۵۷). «بیاضی از مکاتیب عصر صفوی». *فرهنگ ایران‌زمین*، شماره ۲۳، صص ۱۷۹-۳۳۶.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۷). «بیاضی صفوی: آداب نامه‌نگاری پادشاهان صفوی به سران سرزمین‌های دیگر (قواره، اندازه، آرایه)». *نامه بهارستان*، سال هشتم و نهم، دفتر ۱۳ و ۱۴، صص ۲۳-۷۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷ الف). «دستورالملوک میرزارفیعا و تذکره الملوک میرزاسمیعا». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، شماره ۶۳ و ۶۴، مرداد ۱۳۴۷، صص ۴۷۵-۵۰۴.



دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۷ ب). «دستورالملوک میرزارفیع». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۷، سال شانزدهم، شماره سوم، صص ۲۹۸-۳۲۲.

رحیم‌لو، یوسف. (۱۳۶۳). «منبعی تازه‌یاب در سازمان اداری حکومت صفوی». زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز)، شماره ۱۳۳، صص ۷-۱۸.

ستوده، منوچهر. (۱۳۸۱). «فهرست مراسلات و مکاتبات شاه‌عباس صفوی با پادریان و سلاطین فرنگ». *ایران‌شناسی*، شماره ۵۵، پاییز، صص ۵۶۰-۵۷۵.

سیوری، راجر. (۱۳۹۳). «نظام اداری صفوی». چاپ‌شده در کتاب: *تاریخ ایران کمبریج* (ج ۶). (لارنس لاکهارت و پیتر جکسون، ناظران؛ حاتم قادری، مترجم). تهران: مهتاب. صص ۲۱۱-۲۳۶.

فلور، ویلم. (۱۳۸۴). «میرزارفیع‌ای جابری انصاری». چاپ‌شده در کتاب: *پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره دکتر محمود افشار) جلد ۱۶: ستوده‌نامه (۲)*. (ایرج افشار، ناظر). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. صص ۷۶۴-۷۶۹.

فلور، ویلم؛ جوادی، حسن. (۱۳۹۰). «درباره مؤلف منشآت سلیمانی». *نامه بهارستان*، سال دوازدهم، دفتر ۱۸ و ۱۹، بهار و تابستان، صص ۴۵۳-۴۵۴.

مستوفی، محمداطهر. (۱۳۴۸). «صورت کتب و نفاثات گنجینه شیخ‌صافی‌الدین اردبیلی». (میرودود سیدیونسی، مصحح). نشریه *کتاب‌خانه ملی تبریز*، شماره ۱۶، صص ۱-۹۴.

مشهدی رفیع، علی. (تابستان ۱۳۹۳). «آرایه‌های فرامین سلطنتی دوره صفویه ۹۰۷-۱۱۴۸ ق». *نامه بهارستان*، دوره جدید، شماره چهارم، صص ۱۱۲-۱۲۱.

پایان‌نامه

مشهدی رفیع، علی. (۱۳۹۲). «بررسی انتقادی کتاب‌های آموزشی دبیری و انشاء دوره صفوی و کاربرد داده‌های آن در پژوهش‌های سندشناسی». (پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد)، دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی.

مشهدی رفیع، علی. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی مجالس درباری دولت‌های صفوی، عثمانی و گورکانیان هند (سده‌های ۱۰-۱۲ هجری قمری)». (پایان‌نامه برای دریافت درجه دکتری تخصصی)، دانشگاه شهید بهشتی و بنیاد ایران‌شناسی.

منابع لاتین

Barnard, Alan; Spencer, Jonathan. (1996). *Encyclopedia of Social and Cultural Anthropology*. London: Routledge.

Savory, Rajer Mervin. (1986). "The Safavid Administrative System". In P. Jackson, & L.



Lockhart, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6. Cambridge: Cambridge University Press. pp 351-372.

English Translation of References

Manuscripts

“*Kefāyat-ol-enšā*” (Sufficiency of composition). From an unknown author, manuscripts repository of Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (National Library of Iran), retrieval number 18078-5. [Persian]

Books

Afshar, Iraj. (1390/2011). “*Kāqaz dar zendegi va farhang-e Irāni*” (Paper in Iranian life and culture). Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (Written Heritage Center of Islam & Iran). [Persian]

Afoushtei Natanzi, Nahmoud Ibn Hedayatollah. (1373/1994). “*Neqāvot-ol-āsār fi zekr-el-axyār dar tārix-e Safaviyeh*” (The purity of the works in mentioning the good in Safavid history). Edited by Ehsan Eshraghi. Tehran: ‘Elmi va Farhangi. [Persian]

Astarabadi, Seyyed Hasan Ibn Morteza Hosseini. (1366/1987). “*Tārix-e soltāni az Šeikh Safi tā Šāh Safi*” (Sultan history from Sheikh Safi to Shah Safi). Edited by Ehsan Eshraghi. Tehran: Enteshārāt-e ‘Elmi. [Persian]

Barnard, Alan; Spencer, Jonathan. (1996). *Encyclopedia of social and cultural anthropology*. London: Routledge.

Floor, Willem. (1387/2008). “*Divān va qošun dar ‘asr-e Safavi*” (Safavid government Institutions). Translated by Kazem Firouzmand. Tehran: Āgah. [Persian]

Ghaem Maghami, Jahangir. (1350/1971). “*Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixī*” (Recognition of historical documents). Tehran: Anjomanē Āsār-e Melli (Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries). [Persian]

Ghelichkhani, Hamidreza. (1373/1994). “*Farhang-e vāžegān-e xoš-nevisi va honar-hā-ye vābasteh*” (A dictionary of calligraphy and the related arts). Tehran: Rowzaneh. [Persian]



- Haeri, Abdolhossein. (1346/1967). *“Fehrest-e nosxe-hā-ye xatti-ye ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Melli”* (List of manuscripts of the library of Iran Parliament). Tehran: Ketābxāne-ye Majles-e Šorā-ye Melli (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Hawkes, James. (1394/2015). *“Qāmus-e ketāb-e moqaddas”* (Bible dictionary). Tehran: Asātir. [Persian]
- Hinz, Walther. (1388/2009). *“Owzān va meqyās-hā dar farhang-e Eslāmi”* (Islamische Masse und Gewichte; Umgerechnet ins metrische System) [Islamic Measures and Weights; Converted to the metric system Islamic measures and weights; Converted to the metric system]. Translated by Gholamreza Varahram. Tehran: Pažuhešgāh-e ‘Olum-e Ensāni va Motāle‘āt-e Farhangi (Institute for Humanities and Cultural Studies). [Persian]
- “Loqat-nāme-ye Dehxodā”* (Dehkhoda dictionary). [Persian]
- Mirzasamiaa. (1378/1999). *“Tazkerat-ol-moluk: Sāzmān-e edāri-ye hokumat-e Saffavi”* (Administrative organization of the Safavid government). Edited by Mohammad Dabirsiaghi. Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Najib Kashani, Nour Al-Din Mohammad Sharif. (1394/2015). *“Tārix-e kešik-xāne-ye Homāyun”* (The history of majesty’s guard house). Edited by Asghar Dadbah & Mehdi Sadri. Introduction by Mehdi Sadri. Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Institute). [Persian]
- [Nasiri, Mohammadreza.] (1388/2009). *“Monša’āt-e Soleimāni”* (Soleimani compositions). Edited by Rasoul Jafarian. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Sotoudeh, Gholamreza; Mehraki, Iraj; & Soltani, Akram. (1385/2016). *“Farhang-e motevasset-e Dehxodā”* (Dehkhoda medium-sized lexicon). Supervised by Jaafar Shahidi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran), Mo’assese-ye Loqat-nāme-ye Dehxodā (Dehkhoda Lexicon Institute and International Center for Persian Studies). [Persian]
- Sotoudeh, Manouchehr. (1383/2004). *“Asnād-e Pādoriyān Karmeli: Bāzmāndeh az*



“*asr-e Šāh Abbās Safavi*” (Remained documents of Carmilite padres since Shah Abbas Safavi era). Tehran: Markaz-e Pažuheši-ye Mirās-e Maktub (The Written Heritage Research Institute). [Persian]

Tumin, Melvin Marvin. (1373/1994). “*Jāme’e-šenāsi-ye qešr-bandī va nābarābarī-hā-ye ejtemā’ee-ye nazari va kārbordī*” (Social stratification: The forms and functions of inequality). Translated by Abdolhossein Nikgozar. Tehran: Tutiyā. [Persian]

Weber, Max. (1387/2008). “*Din, qodrat va jāme’e*” (Essays in sociology). Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Asātir. [Persian]

Articles

Afshar, Iraj. (1357/1978). “Bayāzi az makātib-e ‘asr-e Safavi” (Lacunas in manuscripts from Safavid era). *Farhang-e Irān-Zamin*, 23, pp. 179 – 336. [Persian]

Afshar, Iraj. (1387/2008). “Bayāzi Safavi: Ādāb-e name-negāri-ye pādešāhān-e Safavi be saran-e sarzamin-hā-ye digar (qavāreh, andāzeh, ārāyeh)” (Safavid kings’ etiquette of letter-writing while writing to the heads of other lands (Configuration, Size, literary devices)). *Nāme-ye Bahārestān*, 8 & 9(13 & 14), pp. 23 – 74. [Persian]

Daneshpajouh, Mohammad Taghi. (1347/1968a). “Dastur-ol-moluk-e Mirza Rfi’ā va Tazkerat-ol-moluk-e Mirza Sami’ā” (Dastour Al-Molouk by Mirza Rafiaa and Tazkert Al-Molouk by Mirza Samiaa). *Majalle-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 63 & 64, Mordād/August 1347/1968, pp. 475 – 504. [Persian]

Daneshpajouh, Mohammad Taghi. (1347/1969b). “Dastur-ol-moluk-e Mirza Rfi’ā” (Dastour Al-Molouk by Mirza Rafiaa). *Majalle-ye Dāneškade-ye Adabiyāt va ‘Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tehrān* (Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran), 63 & 64, Bahman/February 1347/1969, pp. 298 – 322. [Persian]

Flore, Willem. (1384/2005). “Mirzā Rafi’ā-ye Jāberi-ye Ansāri” (Mirza Rfiāi Jāberi



- Ansari". In Iraj Afshar (Supervisor), "*Pažuheš-hā-ye Irān-šenāsi: Nāmvāre-ye Doktor Mahmud-e Afšār*" (Iranology Researches: In honor of Dr. Mahmoud Afshar) (vol. 16: "Sotudeh-nāmeḥ (2)" (Eulogy (2)) (pp. 764-769.). Tehran: Tehran: Bonyād-e Mowqafāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi's Endowments). [Persian]
- Flore, Willem; & Javadi, Hassan. (1390/2011). "Darbāre-ye mo'allem-e monšā'āt-e Soleimāni" (About the author of Soleimani's compositions). *Nāme-ye Bahārestān*, 12(18 & 19), Spring and Summer, pp. 453-454. [Persian]
- Mostowfi, Mohammad Taher. (1348/1969). "Surat-e kotob va nafāes-e ganjine-ye Šeḫ Safi-ed-Din-e Ardebili" (The list of the books and exquisite works in the treasure of Sheikh Safiuddin Ardabili). Edited by Mirvadoud Seyyed Younesi. *Našriye-ye Ketābxāne-ye Melli-ye Tabriz*, 16, pp. 1 – 94. [Persian]
- Mashhadi Rafi, Ali. (Summer 1393/2014). "Ārāye-hā-ye farāmin-e saltanati-ye dowre-ye Safaviyeh 907 – 1148 AH" (Instances of figurative language in the royal decrees of the Safavid period 907-1148 AH / 1501 – 1735). *Nāme-ye Bahārestān*, New volume, 4th issue, pp. 112-121. [Persian]
- Rahimlou, Yousof. (1363/1984). "Manba'i tāze-yāb dar sāzmān-e edāri-ye hokumat-e Safavi" (A new source in the administrative organization of the Safavid government). *Zabān va Adab-e Fārsi (Previously the Journal of Dāneškade-ye Adabiyāt va 'Olum-e Ensāni-ye Dānešgāh-e Tabriz)* (Journal of Persian Language and Literature (Former Journal of the Faculty of Literature of the University of Tabriz)), 133, pp. 7 – 18. [Persian]
- Sotoudeh, Manouchehr. (1381/2002). "Fehrest-e morāselāt va mokātebāt-e Šāh 'Abbās Safavi bā Pādoriyān va salātin-e faranf" (List of correspondences of Shah Abbas Safavi with European padres and sultans). *Irān-šenāsi*, 55, Fall, pp. 560 – 575. [Persian]
- Savory, Roger. (1393/2014). "Nezām-e edāri-ye Safavi" (The Safavid Administrative System). In Lawrence Lockhart & Peter Jackson (Supervisors), "*Tārix-e Irān Kambrij*" (The Cambridge History of Iran). Translated by Hatam Ghaderi. Tehran: Mahtāb. [Persian]



Savory, Rajer Mervin. (1986). "The Safavid administrative system". In P. Jackson, & L. Lockhart, *The Cambridge History of Iran*, Vol. 6. Cambridge: Cambridge University Press. pp 351-372.

Dissertations

Mashhadi Rafi, Ali. (1392/2013). "*Barresi-ye enteqādi-ye ketāb-hā-ye āmuzeši-ye dabiri va enšā'-e dowre-ye Safavi va kārbord-e dāde-hā-ye ān dar pažuheš-hā-ye sanad-šenāsi*" (Critical examination of the Safavid era's writing and writing training books and its data application in documentary research). [Master's thesis]. Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University), and Bonyād-e Irān-šenāsi (Iranology Foundation). [Persian]

Mashhadi Rafi, Ali. (1399/2020). "*Barresi-ye tatbiqi-ye majāles-e darbari-ye dowlat-hā-ye Safavi, Osmāni, va Gorkāniyān-e Hend (Sade-hā-ye 10 – 12 AH)*" (Comparative study of the court councils of the Safavid, Ottoman and Gurkan governments of India (10th -12th centuries AH/15th – 17th centuries AD). [Doctoral dissertation]. Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University), and Bonyād-e Irān-šenāsi (Iranology Foundation). [Persian]



The nuclear program of the second Pahlavi government and the importance of online digital archives in recognizing it

MohammaJafar Chamankar¹

Abstract:

Purpose: : Iran's vast and costly nuclear program in the 1940s and 1950s was one of the major symbols of economic and foreign relations of The Second Pahlavi. Archival records play an important role in identifying and recognizing this highly confidential process. The online publication of rare records in western world archives is a turning point in the study of the history of Iran's nuclear activities at the time of The Second Pahlavi. Therefore, the author tries to answer the following questions by relying on these primary resources:

How did the nuclear developments of The Second Pahlavi Government occur?

What is the role of online archives in scientific recognition of the process?

Method and Research Design: The records of various archives of Iran, online archives outside of Iran and various Iranian newspapers of the time were investigated, described and analyzed.

Findings and Conclusions: The study revealed that the rate of Iranian nuclear progress was constant and slow till the late 1960s. From the beginning of the 1970s, the rate accelerated owing to long-term goals and extensive development activities, and became a symbol of the new era of Iranian history and industry in independent national politics based on the doctrine of the imperial government. Due to the secrecy of the program and a number of ambiguities, Latin online records play a very important role in recognizing this part of contemporary Iranian history.

Keywords: Second Pahlavi, nuclear industry, formation, digital online documents.

Citation: Chamankar, Mj. (2022). The Nuclear Program of the Second Pahlavi's Government and the Importance of Online Digital Archives in Recognizing It. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 38-80. doi: 10.30484/ganj.2022.2932

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Associate Professor, Department of History, Urmia University, Urmia, Iran
mj.chamankar@urmia.ac.ir
Copyright © 2022, NLA1 (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2022.2932

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 38 - 80 (43) | Received: 19, Jan. 2021 | Accepted: 2, May. 2021

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم و اهمیت آرشیوهای آنلاین در شناخت آن

دکتر محمدجعفر چمنکار^۱

چکیده:

بخش عمده‌ای از این طرح از جمله ساخت نیروگاه اتمی شماره ۱ و ۲ بوشهر، آموزش نیروی انسانی و کشف معادن اورانیوم - که با نظارت مستقیم شاه انجام می‌شد - تا فروپاشی نظام شاهنشاهی به نتیجه رسیده بود. در شناخت این فرایند کاملاً محرمانه، اسناد نقش مهمی را ایفاء می‌کنند. انتشار آنلاین اسناد کم‌یاب در آرشیوهای جهان غرب، نقطه عطفی در مطالعات تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای در این برهه از تاریخ ایران است.

هدف: در این پژوهش نگارنده با تکیه بر منابع دست‌اول سعی دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: تحولات صنعت هسته‌ای دولت پهلوی دوم چگونه شکل گرفت؟ آرشیوهای آنلاین اسناد لاتین چه نقشی در تدوین صحیح و علمی این فرایند دارند؟

روش / رویکرد پژوهش: روش پژوهش توصیفی-تحلیلی براساس مطالعه داده‌های اسنادی بایگانی‌های متعدد داخلی، آرشیوهای آنلاین خارجی، آمار رسمی سازمان انرژی اتمی و نشریات گوناگون ایران در این دوره است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: مطالعه اسناد و مدارک مکتوب و دیجیتال گوناگون نشان می‌دهد که صنعت اتمی ایران تا اواخر دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش به صورت آرام ولی مستمر ادامه داشت و از آغاز دهه ۱۹۷۰م/۱۳۵۰ش با اهداف درازمدت و فعالیت‌های عمرانی عظیم، حرکتی شتابان یافت و نمادی از دوران نوین تاریخ و صنعت ایران شد. با توجه به سری بودن این برنامه و ابهامات متعدد، اسناد آنلاین لاتین در بازنشاسایی این بخش از تاریخ معاصر ایران نقشی بسیار مهم دارند.

کلیدواژه‌ها: پهلوی دوم؛ صنعت هسته‌ای؛ اسناد آنلاین.

استناد: چمنکار، محمدجعفر. (۱۴۰۱). برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم و اهمیت آرشیوهای دیجیتال آنلاین در شناخت آن. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۲)، ۳۸-۸۰ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۳۲

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
mj.chamankar@urmia.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۳۲

نمایه در Researchgate, Google Scholar, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۳۸ - ۸۰ (۴۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۳

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

نقش آفرینی سیاسی و نظامی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان از اواخر دهه ۱۹۶۰م/۱۳۴۰ش و ابتدای ۱۹۷۰م/۱۳۵۰ش پس از خروج عناصر نظامی بریتانیا از خلیج فارس دولت شاهنشاهی را به متحدی کلیدی و فوق‌استراتژیک برای جهان غرب تبدیل کرد. پیوندهای تنگاتنگ ایران با آمریکا و جهان صنعتی به‌ویژه در دوران حکومت ریچارد نیکسون نیز بخش اعظم نیازمندی‌های نظامی و صنعتی اقتصادی تهران را در اسرع وقت و بدون هیچ‌گونه اصطکاک، تقابل و ضدیتی حاصل می‌کرد. این عوامل از مهم‌ترین محرک‌های دولت شاهنشاهی در ساخت نیروگاه‌های اتمی و دستیابی به دانش پیچیده و حساس هسته‌ای بودند.

منابع تحقیق حاضر شامل کتب و مقالات فارسی، کتب و مقالات لاتین، مطالب پایگاه‌های الکترونیکی، مطبوعات و اسناد و مدارک بوده‌اند. بر این اساس شماره‌های گوناگون روزنامه‌های اطلاعات، کیهان، آیندگان، و رستاخیز مربوط به اواسط دهه ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۵۸ش به‌طور روزبه‌روز و تطبیقی بازبینی و بررسی شدند. در آرشیوهای اسناد موجود در ایران، مدارک مهمی از تحولات هسته‌ای دوره پهلوی وجود دارد. اسناد منتشر نشده فارسی این پژوهش از آرشیوهای وزارت امور خارجه، پژوهشکده تاریخ معاصر ایران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، مجلس شورای اسلامی، و مرکز اسناد سازمان انرژی اتمی اخذ شده‌است. کیفیت، کمیت و اهمیت اسناد این آرشیوها متفاوت بوده‌است. با هدف دستیابی به اسناد دیجیتال لاتین، آرشیوهای آنلاین خارجی شناسایی شد و صدها صفحه سند در ارتباط با تکاپوهای هسته‌ای دولت پهلوی به دست آمد. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد تاکنون برای شناخت تاریخ صنایع اتمی ایران به ارزش و اهمیت اسناد آنلاین آرشیوهای دیجیتال غربی پرداخته نشده‌است. دسترسی عمدتاً آزاد و رایگان به این آرشیوها، حجم گسترده اسناد و مطالب بکر و ارزشمند این آرشیوها، هم‌چنین سهولت بارگیری این اسناد می‌تواند افق‌های نوینی را پیش‌روی پژوهش‌گران مقوله تاریخ هسته‌ای و معاصر ایران بگذارد.

۲. فرایند شکل‌گیری برنامه هسته‌ای ایران و ساخت نیروگاه بوشهر

برنامه هسته‌ای ایران از دهه ۱۳۳۰ش/۱۹۵۰م و با تصویب تأسیس مرکز اتمی دانشگاه تهران در مجلس شورای ملی آغاز شد (استادوخ، ۱۱۱۱۶/۲۹/۵۰؛ ساکما: ۴۶۷/۲، ۸۵۸۶/۲۲۰). ایران از برنامه «صلح برای اتم»^۱ آیزنهاور^۲ - رئیس‌جمهور آمریکا - که در ۸ دسامبر ۱۹۵۳/۱۱۷/۱۳۳۲ خواستار کمک به کشورهای در حال توسعه برای استفاده از

1. Atoms for peace
2. Dwight David Eisenhower



دستاوردهای صلح‌آمیز انرژی اتمی شد، در کسب تدریجی فناوری هسته‌ای و ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای استفاده کرد (us Department of state, 1957, p629). در ۴ آذر ۱۳۴۶/۲۵ نوامبر ۱۹۶۷ راکتور استخری ۵ مگاواتی تحقیقاتی مشهور به تریگا مارک ۱^۱ که ساخت کمپانی جنرال اتمیکز^۲ آمریکا بود در مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران تحت ریاست دکتر علی اصغر آزاد، افتتاح شد (Albright, 1995, pp 1-3)؛ ساکما: ۱۷۴۶/الف، ۲۲/۷۶؛ کما، ۲۱/۲۲۰/۰/۱۴. در روز دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۲/۷ مارس ۱۹۷۴ مطبوعات ایران به نقل از منابع حکومتی، برای نخستین بار اعلام کردند که ایران برای تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای طی ۲۰ سال آینده، مذاکرات چندجانبه فشرده‌ای را با دولت‌های غربی آغاز کرده است (چمن‌کار، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). براین اساس شاه طی فرمانی در ۱۸ اسفند ۱۳۵۲/۹ مارس ۱۹۷۴ وظیفه استفاده از انرژی اتمی و ایجاد ساختاری اداری برای آن را به امیرعباس هویدا (نخست‌وزیر) و دولت اعلام کرد. در راستای اجرای این فرمان، قانون تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران تهیه و به مجلسین ارائه شد (کما، ۲۳/۴۱/۰/۴۵۴). این قانون پس از تصویب و توشیح در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۵۳/۱۶ جولای ۱۹۷۴، برای اجرا به دولت ابلاغ شد و سازمان انرژی اتمی ایران به‌طور رسمی کار خود را شروع کرد (متما، ۶۱-۶۳-۱۸ ص؛ ساکما: ۲۴۰/۸۲۲۶۸، ۹۱/۳۷۰/۶۲). دکتر اکبر اعتماد به ریاست این سازمان منصوب شد و شاه هم براساس فرمان ۲۹ مرداد ۱۳۵۳ به‌طور مستقیم بر سازمان انرژی اتمی نظارت و «ریاست عالی» می‌کرد (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، صص ۳-۵، ۹؛ کما، ۳۱۲۳/الف IR). پس از تأسیس این سازمان، مذاکراتی با شرکت‌های مختلف سازنده نیروگاه‌های هسته‌ای آغاز شد. سازمان انرژی اتمی ایران از ابتدای کار، اجرای طرح‌های اتمی به صورت کلید در دست^۳ و مسئولیت کامل اجرای طرح با شرکت سازنده نیروگاه را خواستار شد (متما، ۳-۵-۶۷۲-د؛ چمن‌کار، ۱۳۸۶، ص ۱۴۹). براساس این ضوابط و پس از مذاکرات گسترده، این سازمان راکتورهای آب سبک تحت فشار^۴ را برای نخستین نیروگاه‌های اتمی ایران انتخاب کرد (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۳؛ متما، ۶۲-۶۳-۱۸ ص). پس از بررسی پیشنهادهای سازندگان راکتورهای PWR، مقرر شد دو نیروگاه هریک به توان ۱۲۰۰ مگاوات از شرکت کرافت‌ورک یونیون^۵ آلمان غربی خریداری شود (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۴؛ سا، ۳۶۴۷۶؛ کما، ۲۴۰/۲۹/۰/۲۴۰). براساس تفاهم‌نامه‌های مقدماتی، نوع راکتور آب سبک تحت فشار با قدرت حرارتی حدود ۳۷۰۰ مگاوات و قدرت الکتریکی خالص حدود ۱۲۰۰ مگاوات با سوخت اورانیوم غنی‌شده در ایزوتوپ ۲۳۵ انتخاب شد (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، صص ۱۴-۱۵؛ ساکما، ۲۳۰/۳۹۱۳۲). براساس مواد قرارداد امضا شده میان سازمان

1. TRIGA Mark I
2. General Atomics
3. Turn key
4. PWR: Pressurized Water Reactor
5. Kraftwerk Union



انرژی اتمی ایران و شرکت کرافت‌ورک یونیون، نیروگاه شماره ۱ در پایان سال ۱۳۵۹ و نیروگاه شماره ۲ در پایان سال ۱۳۶۰ به بهره‌برداری کامل می‌رسید (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، ص ۱۷). محل ساخت نیروگاه‌ها در منطقه هلیله واقع در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بوشهر تعیین شد (استادوخ: ۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش، کارتن ۴۸، پرونده ۲-۵؛ ۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش، کارتن ۵۳، پرونده ۲-۵۰۰). برای تأمین آب شرب کارکنان و مصارف برخی خطوط نیروگاه، سازمان انرژی اتمی اولویت خاصی را برای شیرین‌سازی آب دریا با استفاده از انرژی اتمی قائل شد (استادوخ، ۱۳۵۸-۱۳۶۳ ش، بخش حقوقی، کارتن شماره ۳۹۰، پرونده شماره ۹-۱-۶۹۶ تا ۱۵-۱-۶۹۶). شرکت کرافت‌ورک یونیون وسایل اولیه موردنیاز برای ساخت نیروگاه‌ها را با استفاده از دو فروند کشتی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۳/۱۵ مارس ۱۹۷۵ م و ۲۶ فروردین ۱۳۵۴/۱۵ آوریل ۱۹۷۵ م در بندر بوشهر پیاده کرد. این شرکت هم‌چنین عملیات اجرایی اولیه برای تأمین آب شیرین، برق، احداث کارگاه‌ها و ساختمان‌های موقت مسکونی را شروع کرد. سفارش ساخت قطعات اصلی نیروگاه از قبیل بدنه رآکتور، توربین و ژنراتور داده شد و کار ساخت این قطعات در کارخانه‌جات مختلف شروع شد. عملیات ساختمانی در کارگاه نیروگاه در تیر ۱۳۵۴/ جولای ۱۹۷۵ و خاک‌برداری نیروگاه شماره ۱ در مرداد ۱۳۵۴/ اگوست ۱۹۷۵ شروع شد. در آبان ۱۳۵۴/ نوامبر ۱۹۷۵ کار ساخت زیربنای ساختمان رآکتور شماره ۱ آغاز شد و در طول سال، ساختمان و تأسیسات جنبی رآکتور، کلیدهای قطع و وصل فشارقوی و ساختمان توربین‌ها شروع شد و روند پیشرفت آن ادامه یافت. پیشرفت امور ساختمانی مطابق با جدول زمانی پیش‌بینی شده در سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵/۱۹۷۵-۱۹۷۶ ادامه یافت. تا خرداد و تیر ۱۳۵۵/ می و جولای ۱۹۷۶ عملیات ساخت‌وساز، روی ساختمان‌های جانبی رآکتور شماره ۱ و ۲ متمرکز بود. عملیات ساختمانی و تکمیل محفظه تحت فشار رآکتور واحد شماره ۱ که در سال ۱۳۵۴/۱۹۷۵ قطعات آن از کارخانه فولادسازی ژاپن برای جوشکاری و تکمیل به هلند فرستاده شده بود، روند ساخت خود را طی کرد و تا خرداد ۱۳۵۵/ می ۱۹۷۶ قسمت اعظم محفظه تحت فشار رآکتور واحد شماره ۲ نیز از ژاپن به هلند رسید تا در شرکت روتردام نیوکلر^۱ به صورت کامل تکمیل شود. لوله‌های مولدهای بخار واحد شماره ۱ که در ایتالیا ساخته می‌شد، در مرحله جوشکاری قرار داشت؛ ولی عملیات تولید مولدهای بخار واحد شماره ۲ تا تیر ۱۳۵۵/ جولای ۱۹۷۶ در مراحل اولیه ساخت بود. قسمتی از جدار کروی و فولادی ساختمان رآکتور واحد شماره ۱ تا این زمان به محل نصب فرستاده شد و کاسه زیرین این کره فولادی در خرداد ۱۳۵۵/ می ۱۹۷۶ در ساختمان رآکتور واحد شماره ۱ قرار داده شد. از اولین کارخانه‌های آب‌شیرین‌کن به ظرفیت

I. Rotterdam Newkler



۱۰۰ هزار مترمکعب در روز، به علت تغییراتی که در سیستم آن می‌بایست داده می‌شد با تأخیر استفاده شد. واحدهای دیزلی نیز مصرف برق داخلی محل احداث نیروگاه‌ها را تأمین می‌کرد. تا تیر ۱۳۵۵ / جولای ۱۹۷۶ بالغ بر ۴۶۱۷ نفر در محل ساختمان نیروگاه‌ها به کار مشغول بودند (سازمان انرژی اتمی: تیر ۱۳۵۵، صص ۳۵-۳۶؛ خرداد و تیر ۱۳۵۵، صص ۳۵-۳۸). روند توسعه نیروگاه‌های ۱ و ۲ بوشهر در پاییز و زمستان ۱۳۵۵ / زمستان ۱۹۷۶ و بهار ۱۹۷۷ براساس جدول زمانی ادامه یافت (سازمان انرژی اتمی، آذر و دی ۱۳۵۵، صص ۹-۱۵، ۲۳). عملیات نصب قسمت زیرین محفظه فولادی عظیم واحد شماره یک، از ۲۰ بهمن ۱۳۵۵/۹ فوریه ۱۹۷۷ آغاز شد. روز پنج‌شنبه ۲۱ بهمن / ۱۰ فوریه این محفظه در محل قرار گرفت و عملیات بتون‌ریزی داخلی برای ساختمان محل نصب رآکتور اتمی واحد شماره ۱ آغاز شد (سازمان انرژی اتمی، بهمن و اسفند ۱۳۵۵، ص ۹). شاه و شهبانو در جریان بازدید از مناطق جنوبی ایران در روز یکشنبه ۲۲ اسفند ۱۳۵۵/۱۳ مارس ۱۹۷۷ برای نخستین بار از نیروگاه اتمی بوشهر دیدار کردند و در جریان پیشرفت آن قرار گرفتند. احمد ستوده‌نیا مدیر طرح نیروگاه‌های اتمی ایران، طی سخنانی جدیدترین فعالیت‌های مربوط به ساختمان نیروگاه‌ها را گزارش کرد. براساس این گزارش، در کارگاه نیروگاه اتمی بوشهر، حجم خاک‌برداری ۵ میلیون مترمکعب، حجم بتون‌ریزی ۸۰۰ هزار مترمکعب، وزن کل آرماتور لازم ۱۳۰ هزار تن، مقدار قالب‌بندی ۱'۵۰۰'۰۰۰ مترمربع و وزن ماشین‌آلات و مواد و وسایل مختلف که از خارج کشور وارد شده بود و یا وارد می‌شد، پانصد هزار تن بود. براین اساس تا این تاریخ ۵۰۰۰ کارگر و ۱۱۰۰ مهندس و کارشناس و کارمند در نیروگاه بوشهر به کار مشغول بودند که در حدود ۱۴۰۰ نفر از این تعداد خارجی بودند. با هدف واردات قطعات عظیم و بسیار سنگین، اسکله مخصوص در محل ساخته شد تا وسایل موردنیاز، مستقیم وارد و پیاده شوند. این حجم ساخت‌وساز صنعتی در تاریخ منطقه خلیج فارس نظیر نداشت (اطلاعات، ۱۳۵۵/۱۲/۲۳، صص ۱، ۱۴-۱۷). روند توسعه نیروگاه ۱ و ۲ اتمی بوشهر با فرمان‌های شاه - که در پی تسریع در انجام نهایی این برنامه عظیم اقتصادی بود - ادامه یافت (کیهان، ۱۳۵۶/۷/۵، ص ۲۹). برخی از مطبوعات به نقل از منابع سازمان انرژی اتمی، روند پیشرفت عملیات ساختمانی نیروگاه اتمی بوشهر را تا ابتدای سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷، ۵۵٪ در واحد ۱ و ۳۵٪ در واحد ۲ (کیهان، ۱۳۵۶/۲/۲۲، ص ۳۹) و برخی نیز تا این تاریخ ۷۹٪ در واحد ۱ و ۶۶٪ در واحد ۲ عنوان کردند (رستاخیز، ۱۳۵۶/۲/۱۸، ص ۲۴). شاه در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۷/۶ می ۱۹۷۸ برای دومین بار از نیروگاه اتمی بوشهر دیدار کرد و در جریان پیشرفت امور قرار گرفت. این آخرین دیدار شاه از یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های

اقتصادی و صنعتی تاریخ معاصر ایران بود؛ طرحی که شاه به تکمیل آن اشتیاق فراوان نشان می‌داد (رستاخیز، ۱۳۵۷/۲/۱۷، ص ۱، ص ۲۵). در سال ۱۳۵۷/۱۳۵۷ شمار کارکنان نیروگاه به بالاترین میزان خود رسید و ۱۰'۰۰۰ مهندس و کارگر که ۷۰۰۰ نفر از آنان ایرانی و سه هزار نفر خارجی بودند، به صورت شبانه‌روزی در کارگاه‌ها کار می‌کردند تا نیروگاه در زمان مقرر برای بهره‌برداری آماده شود (سازمان انرژی اتمی ایران، گزارش سالانه شماره ۴، تیر ۱۳۵۷، صص ۱۵-۱۶). تا سال ۱۳۵۷/۱۳۵۷ عملیات ساختمانی ساخت جایگاه رآکتور و مدارهای اولیه رادیواکتیو و مدارهای ثانویه تولید بخار در رآکتور شماره یک نیروگاه اتمی بوشهر ۸۵٪ و رآکتور شماره دو ۸۰٪ پیشرفت داشت. بخش اعظم ساختمان‌های مشترک واحدهای ۱ و ۲ نیروگاه اتمی بوشهر تا تیر ۱۳۵۷ / ژوئن ۱۹۷۸ به بهره‌برداری کامل رسیده بود و پیشرفت عملیاتی ۱۰۰٪ را نشان می‌داد (سازمان انرژی اتمی ایران، گزارش سالانه شماره ۴، تیر ۱۳۵۷، ص ۱۵؛ کمام، ۳۱۲۲ الف IR). به دنبال مطالعات لازم برای ایجاد دو واحد نمک‌زدایی در کنار تأسیسات، در ۱۳۵۶/۱۹۷۷ قرارداد خرید این دو کارخانه با کنسرسیومی ژاپنی متشکل از شرکت‌های ساساکورا، میتسوبیسی و سومیتومو بسته شد. این مجتمع شامل دو واحد نمک‌زدایی هریک به ظرفیت ۱۰۰'۰۰۰ مترمکعب آب آشامیدنی در روز بود (استادوخ: ۱۳۵۸-۱۳۶۳ ش، کارتن ۹۰، پرونده ۱-۱۲۸؛ ۱۳۵۸ ش، کارتن ۸۵، پرونده ۲-۴۵۰). دولت جمشید آموزگار نخست‌وزیری که در تابستان ۱۳۵۷ استعفا کرد- در بررسی کارنامه دولت خود، عملیات ساختمانی و میزان پیشرفت اجرایی نیروگاه اتمی بوشهر را مطلوب و براساس جدول زمان‌بندی شده، عنوان کرد (کیهان، ۱۳۵۷/۷/۲۳، ص ۲۲؛ کمام، ۳۰۴۹ الف IR).

۳. توسعه فعالیت‌های چندجانبه هسته‌ای

ایران علاوه بر ساخت نیروگاه اتمی بوشهر، مجموعه قراردادهای دیگری را هم در حوزه هسته‌ای منعقد کرد. در روز پنج‌شنبه ۱۹ آبان ۱۳۵۶/۱۰ نوامبر ۱۹۷۷ قرارداد خرید ۴ نیروگاه اتمی جدید میان مقامات سازمان انرژی اتمی و شرکت کرافت‌ورک یونیون آلمان امضاء شد. براساس این توافق‌نامه، ۴ نیروگاه به قدرت ۴۸۰۰ مگاوات در استان‌های مرکزی و اصفهان نصب می‌شد و در سال ۱۳۶۵/۱۹۸۶ به بهره‌برداری می‌رسید (آیندگان، ۱۳۵۶/۸/۲۱، صص ۱، ۳؛ کیهان، ۱۳۵۶/۱۲/۲۱، ص ۲۷). ساخت تأسیسات هسته‌ای دارخوین، مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان و تلاش در زمینه دستیابی به سوخت هسته‌ای در داخل و خارج و اکتشاف اورانیوم خام، از جمله دیگر فعالیت‌های هسته‌ای مهم ایران بود. دو رآکتور شرکت تکنیاتوم فرانسه بانام نیروگاه دارخوین بر حاشیه کارون و در



شمال اهواز ساخته می‌شد (کمام، ۵۹۶/۰/۰/۲۳/۶۵ق). این راکتورها هر کدام جداگانه ۹۳۰ مگاوات قدرت داشتند و امکان ارتقاء آن‌ها به واحدهای ۹۹۰ مگاواتی نیز وجود داشت. براساس برنامه‌های پیش‌بینی شده تا سال ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ ش / ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ م نیروگاه‌های دارخوین آماده تحویل می‌شد و به شبکه برق سراسری ایران متصل می‌شد (اطلاعات، ۱۳۵۵/۷/۱۲، ص ۲۵؛ ساکما، ۲۹۳/۴/۸۸۷۷). عملیات ساختمانی نیروگاه‌های دارخوین از ۱۱ خرداد ۱۳۵۶/۱۳۵۶ ژوئن ۱۹۷۷ آغاز شد و به نام نیروگاه‌های برق اتمی «ایران ۳ و ۴» نامیده شد (کیهان، ۱۳۵۶/۲/۲۲، ص ۳۹؛ ساکما، ۲۳۰/۳/۶۴۱۰). مرکز تکنولوژی هسته‌ای اصفهان از دیگر طرح‌های فرانسویان در ایران بود. براساس قرارداد، عملیات اجرایی گسترده‌ای در زمینی به وسعت ۱۲۰ هکتار در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان آغاز شد (آیندگان، ۱۳۵۶/۸/۱، ص ۳؛ کمام، ۳۱۲۹ الف IR؛ ساکما، ۳۷۰/۹/۷۵۷). تلاش‌های ایران برای تضمین دریافت سوخت نیروگاه‌های اتمی خود، موجب خرید بخشی از شرکت تهیه سوخت اوردیف^۱ شد. طبق این قرارداد که مقامات ایرانی و فرانسوی در روز جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۵۶/۱۵ آوریل ۱۹۷۷ در اصفهان امضا کردند ایران ۱۰٪ سهام اوردیف را خرید (اطلاعات، ۱۳۵۶/۱/۲۹، ص ۱؛ استادوخ، اسناد حقوقی، گزارش خلاصه وضع سرمایه‌گذاری دولت ایران در خارج، دستور جلسه مورخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ دولت موقت، بدون شماره). با هدف تأمین نیروی انسانی نیروگاه‌های اتمی ایران، آلمان براساس قراردادهای منعقد آموزش گروهی از کارآموزان ایرانی را برعهده داشت. مقامات سازمان انرژی اتمی ایران به تربیت ۱۰۰۰ تکنسین در فرایندی چندساله امیدوار بودند. نخستین گروه آموزشی اعزامی به آلمان حدود ۴۵۰ نفر بودند (اطلاعات، ۱۳۵۴/۱۰/۴، ص ۳۶).

علاوه بر آمریکا، آلمان، و فرانسه، سایر کشورهای بلوک غرب و شرق نیز در پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران نقش داشتند. دولت کانادا پس از ایالات متحده آمریکا، نخستین کشور در انعقاد قرارداد همکاری‌های هسته‌ای با ایران بود (کمام، ۲۳/۲۱۰/۲۲۰ق). در ۱۷ خرداد ۱۳۵۱/۷ ژوئن ۱۹۷۲ مقامات دو کشور موافقت‌نامه «همکاری برای استفاده صلح‌جویانه از نیروی اتم» را در اتاوا امضا کردند (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۶، صص ۸۱۵-۸۲۲؛ ساکما، ۲۴۰/۸۳۶۶۵). هویدا و سایر مقامات سازمان انرژی اتمی در سفر آذر ۱۳۵۳ / دسامبر ۱۹۷۴، از مرکز اتمی کانادا و نیروگاه هسته‌ای پیکرینگ^۲ بازدید کردند (آیندگان، ۱۳۵۳/۹/۲۳، صص ۱، ۱۲؛ کیهان، ۱۳۵۳/۱۰/۱، ص ۲۳). انگلستان در زمینه تربیت نیروی متخصص اتمی ایران را یاری می‌کرد. مجلس شورای ملی در ۹ بهمن ۱۳۵۳/۲۹ ژانویه ۱۹۷۵ اعزام ۱۶۰۰ نفر را به انگلستان برای آموزش و کارآموزی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و انرژی اتمی تصویب کرد (اطلاعات، ۱۳۵۳/۱۱/۱۰،

1. European Gaseous Diffusion Uranium Enrichment: Eurodif
2. Pickering Nuclear Generating Station

ص ۱). شرکت‌های ایتالیایی نیز در زمینه کارهای آموزشی و اتصال خطوط برق فشارقوی از نیروگاه اتمی بوشهر به سایر نقاط ایران نقشی مهم ایفا کردند (آیندگان، ۱۳۵۶/۱۰/۱۲، ص ۳). دولت پهلوی دوم به خرید اورانیوم خام از استرالیا و سرمایه‌گذاری در زمینه استخراج معادن اورانیوم در این کشور علاقه‌مند بود (Kayhan international, 5 October 1974). با ورود هیئت اقتصادی استرالیایی به تهران در ۲۰ خرداد ۱۳۵۳/۱۰/۱۳ ژوئن ۱۹۷۴، نخستین گام‌ها برای همکاری‌های دوجانبه در زمینه مسائل اتمی برداشته شد (کیهان، ۱۳۵۳/۳/۲۱، ص ۲۳). همچنین مقامات سازمان انرژی اتمی امیدوار بودند تکنولوژی هسته‌ای هندوستان را کسب کنند و به ایران انتقال دهند (ساکما، ۲۲۰/۸۷۱۵). شاه در مهر ۱۳۵۳ / اکتبر ۱۹۷۴ طی دیداری از هند از مراکز اتمی این کشور بازدید کرد (اطلاعات: ۱۳۵۳/۷/۱۰، ص ۲۰؛ ۱۳۵۳/۷/۱۱، ص ۴). دولت پهلوی با هدف دستیابی به فناوری اتمی، تماس‌هایی را نیز با آرژانتین انجام داد. همکاری‌های دو کشور به‌ویژه در ابعاد آموزشی و کارشناسی از سال ۱۹۷۳/۱۳۵۲ آغاز شد (Kessler, 1987, p11؛ ساکما، ۲۹۳/۱۳۲۲۶۹). ژاپن و اسرائیل نیز در برنامه هسته‌ای ایران و عمدتاً در بخش‌های زیرمجموعه صنایع اتمی و آموزش نقش آفرین شدند (بنیاد مطالعات ایران، ۲۰۰۵، صص ۱۶۴-۱۶۵؛ ساکما، ۲۹۷/۵۱۸۴۱). کشورهای شمال اروپا از جمله سوئد (کیهان، ۱۳۵۳/۸/۱۹، ص ۱۵)، اتریش (اطلاعات، ۱۳۵۳/۷/۱۷، ص ۱) و بلژیک (ساکما، ۲۳۰/۴۱۵۹۱) نیز در درجات پایین‌تر در برنامه هسته‌ای ایران نقش داشتند. سازمان انرژی اتمی ایران به موازات فعالیت برای اکتشاف اورانیوم در داخل کشور (ساکما، ۲۲۰/۱۹۱۹۰)، از سال ۱۳۵۴-۱۳۵۵/۱۳۷۵-۱۹۷۶ به صورت هدفمند هم برای خرید اورانیوم خام و یا شراکت در طرح‌های استخراج اورانیوم در کشورهای مختلف آفریقا به‌ویژه در غرب این قاره، به فعالیت پرداخت (سازمان انرژی اتمی ایران، تیر ۱۳۵۴، ص ۲۸؛ استادوخ، اسناد حقوقی، گزارش خلاصه وضع سرمایه‌گذاری دولت ایران در خارج، دستور جلسه مورخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ دولت موقت، بدون شماره؛ کام، ۱۳۴/۱۲/۰/۲۴؛ جمهوری گابن (ساکما، ۲۲۰/۲۰۱۰۲) نیجر و نامیبیا (ساکما، ۲۳۰/۴۱۵۹۱) از این دسته کشورها بودند.

۴. اهمیت آرشیوهای دیجیتال در مطالعه تحولات هسته‌ای دولت پهلوی

دوم

از ابتدای دهه ۱۹۹۰م/۱۳۷۰ش تعدادی از آرشیوهای الکترونیکی و دیجیتال دولتی و سازمان‌های بین‌المللی در آمریکا و اروپا مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد طبقه‌بندی‌شده و طبقه‌بندی‌نشده تحولات هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم را منتشر کردند. براساس



اهمیت و تعداد اسناد، این مراکز عبارت‌اند از:

۴.۱. آرشیو «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»^۱

آرشیو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بخشی از اسناد تاریخ تحولات هسته‌ای جهان از جمله معاهدات و مصوبات مهم را عرضه کرده‌است. این بایگانی که در مقر آژانس در وین اطریش واقع شده‌است، حافظه تاریخی این سازمان را مدیریت می‌کند و سوابق رسمی مستند فعالیت‌ها، برنامه‌ها و مطالب تاریخی آن را در رسانه‌های مختلف حفظ می‌کند. عملکرد اصلی این بایگانی، حفظ طولانی مدت، قابلیت دسترسی و استفاده از سوابق تاریخی برای کاربران مجاز است. هم‌چنین تداوم دیجیتالی‌سازی حافظه نهادی آژانس را تضمین می‌کند. این آرشیو حدود ۱۰'۰۰۰ متر قفسه ریلی از انواع مدارک را از رسانه‌های مختلف و خبرگزاری‌ها گردآوری کرده‌است. آرشیو آژانس بین‌المللی انرژی اتمی جدای از مکتوبات، یک مجموعه بزرگ دیداری و شنیداری از فیلم، ضبط صدا و عکس، گزارش جلسات و نقشه‌ها را نیز نگهداری می‌کند (<https://www.iaea.org/resources/archives/access/visits>).

این سازمان از ۳۰ ژوئن ۲۰۰۳ تا نوامبر ۲۰۲۰ مجموعه گزارش‌های دیجیتالی خود در زمینه فعالیت‌های اتمی ایران را با عنوان «گزارش هیئت آژانس انرژی هسته‌ای: اجرای توافق‌نامه پادمان‌های NPT در جمهوری اسلامی ایران»^۲ منتشر کرد که حدود ۱۱۵ گزارش را شامل می‌شود و بخش‌هایی از آن به تحولات اتمی دوره پهلوی اشاره دارد (<https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/iaea-and-iran-iaea-reports>). دسترسی به این گزارش‌ها آزاد و رایگان است.

۴.۲. «آرشیو دیجیتال امنیت ملی»^۳ آمریکا

پروژه اسنادی «ایران، تدوین سیاست‌های ایالات متحده آمریکا ۱۹۷۷-۱۹۸۰»^۴ نقشی مهم در شناخت تحولات و فرایند برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم ایفاء کرده‌است. تحقیق گسترده مذکور را اریک ج هوگلوند^۵ انجام داده‌است. این پژوهش در سال ۱۹۹۰م/۱۳۶۷ش داده‌های خود را منتشر کرد که شامل ۳'۶۰۰ سند بسیار مهم سطح بالا در زمینه‌های روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فعل و انفعالات بین ایران عصر پهلوی دوم و آمریکا است. از جمله مدارک مهم هسته‌ای در این مجموعه می‌توان به این اسناد اشاره کرد: «تحولات انرژی در ایران»^۶ (۱۹۷۷/۳۰/۶)، «ایران، ما حالا کجا هستیم و کجا خواهیم رفت؟»^۷ (۱۹۷۸/۸/۱۷)، «آمریکا مواد هسته‌ای را به ایران عرضه می‌کند»^۸ (۱۹۸۰/۱/۲۹). دسترسی به بخش عمده‌ای از اسناد مذکور رایگان است (<https://nsarchive2.gwu.edu/nsa/publications/iran/iran.html#OVERVIEW>).

1. International Atomic Energy Agency (IAEA)
2. "IAEA Board Report: Implementation of the NPT Safeguards Agreement in the Islamic Republic of Iran"
3. "National Security Archive DIGITAL"
4. "Iran: The making of us Policy, 1977-1980". Alexandria, VA: chadwyck-Healey. (1990).
5. Hooglund, Eric J. (1990).
6. "Energy Development in Iran"
7. "Iran: Where are We Now and Where Are We Going?"
8. "U.S. Nuclear Material Supplied to Iran"



۴.۳. «آرشیو امنیت ملی»^۱

آرشیو امنیت ملی بخش دیگری از تاریخ هسته‌ای ایران را بازشناسی کرده‌است. آرشیو امنیت ملی مؤسسه‌ای پژوهشی و کتابخانه‌ای مستقل و غیردولتی است که در دانشگاه جورج واشنگتن^۲ در واشنگتن دی سی واقع شده‌است. این بایگانی، اسناد محرمانه به‌دست‌آمده از طریق «قانون آزادی اطلاعات»^۳ را منتشر می‌کند. آرشیو الکترونیک امنیت ملی در ۵ نوامبر ۱۹۹۹/۱۴ آبان ۱۳۷۸ مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی‌نشده روابط ایران و آمریکا را منتشر کرد که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/۱۹ آگوست ۱۹۵۳ تا تحولات مقارن با انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۸-۱۹۷۹) را شامل می‌شود. این مجموعه را مالکوم بایرن^۴ ویراستاری کرده‌است. این مجموعه ۱۴ هزار صفحه است و قسمتی از آن از پروژه پیشین «ایران، تدوین سیاست‌های ایالات متحده آمریکا ۱۹۷۷-۱۹۸۰» اخذ شده‌است. در ۱۳ ژانویه ۲۰۰۹/۲۴ دی ۱۳۸۷ مجموعه‌ای از اسناد آرشیو امنیت ملی در زمینه تحولات هسته‌ای ایران دوره پهلوی دوم بانام «مذاکرات هسته‌ای آمریکا و ایران در دهه ۱۹۷۰، ملی‌گرایی برجسته شاه و هراس آمریکا از سلاح‌های اتمی»^۵ به‌اهتمام و ویراستاری ویلیام بور^۶ منتشر شد. بور کارشناس ارشد آرشیو امنیت ملی بود و مقاله او با تمرکز بر این اسناد با عنوان «تاریخ مختصری از مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا»^۷ در بولتن علوم هسته‌ای^۸ شماره ژانویه و فوریه ۲۰۰۹ / دی و بهمن ۱۳۸۷ چاپ شد (Burr, 2009, pp 21-34). مقاصد پنهان و آشکار برنامه هسته‌ای شاه، مصاحبه‌های مقامات ایران به‌ویژه شاه در زمینه تحولات هسته‌ای، گرایش ایران به ساخت سلاح‌های اتمی، مسئله غنی‌سازی اورانیوم در ایران و نگرانی واشنگتن از این موضوع، گسترش روابط ایران و آمریکا در دوره نیکسون و فورد، سردی روابط هسته‌ای دو کشور در دوران کارتر و قراردادهای ایران با سایر کشورهای غربی، نمونه‌هایی از موضوعاتی است که از خلال این اسناد آشکار می‌شود. بخشی از اسناد گردآوری‌شده در زیرمجموعه هسته‌ای آرشیو امنیت ملی نیز با عنوان «برنامه هسته‌ای ایران، گذشته و حال»^۹، شامل مدارک بسیار مهمی از تحولات برنامه اتمی ایران از سال ۱۹۷۰ تا جولای ۲۰۱۵ است. این مجموعه در ۱۴ جولای ۲۰۱۵/۲۳ تیر ۱۳۹۴ به‌اهتمام مالکوم بایرن و ویلیام بور منتشر شد. اسناد رایگان مذکور، اطلاعات بسیار مهم و گران‌بهایی را از آغازین روزهای فعالیت هسته‌ای ایران تا فروپاشی دولت پهلوی، چگونگی تعامل با رؤسای جمهور آمریکا به‌ویژه از دوره ریچارد نیکسون، فورد تا جیمی کارتر، گزارش‌های مخفی، قراردادهای همکاری و معاهدات اتمی در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌دهد (https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB267).

1. The National Security Archive «NSArchive»
2. The George Washington University
3. FoIA
4. Malcolm Bayern
5. "U.S.-Iran Nuclear Negotiations in 1970s Featured Shah's Nationalism and U.S. Weapons Worries"
6. William Burr
7. "A Brief History of U.S.-Iranian Nuclear Negotiations"
8. <https://nsarchive2.gwu.edu/nukevault/ebb268>
9. "Iran's nuclear program, past and present"



۴.۴. کتابخانه ریاست جمهوری فورد^۱

انتشار الکترونیکی بخشی از اسناد موجود در آرشیو و کتابخانه ریاست جمهوری فورد نیز در شناخت و بازیابی مدارکی از برنامه هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم و روابط ایران و آمریکا نقشی مهم داشت. کتابخانه جerald آر فورد در پردیس شمالی دانشگاه میشیگان واقع در ناحیه آن آربر شهر میشیگان^۲، مجموعه‌ای متشکل از منابع و مدارک مسائلی داخلی ایالات متحده، و روابط خارجی و تحولات سیاسی آمریکا در دوران جنگ سرد را -با تمرکز بر دولت فورد- جمع‌آوری و نگهداری می‌کند و در دسترس عموم قرار می‌دهد (<https://www.fordlibrarymuseum.gov/visit-library.aspx>). دارایی‌های بایگانی این کتابخانه تقریباً ۲۵ میلیون صفحه سند، ۴۵۰ هزار عکس، ۳۰۰۰ ساعت نوار صوتی، ۳۵۰۰ ساعت نوار فیلم و ۷۱۲۰۲۷ فوت^۳ فیلم را شامل می‌شود. منابع متنی شامل یادداشت‌ها، نامه‌ها، صورت جلسه‌ها، گزارش‌ها و سایر اسناد تاریخی است. مدارک سمعی و بصری شامل عکس‌ها، نوارهای ویدئویی پخش اخبار، نوارهای صوتی سخنرانی‌ها و جلسات مطبوعاتی، فیلم رویدادهای عمومی و تبلیغات تلویزیونی است (<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-library.aspx>). در کتابخانه فورد بسیاری از منابع مهم و مجموعه‌های متنی، سمعی و بصری دیجیتالی شده‌اند و اکنون به صورت آنلاین در دسترس هستند. این کتابخانه برنامه دیجیتالی‌سازی فعالی دارد که در حال حاضر بر مطالب متنی و مکتوبات تمرکز دارد (<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-digital.aspx>). اصل اسناد مربوط به تحولات صنعت اتمی دوره پهلوی دوم در این کتابخانه در جعبه ۲، پرونده‌ای به نام «ایران- شاه ۱ و ۲»^۴ قرار دارد که زیرمجموعه اسناد «مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری، مجموعه مکاتبات با رهبران خارجی»^۵ است (<https://www.fordlibrarymuseum.gov/library/document/0351/1555814.pdf>). دسترسی به اسناد تاریخ تحولات هسته‌ای ایران در این آرشیو، رایگان است.

۴.۵. آرشیو «دفتر مورخان»^۶

«دفتر مورخان» یکی دیگر از مراکز مهم بایگانی آمریکا در زمینه شناخت تاریخ دیپلماسی جهانی است. مورخان این دفتر با سایر ادارات دولتی فدرال، جامعه تاریخی دانشگاهی و متخصصان سراسر جهان همکاری می‌کنند. این مرکز را مورخان وزارت امور خارجه اداره می‌کنند. این دفتر به صورت قانونی، مسئول تهیه و انتشار سوابق رسمی مستندات سیاست و روابط خارجی ایالات متحده است (<https://history.state.gov>). «روابط خارجی ایالات متحده»^۷ به عنوان بخشی از این دفتر، اسناد تاریخی رسمی مستند درباره

1. Gerald R ford Presidential Library
2. Ann Arbor, Michigan
۳. هر فوت ۳۰/۵ سانتی‌متر است.
4. Box 2, folder, Iran- The shah (1-2)
5. National Security Advisor's Presidential, correspondence with foreign Leaders collection
6. Office of the Historian
7. Foreign Relations of the United States (FRUS)

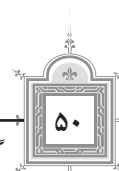


سیاست خارجی آمریکا را ارائه می‌دهد. اسناد این مجموعه از مقطع زمانی سال ۱۸۶۱ بررسی شده‌است و در حال حاضر شامل بیش از ۴۸۰ جلد متفاوت است. دفتر مورخان و روابط خارجی ایالات متحده، مجموعه‌ای از اسناد طبقه‌بندی شده درباره تاریخ معاصر ایران، از جمله درباره برنامه هسته‌ای دولت پهلوی دوم را عمدتاً در مجلداتی با عناوین زیر منتشر کرده‌است: «سیاست امنیت ملی و کنترل تسلیحاتی و کاهش جنگ‌افزار میان سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰»؛ «ایران»؛ «کنترل تسلیحاتی و عدم غنی‌سازی»؛ «ایران و عراق مابین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ و ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶»؛ «بحران انرژی میان سال‌های ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰»؛ «خاورمیانه»؛ «اسنادی درباره اروپای غربی، ۱۹۷۳-۱۹۷۶»؛ «دیپلماسی انرژی و مباحث جهانی»؛ و «اسنادی درباره جنوب آسیا، ۱۹۶۹-۱۹۷۲» (<https://history.state.gov/departmenthistory>). هم‌چنین مجموعه خاصی موسوم به «اداره کل»^۱، اسناد و مدارک مربوط به رؤسای جمهور آمریکا از آیزنهاور، کندی، جانسون، نیکسون، نیکسون-فورد و کارتر را در جلد‌های جداگانه ارائه کرده‌است که به‌نوعی به برنامه هسته‌ای ایران مربوط است (<https://history.state.gov/historicaldocuments>). در مدارک مربوط به دوره ریاست جمهوری آیزنهاور، پرونده‌ای در ۹۷۰ صفحه بانام «روابط خارجی ایالات متحده آمریکا» به روابط با دولت پهلوی در سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۴م/۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ش پرداخته‌است. (Howard and Van Hook, 2017, pp 3-48). اسناد عمده این مجموعه در ۳۷۵ صفحه در سال ۲۰۱۷م/۱۳۹۶ش تهیه و سپس به‌صورت تمام‌متن الکترونیک منتشر شد (<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1951-54Iran>). این‌گونه اسناد و مدارک مربوط به دولت پهلوی دوم و همکاری‌های اتمی دو کشور، در آرشیوهای دیجیتال مربوط به عصر کندی^۲، ترومن^۳، جانسون^۴، و به‌خصوص ادوار حکومت نیکسون^۵، فورد^۶ و کارتر^۷ گردآوری شده‌است. بخشی از فعالیت این دفتر مربوط به ایران در مجموعه «راهنمای تاریخ به رسمیت شناختن، روابط دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده، براساس کشور، از سال ۱۷۷۶: ایران»^۸ منتشر شده‌است و داده‌های مهمی از تعاملات دو کشور در حوزه انرژی هسته‌ای را ارائه می‌کند (<https://history.state.gov/countries/iran>). دسترسی به اسناد این آرشیو، آزاد و رایگان است.

۴.۶. آرشیو دیجیتال از طبقه‌بندی خارج شده تاریخ جهان^۹

آرشیو دیجیتال از طبقه‌بندی خارج شده تاریخ جهان به مرکز ویلسون^{۱۰} وابسته است. این بایگانی را کنگره آمریکا در سال ۱۹۶۸ به‌عنوان یادبود رسمی رئیس‌جمهور وودرو ویلسون^{۱۱} در واشنگتن تأسیس کرده‌است. این مرکز یکی از مراکز آرشیوی مهم در زمینه

1. Administration
2. (<https://history.state.gov/search?q=Kennedy++and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
3. (<https://history.state.gov/search?q=Truman+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
4. (<https://history.state.gov/search?q=Johnson+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
5. (<https://history.state.gov/search?q=nixon+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
6. (<https://history.state.gov/search?q=ford+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
7. (<https://history.state.gov/search?q=carter+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>)
8. "A Guide to the United States' History of Recognition, Diplomatic and Consular Relations, by Country, since 1776: Iran"
9. Digital Archive International History Declassified
10. Wilson Center
11. Woodrow Wilson



تاریخ تحولات هسته‌ای جهان است. برنامه مطالعاتی «تاریخ بین‌المللی گسترش تسلیحات هسته‌ای» از فعالیت‌های کلان تحقیقات اسنادی این مرکز است (<https://digitalarchive.wilsoncenter.org>). پروژه تاریخ بین‌المللی گسترش تسلیحات هسته‌ای^۱ شبکه‌ای جهانی از افراد و نهادهای علاقه‌مند به مطالعه تاریخ هسته‌ای بین‌المللی از طریق اسناد آرشیوی، مصاحبه‌های تاریخ شفاهی و سایر منابع تجربی را دربر می‌گیرد. پژوهش مذکور با هدف پرکردن صفحات خالی و ناپدیدشده تاریخ هسته‌ای با هدف کمک به دانش پژوهی قوی‌تر و تصمیم‌گیری‌های سیاسی صلح‌آمیز جهانی شکل گرفته است. در این بخش، اسنادی از برنامه هسته‌ای شوروی، چین، هند، برزیل، آمریکای لاتین، اسرائیل و دولت پهلوی دوم از جمله نامه اکبر اعتماد، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی ایران، به هانس هیگلیر هانسچیلد معاون وزیر در وزارت فدرال تحقیقات و فناوری آلمان غربی در ۴ آوریل ۱۹۷۶/۵ فروردین ۱۳۵۵ وجود دارد (<https://digitalarchive.wilsoncenter.org/document/176330>). اصل این سند از «آرشیو سیاسی وزارت خارجه فدرال»^۲ به دست آمده است (<https://www.auswaertiges-amt.de/en/aamt/politiscal-archiv>).

در مرکز ویلسون، پروژه تاریخ بین‌المللی گسترش تسلیحات هسته‌ای بخشی از برنامه پژوهشی گسترده «تاریخ، و برنامه سیاست عمومی»^۳ محسوب می‌شود. دسترسی به بخش عمده‌ای از این اسناد رایگان است.

۴.۷. «آرشیو اداره ملی بایگانی و مدارک آمریکا»^۴

در اداره ملی بایگانی و مدارک، اسناد متنوعی با موضوع روابط تهران و واشنگتن و برنامه هسته‌ای و نظامی ایران در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰/م ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش، نگهداری می‌شود. این دفتر که سازمان اسناد ملی ایالات متحده محسوب می‌شود، از بطن اداره قدیمی «بایگانی ملی و ثبت سوابق آمریکا»^۵ به وجود آمده است. آرشیو ملی را سال ۱۹۳۴/م ۱۳۱۳ ش رئیس جمهور فرانکلین روزولت به عنوان بنیاد فدرالی مستقل تأسیس کرد. مرکز این آرشیو در شهر واشنگتن است. این اداره از سال ۲۰۰۸/م ۱۳۸۷ ش از سیستم «بایگانی سوابق الکترونیکی»^۶ استفاده می‌کند تا پرونده‌های الکترونیکی را از کاخ سفید، کنگره و سایر سازمان‌های دولتی فدرال تحویل بگیرد و نگهداری کند (<https://www.archives.gov>). بخشی از اسناد و مدارک این اداره با عنوان «بررسی وضعیت ایران: گزارش استراتژی ایالات متحده برای ایران»^۷، برای مطالعات تاریخی دوره پهلوی دوم در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ ش / ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ م، اهمیت فراوانی دارد (<https://www.jfklibrary.org/asset-viewer/archives/JFKNSF/340/JFKNSF-340-016>).

1. The Nuclear Proliferation International History Project
2. Political Archive of the Federal Foreign Office
3. History and Public Policy Program
4. The National Archives and Records Administration (NARA)
5. (GSA)
6. Electronic Records Archives (ERA)
7. Review of Iranian Situation: Report on U.S. Strategy for Iran



۴.۸. آرشیو «کالج مونت هولیوک»^۱

کالج مونت هولیوک واقع در هدلی جنوبی در ماساچوست آمریکا، در مجموعه‌ای با عنوان «اسنادی مربوط به بحران هسته‌ای ایران»^۲، مدارکی جمع‌آوری شده از بایگانی‌های مختلف را ارائه کرده است. «زمان‌شماری برنامه هسته‌ای ایران ۱۹۵۳-۲۰۰۷»^۳ نمونه‌ای از این‌گونه مدارک است که اصل آن در «گروه پژوهشی آکسفورد»^۴ در انگلستان قرار دارد (<https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/Iran/iranukes.htm>). این گروه انگلیسی در سال ۱۹۸۲م/۱۳۶۱ش تأسیس شده است. این گروه در زمینه مطالعات امنیت، صلح و تحولات استراتژیک جهانی فعالیت می‌کند (<https://www.oxfordresearchgroup.org.uk/orgs-vi-> sion). از دیگر مدارک بسیار مهم آرشیو کالج مونت هولیوک عبارت‌اند از: «انرژی هسته‌ای با ایران، اواخر ژوئن ۱۹۷۴»؛ «اهداف ایران در موارد هسته‌ای، اژوئیه ۱۹۷۴»؛ «توافق‌نامه همکاری هسته‌ای با ایران، آوریل ۱۹۷۵»؛ «همکاری هسته‌ای با ایران، ۱۸ آوریل ۱۹۷۵»؛ «همکاری هسته‌ای ایالات متحده و ایران، ۲۲ آوریل ۱۹۷۵» که در موردی استثنایی امضای هنری کیسینجر را دارد؛ «انگیزه‌های شاه کاملاً شفاف نیستند، ۱۷ جولای ۱۹۷۵»؛ «مراکز هسته‌ای چندملیتی: ارزیابی نگرش ایران به فراوری مجدد پلوتونیوم، ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۵»؛ «سیاست هسته‌ای ایران، ۶ ژانویه ۱۹۷۶»؛ «سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۵ آوریل ۱۹۷۶»؛ «دیدگاه‌های ایرانی درباره منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همکاری هسته‌ای ایالات متحده / ایران، ۷ ژوئن ۱۹۷۶»؛ «مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان، ۱۴ فوریه ۱۹۷۷»؛ «کنفرانس پرسپولیس برای انتقال فناوری هسته‌ای، ۱۸ آوریل ۱۹۷۷»؛ و «فعالیت‌های هسته‌ای در ایران، ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸» (<https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/Iran/iranukes.htm>). دسترسی به تمام این اسناد، آزاد و رایگان است.

۴.۹. «آرشیو ملی»^۵ بریتانیا

آرشیو ملی بریتانیا در ناحیه کیو در منطقه ریچموند آپون تیمز لندن^۶ از بایگانی‌های معتبر در زمینه تاریخ فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم است. این بایگانی که مؤسسه‌ای مستقل از وزارت‌خانه‌های دولتی است آرشیو رسمی کشور انگلستان و ولز و هم‌چنین مرکز نگهداری اسناد دولتی اتحادیه پادشاهی بریتانیا (انگلستان، ولز، اسکاتلند، و ایرلند شمالی) است. این مؤسسه قدیمی در سال ۲۰۰۳م/۱۳۸۲ش فعالیت جدید خود را آغاز کرد. این مؤسسه، متولی حفاظت، نگهداری و مرمت اسناد و سوابق ثبتی و دیجیتال است و یک هزاره تاریخ بریتانیا را دربر می‌گیرد. حدود ۱۱ میلیون سند و سایر مدارک در این آرشیو وجود دارد (<https://www.museumwonderland.com>). آرشیو ملی بریتانیا طی

1. Mount Holyoke College
2. Documents on the Iranian Nuclear Crisis
3. Chronology of Iran's Nuclear Programme, 1957-2007
4. Oxford Research Group (ORG)
5. The National Archives
6. Kew, London Borough of Richmond upon Thames



دو روز در نیمه دسامبر ۲۰۰۷ / آذر ۱۳۸۶، پرونده‌های محرمانه خود را در اختیار شمار محدودی از محققان و روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی قرار داد. در بخشی از این اسناد به رابطه هسته‌ای پهلوی دوم و بریتانیا پرداخته شده است. چگونگی مناسبات هسته‌ای دو کشور در مراحل گوناگون، انعقاد قراردادهای فی‌مابین، اعزام دانشجویان ایرانی به انگلستان و سیاست تردید و هراس مقامات انگلستان درباره احتمال گرایش‌های نظامی شاه در برنامه اتمی خود، از خلال مطالعه این اسناد طبقه‌بندی شده آشکار می‌شود. با افزایش تنش‌های سیاسی در ایران در سال ۱۹۷۹م/۱۳۵۷ش، همکاری‌های اتمی دو کشور دچار فترت شد. آرشیو ملی بریتانیا اسنادی را منتشر کرده است که نشان می‌دهد دولت این کشور و آمریکا تا پاییز ۱۳۵۷ بر این باور بوده‌اند که شاه در رأس قدرت باقی خواهد ماند (https://www.bbc.com/persian/iran/story/2007/12/071227_bd-mt-archive-intro).

نمونه‌هایی از اسناد گسترده تاریخ هسته‌ای ایران در آرشیو ملی بریتانیا عبارت‌اند از: «مؤسسه علوم هسته‌ای سنتو، ۱۹۶۳»؛ «مؤسسه علوم هسته‌ای ایران، ۱۹۶۶»؛ «ایران: همکاری هسته‌ای و ملاقات‌ها، ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ و اژانویه ۱۹۷۶ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۶»؛ «ایران: مرکز تحقیقات هسته‌ای، تهران، اژانویه ۱۹۷۶ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۶»؛ «صادرات هسته‌ای به ایران، اژانویه ۱۹۷۶ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷»؛ «ایران: قراردادهای مشاوره هسته‌ای، اژانویه ۱۹۷۷ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۸»؛ «ایران: مشاوره امنیت هسته‌ای، اژانویه ۱۹۷۵ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹»؛ «همکاری میان بریتانیا و ایران درباره مسائل انرژی هسته‌ای، اژانویه ۱۹۷۷ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۷»؛ «همکاری هسته‌ای با ایران، اژانویه ۱۹۷۸ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹» و «ایران: انرژی هسته‌ای اهمیت دارد، اژوئن ۱۹۸۲» (<http://discovery.nationalarchives.gov.uk/results/r/3?q=iran%20nuclear&p=1950>). بیشتر این اسناد از طریق بایگانی‌های «اداره انرژی اتمی بریتانیا»^۱ و وزارت نیروی این کشور به دست آمده است. استفاده از اسناد این آرشیو آزاد نیست و این اسناد پس از انجام مراحل و با پرداخت هزینه در اختیار پژوهش‌گران قرار می‌گیرد.

د- فهرست روزشمار اسناد هسته‌ای ایران در آرشیوهای آنلاین لاتین

براساس بررسی و ترجمه بیش از ۶۰۰ برگ سند از اسناد آرشیوهای آنلاین پیش‌گفته، مهم‌ترین اسناد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم به ترتیب تاریخ عبارت‌اند از:

تاریخ	رویداد
۵۸ دسامبر ۱۹۵۳/۱۷ آذر ۱۳۳۲	۱- سخنرانی آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا موسوم به «اتم برای صلح» در مجمع عمومی سازمان ملل.
۸ ژوئن ۱۹۵۴/۱۷ خرداد ۱۳۳۳	۲- پیشنهاد اولیه آیزنهاور برای تأسیس سازمانی بین المللی با هدف افزایش استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی.
۳۰ سپتامبر ۱۹۵۴/۷ مهر ۱۳۳۳	۳- زمان بندی پروژه اتم برای صلح.
۱ ژوئیه ۱۹۵۹/۱۰ خرداد ۱۳۳۸	۴- متن توافق نامه حقوقی و ایمنی آژانس بین المللی انرژی هسته ای.
۳۰ می ۱۹۶۱/۹ خرداد ۱۳۴۰	۵- یادداشت مکالمه رئیس جمهور کندی، بن گوریون نخست وزیر اسرائیل، آروم هارمن سفیر اسرائیل، میر فلدمن از کارکنان کاخ سفید، و فیلیس تالبوت، معاون وزیر امور خارجه، امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی، در [هتل] والدورف آستوریا، نیویورک، محرمانه.
۱۴ ژوئیه ۱۹۶۹/۲۳ تیر ۱۳۴۸	۶- سیاست هسته ای ایالات متحده در آسیا.
۱۴ اوت ۱۹۶۹/۲۳ مرداد ۱۳۴۸	۷- دستورالعمل دولت نیکسون درباره فن آوری پیشرفته و امنیت ملی.
۱۴ سپتامبر ۱۹۷۰/۲۳ شهریور ۱۳۴۹	۸- دستورالعمل دولت نیکسون در زمینه بررسی نیازهای امنیتی در زمینه فناوری غنی سازی اورانیوم.
۱۳ مارس ۱۹۷۳/۲۳ اسفند ۱۳۵۰	۹- سیاست ایالات متحده درباره انتقال اورانیوم بسیار غنی شده.

جدول



تاریخ	رویداد
۲۵ ژوئن ۱۹۷۳/۴ تیر ۱۳۵۱	۱۰- «پیگیری جلسه رئیس‌جمهور نیکسون با شاه ایران»، یادداشت از هنری کیسینجر به دبیران امور خارجه و دفاع، سری.
۱۳ فوریه ۱۹۷۳/۲۴ بهمن ۱۳۵۱	۱۱- سیاست اتمی آمریکا (دوران نیکسون).
۲۴ ژوئای ۱۹۷۳/۲ مرداد ۱۳۵۲	۱۲- یادداشت‌هایی برای پرونده رئیس‌جمهور، از هنری کیسینجر وزیر امور خارجه آمریکا، ملاقات شاه با نیکسون و کیسینجر، دفتر بیضی کاخ سفید، سخنان شاه درباره برنامه‌های اتمی اقتصادی ایران و روابط بین الملل.
۲۷ ژوئای ۱۹۷۳/۵ مرداد ۱۳۵۲	۱۳- یادداشت‌های مذاکره، گفت‌وگوی شاه و اردشیر زاهدی سفیر ایران در آمریکا با هنری کیسینجر دستیار رئیس‌جمهور نیکسون، ریچارد هلمز سفیر آمریکا در تهران و هارولد اج ساندرز از ستاد شورای امنیت ملی آمریکا.
۲۰ فوریه ۱۹۷۴/۱ اسفند ۱۳۵۲	۱۴- دستورالعمل دولت نیکسون درباره سیاست ممنوعیت آزمایش هسته‌ای.
۲۳ مه ۱۹۷۴/۲ خرداد ۱۳۵۳	۱۵- دستورالعمل دولت نیکسون در زمینه پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای.
۲۴ ژوئن ۱۹۷۴/۳ تیر ۱۳۵۳	۱۶- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «مصاحبه با شاه و پرسش درباره برنامه‌های احتمالی ایران برای ساخت تسلیحات اتمی»، سند از طبقه‌بندی خارج شده
۲۵ ژوئن ۱۹۷۴/۴ تیر ۱۳۵۳	۱۷- تلگراف سفارت آمریکا در پاریس به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «توضیحات بیشتر شاه درباره سلاح‌های هسته‌ای»، سند از طبقه‌بندی خارج شده

جدول



تاریخ	رویداد
۲۵ ژوئن ۱۹۷۴/۴ تیر ۱۳۵۳	۱۸- سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «بیانیه شهادت شاه درباره سلاح‌های هسته‌ای»، محرمانه.
اواخر ژوئن ۱۹۷۴/ اوایل تیر ۱۳۵۳	۱۹- گزارش دفتر دستیار وزیر دفاع برای امور امنیتی بین‌المللی به وزیر دفاع آمریکا: «همکاری انرژی هسته‌ای با ایران»/ یادداشت اقدام.
۱ جولای ۱۹۷۴/۱۰ تیر ۱۳۵۳	۲۰- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه: «اهداف ایران در زمینه هسته‌ای»، محرمانه.
۲۳ اوت ۱۹۷۴/۱ شهریور ۱۳۵۳	۲۱- برآورد ویژه سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا: «چشم‌انداز گسترش بیشتر سلاح‌های هسته‌ای».
۴ دسامبر ۱۹۷۴/۱۳ آذر ۱۳۵۳	۲۲- گزارش کمیته امنیت ملی به معاون وزیر دفاع آمریکا و همکاران، بانام «سیاست ایالات متحده درباره عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای».
۱۱ دسامبر ۱۹۷۴/۲۰ آذر ۱۳۵۳	۲۳- «موافقت‌نامه انرژی هسته‌ای برای همکاری با ایران».
۱۴ مارس ۱۹۷۵/۱۳ اسفند ۱۳۵۳	۲۴- قرارداد همکاری ایران و آمریکا در زمینه استفاده صلح‌آمیز از اتم/ رئیس‌جمهور فورد به بررسی مسائل مربوط به دستیابی به توافقی قابل قبول در زمینه همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای با دولت ایران پرداخته‌است.
آوریل ۱۹۷۵/ فروردین ۱۳۵۴	۲۵- «توافق‌نامه همکاری هسته‌ای با ایران»، گزارش گروه کاری NSSM ۲۱۹، محرمانه.
۱۵ آوریل ۱۹۷۵/۲۶ فروردین ۱۳۵۴	۲۶- تلگراف به وزارت امور خارجه / سفارت آمریکا در تهران، «پیشنویس توافق‌نامه انرژی اتمی»، محرمانه.

جدول



تاریخ	رویداد
۱۸ آوریل ۱۹۷۵/۲۹ فروردین ۱۳۵۴	۲۷- معاون وزیر امور خارجه -رابرت انگرسول- به دستیار رئیس جمهور در امور امنیت ملی [کیسینجر]، «پاسخ وزارت امور خارجه به NSSM ۲۱۹ (همکاری هسته‌ای با ایران)»، محرمانه.
۲۲ آوریل ۱۹۷۵/۲ اردیبهشت ۱۳۵۴	۲۸- تحقیق گروه پژوهشی مطالعات امنیت ملی: «همکاری هسته‌ای ایران و آمریکا». رئیس جمهور فوراً تحقیق مذکور را مطالعه کرده و نظرات و توصیه‌های خود را بیان کرده‌است.
۲۲ آوریل ۱۹۷۵/۲ اردیبهشت ۱۳۵۴	۲۹- یادداشت ۲۹۲ تصمیم‌گیری امنیت ملی، «همکاری هسته‌ای ایالات متحده-ایران»، امضا توسط هنری کیسینجر، محرمانه.
۲۲ آوریل ۱۹۷۵/۲ اردیبهشت ۱۳۵۴	۳۰- نامه کیسینجر درباره همکاری‌های هسته‌ای ایالات متحده و ایران، محرمانه.
۲۵ آوریل ۱۹۷۵/۵ اردیبهشت ۱۳۵۴	۳۱- تلگراف وزیر دفاع -جیمز آر اشلیزنگر- به دستیار رئیس جمهور برای امور امنیت ملی آمریکا، «توافق نامه همکاری هسته‌ای با ایران: NSSM ۲۱۹»، محرمانه.
۱۶ مه ۱۹۷۵/۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۴	۳۲- یادداشت‌های مذاکره، شرکت شاه در جلسه‌ای با حضور فوراً رئیس جمهور آمریکا، هنری کیسینجر -وزیر امور خارجه و دستیار رئیس جمهور در امور امنیت ملی- و برنت اسکوکرافت -معاون دستیار رئیس جمهور در امور امنیت ملی- کاخ سفید/ گفت‌وگو در زمینه تحولات اقتصادی، انرژی و مسائل بین‌المللی.
مه ۱۹۷۵/اردیبهشت ۱۳۵۴	۳۳- خلاصه مقاله وزارت امور خارجه آمریکا، «همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز»، محرمانه.

جدول



تاریخ	رویداد
۲۴ مه ۱۹۷۴/۳ خرداد ۱۳۵۴	۲۴- تلگراف وزارت امور خارجه از واشنگتن به کنسول گری ایالات متحده در اورشلیم، محرمانه.
۱۷ جولای ۱۹۷۵/۲۶ تیر ۱۳۵۴	۲۵- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه: «انگیزه‌های شاه کاملاً شفاف نیستند»، «مراکز هسته‌ای چندملیتی: ارزیابی نگرش ایران به فراوری مجدد پلوتونیوم»، محرمانه.
۲۹ جولای ۱۹۷۵/۷ مرداد ۱۳۵۴	۲۶- لوییس آ. دان، مؤسسه هادسون، «ایران و سلاح‌های هسته‌ای»، خلاصه یادداشت‌های رسمی برای دفتر مدیرعامل، منطقه خاور نزدیک / جنوب آسیا، امور بین‌الملل، ژنرال گوردون سومنز جونیور، پنتاگون.
۲۵ اکتبر ۱۹۷۵/۳ آبان ۱۳۵۴	۳۷- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت [آمریکا] در تهران: «موافقت‌نامه هسته‌ای برای همکاری»، محرمانه.
۱۳ نوامبر ۱۹۷۵/۲۲ آبان ۱۳۵۴	۲۸- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «مصاحبه شاه با نشریه بیزنس ویک، انتشار به وسیله روزنامه انگلیسی زبان کیهان»، محرمانه.
۲۶ نوامبر ۱۹۷۵/۵ آذر ۱۳۵۴	۳۹- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «توافق‌نامه هسته‌ای ایالات متحده / ایران»، محرمانه.
۶ ژانویه ۱۹۷۶/۱۶ دی ۱۳۵۴	۴۰- تلگراف سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «سیاست هسته‌ای ایران»، محرمانه.
۱۹ مارس ۱۹۷۶/۲۹ اسفند ۱۳۵۴	۴۱- پیامی برای شاه ایران به مناسبت سال نو.

جدول



تاریخ	رویداد
۲۲ مارس ۱۹۷۶/۲ فروردین ۱۳۵۵	۴۲- مشاور امنیت ملی-برنت اسکوکرافت- به رئیس جمهور فورده: «پاسخ شاه به همکاری هسته‌ای»، محرمانه
۲۵ مارس ۱۹۷۶/۵ فروردین ۱۳۵۵	۴۳- یادداشت معاون وزیر امور خارجه -چارلز رابینسون- به هتری کیسینجر، «جلسه درباره مذاکرات هسته‌ای با ایران»، ۱۴ آوریل ۱۹۷۶: «مرحله بعدی در مذاکرات هسته‌ای ما با ایران»، محرمانه.
۴ آوریل ۱۹۷۶/۱۵ فروردین ۱۳۵۵	۴۴- نامه‌ای از اکبر اعتماد- رئیس سازمان انرژی اتمی ایران- به هانس هیلگر هانشلید- معاون وزیر در وزارت تحقیقات و فن آوری فدرال آلمان غربی.
۱۵ آوریل ۱۹۷۶/۲۶ فروردین ۱۳۵۵	۴۵- تلگراف سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه: «سازمان انرژی اتمی ایران»، محرمانه.
۱۶ آوریل ۱۹۷۶/۲۷ فروردین ۱۳۵۵	۴۶- تلگراف دیوید البوت، رابرت اوکلی، کارکنان شورای امنیت ملی، به برنت اسکوکرافت: «مذاکرات هسته‌ای با ایران»، محرمانه.
۱۹ آوریل ۱۹۷۶/۳۰ فروردین ۱۳۵۵	۴۷- تلگراف برنت اسکوکرافت به رئیس جمهور فورده: «مذاکره توافقی هسته‌ای با ایران»، محرمانه.
۲۰ آوریل ۱۹۷۶/۳۱ فروردین ۱۳۵۵	۴۸- مطالعه گزارش دکتر سی منز درباره همکاری هسته‌ای آمریکا با ایران، به وسیله رئیس جمهور فورده.
۱۲ مه ۱۹۷۶/۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۵	۴۹- یادداشت مکالمه، تلگراف پیشنهادی آمریکا به تهران درباره بازپرسی اورانیوم پاکستان، محرمانه.
۲۸ مه ۱۹۷۶/۷ خرداد ۱۳۵۵	۵۰- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا، به سفارت تهران: «توافق نامه هسته‌ای ایران»، محرمانه.

جدول



تاریخ	رویداد
۲ ژوئن ۱۲/۱۹۷۶ خرداد ۱۳۵۵	۵۱- تلگراف وزارت خارجه آمریکا به سفارت تهران: «توافق نامه هسته‌ای با ایران»، محرمانه.
۷ ژوئن ۱۷/۱۹۷۶ خرداد ۱۳۵۵	۵۲- سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، تلگراف به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «توافق نامه هسته‌ای ایران»، محرمانه.
۷ ژوئن ۱۷/۱۹۷۶ خرداد ۱۳۵۵	۵۳- سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، تلگراف به وزارت امور خارجه، واشنگتن، «دیدگاه ایران درباره عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و همکاری‌های هسته‌ای ایالات متحده و ایران»، سری.
۲ ژوئیه ۱۱/۱۹۷۶ تیر ۱۳۵۵	۵۴- قرارداد همکاری‌های اتمی ایران و آلمان غربی و نارضایتی مقامات آمریکا از توسعه نقش آلمان در صنعت هسته‌ای ایران / یادداشت مکالمه «دیدار کیسینجر - وزیر امور خارجه آمریکا - با سفیر آلمان غربی - فون استادن - درباره توافق نامه مابین ایران و آلمان غربی برای همکاری‌های هسته‌ای»، سری.
۲۳ جولای ۱/۱۹۷۶ مرداد ۱۳۵۵	۵۵- سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، تلگراف به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «پیش شرط‌های ایران برای موافقت نامه انرژی اتمی»، محرمانه.
۱۳ اوت ۲۲/۱۹۷۶ مرداد ۱۳۵۵	۵۶- یادداشت برای هنری کیسینجر - وزیر امور خارجه آمریکا - از طرف چارلز رابینسون - معاون وزیر خارجه - مذاکرات هسته‌ای با ایران»، سری.
۱۸ اوت ۲۷/۱۹۷۶ مرداد ۱۳۵۵	۵۷- یادداشت برای هنری کیسینجر - وزیر امور خارجه آمریکا - از طرف چارلز رابینسون - معاون وزیر امور خارجه - مذاکرات هسته‌ای با ایران»، سری.
اوت ۱۹۷۶ /اواخر مرداد ۱۳۵۵	۵۸- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «مباحث انرژی هسته‌ای»، محرمانه، با حاشیه نویسی و کاریکاتور توسط مقامات پنتاگون.

جدول



تاریخ	رویداد
۲۹ اکتبر ۱۹۷۶/۷ آبان ۱۳۵۵	۵۹- قدردانی فورد رئیس‌جمهور آمریکا از شاه در ارتباط با موضوع گیری ایران برای افزایش نیافتن قیمت نفت در اوپک.
۶ ژانویه ۱۹۷۷/۱۶ دی ۱۳۵۵	۶۰- یادداشت مکالمه: «جلسه کیسینجر - وزیر امور خارجه - با کمیته مشورتی کلی کنترل و خلع سلاح»، محرمانه.
۱۳ ژانویه ۱۹۷۷/۲۳ دی ۱۳۵۵	۶۱- گزارش «تأمین غنی‌سازی و تکنولوژی در خارج از ایالات متحده»، مالکیت ایران بر بخشی از کنسرسیوم غنی‌سازی چندملیتی سازمان‌یافته فرانسه، تهیه شده توسط س. آ. لویین و س. بلومکین برای اداره تحقیقات و توسعه انرژی ایالات متحده.
۷ فوریه ۱۹۷۷/۱۷ بهمن ۱۳۵۵	۶۲- سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، تلگراف به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «نیروی هسته‌ای: نظرات رئیس سازمان انرژی اتمی ایران»، سند از طبقه بندی خارج شده.
۱۴ فوریه ۱۹۷۷/۲۵ بهمن ۱۳۵۵	۶۳- سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران، تلگراف به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «برنامه‌های سازمان انرژی اتمی ایران برای مرکز فناوری هسته‌ای اصفهان»، سری.
۲۵ فوریه ۱۹۷۷/۶ اسفند ۱۳۵۵	۶۴- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت [آمریکا] در تهران: «توافق دوجانبه ایالات متحده و ایران برای همکاری‌های هسته‌ای»، محرمانه.
۱۸ آوریل ۱۹۷۷/۲۹ فروردین ۱۳۵۶	۶۵- گزارش کنسول آمریکا در شیراز به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «کنفرانس پرسپولیس شیراز درباره انتقال فناوری هسته‌ای»، محرمانه.
۱۱ مه ۱۹۷۷/۲۱ اردیبهشت ۱۳۵۶	۶۶- سفارت ایالات متحده در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «سازمان انرژی اتمی ایران»، محرمانه.

جدول



تاریخ	رویداد
۱۲ مه ۱۹۷۷/۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶	۶۷- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «صادرات اورانیوم غنی شده به ایران»، محرمانه.
۱۶ مه ۱۹۷۷/۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۶	۶۸- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «توافق نامه همکاری هسته‌ای ایالات متحده و ایران و مباحث انرژی آمریکا و ایران»، محرمانه.
۱۹ مه ۱۹۷۷/۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۶	۶۹- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت [آمریکا] در تهران: «صادرات اورانیوم غنی شده به ایران»، محرمانه.
۳۰ ژوئن ۱۹۷۷/۳۰ خرداد ۱۳۵۶	۷۰- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «گفت‌وگو با شاه»، محرمانه.
۱۷ مه ۱۹۷۸/۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۷	۷۱- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت [آمریکا] در تهران، «موافقت نامه همکاری هسته‌ای ایالات متحده و ایران»، محرمانه.
۱۷ اوت ۱۹۷۸/۲۶ مرداد ۱۳۵۷	۷۲- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «ارزیابی مجدد برنامه‌های انرژی هسته‌ای ایران»، محرمانه.
۶ سپتامبر ۱۹۷۸/۱۵ شهریور ۱۳۵۷	۷۳- تلگراف وزارت امور خارجه آمریکا به سفارت [آمریکا در] کانبرا، استرالیا: «مقررات موافقت نامه هسته‌ای ایالات متحده و ایران»، سری.
۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸/۳۰ شهریور ۱۳۵۷	۷۴- تلگراف سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه، واشنگتن: «فعالیت‌های هسته‌ای ایران»، محرمانه.

جدول



۴. نتیجه

بررسی پرونده هسته‌ای دوره پهلوی دوم نشانگر دیپلماسی پیش‌رونده و چندلایه‌ای با حمایت دول غربی به‌ویژه ایالات متحده است. البته این دیپلماسی با اتکانکردن صرف به کشوری خاص - برای جلوگیری از وابستگی و پیامدهای منفی آن - سعی کرد تا با ایجاد نوعی بازار رقابت، شرکت‌های صاحب‌نفوذ و دارنده تکنولوژی اتمی جهان را به کارکرد هرچه افزون‌تر در ایران تشویق کند. براین اساس بود که مقامات سازمان انرژی اتمی دولت شاهنشاهی، علاوه بر همکاری با شرکت‌های اروپایی و آمریکایی، روابط تنگاتنگی را نیز با اتحاد شوروی، هندوستان، کشورهای آفریقایی، ژاپن، آرژانتین، اتریش و ... برقرار کردند. استفاده از تکنولوژی این کشورها و بومی‌سازی آن، از مهم‌ترین اهداف مقامات ایران بود. پیوندهای تنگاتنگ ایران با ایالات متحده آمریکا و جهان صنعتی به‌ویژه در دوران حکومت ریچارد نیکسون - که بخش اعظم نیازمندی‌های نظامی و صنعتی و اقتصادی تهران در اسرع وقت و بدون هیچ‌گونه اصطکاک، تقابل و ضدیتی حاصل می‌شد - از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل تشدید روند تحقیقات هسته‌ای ایران در دهه ۱۳۵۰ ش/۱۹۷۰ م بود و محرک دولت شاهنشاهی در ساخت نیروگاه‌های اتمی شد. مجموعه اسناد فعالیت‌های هسته‌ای به علت اهمیت فوق‌العاده امنیتی، در بخش مهمی از کشورهای جهان جنبه سری و طبقه‌بندی شده دارند؛ این وضعیت برای تاریخ تحرکات اتمی دولت پهلوی دوم نیز کاملاً صدق می‌کند. در نتیجه، مطالعه این بخش از تاریخ معاصر ایران برای پژوهش‌گران همواره با دشواری و سردرگمی روبه‌رو بوده است. با انتشار آنلاین اسناد بسیار مهم فعل و انفعالات صنایع اتمی ایران در آرشیوهای دیجیتال آمریکا و اروپا، دریچه‌های نوینی از داده‌های کم‌یاب و محرمانه برای محققان گشوده شد. با مطالعه این مدارک آرشیوی، نقاط مبهم بسیاری، زدوده و افتادگی‌های متعددی برطرف شد. براین اساس هرگونه نوشتاری درباره تاریخ تحولات و دیپلماسی هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم بدون توجه به این‌گونه اسناد، کاملاً خام و ناقص خواهد بود.

منبع

اسناد

استادوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه)

۵۰/۲۹ ۱۱۱۱۶

۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش، کارتن ۴۸، پرونده ۵-۲؛

۱۳۵۳-۱۳۵۴ ش، کارتن ۵۳، پرونده ۲-۵۰۰؛



۱۳۵۳-۱۳۵۴ش، بخش حقوقی، کارتن شماره ۳۹۰، پرونده شماره ۹-۱-۶۹۶ تا ۱۵-۱-۶۹۶؛
 ۱۳۵۶-۱۳۵۷ش، کارتن ۸۵ پرونده ۲-۴۵۰؛
 ۱۳۵۸ش، کارتن ۹۰، پرونده ۱-۱۲۸؛
 ۱۳۵۸-۱۳۶۳ش، اسناد حقوقی، گزارش خلاصه وضع سرمایه‌گذاری دولت ایران در خارج، دستور جلسه
 مورخ ۱۳۵۸/۳/۳۱ دولت موقت، بدون شماره.

سالا (سازمان انرژی اتمی ایران): ۳۶۴۷۶.

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

۱۷۴۶/الف؛ ۹۱/۳۷۰/۶۲؛ ۴۶۷/۲؛ ۲۲/۷۶؛ ۲۲۰/۸۵۸۶؛ ۲۲۰/۸۷۱۵؛ ۲۲۰/۱۹۱۹۰؛ ۲۲۰/۲۰۱۰۲؛
 ۲۳۰/۳۶۴۱؛ ۲۳۰/۳۹۱۳۲؛ ۲۳۰/۴۱۵۹۱؛ ۲۳۰/۸۲۲۶۸؛ ۲۴۰/۸۳۶۶۵؛ ۲۴۰/۸۸۱۷۷؛ ۲۹۳/۱۳۲۲۶۹؛
 ۳۷۰/۹۷۵۷؛ ۲۹۷/۵۱۸۴۱.

کهام (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

۲۱/۲۲۰/۰/۱۴؛ ۲۳/۴۱/۰/۴۵۴؛ ۲۳/۶۵/۰/۰/۵۹۶؛ ۲۳/۲۱۰/۲۲۰؛ ۲۴/۲۹/۰/۲۴۰؛ ۲۴/۱۲/۰/۱۳۴؛
 IRالف۳۰۴۹؛ IRالف۳۱۲۲؛ IRالف۳۱۲۳؛ IRالف۳۱۲۹.

متما (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران): ۵-۳-۶۷۲-۵-۶۱-۶۳۵-۱۱۸؛ ص: ۶۲-۶۳۵-۱۱۸.

کتاب

بنیاد مطالعات ایران. (۲۰۰۵). *برنامه انرژی اتمی ایران، تلاش‌ها و تنش‌ها (مصاحبه با اکبر اعتماد نخستین رئیس سازمان انرژی اتمی ایران)*. (کوشش گر و ویراستار، غلامرضا افخمی). زمان مصاحبه نوامبر ۱۹۸۲ در پاریس، آرشیو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، مجموعه توسعه و عمران ایران، بخش ۲. سازمان انرژی اتمی ایران. (خرداد و تیر ۱۳۵۵). *آگاهی‌نامه سازمان انرژی اتمی ایران: نشریه داخلی*. روابط عمومی سازمان انرژی اتمی ایران. سازمان انرژی اتمی ایران. (آذر و دی ۱۳۵۵). *آگاهی‌نامه سازمان انرژی اتمی ایران: نشریه داخلی*. روابط عمومی سازمان انرژی اتمی ایران. سازمان انرژی اتمی ایران. (بهمن و اسفند ۱۳۵۵). *نشریه داخلی*. روابط عمومی سازمان انرژی اتمی ایران. سازمان انرژی اتمی ایران. (تیر ۱۳۵۴). *گزارش فعالیت سالیانه*. تهران: انتشارات سازمان انرژی اتمی ایران. سازمان انرژی اتمی ایران. (تیر ۱۳۵۵). *گزارش فعالیت سالیانه*. تهران: انتشارات سازمان انرژی اتمی ایران. سازمان انرژی اتمی ایران. (تیر ۱۳۵۷). *گزارش فعالیت سالیانه، گزارش سالانه ش.ع*. تهران: انتشارات



سازمان انرژی اتمی ایران.

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه. (۱۳۸۶). *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

مقاله

چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۸۶). «نیروگاه اتمی بوشهر، از شکل‌گیری تا دولت موقت انقلاب». چاپ‌شده در کتاب: *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*. تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

چمنکار، محمدجعفر. (۱۳۹۲). «چگونگی سیاست و موضع‌گیری آمریکا در برابر برنامه اتمی دولت پهلوی دوم». *تاریخ اسلام و ایران*، س ۲۳، دوره جدید، ش ۱۹، ش پیاپی ۱۰۹، پاییز.

نشریات

آیندگان: ۱۳۵۶/۴/۸؛ ۱۳۵۶/۸/۲۱؛ ۱۳۵۶/۹/۲۳؛ ۱۳۵۶/۱۰/۱۲؛ ۱۳۵۶/۱۰/۱۲

اطلاعات: ۱۳۵۳/۷/۱۰؛ ۱۳۵۳/۷/۱۱؛ ۱۳۵۳/۷/۱۲؛ ۱۳۵۳/۷/۱۷؛ ۱۳۵۳/۱۱/۱۰؛ ۱۳۵۴/۱۰/۴؛ ۱۳۵۴/۱۲/۲۳؛ ۱۳۵۵/۱۲/۲۳

۱۳۵۶/۱/۲۹

رستاخیز: ۱۳۵۶/۲/۱۸؛ ۱۳۵۷/۲/۱۷

کیهان: ۱۳۵۳/۳/۲۱؛ ۱۳۵۳/۸/۱۹؛ ۱۳۵۳/۱۰/۱؛ ۱۳۵۳/۱۲/۲۲؛ ۱۳۵۶/۶/۷؛ ۱۳۵۶/۱۲/۲۱؛ ۱۳۵۷/۷/۲۳

لاتین

ALbright, David. (1995). "An Iranian Bombs?". *Bulletin of the Atomic Scientists*, Washington DC, January.

Burr, William. (2009). "A Brief History of U.S.-Iranian Nuclear Negotiations". *Bulletin of the Atomic Scientists*, 65(1), pp 21-34, January.

Hooglund, Eric J. (1990). *Iran: The making of us Policy, 1977-1980*. Alexandria, VA: chadwyck-Healey.

Howard, Adam M; Van Hook, James C. (Editors). (2017). *Foreign Relations of the United States, 1952-1954: Iran, 1951-1954*. United States Government Publishing Office, Washington.

kayhan International. (1974). "Iran is Interested In Uranium". 29 june.

Kessler, Richard. (1987). "Argentina offers Research reactor upgrade And New

unit for Iran”. *Nucleonics Week*, 22 January.

us Department of state. (1957). “Atoms For Peace Agreement with Iran”. *Department of state Bulletin*, 36, 15 April. In: Daniel Palleman: *Nuclear Power In the Developing World*. London, George Allen And unwin, 1982.

منابع اینترنتی

- http://discovery.nationalarchives.gov.uk/results/r/3?_q=iran%20nuclear&_p=1950
<https://digitalarchive.wilsoncenter.org>
<https://digitalarchive.wilsoncenter.org/document/176330>
<https://history.state.gov>
<https://history.state.gov/countries/iran>
<https://history.state.gov/departmenthistory>
<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1951-54Iran>
<https://history.state.gov/search?q=carter+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=ford+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Johnson+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Kennedy++and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=nixon+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Truman+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://nsarchive2.gwu.edu/nsa/publications/iran/iran.html#OVERVIEW>
<https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB267>
<https://nsarchive2.gwu.edu/nukevault/ebb268>
<https://www.archives.gov>
<https://www.auswaertiges-amt.de>



https://www.bbc.com/persian/iran/story/2007/12/071227_bd-mt-archive-intro
<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-digital.aspx>
<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-library.aspx>
<https://www.fordlibrarymuseum.gov/library/document/0351/1555814.pdf>
<https://www.fordlibrarymuseum.gov/visit-library.aspx>
<https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/iaea-and-iran-iaea-reports>
<https://www.iaea.org/resources/archives/access/visits>
<https://www.jfklibrary.org/asset-viewer/archives/JFKNSF/340/JFKNSF-340-016>
<https://www.mtholyoke.edu>
<https://www.museumwonderland.com>
<https://www.oxfordresearchgroup.org.uk/orgs-vision>

English Translation of References

Documents

Estādox (Edāre-ye Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejah)
(Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

11116 29/50;

1353 – 1354 SH / 1974 – 1975 AD, Box 48, Folders 2 – 5;

1353 – 1354 SH / 1974 – 1975 AD, Box 53, Folders 2 – 500;

1353 – 1354 SH / 1974 – 1975 AD, Baxš-e Hoquqi (Legal part), Box 390,
Folders 696 –1–9 to 696 –1–15;

1356 – 1357 SH / 1977 – 1978 AD, Box 85, Folders 2 – 450;

1358SH / 1979 AD, Box 90, Folders 1 – 128;

1358 – 1363 SH / 1978 – 1984 AD, “*Asnād-e Hoquqi, Gozāreš-e xolāse-ye vaz’-e sarmāye-gozāri-ye dowlat-e Irāndarxārej, Daštur-e jalase-ye movarrax-e 1358/3/31 SH Dowlat-e movaqqat*” (Legal documents, summary report on the investment situation of the Iranian government abroad, the order of the meeting dated 1358/3/31 SH / 21 June 1979 AD by the interim government), unnumbered. [Persian]

Kemām (Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi) Li-



brary, Museum and Document Center of Iran Parliament)

ق21/220/0/14; ق23/41/0/454; ق23/65/0/596; ق23/65/0/220; الف IR3129; الف IR3123; الف IR3122; الف IR3049; ق24/29/0/240; ق24/12/0/134.[Persian]

Motmā(Mo'assese-ye Motāle'āt-e Tārix-e Mo'āser-e Irān) (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies) (www.Iichs.org); ص61 – 635 – 118; 5 – 3 – 672 – د – 62 – 635 – 118ص.[Persian]

Sāāā (Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān)(Atomic Energy Organization of Iran) (AEOI): 36476. [Persian]

Sākmā(Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān) (National Library and Archives of Iran)

1746/; 91/370/62; 468/2; 220/8586; 220/8715; 220/19190; 220/20102; 230/36410; 230/39132; 230/41591; 240/83665; 293/48877; 293/132269; 297/51841; 370/9757. [Persian]

Books

Bonyad-e Motāle'āt-e Irān (Foundation for Iranian Studies). (2005). *“Barnāme-ye enerži-ye atomi-ye Irān, talāš-hāvātaneš-hā (Mosāhehbā Akbar-e E'temādnokostinraees-e Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān)”* (Iran's atomic energy program, efforts and tensions (Interview with Akbar Etemad, the first head of the Atomic Energy Organization of Iran)). Edited by Gholamreza Afkhami. Time of the interview November 1982 in Paris, Āršiv-e Tārix-e Šafāhi-ye Bonyād-e Motāle'āt-e Irān (Oral History Archive of the Foundation for Iran Studies), Majmu'e-ye Towse'eva 'Omrān-e Irāān (The collection of the Development and Construction of Iran), Part 2.[Persian]

Hooglund, Eric J.(1990). *Iran: The making of US Policy, 1977-1980*. Alexandria, VA: chadwyck-Healey.

Howard, Adam M; Van Hook, James C. (Editors). (2017). *Foreign Relations of the United States, 1952-1954: Iran, 1951–1954*. United States Government Publishing Office, Washington.

Markaz-e AsnādvaTārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Department



of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs). (1386/2007). *“Tārixče-ye enerži-ye haste-eedarIrānvajahān”* (A historical review of nuclear energy in Iran and the world). Tehran: Markaz-e AsnādvāTārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (XordādvaTir 1355/ June & July 1976). *“Āgāhi-nāme-ye Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān: Našriye-ye dāxeli”* (Bulletin of the Atomic Energy Organization of Iran: Internal publication). Ravābet ‘Omumi-ye Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Public Relations Department of the Atomic Energy Organization of Iran (AEOI)).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (Āzarva Dey 1355/ December 1976 & January 1977). *“Āgāhi-nāme-ye Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān: Našriye-ye dāxeli”* (Bulletin of the Atomic Energy Organization of Iran: internal publication). Ravābet ‘Omumi-ye Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Public Relations Department of the Atomic Energy Organization of Iran (AEOI)).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (Bahman-vaEsfand 1355/ February&March 1977). *“Našriye-ye dāxeli”* (Internal publication). Ravābet ‘Omumi-ye Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Public Relations Department of the Atomic Energy Organization of Iran (AEOI)).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (Tir 1354/ July 1975). *“Gozāreš-e fa’āliyat-e sāliyāneh”* (Annual activity report). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran (AEOI) Publications).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (Tir 1355/ July 1976). *“Gozāreš-e fa’āliyat-e sāliyāneh”* (Annual activity report). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran (AEOI) Publications).[Persian]

Sāzmān-e EneržiAtomi-ye Irān (Atomic Energy Organization of Iran). (Tir 1357/ July 1978). *“Gozāreš-e fa’āliyat-e sāliyāneh, Gozāreš-e sālāne-ye šomāre 4”* (Annual activity report, annual report no. 4). Tehran: Enteshārāt-e Sāzmān-e EneržiAtomi-ye

Irān (Atomic Energy Organization of Iran (AEOI) Publications).[Persian]

Articles

Albright, David. (1995). "An Iranian Bombs?". *Bulletin of the Atomic Scientists*, Washington DC, January.

Burr, William. (2009). "A Brief History of U.S.-Iranian Nuclear Negotiations". *Bulletin of the Atomic Scientists*, 65(1), pp 21-34, January.

Chamankar, Mohammad Jafar. (1386/2007). "Nirugāh-e atomi-ye Bušehr, azšeklğiritādowlat-e movaqqat" (Bushehr nuclear power plant, from its formation to the interim government of the revolution). In *"Tārixčē-ye enerži-ye haste-edarIrānvajahān"* (A historical review of nuclear energy in Iran and the world). Tehran: Markaz-e AsnādvaTārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs).[Persian]

Chamankar, Mohammad Jafar. (1392/2013). "Čegunegi-ye siyāsatvamowze'giri-ye Āmrikādarbarābar-e barnāme-ye atomi-ye dowlāt-e Pahlavi-ye dovvom" (America's policy and stance against the nuclear program of the second Pahlavi government). *Tārix-e EslāmvaIrān* (History of Islam and Iran), year 23, new vol., issue no. 19, series 109, Fall.[Persian]

"Iran is interested in uranium". (29 June 1974). *Kayhan International*.

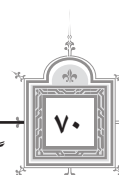
Kessler, Richard. (1987). "Argentina offers Research reactor upgrade And New unit for Iran". *Nucleonics Week*, 22 January.

US Department of state. (1957). "Atoms For Peace Agreement with Iran". *Department of state Bulletin*, 36, 15 April. In: Daniel Palleman: *Nuclear Power in the Developing World*. London, George Allen And unwin, 1982.

Press

Āyandegān: 1356/4/8 SH / 29 June 1977; 1356/8/21 SH / 12 November 1977; 1356/9/23 SH / 14 December 1974; 1356/10/12 SH / 2 January 1978.[Persian]

Ettelā'āt: 1353/7/10 SH / 2 October 1974; 1353/7/11 SH / 3 October 1974; 1355/7/12 SH / 4 October 1976; 1353/7/17 SH / 9 October 1974; 1353/11/10 SH / 30



January 1975; 1354/10/4 SH / 25 December 1975; 1355/12/23 SH / 14 March 1977;
1356/1/29 SH / 8 April 1977.[Persian]

Keyhān: 1353/3/21 SH / 11 June 1974; 1353/8/19 SH / 10 November 1974;
1353/10/1 SH / 22 December 1974; 1356/2/22 SH / 12 May 1977; 1356/6/5 SH / 27 Au-
gust 1977; 1356/12/21 SH / 12 March 1978; 1357/7/23 SH / 15 October 1978.[Persian]

Rastāxiz: 1356/2/18 SH / 8 May 1977; 1357/2/17 SH / 7 May 1977.[Persian]

Online sources

http://discovery.nationalarchives.gov.uk/results/r/3?_q=iran%20nuclear&p=1950
<https://digitalarchive.wilsoncenter.org>
<https://digitalarchive.wilsoncenter.org/document/176330>
<https://history.state.gov>
<https://history.state.gov/countries/iran>
<https://history.state.gov/departmenthistory>
<https://history.state.gov/historicaldocuments/frus1951-54Iran>
<https://history.state.gov/search?q=carter+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=ford+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Johnson+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Kennedy++and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=nixon+Administration+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://history.state.gov/search?q=Truman+and+iran&within=entire-site&sort-by=relevance>
<https://nsarchive2.gwu.edu/nsa/publications/iran/iran.html#OVERVIEW>
<https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB267>
<https://nsarchive2.gwu.edu/nukevault/ebb268>



<https://www.archives.gov>

<https://www.auswaertiges-amt.de>

https://www.bbc.com/persian/iran/story/2007/12/071227_bd-mt-archive-intro

<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-digital.aspx>

<https://www.fordlibrarymuseum.gov/collections-library.aspx>

<https://www.fordlibrarymuseum.gov/library/document/0351/1555814.pdf>

<https://www.fordlibrarymuseum.gov/visit-library.aspx>

<https://www.iaea.org/newscenter/focus/iran/iaea-and-iran-iaea-reports>

<https://www.iaea.org/resources/archives/access/visits>

<https://www.jfklibrary.org/asset-viewer/archives/JFKNSF/340/JFKNSF-340-016>

<https://www.mtholyoke.edu>

<https://www.museumwonderland.com>

<https://www.oxfordresearchgroup.org.uk/orgs-vision>





جناب امیر عباس هودا تخت‌زیر

پروفرمان نوبخ هجدهم انصافه کجزاره سیصد و پنجاه و دو در باره تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران

بدینوسیله ابلاغ می‌نمایم که ریاست عالی سازمان بزوررا خود مامنده دارخواهم بود بطوریکه این سازمان

بود وظایف خود را تحت نظر مستقیم انجام دهد. کلاخ مفید بعد آباد. تاریخ مینیم مرداد ۱۳۵۳ شمسی

پیوست ۱

فرمان شاه درباره ریاست مستقیم
خود بر سازمان انرژی اتمی ایران
(۲۹ مرداد ۱۳۵۳)



DEPARTMENT OF DEFENSE
NATIONAL MILITARY COMMAND CENTER
MESSAGE CENTER

DZ
4.3
R

VZCZCMLT932ILN400 ~~CONFIDENTIAL~~
MULT

82599
SECT 60-DF-45389

ACTION
DISTR CUCS(01) DJS(03) SJCS(03) J3:(04) J3(08) J5(02) NMCC:(02)
SAGA(01) SECDEF(04) SECDEF: ASD:ISA(10) ATSD:AE(01) ASD:PA&E(01)
ASD:PA(01) DIA: :DIA(15) MCCC CMC CSAF
CNO WASH DC
CSA WASH DC
FILE(1)
(057)

IMMEDIATE

TRANSIT/010857Z/011014Z/001:17TOR1821012
ZNY CUCSC ZOC STATE
ESAU07HRA617

Dept. of State, RPS/IPS, Margaret P. Grafeld, Dir.
() Release () Excise () Deny () Declassify
Date 6/20/90 Exemption _____

OO RUEHC
DE RUEHHR #5389 1820928
ZNY CCCCC Z2H
O 010857Z JUL 74
FM AMEMBASSY TEHRAN
TO SECSTATE WASHDC IMMEDIATE 7126
BT

*This document is declassified
and available on the
NARA WEBSITE*

~~CONFIDENTIAL~~ TEHRAN 5389

Dept. of State, ISS/IPS, Margaret P. Grafeld, Dir.
() Release () Excise () Deny () Declassify
Exemption (b)(), E.O. 12958, 25x () ()
() Declassify after _____
With concurrence RSD (not obtained)
PS by Jim Bunker Date 6/17/92

FOR ACTING SECRETARY FROM AMBASSADOR

DELIVER OPENING OF BUSINESS

E.O. 11652: GDS
TAGS: PFOR, PARK, TECH, IK
SUBJECT: IRAN'S INTENTIONS IN NUCLEAR MATTERS

REFS (A) STATE 140768; (B) TEHRAN 5192

1. IN VIEW OF CONGRESSIONAL RESERVATIONS ABOUT PROVIDING ENRICHED URANIUM FOR MIDDLE-EAST POWER PLANTS AND APPARENT TEMPEST CAUSED BY SHAH'S ALLEGED STATEMENTS ON NUCLEAR WEAPONS, I WANT TO EMPHASIZE TO YOU PERSONALLY THAT THERE HAS BEEN NO CHANGE IN IRAN'S DECLARED POLICY NOT TO ACQUIRE NUCLEAR WEAPONS.

2. SHAH HIMSELF HAS DENIED HE EVER GAVE INTERVIEW TO LES INFORMATIONS WHICH ALLEGED HE HAD SAID IRAN WOULD ACQUIRE SUCH WEAPONS "SOONER THAN ONE WOULD THINK". IN RESPONSE TO LE MONDE REPORTER'S QUESTION ABOUT NON-PROLIFERATION, SHAH STATED IT WAS

PAGE 1

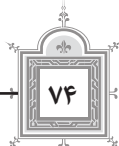
~~CONFIDENTIAL~~

08111001

پیوست ۲

تلگراف شماره ۵۳۸۹ سفارت آمریکا در تهران به وزارت امور خارجه: «اهداف ایران در زمینه هسته‌ای»، ۱ جولای ۱۹۷۴/۱۰ تیر ۱۳۵۳، محرمانه

R-1
08-M-0576



DEPARTMENT OF DEFENSE

NATIONAL MILITARY COMMAND CENTER
MESSAGE CENTER

~~C. D. ...~~

82599

STILL IRAN'S WISH TO MAKE MID-EAST A NUCLEAR-FREE ZONE, BUT PRUDENTLY ADDED THAT IF "EACH COUNTRY ATTEMPTS TO ARM ITSELF WITH ATOMIC WEAPONS; MAYBE THE INTEREST OF EACH REQUIRES THAT IT ARM ITSELF, BUT I REGARD ALL THESE POSSIBILITIES AS RIDICULOUS." AT HIS PARIS PRESS CONFERENCE JUNE 27 SHAH REAFFIRMED THAT IRAN'S POLICY IS NOT RPT NOT TO ACQUIRE NUCLEAR WEAPONS.

3. I HOPE FOREGOING RECAPITULATION SETS RECORD STRAIGHT AS FAR AS IRAN IS CONCERNED. IT MAY BE USED WITH MEMBERS OF CONGRESS TO EXTENT YOU DEEM ADVISABLE.

4. FOR YOUR OWN INFORMATION, BOTH ALAM AND KHALABARI HAVE DESCRIBED SHAH AS "VERY UPSET" AT US INABILITY TO SIGN ALL EIGHT ENRICHED URANIUM CONTRACTS.

HELMS
BT
#5389
ANNOTES
DNK 332

PAGE - 2

~~C. D. ...~~

00111061

NNNN
011014Z

ادامه پیوست ۲

تلگراف شماره ۵۲۸۹ سفارت آمریکا
در تهران به وزارت امور خارجه:
«اهداف ایران در زمینه هسته‌ای»،
۱ جولای ۱۹۷۴/۱۰ تیر ۱۳۵۳، محرمانه



Gen. Scowcroft

NATIONAL SECURITY COUNCIL
WASHINGTON, D.C. 20508

SECRET/GDS

April 22, 1975

National Security Decision Memorandum 292

TO: The Secretary of Defense
The Deputy Secretary of State
The Director, Arms Control and
Disarmament Agency
The Administrator, Energy Research and
Development Administration

SUBJECT: U.S. - Iran Nuclear Cooperation

The President has reviewed the study directed by NSSM 219 and has noted the comments and recommendations of the agencies. The President has decided that in negotiating an Agreement on Cooperation in the Civil Uses of Atomic Energy with the Government of Iran, the U.S. shall:

- Permit U.S. material to be fabricated into fuel in Iran for use in its own reactors and for pass-through to third countries with whom we have Agreements.
- Agree to set the fuel ceiling at a level reflecting the approximate number of nuclear reactors planned for purchase from U.S. suppliers. We would, as a fallback, be prepared to increase the ceiling to cover Iran's full nuclear requirement under the proviso that the fuel represents Iran's entitlement from their proposed investment in an enrichment facility in the U.S. Any additional entitlement could be disposed of by Iran without importing the material into that country through sales from the United States to appropriate third countries with whom the U.S. has bilateral Agreements for Cooperation.
- Continue to require U.S. approval for reprocessing of U.S. supplied fuel, while indicating that the establishment of a multinational reprocessing plant would be an important factor favoring such approval. As a fallback, we could inform the Government of Iran that we shall be prepared to provide our approval for reprocessing of U.S. material in a multinational plant in Iran if the country supplying the reprocessing technology or equipment is a full and active participant in the plant,

SECRET/GDS



DECLASSIFIED

Authority: NSC (LH) 60, 4/10/92
By: JLF 116 Date: 4/1/97

پیوست ۳

همکاری هسته‌ای ایران و آمریکا
(۲۲ آوریل ۱۹۷۵ / ۲ اردیبهشت ۱۳۵۴)



SECRET/GDS

2

and holding open the possibility of U.S. participation. The standard provision requiring mutual agreement as to safeguardability shall apply. An expression of U.S. willingness to explore cooperation in establishing such a facility at an appropriate time should Iran so desire, may be made.



Henry A. Kissinger

cc: Director of Central Intelligence

SECRET/GDS

ادامه پیوست ۳

همکاری هسته‌ای ایران و آمریکا
(۲۲ آوریل ۱۹۷۵/۲۰ دیهشت ۱۳۵۴)



April 04, 1976

Letter from Akbar Etemad, President of the Atomic Energy Organization of Iran, to Hans-Hilger Haunschild, Deputy Minister in the Federal Ministry of Research and Technology of FRG

Citation:

"Letter from Akbar Etemad, President of the Atomic Energy Organization of Iran, to Hans-Hilger Haunschild, Deputy Minister in the Federal Ministry of Research and Technology of FRG," April 04, 1976, History and Public Policy Program Digital Archive, PA AA, Zwischenarchiv, Bd. 119564.

Obtained by Dennis Romberg.

<http://digitalarchive.wilsoncenter.org/document/176330>

Summary:

Etemad acknowledges receipt of a letter from Haunschild with details of the contract to be signed for nuclear cooperation between West Germany and Iran.

Original Language:

English

Contents:

- English Transcription
- Scan of Original Document

پیوست ۴

نامه‌ای از اکبر اعتماد - رئیس سازمان انرژی اتمی ایران - به هانس هیلگر هانشلید - معاون وزیر در وزارت تحقیقات و فناوری فدرال آلمان غربی - (۴ آوریل ۱۹۷۶ / ۱۵ فروردین ۱۳۵۵)



NATIONAL SECURITY COUNCIL
WASHINGTON, D.C. 20505

SCOWCROFT
SI-File

~~CONFIDENTIAL~~

April 20, 1976

National Security Decision Memorandum 324

TO: The Secretary of State
The Secretary of Defense
The Director, Arms Control and
Disarmament Agency
The Administrator, Energy Research
and Development Administration

SUBJECT: Negotiation of a Nuclear Agreement with Iran

The President has reviewed the report of Dr. Seamans and the recommendations of the addressees regarding our nuclear negotiations with Iran and has approved the following negotiating position for the forthcoming talks convening on April 20 with the Iranian representative. The U.S. side should:

-- Seek a strong political commitment from Iran to pursue the multinational/binational reprocessing plant concept, according to the U.S. the opportunity to participate in the project. In addition to citing the economic rationale for such a facility, the U.S. side should underscore the potential role of the facility in serving mutual U.S. - COI non-proliferation in the region by offering Pakistan the possibility of participation in a multinational plant as an alternative to a national reprocessing facility.

-- Seek a commitment from Iran to consult closely with us on its prospective reprocessing plans before making any firm decision whether multinational or otherwise. The U.S. side should offer to help Iran assess, in detail, the economic viability of proceeding with any reprocessing venture and the modalities of possible multinational configurations.

-- In the event Iran agrees to make efforts to establish a multinational plant and is unsuccessful, the U.S. should have the option to recover the plutonium produced in US-supplied reactors or from US-supplied fuel either on the basis of buy-back or a fuel exchange.

DECLASSIFIED

~~CONFIDENTIAL~~

Authority NSC Memo: 3/15/98

By Lt NLF Date 3/13/98

پیوست ۵

«مذکره برای توافق هسته‌ای با ایران»
(۲۰ آوریل ۱۹۷۶/۳۱ فروردین ۱۳۵۵):
«مطالعه گزارش دکتر سی منز درباره همکاری هسته‌ای آمریکا با ایران به وسیله رئیس‌جمهور فورد و سفارش او به اخذ تعهد سیاسی قوی از ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم»



~~CONFIDENTIAL~~

2

Were the U.S. not to exercise this option, we would be prepared to consent to reprocessing in an Iranian plant subject to: (a) the continuing requirement that we be satisfied that the IAEA safeguards applied to the facilities are effective; and (b) Iranian agreement that the U.S. could supplement these IAEA safeguards through the assignment of U.S. technical personnel, if necessary. Should it prove essential, in the view of the negotiators, to the achievement of an ad referendum agreement, they are authorized to withdraw the plutonium buy-back option.

-- Seek (1) to maintain the integrity of the text of the basic draft Agreement for Cooperation in the Civil Uses of Atomic Energy, which includes a provision requiring mutual consent for the reprocessing, storage, and fabrication of plutonium derived from U.S. fuel or reactors, and (2) to provide Iran in an accompanying note a statement of the conditions, as outlined above, under which U.S. consent would be granted. If Iran objects strongly to this arrangement, the U.S. side should, in return for a clear high-level commitment from Iran to pursue the binational/multinational concept, agree to incorporate the statement of the conditions of consent in the body of the agreement.

If an ad referendum agreement is reached, key members of Congress and the Nuclear Regulatory Commission should be consulted to judge the acceptability of the agreement.


Brent Scowcroft

cc: The Chairman, Joint Chiefs of Staff
The Director of Central Intelligence

~~CONFIDENTIAL/GDS~~

ادامه پیوست ۵

«مذاکره برای توافق هسته‌ای با ایران»
(۲۰ آوریل ۱۹۷۶/۳۱ فروردین ۱۳۵۵):
«مطالعه گزارش دکتر سی منز درباره همکاری هسته‌ای آمریکا با ایران به وسیله رئیس جمهور فورد و سفارش او به اخذ تعهد سیاسی قوی از ایران در زمینه غنی‌سازی اورانیوم»



The Election Petitions of the Twenty-First National Consultative Assembly: An Analytical Survey

Hamid Basiratmanesh¹

Abstract:

Purpose: The purpose is to investigate the content of election petitions of the twenty-first National Consultative Assembly.

Method and Research Design: In order to distinguish the writers and the addressees of the petitions, and their contents, election petitions of eighteen constituencies were investigated using content analysis.

Findings and conclusions: The investigations clarified that a number of petitions were written before the election with the purpose of supporting a candidate and the addressees were the high-ranking authorities of the country, whereas the others were written after the election by the unsuccessful candidates or their political campaigns and the addressees were the board of control of the election, authorities of The Ministry of Interior and The National Consultative Assembly, The Royal Court and the king. The style and wording of the texts were in conformity with the current condition and discourse of the country and His Majesty's wishes.

Keywords: Petition; Election; The National Consultative Assembly, the twenty-first.

Citation: Basiratmanesh, H. (2022). The Election Petitions of the Twenty-First National Consultative Assembly: An Analytical Survey. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 82-121.
doi: 10.30484/ganj.2022.2933

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, I. R. Iran

basirat1341@yahoo.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2933

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 82 - 121 (40) | Received: 20, Nov. 2020 | Accepted: 13, May. 2021

Historical research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

تحلیل عرایض انتخاباتی دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی

حمید بصیرت منش^۱

چکیده:

هدف: بررسی محتوایی عرایض انتخاباتی در دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی.

روش / رویکرد پژوهش: این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به دنبال تحلیل محتوای عرایض دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی است. پژوهش برپایه اسناد و مدارک آرشیوی و به ویژه عرایض هجده حوزه انتخابی به دنبال پاسخ گویی به این پرسش است که این عرایض را چه کسانی و خطاب به چه مقاماتی نوشته اند و محتوای آن‌ها چیست؟

یافته‌ها و نتیجه گیری: بررسی‌ها نشانگر آن است که تعدادی از این عرایض از پیش از برگزاری انتخابات در قالب حمایت از کاندیدای مدنظر نویسندگان عرایض، خطاب به مقامات عالی کشور نگاشته شده اند و بیشتر عرایض پس از برگزاری انتخابات و شکست نامزدها، از سوی نامزدها یا هواداران شان خطاب به انجمن نظارت بر انتخابات و سپس مقامات وزارت کشور و مجلس شورای ملی و در معدودی خطاب به دربار و شاه ارسال شده است و ادبیات این عریضه‌ها متناسب با گفتمان حاکم بر شرایط کشور و هم‌نوایی با منویات شاه است.

کلیدواژه‌ها: عرایض؛ انتخابات؛ مجلس شورای ملی؛ دوره بیست و یکم.

استناد: بصیرت منش، حمید. (۱۴۰۱). تحلیل عرایض انتخاباتی دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی.

گنجینه اسناد، ۳۲(۲)، ۸۲-۱۲۱ | ۱۰۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۳۳ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲، ۲۹۳۳

۱. استادیار، گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران
basirat1341@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲، ۲۹۳۳

نمایه در Researchgate, Google Scholar, ISC, SID و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۸۲ - ۱۲۱ (۴۰)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۳

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

عریضه یکی از قدیمی‌ترین انواع سند است که نمی‌توان برای آن تاریخی دقیق معین کرد. این نوع سند را افراد در مواجهه با مشکلات می‌نوشتند؛ به‌گونه‌ای که از آن به‌عنوان فرهنگ تظلم‌خواهی نیز تعبیر می‌شود. در تعریف عریضه آمده‌است: عریضه، نامه‌ای است که زیردست به مافوق و کوچکی به بزرگی می‌نویسد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۵۸۵۲). هم‌چنین عریضه به نامه‌ای که متضمن شکایت از کسی باشد و یا نامه‌ای که کسی به شخصیتی مهم یا بلندمرتبه می‌نویسد نیز اطلاق می‌شود (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۴۴). با شکل‌گیری مشروطه و به‌تبع آن ایجاد مجلس شورای ملی، فرهنگ عریضه‌نویسی گسترش یافت و مجالی فراهم آمد تا اقشار مختلف مردم، خواسته‌ها و مطالبات خود را از طریق عریضه بیان کنند. تصور مردم از مجلس، نهادی برای رسیدگی به تظلمات و شکوایه‌ها بود؛ بنابراین فرهنگ عریضه‌نویسی به جریانی مسلط برای دادخواهی تبدیل شد. با افزایش عریضه‌نویسی، نمایندگان مجلس به این موضوع رهنمون شدند که در قوه مقننه بخشی را به بررسی شکایات و عرایض مردم اختصاص دهند؛ همین موضوع موجب شکل‌گیری کمیسیون عرایض شد (ططری، ۱۳۸۸، صص ۴۶۷-۴۶۸). از آنجاکه درباره نحوه برگزاری انتخابات نیز شکایت‌هایی وجود داشت و رقباتی انتخاباتی شکوایه‌های خود را به مجلس ارسال می‌کردند در بدو تشکیل مجلس اعتبارنامه نمایندگان بررسی می‌شد.

پیشینه پژوهش

درزمینه موضوع پژوهش حاضر پیشتر تحقیقاتی به شرح زیر انجام شده‌است: سیدمحمود سادات و فرزانه عامری در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مطالبات زنان تهران در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش)» به بررسی عرایض زنان شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ پرداخته‌اند. کتاب «مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست‌ویکم تا بیست‌وچهارم)» تألیف محمد مروار مطالبی را درباره نحوه برگزاری انتخابات دوره ۲۱ مطرح کرده‌است؛ ولی بحث شکایات انتخاباتی آن بسیار کوتاه است. کتاب «مجلس بیست‌ویکم شورای ملی» تألیف حمید بصیرت‌منش و توران منصوری، نکاتی را درباره انتخابات این دوره و برخی شکایات‌ها مطرح کرده‌است. کتاب «نگاهی به ساختار و کارکرد مجلس شورای ملی» به‌اهتمام علی ططری دربردارنده مجموعه مقالات ششمین همایش تخصصی تاریخ مجلس (دوره‌های بیست‌ویکم و بیست‌ودوم) است؛ ولی این کتاب که ۳۳ مقاله در آن چاپ شده‌است به موضوع پژوهش حاضر نپرداخته‌است. در میان آثار مربوط به روند انقلاب اسلامی در شهرها کتاب «انقلاب اسلامی در همدان» تألیف ابوالفتح مؤمن، «انقلاب



اسلامی در مرند» تألیف اسماعیل حسن زاده، و کتاب «اصفهان در انقلاب» تألیف محمد حنیف صفحاتی را به انتخابات دوره ۲۱ مجلس شورای ملی در این مناطق اختصاص داده‌اند؛ ولی به‌طور مشخص و دقیق و براساس پرونده‌های انتخاباتی به عرایض و شکایات توجه نکرده‌اند.

مقاله حاضر تلاش دارد تا با اتکا به پرونده‌های انتخاباتی، عریضه‌ها و شکایات‌های مربوط به انتخابات مجلس بیست و یکم شورای ملی را بررسی و تحلیل کند. در ابتدای انتخابات، شعار دولت و شخص شاه، برگزاری انتخابات آزاد بود؛ ولی آنچه در عمل اتفاق افتاد تکرار رویه گذشته و خلاف انتظار رقبیان انتخاباتی و گروه‌های مختلف بود. در این مقاله پرونده‌های انتخاباتی آباد، ابهر، اصطهبانات و نی‌ریز، بافت، بوشهر، بهشهر، دماوند و فیروزکوه، سنندج، شاه‌رود، شمیرانات، شوشتر، شهرری، شهرکرد، فیروزآباد، کازرون، لار، مرند و ملاوی (پل دختر) بررسی شده و عریضه‌ها و شکایات‌های موجود در آن‌ها استخراج شده و محتوای شکایت، مخاطب شکایت و مفاد این شکایات‌ها تحلیل شده‌است. پرسش اصلی این است که این شکایات‌ها از سوی چه کسانی و خطاب به چه مقاماتی نگاشته شده و دارای چه مضامینی است؟

۲. زمینه‌های تاریخی تشکیل مجلس بیست و یکم شورای ملی

مجلس ۲۱ شورای ملی پس از تعطیلی مجلس بیستم در اردیبهشت ۱۳۴۰، در نیمه دوم سال ۱۳۴۲ تشکیل شد. شاه که تحت فشار آمریکا علی‌امینی را به نخست‌وزیری انتخاب کرده بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۵۱۹) با پیش‌شرط او دایر بر انحلال مجلس بیستم موافقت کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲) و در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ طی فرمانی که از رادیو اعلام شد (اطلاعات، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۰، ص ۱؛ لاجوردی، ۱۳۷۶، ص ۲۰) دو مجلس (شورا و سنا) را منحل کرد (طلوعی، ۱۳۷۳، ص ۷۳۰). علت مخالفت امینی با مجلس به ترکیب نمایندگان و کارشکنی آن‌ها در برنامه اصلاحی دولت او برمی‌گشت؛ بنابراین لازم بود تا در قانون انتخابات تجدیدنظر شود و از راه‌یابی مالکان بزرگ و اشراف به مجلس جلوگیری شود؛ به‌ویژه که مهم‌ترین برنامه اصلاحی دولت اصلاحات ارضی بود. با برکناری علی‌امینی در تیر ۱۳۴۱ و جانشینی اسدالله علم، دولت ناگزیر بود تا سازوکاری را برای انتخابات مجلس فراهم کند و ضمن جلوگیری از انتخاب نمایندگان مستقل از ورود نمایندگان دردمساز به مجلس شورا جلوگیری کند. در این ایام متناسب با سیاست‌های تبلیغاتی حکومت لازم بود تا به‌صورت کنترل‌شده بخش‌هایی از زنان متجدد وارد عرصه انتخاب شوند؛ بنابراین مصوبه دولت علم در غیاب مجلس در ارتباط با انتخابات

انجمن‌های ایالتی و ولایتی، تمهید مقدمات مشارکت زنان بود که حساسیت مجامع روحانی را برانگیخت و به عقب‌نشینی موقتی دولت انجامید. به تدریج در نیمه دوم سال ۱۳۴۱ فضایی جدید در عرصه سیاسی ایران ایجاد شد و روحانیون به پیش‌گامی آیت‌الله خمینی با مخالفت خود با اقدامات دولت، مشروعیت اقدامات رژیم را به چالش کشیدند. به موازات این کشمکش‌ها دولت برنامه انتخاباتی خود را پیش برد. اقدامات دولت برای برگزاری انتخابات در سال ۱۳۴۲ با تشدید مخالفت روحانیون به‌ویژه آیت‌الله خمینی هم‌زمان بود که به بازداشت او و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ منجر شد. یکی از تصمیمات روحانیون در اعتراض به اقدامات رژیم این بود که برای نخستین‌بار از دوره مشروطه، شرکت در انتخابات را تحریم (حرام) اعلام کردند. سایر گروه‌های سیاسی مانند جبهه ملی و نهضت آزادی نیز انتخابات را تحریم کردند.

۳. قانون انتخابات و اقدامات دولت

شاه در اصول شش‌گانه‌ای که در ۶ بهمن ۴۱ به فرمانروم گذاشت «لایحه اصلاح قانون انتخابات» را نیز گنجانده که هدف کلی آن جایگزینی گروه‌هایی جدید از نخبگان حکومتی به جای مالکان و زمین‌داران بزرگ بود که دارای صفت وابستگی و وفاداری تام و تمام به شخص او باشند. این لایحه شامل ۱۴ ماده بود که در ۱۵ بهمن ۴۱ به امضای شاه رسید. اصلاحات مدنظر دولت در قانون انتخابات در ابتدای سال ۴۲ توسط مهدی پیراسته وزیر کشور در جراید منتشر شد که شامل ۲۷ ماده بود (اطلاعات، ۷ فروردین ۱۳۴۲، ص ۱۳). روح حاکم بر این قانون سپردن اختیار انتخابات به فرمانداران و بخشداران و مأموران دولتی بود و انجمن‌های نظارت بر انتخابات که زیر نظر مقامات سیاسی محلی به کار مشغول می‌شدند دارای اختیارات وسیعی بودند و نقشی اساسی در گزینش و انتخاب نمایندگان برعهده داشتند. از دیگر تغییراتی که در آیین‌نامه جدید اعمال شد شمارش آراء در حوزه‌های فرعی بود؛ برخلاف دوره‌های گذشته که آراء مأخوذه، در حوزه‌های اصلی شمرده می‌شد (اطلاعات، ۳ تیر ۱۳۴۲، ص ۱۶)؛ به دنبال تهیه آیین‌نامه، نمونه کارت انتخاباتی یا کارت الکتراک تأیید شد و دستور تهیه آن صادر شد (اطلاعات، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۲، ص ۱۶) و قرار شد دو نوع اوراق جدید تهیه شود که در زمان انتخابات بین شرکت‌کنندگان توزیع شود تا اسامی کاندیداهای مجلس شورا و سنا را جداگانه روی آن‌ها بنویسند (اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲، ص ۱۶). آیین‌نامه اجرایی انتخابات در ۵ تیر ۱۳۴۲ به تصویب هیئت دولت رسید (اطلاعات، ۶ تیر ۴۲) و به وزارت کشور ابلاغ شد و پس از اعمال برخی اصلاحات از جمله شرط داشتن سواد برای هیئت ثبت‌نام، در ۳۲ ماده آماده



شد (اطلاعات، ۱۱ تیر ۱۳۴۲، ص ۱۳). نکته جدید در انتخابات این دوره استفاده از کارت الکترونی (انتخاباتی) بود که دو کارکرد داشت: هم با الزام کارمندان و کارگران به دریافت آن و منوط کردن حقوق و دیگر مزایا و امکانات و تسهیلات به دریافت این کارت، میزان مشارکت در انتخابات افزایش می‌یافت و هم به دولت امکان می‌داد تا در روند انتخابات و گزینش نمایندگان مدنظر خودش بیشتر دخالت کند. روز سه‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ به‌عنوان روز برگزاری انتخابات تعیین شد و از ۱۰ مرداد ۱۳۴۲ با ثبت نام رأی‌دهندگان و دادن کارت انتخاباتی به آن‌ها انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی و دوره سوم سنا وارد مرحله اجرایی خود شد (اطلاعات، ۱۰ مرداد ۱۳۴۲، ص ۱۳).

۴. کنگره آزادزان و آزادمردان

در خلأ مشارکت سیاسی در این دوره، «کانون مترقی» - که به‌تازگی در فضای سیاسی ایران وارد صحنه شده بود و گرایش آمریکایی داشت - شدیداً فعالیت می‌کرد تا نمایندگان مدنظر خود را به مجلس بفرستد. در راستای تبلیغات حکومتی و با حضور فعال این کانون، مقدمات تشکیل تجمعی متشکل از نمایندگان اقشار مختلف کارگران و کشاورزان و زنان فراهم شد که به «کنگره آزادزان و آزادمردان» شهرت یافت. اداره‌کنندگان این کنگره نمایشی تعدادی از مقامات دولتی شامل احمد نفیسی (شهردار تهران)، حسن علی منصور (رئیس شرکت بیمه و رئیس کانون مترقی)، عطاءالله خسروانی (وزیر کار)، حسن زاهدی (رئیس بانک کشاورزی)، نصرت‌الله معینیان (وزیر مشاور و سرپرست تبلیغات) و عباس سالور (رئیس سازمان اصلاحات ارضی) بودند. به این افراد باید سپهبد ریاحی و شجاع ملایری (رئیس شرکت اتوبوس‌رانی) را هم افزود. این افراد یکسری از کاندیداها را از شهرستان‌های گوناگون گرد آوردند و یک فهرست انتخاباتی تنظیم و اعلام کردند (پروژه تاریخ شفاهی هاروارد، مصاحبه با هلاکو رامبد، نوار ۸، ص ۵). این کنگره در ۵ شهریور ۱۳۴۲ در استادیوم محمدرضاشاه پهلوی با حضور هزار نفر از نمایندگان طبقات یادشده افتتاح شد (خواندنی‌ها، ۹ شهریور ۱۳۴۲، ص ۲؛ اطلاعات، ۱۰ شهریور ۱۳۴۲، ص ۱۳؛ مهر ایران، ۶ شهریور ۱۳۴۲، ص ۶) و تا ۹ شهریور جلساتی را برگزار کرد. حسین خطیبی، نایب‌رئیس مجلس دوره بیست و یکم هدف از تشکیل کنگره آزادزان و آزادمردان را تلاش شاه برای مردمی و آزاد جلوه‌دادن ظاهری انتخابات می‌داند (رسولی‌پور، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶). هدف از تشکیل این کنگره جلوگیری از تشتت آرا و ایجاد هماهنگی میان اقشار مختلف برای شرکت در انتخابات و معرفی کاندیدا و در واقع تبلیغ و تحمیل نمایندگان منتخب حکومت بود. پس از برگزاری انتخابات نیز مشخص شد که اغلب نمایندگان از همین فهرست

و مدنظر کانون مترقی هستند که پس از تشکیل مجلس، حزب ایران نوین را تشکیل دادند. قطعنامه کنگره تأکید بر پابندی و اعتقاد به اصول شش گانه شاه بود (اطلاعات، ۱۰ شهریور ۱۳۴۲). احمد نفیسی رئیس کنگره اهداف کنگره را برشمرد که مهم ترین آن ابراز وفاداری و هم راستایی با انقلاب سفید شاه بود (اطلاعات، ۱۳ شهریور ۱۳۴۲). از میان نمایندگان دوره ۲۱ فقط ۱۳ نفر از کاندیداهای کنگره نبودند و بقیه همه از فهرست کاندیداهای کنگره بودند.

با سرکوب نیروهای سیاسی و تحریم انتخابات از سوی جبهه ملی و نهضت آزادی، عرصه برای رقابت میان وفاداران به حاکمیت پهلوی بیشتر فراهم شد؛ ولی در میان همانها نیز اختلاف نظر وجود داشت و مانند همیشه، برای ورود به صحنه رقابت منافع شخصی انگیزه زیادی داشت. در ۱۰ مرداد ۱۳۴۲ ثبت نام و صدور کارت های انتخاباتی آغاز شد. انجمن نظارت بر انتخابات از بین طبقات شش گانه (علماء، تجار، اصناف، زارعان، کارگران و دهقانان) در تهران و شهرستانها تشکیل شدند که انجمن های فرعی حوزه های رأی را تعیین می کردند. در ۱۴ مرداد ۱۳۴۲، روز برگزاری انتخابات سه شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ تعیین شد و روز یکشنبه ۱۴ مهر ۱۳۴۲ مجلس شورا هم زمان با چهارمین دوره مجلس سنا با حضور شاه گشایش یافت.

۵. دست اندرکاران اصلی انتخابات

جدای از ظواهر امر، وظیفه گزینش نمایندگان برعهده دست های پشت پرده بود. همان گونه که گذشت دست اندرکاران «کنگره آزادزان و آزادمدان» از سوی شاه و علم برای فراهم کردن مقدمات انتخابات و گزینش کاندیداهای نمایندگی نقش داشتند. به دستور شاه، حسین فردوست به همراه اسدالله علم و حسن علی منصور کمیسیونی سه نفره تشکیل دادند (فردوست، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۲۵۷). در زمان برگزاری انتخابات، استانداران، فرمانداران، بخشداران و شهرداران که زیرمجموعه وزارت کشور بودند متصدی برقراری نظم و امور انتخابات از ابتدا تا انتها بودند و منویات مقامات بالاتر را اجرا می کردند و این امر را با اعمال نفوذ و تخلفات آشکار انجام می دادند. در مواردی که احتمال نافرمانی وجود داشت قبل از انتخابات فرمانداران و مسئولان امر عوض می شدند. علاوه بر این ساواک هم در گزینش نهایی نمایندگان مجلس نقش داشت؛ به نحوی که کمیته ای متشکل از علم و منصور و نماینده ای از ساواک فهرستی پیشنهادی تهیه می کردند و به اطلاع شاه می رساندند و پس از تأیید شاه نمایندگان برگزیده می شدند (رسولی پور، ۱۳۷۷، ص ۲۳۶؛ میلانی، ۱۳۸۲، ص ۱۹۵). با فرارسیدن روز انتخابات، اخذ رأی در تمام حوزه های انتخاباتی در سراسر



کشور آغاز شد (اطلاعات، ۲۶ شهریور ۱۳۴۲، ص ۱۳؛ خواندنی‌ها، ۲۶ شهریور ۱۳۴۲، ص ۶). با وجود تبلیغات فراوان، بسیاری از مردم در انتخابات شرکت نکردند (بازرگان، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴) و کسانی هم که شرکت می‌کردند با توجه به دستوراتی که از بالا دریافت کرده بودند رأی می‌دادند؛ به این حقیقت در گزارش سفارت بریتانیا اشاره شده است (یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۸۹، ص ۸۶۹). نتیجه این انتخابات که در دوره‌های قبل چند هفته طول می‌کشید ظرف یک روز اعلام شد و ۱۹۳ نماینده به مجلس راه یافتند (آبادیان، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴).

۶. واکنش نیروهای مذهبی و سیاسی

انتخابات دوره بیست و یکم که با دخالت دولت و تقلب همراه بود، پیش از برگزاری و پس از آن با انتقادات و شکایات بسیار مواجه شد. نحوه گزینش نمایندگان و نظارت دولت بر انتخابات چنان روشن و آشکار بود که وکلای این دوره را وکیل صندوقی یا انتصابی می‌نامیدند (اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۳۵، اعلامیه آیت‌الله میلانی؛ سیر مبارزات امام خمینی در آئینه اسناد به روایت ساواک، ج ۲، ص ۱۴۹). علاوه بر روحانیون، نهضت آزادی ایران هم با صدور اعلامیه‌ای فضای اختناق و نظامی و امنیتی و زندان و شکنجه رهبران روحانی و ملی و عده کثیری از کاندیداهای مردم را محکوم کرد و معتقد بود انتخابات در چنین شرایطی از درجه اعتبار ساقط است (اسناد نهضت آزادی ایران، ج ۱، صص ۲۹۹، ۳۰۰).

۷. نمونه‌های عریضه

قبل و پس از برگزاری انتخابات عرایض زیادی در زمینه نحوه اجرای انتخابات و صلاحیت نمایندگان منتخب مطرح شد. این عرایض یا از طرف اهالی حوزه انتخابیه مطرح می‌شد و یا از سوی کاندیداهایی که با بی‌مهری دولت مواجه شده بودند مطرح می‌شد. با توجه به سیاست دولت در گزینش نمایندگان مدنظر خودش، تمامی این شکایات ناوارد تشخیص داده می‌شد. در ادامه به روند انتخابات و شکایت‌های تعدادی از حوزه‌های انتخاباتی توجه شده است:

آباده

فرمانداری شهرستان آباده گزارش شرح اقدامات و روند برگزاری انتخابات از روز سه‌شنبه ۴۲/۶/۱۲ تا پایان رأی‌گیری در ۴۲/۶/۲۶ با تشکیل انجمن نظارت بر انتخابات و نیز تعیین انجمن نظارت بر حوزه‌های فرعی (ابرقو، اقلید، بوانات و ...) را به وزارت کشور اعلام

کرد. براساس این گزارش، در این حوزه دکتر رضا نجیمی - که داماد استاندار فارس بود - اکثریت آرا را به دست آورد و آقایان ذبیح‌الله قربان و نصرالله اهورهوش نفرات بعدی بودند. پرونده انتخابات آباءه حاکی از تلاش‌های فراوان آقای اهورهوش است. او در ۱۳۴۲/۶/۱۲ عریضه‌ای در ۳ صفحه به شاه نوشت و ضمن تأکید بر حمایت و پشتیبانی کامل طبقات مختلف مردم حوزه آباءه از او و پایبندی او به منویات شاهانه به بدگویی از نجیمی پرداخت و با چاکر خواندن خود سعی کرد نظر مساعد شخص اول مملکت را به خود جلب کند. مندرجات این عریضه از این قرار بود: ۱- معرفی نجیمی (دام‌پزشک اهل نائین داماد استاندار فارس) به عنوان مخالف منویات شاه و ناشناس بودن او نزد مردم و زدوبندش با مالکان بزرگ و حمایت فئودال‌ها از او؛ ۲- مخالفت ایادی ایل قشقایی با کاندیداتوری خودش و حمایت آن‌ها از نجیمی؛ ۳- تأکید بر حُسن سابقه اداری و سیاسی خود و داشتن مقبولیت محلی؛ ۴- تلاش مخالفان در جهت منافع شخصی و خیانت آنان به شاهنشاه؛ ۵- انتقاد به رویه نفیسی شهردار تهران و زاهدی در منافع شخصی؛ ۶- تأکید بر حس شاه‌دوستی و پیوند ناگسستنی با شاه و ملت؛ ۷- انتقاد به برخی رجال قدیمی و فرزندان آن‌ها مانند حسن‌علی منصور؛ ۸- شکایت از دعوت نکردن از حوزه آباءه برای شرکت در کنگره آزادزان و آزادمردان؛ ۹- اطاعت از اوامر شاه و صرف نظر کردن از حق قانونی خود در صورت مصلحت.

هم‌چنین فارسی‌های مقیم مرکز در نامه‌ای سرگشاده به شاه حاوی بیش از ۴۰ امضا که تاریخ آن مشخص نیست حمایت خود را از نصرالله اهورهوش اعلام کردند و به کاندیداتوری دام‌پزشکی غیر محلی اعتراض کردند. پس از برگزاری انتخابات، نصرالله اهورهوش در ۴۲/۶/۲۷ اعتراضش به فرمانداری آباءه در زمینه روند انتخابات را به صورت تلگراف (از تهران) ارسال کرد که شامل موارد زیر بود: ۱- سوءاستفاده از موقعیت و مقام؛ ۲- ارباب و تهدید؛ ۳- جمع‌آوری کارت الکتروال و اخذ رأی قبل از موعد مقرر قانونی یعنی ۴۲/۶/۲۶. انجمن نظارت بر انتخابات با استناد به بند ۳ ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی مبنی بر این که کسی حق دارد رأی بدهد که در حوزه انتخابیه متوطن باشد و یا لااقل شش ماه قبل از موقع انتخابات در آنجا ساکن باشد و هم‌چنین با توجه به مدلول ماده ۴۳ قانون انتخابات مَشعر بر اینکه اشخاصی حق دارند به انتخابات اعتراض کنند که حق انتخاب کردن داشته باشند، نصرالله اهورهوش را فاقد صلاحیت دانست و شکایت ایشان را مردود شناخت. نامبرده رونوشت تلگرام خود را در ۴۲/۷/۳ به مجلس شورای ملی ارسال کرد و علاوه بر موارد پیش‌گفته، به سوابق سوء فرد منتخب (نجیمی) در پرونده اصلاحات ارضی و داشتن املاک و مستغلات فراوان در نتیجه چند سال مأموریت در



شیراز اشاره کرد. او اعلامیه حمایت «فارسی‌های مقیم مرکز» و گزارشی از استقبال مردم ابرقو و طوماری با حدود ۵۰ امضا از مردم ده‌بید آباد در حمایت از کاندیداتوری‌اش را ضمیمه شکایت کرد. او در نامه‌ای به مجلس شورای ملی در ۱۳۴۲/۷/۱۶ دلایل تفصیلی خود را درباره انتخابات شهرستان آباد اعلام کرد و از اعضای کمیسیون تحقیق مجلس خواست تا اعتبارنامه نجیمی نائینی رد شود. مفاد کلی شکایت او حاوی این مطالب بود:

- ۱- صلاحیت نداشتن فرد منتخب به دلیل مال‌اندوزی و داشتن سرمایه و املاک و بندوبست با خوانین قشقایی و سایر متنفذان؛
- ۲- سوابق خدمتی خود و داشتن محبوبیت و حمایت مردمی و معرفی از سوی نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره آزادزان و آزادمردان؛
- ۳- ارباب و تهدید کارکنان دولت از سوی فرماندار در رأی‌دادن به فرد منتخب. آخرین اقدام نصرالله اهوره‌هوش ارسال نامه به وزارت کشور بود که در تاریخ ۴۲/۷/۱۸ در دبیرخانه مجلس ثبت شده است. مفاد این نامه شامل این موارد است: ۱- صلاحیت نداشتن فرد منتخب و ناآشنایی او با آباد؛ ۲- اقدامات سوء فرماندار آباد. از دیگر تخلفات انتخاباتی این حوزه استعفان دادن کاندیدای نمایندگی از منصب دولتی بود. در نامه حسن زندپور مدیر روزنامه «اصلاحات ایران» به مجلس شورای ملی در ۱۳۴۲/۷/۱۸ گفته شده است که رضا نجیمی «مطابق بند هشت از سیزده قانون انتخابات چون تا موقع انجام انتخابات رئیس کشاورزی و اصلاحات ارضی استان فارس بود که آباد هم جزئی از استان فارس است حق انتخاب شدن نداشته و انتخابش باطل است». با تمام این تفصیلات، پرونده انتخابات شهرستان آباد و انتخاب رضا نجیمی، در ۴۲/۷/۲۲ در شعبه اول مجلس شورای ملی تأیید شد (کمام، کارتن ۳۸، جزوه‌دان ۱، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی آباد).

ابهر

در انتخابات شهرستان ابهر آقای منوچهر سعیدی وزیری به نمایندگی برگزیده شد. رقیب انتخاباتی او محمد فتوحی (دادیار دیوان عالی کشور) اعتراض خود را به انجمن نظارت بر انتخابات ارائه داد شامل: ۱- تهدید و ارباب طرفداران فرد منتخب و کنترل صندوق‌ها و تعویض آرا؛ ۲- دخالت مأموران و اخذ رأی قبل از موعد مقرر. ولی همگی این ادعاها از سوی انجمن رد شد. شاکی (محمد فتوحی) عریضه‌ای خطاب به شاه ارسال کرد شامل این موارد: ۱- سلب آزادی به دلیل حمایت کنگره آزادزان و آزادمردان از فرد منتخب؛ ۲- صلاحیت نداشتن فرد منتخب و وابستگی او به فرقه دمکرات آذربایجان؛ ۳- ارائه سوابق خدمتی‌اش و حمایتش از خاندان سلطنت و اصول شش‌گانه. وزیر دربار شاهنشاهی عریضه مذکور را برای پیراسته وزیر کشور فرستاد و

وزیر کشور نیز در ۴۲/۷/۲۰ رونوشت آن را برای مجلس شورای ملی ارسال کرد. در شعبه اول رسیدگی به اعتبارنامه‌ها با استناد به اینکه اعتراض در انجمن نظارت مردود تشخیص داده شده‌است، صحت انتخابات و نمایندگی منوچهر سعیدی وزیری تأیید شد (کمام، کارتن ۴۰، جزوه‌دان ۴۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی ابهر).

اصطهانات ونیریز

در این حوزه غلام‌رضا ایل‌خان با اکثریت آرا به نمایندگی رسید. در موعد مقرر یک فقره شکایت به انجمن نظارت بر انتخابات واصل شد که انجمن آن را قانونی ندانست. در ۱۳۴۲/۷/۲ یکی از دهقانان به نام محسن مبارکی به همراه حدود ۷۰ نفر از اهالی منطقه و خاندان مبارکی با ارسال نامه‌ای به دربار از شاه خواستند تا مداخله کند. وزارت کشور طی نامه مورخ ۴۲/۷/۲۵ موضوع شکایت محسن مبارکی و عده‌ای از اهالی اصطهانات و نیریز را به دبیرخانه مجلس شورای ملی ارسال کرد که تاریخ ثبت در دبیرخانه ۴۲/۷/۲۷ است. باین حال پرونده انتخاباتی در شعبه دوم مجلس شورای ملی رسیدگی شد و جریان انتخابات و نمایندگی غلام‌رضا ایل‌خان در ۴۲/۷/۲۲ تأیید شد (کمام، کارتن ۵۲، جزوه‌دان ۱۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی اصطهانات و نیریز).

بافت

از جمله افرادی که «کنگره آزادزان و آزادمردان» او را به عنوان کاندیدای نمایندگی معرفی کرد نزهت نفیسی همسر احمد نفیسی (شهردار تهران) بود که به‌عنوان نماینده بافت کرمان به مجلس راه یافت و به‌همین دلیل اهالی بافت به انتخاب او اعتراض کردند. مردم منطقه بافت با ارسال نامه‌ای به مجلس شورای ملی به انتخاب او اعتراض کردند. آن‌ها او را فردی غیربومی و غیرمحلی خواندند و خاطر نشان کردند همین که در فهرست کنگره - که شوهرش عامل اصلی و کارگردان و صحنه‌ساز آن بوده‌است - اسمش را ذکر کردند و در رادیو اعلام شد، به‌طور قلابی طبق معمول آرائی در محل با زور مقامات دولتی محلی به نام او ثبت و صورت جلسه کردند و به او اعتبارنامه دادند. شاکیان نه تنها ابطال انتخابات بافت را خواستار شدند، بلکه تعقیب و مجازات احمد نفیسی را هم که به قیومیت از مردم شهرستان‌ها کاندیدا و وکیل برای آن‌ها تعیین کرده‌است خواستار شدند تا چنین بدعت‌هایی برای تزییع حق جامعه ایرانی در تاریخ انتخابات باقی نماند (کمام، کارتن ۶۱، جزوه‌دان ۲۴، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرستان بافت).



بوشهر

فردی به نام مصطفی خجسته در نامه‌ای به مجلس شورای ملی به محیط ارباب و تهدید و گروگرفتن آب مشروب در بحبوحه گرما و اجبار در اخذ کارت‌های انتخاباتی و مداخله علنی فرمانداری کل و بخشداران مربوطه در انتخابات این شهر و منع اقامت کاندیدای مدنظر مردم انتقاد کرده است (کمام، کارتن ۷۲، جزوه‌دان ۳۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی بوشهر؛ بصیرت‌منش و منصوری، ۱۳۹۴، صص ۱۲۱ و ۱۲۲).

بهشهر

در انتخابات شهرستان بهشهر ابوالقاسم پاک‌ذات به نمایندگی برگزیده شد و انجمن نظارت بر انتخابات این حوزه پس از آنکه چند فقره شکوائیه را وارد ندانست اعتبارنامه او را صادر کرد. در صورت جلسه انجمن نظارت به شکایت سیدتقی رستم کلایی اشاره شده است. این شخص طی تلگرامی به مجلس شورای ملی در ۱۵/۷/۴۲ - که رونوشت آن را برای دادستان کل کشور و وزارت کشور هم ارسال کرده است - به اعتبارنامه ابوالقاسم پاک‌ذات اعتراض کرد و در ۲۰/۷/۴۲ شکایتی مفصل‌تر را با امضای چند نفر دیگر که دو نفر از آنها عضو انجمن شهر بهشهر بودند به مجلس ارسال کرد و رونوشت آن را به دادستانی کل کشور فرستاد. این شکایت در ۳ قسمت بود: ۱- ایرادات قانونی به انجمن نظارت بر انتخابات با این ادعا که در دعوت از طبقات شش‌گانه ابداً قانون رعایت نشده است و اکثراً از کارمندان و کارگران کارخانه چیت‌سازی بهشهر هستند که به امانت و سواد معروف نیستند و اغلب اهل محل نیستند؛ ۲- نحوه اخذ رأی و قرائت آرا؛ ۳- صلاحیت‌نداشتن فرد منتخب از جمله اینکه خط و سواد به اندازه کافی ندارد و در بهشهر و حومه معروفیتی ندارد و به امانت و درست‌کاری شناخته شده نیست و متجاهر به فسق است.

درمقابل شکایت این چند نفر، بیش از ۴۰ نفر از کارگران و زارعان بهشهر و حومه هم بیانیه‌ای را با امضا و اثر انگشت تهیه و در ۲۰/۷/۴۲ برای ریاست مجلس شورای ملی ارسال کردند و رونوشت آن را برای نخست‌وزیر و وزیر کشور و وزیر کار و سازمان امنیت ارسال کردند. در این استشهاده امضاکنندگان ضمن حمایت از ابوالقاسم پاک‌ذات، متناسب با تبلیغات حکومتی، دشمنان خود مخصوصاً سیدتقی رستم کلایی را دشمن تاج و تخت خواندند و آمادگی خود را برای تعطیل کارخانه و زراعت و تحصن در مجلس و فداکاری در راه اوامر مطاع ملوکانه اعلام داشتند. شعبه ششم مجلس شورای ملی در ۲۲/۷/۴۲ با مطالعه پرونده انتخاباتی، نمایندگی ابوالقاسم پاک‌ذات را تأیید کرد (کمام، کارتن ۷۶، جزوه‌دان ۳۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی بهشهر).

دماوند و فیروزکوه

حدود ۴۰ نفر از اهالی دماوند در ۲۶/۶/۱۲ (دو هفته قبل از برگزاری انتخابات) طی تلگرافی به نخست‌وزیر - که رونوشت آن را برای وزیر کشور، سازمان امنیت، روزنامه‌های کیهان و بامشاد و فرمانداری و دادستان دماوند و نیز محمود دژکام کاندیدای انتخابات ارسال کردند - به انتصاب انجمن نظارت بر انتخابات اعتراض کردند و انحلال انجمن ساختگی نظارت بر انتخابات دماوند و فیروزکوه را خواستار شدند. دژکام در نامه مورخ ۲۶/۶/۱۸ به فرماندار دماوند - که رونوشت آن را برای انجمن مذکور ارسال کرد - صلاحیت تعدادی از اعضای انجمن را زیر سؤال برد. با برگزاری انتخابات در ۲۶/۶/۲۶ مجید محسنی مهر (هنرپیشه فیلم‌های فارسی و نمایش‌های رادیویی) به نمایندگی انتخاب شد. انتخاب او با اعتراض رقبای انتخاباتی او محمود دژکام، مسعود محبی و علی‌نقی فیروزبخش مواجه شد. دژکام در اول مهر ۴۲ طی نامه‌ای به انجمن انتخابات اعتراض خود را به نحوه انتخاب مجید محسنی بدین‌نحو اعلام کرد: ۱- سوءاستفاده از موقعیت نمایندگی در جمعیت شیر و خورشید سرخ و بذل و بخشش ارزاق میان مردم حوزه انتخابی؛ ۲- اقدامات ارباب‌آمیز کخدایان و پادوهای مجید محسنی به‌دستور فرماندار دماوند در اخذ رأی از دهقانان؛ ۳- مخدوش بودن آرا. در ۲۶/۶/۳۱ مسعود محبی دیگر رقیب انتخاباتی طی نامه‌ای به انجمن نظارت بر انتخابات دماوند و فیروزکوه - که رونوشت آن را به فرمانداری دماوند و وزارت کشور و مجلس شورای ملی ارسال کرد - به مواردی چون: صلاحیت‌نداشتن انجمن نظارت و رعایت نکردن بی‌طرفی، اشکالات مربوط به اخذ آرا، جلوگیری از ورود کاندیدا به حوزه اخذ رأی و قرائت آرا در اتاق در بسته اعتراض کرد و نوشت: تصور نمی‌رود در کشور زنگبار هم، چنین اعمالی به نام انتخابات آزاد انجام دهند. محمود دژکام در ۲۶/۷/۱۷ رونوشت تلگراف مورخ ۲۶/۶/۱۲ و نامه‌های مورخ ۲۶/۶/۱۸ و ۲۶/۷/۱ و یک برگ رأی را که به وسیله ایادی فرمانداری دماوند مخدوش شده بود به مجلس شورای ملی ارسال کرد و خودداری از تصویب اعتبارنامه مجید محسنی را خواستار شد و تأکید کرد ایشان نماینده فرماندار دماوند هستند نه نماینده اهالی شهرستان دماوند. شعبه اول رسیدگی به اعتبارنامه‌ها در مجلس در ۲۶/۷/۲۲ دو فقره اعتراض واصله را غیروارد دانست و صحت جریان انتخابات شهرستان دماوند و نمایندگی مجید محسنی را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۰۲، جزوه‌دان ۶۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی دماوند و فیروزکوه).



سندج

در جریان تبلیغات انتخاباتی مجلس ۲۱ و در زمان برگزاری «کنگره آزادزان و آزادمردان» برای حوزه کردستان بیانیه‌هایی از طرف طبقات مختلف مردم در طرفداری از نمایندگی ناصر یمین مردوخی در جراید منتشر شد. یمین مردوخی نویسنده مطبوعات بود که به دلیل سخنرانی‌های مهیج پیرامون شاه‌دوستی و وطن‌پرستی در رادیو کردستان مورد تشویق اسدالله علم در زمان تصدی وزارت کشور قرار گرفته بود. یکی از حامیان ناصر یمین مردوخی، ملامحمد مفاخری پیش‌نماز و مدرس کشاورزان کردستان و سردفتر اسناد رسمی بود. با وجود حمایت نمایندگان دهقانان حاضر در «کنگره آزادزان و آزادمردان» از یمین مردوخی مقدر بود کسان دیگری به نمایندگی انتخاب شوند و سیدمهدی شیخ‌الاسلامی و مهندس هوشنگ کمانگر با حمایت مقامات محلی حائز اکثریت آرا شدند. در پی نامه اعتراضی ناصر یمین مردوخی، انجمن نظارت او را به اتهام فساد اخلاق و ولگردی، غیر صالح دانست و به علاوه شکایت‌های واصله علیه او و مفاخری شامل اخاذی کارت انتخابات از کشاورزان و جعل عنوان دروغین را به دادسرای سندج ارجاع داد.

ولی طرف دیگر پرونده انتخابات سندج حاکی از شکایت‌هایی به روند انتخابات این حوزه است. در این رابطه استشهاده انجمن و نمایندگان کشاورزان قریه نیاز حاکی است روز ۲۴ شهریور (دو روز قبل از انتخابات) فرماندار شهرستان قروه به قریه نیاز آمد و ضمن دستور برای نظم آرا به نام هوشنگ کمانگر و سیدمهدی شیخ‌الاسلامی اظهار داشت به غیر از اسم این دو نفر حق ریختن رأی به صندوق ندارند؛ زیرا غیر از این باشد تحت تعقیب قانونی قرار خواهید گرفت و شدیداً مجازات خواهید شد. ناصر یمین مردوخی که خود را نماینده واقعی مردم کردستان و نویسنده مطبوعات معرفی می‌کرد، در ۲/۷/۴۲ رونوشت اعتراضاتش به انجمن نظارت را به مجلسین شورای ملی و سنا ارسال کرد و رونوشتی را هم برای دادستان سندج و روزنامه ندای غرب ارسال کرد. اعتراضات او شامل این موارد بود: ایجاد محیط خفقان و مرعوب شدن انجمن نظارت و ایرادات قانونی به نحوه اخذ رأی و قرائت آرا و دخالت مقامات محلی (فرمانداری و ژاندارمری و شهربانی و شهرداری و اداره اصلاحات ارضی) سندج و قروه و اجبار و تهدید کشاورزان برای رأی دادن به کاندیدای تحمیلی و منوط کردن اسناد مالکیت آن‌ها به این مسئله و ضرب و شتم زارعان و پرونده‌سازی علیه آن‌ها و زندانی کردن مفاخری. با همه این تفاسیل، شعبه ششم رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان مجلس شورای ملی در ۲۲/۷/۴۲ پرونده انتخابات سندج را بررسی کرد و نمایندگی آقایان سیدمهدی شیخ‌الاسلامی و هوشنگ کمانگر را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۲۳، جزوه‌دان ۸۶، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی سندج).

شاه‌رود

انجمن نظارت بر انتخابات، برای حوزه شاه‌رود - با وجود آنکه فرماندار داشت - از طرف فرمانداری سمنان کفیل فرمانداری منصوب کرد و انجمن‌های فرعی را در مناطق تابعه انتخاب کرد که در نهایت امیرقاسم معینی به نمایندگی برگزیده شد. نحوه انتخابات به ویژه گزینش انجمن نظارت بر انتخابات این حوزه مورد انتقاد بود. مطابق صورت جلسه نهایی انجمن نظارت شاه‌رود در جلسه مورخ ۲۷/۳/۸۴، تعداد ۸ فقره شکایت مطرح شده بود که حاوی اعتراض به صلاحیت نداشتن گوهری کفیل فرمانداری و تعدادی از اعضای انجمن اصلی و حوزه‌های فرعی و اعمال نفوذ به نفع کاندیدای منتخب می‌شد که همگی از طرف انجمن نظارت مردود اعلام شد. شکایت‌هایی هم از طرف برخی اهالی به وزارت کشور و مقامات قضایی ارسال شد. در این میان ۷ نفر از اهالی در ۲۷/۱۰/۸۴ شکایت‌نامه‌ای را برای مجلس شورای ملی ارسال کردند و سلب اختیار از فرمانداری شاه‌رود و تعیین کفیل فرمانداری برای این شهرستان از طرف فرمانداری کل سمنان را غیرقانونی دانستند. هم‌چنین مداخلات ناروای اشخاص و سازمان‌های غیرمسئول را بهترین دلیل بر فساد انتخابات دانستند و به مقامات قضایی هم اعلام جرم کردند. بخش دیگری از این شکایت مربوط به نحوه اخذ رأی با زور و تهدید و تطمیع به نفع کاندیدای تحمیلی بود. شعبه سوم مجلس شورای ملی در ۲۲/۷/۸۴ پس از رسیدگی، شکایت مذکور را ناوارد تشخیص داد و نمایندگی امیرقاسم معینی و صحت انتخابات شاه‌رود را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۲۷، جزوه‌دان ۹۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شاه‌رود).

شمیرانات

در حوزه شمیرانات محسن خواجه‌نوری که کاندیدای کنگره آزادزان و آزادمردان بود به مجلس راه یافت. رقابت میان او و مهدی منصوری نراقی کاندیدای منفرد حوزه شمیرانات به زدوخورد میان هواداران دو طرف منجر شد و بخشدار لواسانات که حامی منصوری نراقی بود استعفا داد و رئیس ژاندارمری لشکرک از کار برکنار شد و تحت تعقیب قرار گرفت. منصوری نراقی در شکایتی نه‌صفحه‌ای در ۲/۷/۱۳۴۲ به انجمن مرکزی انتخابات شمیرانات، تخلفات ناشی از ترکیب انجمن نظارت را چنین برشمرد: معتمد نبودن و بی‌سوادی؛ نبود آزادی عمل در انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل؛ دعوت از وابستگان یکی از کاندیداهای کنگره آزادزان و آزادمردان در تعیین معتمدین انجمن‌های فرعی؛ مراقبت مأموران از رأی‌دهندگان؛ صلاحیت نداشتن کاندیدای کنگره ملی؛ تهدید و ارباب رأی‌دهندگان؛ توصیه مقامات اداری به رأی‌دهندگان؛ و درج نکردن شرایط انتخاب‌کنندگان



در آگهی انجمن. او در نامه‌های دیگر به مجلس شورای ملی در ۱۳۴۲/۷/۱۷ خلاصه‌ای از دلایل اعتراض خود را بدین شرح قید کرد: اقدام انجمن‌های فرعی در نشان‌ندادن صندوق‌های خالی به حاضران قبل از شروع اخذ رأی؛ رعایت نکردن مقررات در هنگام قرائت آراء؛ و ضرب و شتم رأی‌دهندگان. شعبه ششم مجلس شورای ملی پس از بررسی این شکایت، صحت انتخابات این حوزه و نمایندگی محسن خواجه‌نوری را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۳۰، جزوه‌دان ۹۳، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شمیرانات).

شوشتر

در حوزه شوشتر علی‌اکبر حکیم شوشتری که برگزیده کنگره آزادزان و آزادمردان بود به پیروزی رسید. انتخابات این حوزه نیز با اعتراضات زیادی همراه بود. سیدحسین امام، وکیل دادگستری، در نامه‌ای در ۱۳۴۲/۶/۲۰ به رئیس انجمن نظارت شهرستان شوشتر، براساس ماده ۴۱ قانون انتخابات، شکایت خود را از تخلفات انجمن نظارت مرکزی و انجمن‌های فرعی این حوزه برشمرد. او در نامه به استاندار خوزستان به دخالت مأموران نظامی به نفع حکیم شوشتری و تعیین افراد ناآشنا به قوانین و مقررات در انجمن نظارت مرکزی و انجمن‌های فرعی انتقاد کرد. سیدعبدالله امام هم در نامه‌ای در ۱۳۴۲/۶/۲۸ به استاندار خوزستان، اعمال نفوذ و دخالت افراد غیرمسئول در انتخابات را گوشزد کرد. کاظم افشین از کاندیداهای انتخاباتی شوشتر در نامه‌ای در ۲۸ شهریور ۱۳۴۲ به فرماندار این شهرستان، مواردی از تخلفات را که بر نقض انتخابات آزاد دلالت داشت تذکر داد؛ از جمله: ۱- تبلیغ نهادهای غیرمسئول به نفع کاندیدای کنگره آزادزان و آزادمردان از جمله تبلیغ اداره کشاورزی؛ ۲- حمایت فرمانداری از کاندیدای کنگره؛ ۳- تبانی طرفداران کاندیدای کنگره با انجمن نظارت؛ ۴- ارباب طرفداران دیگر کاندیداها.

جمعی از دهقانان میان آب شوشتر و کدخدایان و ریش سفیدان قراء اطراف آن طی نامه‌ای مفصل، تخلفات انجام‌شده در روز رأی‌گیری را برشمردند که مهم‌ترین آن، استفاده از زور و تهدید به نفع دکتر حکیم شوشتری و تخلف در اخذ و قرائت آراء با موافقت اعضای انجمن و دخالت افراد غیرمسئول و توهین و تحقیر مخالفان فرد منتخب بود. سیدحسین امام در نامه‌ای به مجلس شورای ملی در ۱۰ مهر ۱۳۴۲ ابطال انتخابات حوزه شوشتر را خواستار شد. مشکلات ناشی از بُعد مسافت حوزه‌های رأی‌گیری و کمبود صندوق و بی‌اعتنایی انجمن مرکزی و فرمانداری شوشتر به تقاضای ازدیاد صندوق و اخذ نکردن رأی و تضييع حق رأی‌دهندگان از مواردی بود که در این نامه ذکر شده بود (کمام، کارتن ۱۳۲، جزوه‌دان ۹۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرستان شوشتر).

شهری

در حوزه انتخابیه شهری دکتر هادی هدایتی به نمایندگی رسید و انجمن انتخابات آنجا در ۴۲/۷/۸ اعلام کرد که هیچ‌گونه شکایت و اعتراضی از انتخابات این حوزه به انجمن نرسیده است؛ این در حالی بود که اعتراضاتی به ترکیب اعضای انجمن نظارت بر انتخابات این حوزه وجود داشت. در ۴۲/۷/۱۶ عده‌ای از اهالی شهری شکوائیه‌ای را از روند انتخابات این حوزه، از طریق استانداری تهران به وزارت کشور ارسال کردند و وزارت کشور این شکایت را در ۴۲/۷/۲۴ برای مجلس فرستاد که در ۴۲/۷/۲۵ در دبیرخانه مجلس ثبت شده است. در این عریضه شاکیان با اشاره به خویشاوندی تولیت آستانه حضرت عبدالعظیم (محمد علی هدایتی پسر عمومی هادی هدایتی) و برشمردن دلایل غیرقانونی بودن انجمن نظارت هم‌چون رعایت نکردن طبقات شش‌گانه، مقیم نبودن تعدادی از اعضا در شهری، خویشاوندی و حقوق‌بگیری ۳۶ عضو انجمن از آستانه حضرت عبدالعظیم، این انجمن را «انجمن خانوادگی» منتسب به آقای دکتر هدایتی خواندند. با این حال، شعبه سوم مجلس شورای ملی در ۴۲/۷/۲۲ صحت انتخابات شهری و نمایندگی دکتر هادی هدایتی را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۳۵، جزوه‌دان ۹۸، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهری).

شهرکرد

در انتخابات این حوزه ۳ نفر حائز اکثریت آرا شدند؛ به ترتیب حبیب‌الله قاسمی، سرهنگ بازنشسته حسن حسینی، و علی‌اکبر اسلامی. با کناره‌گیری نفر اول، انجمن نظارت بر انتخابات حوزه شهرکرد در ۴۲/۷/۶ اعتبارنامه را به نام حسن حسینی صادر کرد. علی‌اکبر اسلامی که جزء کادر سیاسی وزارت کشور بود شکایات زیادی را به مقامات مختلف ارسال کرد که یکی از آن‌ها در ۴۲/۷/۱۸ در دبیرخانه مجلس شورای ملی ثبت شده است. در این شکایت‌نامه او مدعی شد نماینده حقیقی مردم است و حبیب‌الله قاسمی از یادی فتودال‌هاست و سرهنگ حسینی نیز از مالکان است. او هم‌چنین از ابلاغ حکم مأموریت به او از طرف وزارت کشور در روز انتخابات و اعزام اجباری‌اش به شیراز برای رسیدگی به پرونده‌ای موهوم شکایت کرد که با هدف طرد او از حوزه انتخابات انجام شده است و ابطال انتخابات این حوزه و تعقیب مسئولان امر را خواستار شد. شکایت علی‌اکبر اسلامی در شعبه دوم مجلس شورای ملی رسیدگی و مردود شناخته شد و صحت انتخابات و نمایندگی سرهنگ بازنشسته حسن حسینی تأیید شد (کمام، کارتن ۱۳۶، جزوه‌دان ۹۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرکرد).



فیروزآباد

نمونه دیگری از تحمیلات کنگره آزادزان و آزاد مردان که مورد اعتراض مردم واقع شد مربوط به انتخابات فیروزآباد بود. جمعی از مردم این منطقه در نامه‌ای، حسین زرآور رئیس اداره کشاورزی و اصلاحات ارضی فیروزآباد را نماینده تحمیلی دانستند که رأی دهنده در فیروزآباد ندارد و محلی هم نیست و چون در فهرست دولت به نام کنگره در رادیو اسمش را ذکر کرده‌اند، به اداره جات دولتی دستور داده‌اند که کاندیدای کنگره را باید از صندوق بیرون آورند و به طور قلابی طبق معمول آرایبی را به نام او ثبت و صورت مجلس کرده‌اند و اعتبارنامه‌اش داده‌اند (کمام، کارتن ۱۴۷، جزوه‌دان ۱۱۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرستان فیروزآباد).

کازرون

حسن زندپور در نامه‌ای، از انتخابات کازرون و فرد منتخب شدیداً انتقاد کرد. او با خطاب کردن عبدالحسین طباطبایی با عنوان «نماینده قلابی کازرون» نوشت: ایشان چون رئیس دادگاه جنایی استان فارس است، چه هنگام توزیع کارت الکترا و چه موقع تشکیل انجمن‌های مرکزی و فرعی نظارت بر انتخابات در سمت سابق خود باقی بود و به دارو دسته چاقوکش خودش مرتباً می‌گفت: «مخالفین را بزنید بکشید، من رئیس دیوان جنایی هستم ترس نداشته باشید همه‌اش با من» (کمام، کارتن ۱۵۳، جزوه‌دان ۱۱۶، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی کازرون؛ بصیرت‌منش و منصوری، ۱۳۹۴، صص ۱۲۲ و ۱۲۳).

لار

در حوزه انتخابیه لار دکتر حسین خطیبی به نمایندگی برگزیده شد. در ۴۲/۷/۱۶ حسن زندپور (مدیر روزنامه اصلاحات ایران) شکوائیه‌ای را در زمینه انتخابات لار برای مجلس شورای ملی ارسال کرد که در ۴۲/۷/۱۸ برای رسیدگی به شعبه مربوطه ارسال شد. نکته اساسی در شکوائیه حسن زندپور مخالفت با غیر محلی بودن حسین خطیبی بود. او با اشاره به سابقه مخالفت خود با کاندیدای غیر محلی از دوره مجلس هیجدهم خاطر نشان کرد که این مخالفت‌ها برای این بود که این کار بدعت نشود که در منطقه فارس و کیلی غیر محلی و غیر فارس از صندوق بیرون بیاورند. زندپور در ادامه شکوائیه خود مطالبی را درباره خطیبی و اجبار دولت در انتخاب او متذکر شد. شعبه چهارم رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان در مجلس شورای ملی در ۴۲/۷/۲۲ انتخابات شهرستان لار و نمایندگی آقای دکتر حسین خطیبی را تأیید کرد (کمام، کارتن ۱۶۶، جزوه‌دان ۱۲۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی لارستان).

مرند

در میان اعتراضات و شکایت‌هایی که به انتخابات دوره ۲۱ شده‌است موردی استثنایی و جالب شکایت فردی از حوزه انتخابیه مرند است که محتوایی ساختارشکنانه دارد. یدالله امیراحمدی در نامه‌ای اعتراضی به دادستان کل کشور راجع به انتخابات مرند به مخالفت خود با لوایح شش‌گانه اشاره کرد و این موضوع را حق قانونی خود قلمداد کرد. عریضه او با عنوان جالب «دادخواست سرگشاده تقدیمی به دادستان محترم کل کشور و کلیه مقامات محترم مسئول و صالح و ملل و دول محترم امضاءکنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر» در دو بخش است: ۱- طرف شکایت کلیه مقامات و مسئولان اجرای اصول قانون اساسی و قوانین جاری کشور و اشخاصی هستند که به‌نحوی از انحاء در سلب و تضییق حقوق و آزادی‌های قانونی سهیم و شریک‌اند. ۲- عناوین قانونی شکایت عبارت‌اند از: اعتراض به تعطیل اساس مشروطیت و ادامه دوره فترت به‌مدت متجاوز از دو سال و وضع و اجرای قوانینی در غیاب مجلسین و تشکیل کنگره‌ای به‌نام کنگره ملی و دودرجه‌ای کردن انتخابات مجلس شورای ملی خارج از حدود مقرر در اصول قانون اساسی و متمم آن و توسل به تهدید و مداخله علنی و غیرقانونی در معرفی نامزدان به‌عنوان نمایندگان شهرستان مرند و اعزام آنان برای شرکت در کنگره ملی مرکز و تحمیل آقای ابوالحسن احتشامی به‌عنوان نماینده مجلس شورای ملی و نامزد انتصابی به انتخابات شهرستان مرند و ممانعت علنی از فعالیت نامزدان دیگر به‌ویژه مخالفان اصولی لوایح شش‌گانه بدون توجه به این‌که در مراجعه به آرای عمومی و دادن رأی منفی به لوایح مذکور ظاهراً آزادند و آزادی قلم و بیان عقاید قانونی در اصول اساسی کشور تأیید شده‌است و مراعات نشدن اصول و مبانی اعلامیه جهانی حقوق بشر. نامبرده سپس مدارک جرم را چنین قید می‌کند: وقایع دوساله اخیر کشور که در جراید کشور انعکاس یافته‌اند و اظهارات علنی مأموران دولت و مندرجات قطعنامه کنگره آزادزان و آزادمردان (کمام، کارتن ۱۷۵، جزوه‌دان ۱۳۸، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرستان مرند؛ بصیرت منش و منصوری، ۱۳۹۴، صص ۱۲۶ و ۱۲۷).

ملاوی (پل دختر)

اختلاف میان انجمن نظارت بر انتخابات ملاوی با سایر مقامات محلی این حوزه به تشکیل انجمن نظارت دیگری منجر شد و با آنکه در ابتدا عزت‌الله سردارپور گودرزی به‌عنوان منتخب معرفی شده بود، با تشکیل انجمن جدید علی‌کمال‌وند جانشین او شد. انجمن نظارت قبلی از تاریخ ۴۲/۶/۱۱ تا ۴۲/۷/۹ پابرجا بود؛ ولی پس از آنکه از تأیید اعتبارنامه کمال‌وند خودداری کرد، از طرف وزارت کشور انجمنی جدید در ۴۲/۷/۱۱ تشکیل شد. انجمن جدید اعتبارنامه



کمال‌وند را تأیید کرد. این اتفاقات به اعتراضاتی منجر شد. در ۲۷/۱۲/۴۰ حدود ۴۰ نفر از اهالی تلگرافی خطاب به نخست‌وزیر ارسال کردند و رونوشت آن را به وزارت کشور، دادستان کل کشور، و مجلس شورای ملی فرستادند. این عریضه شامل این موارد بود: ۱- حمایت از کاندیدای کنگره (عزت‌الله سردارپور گودرزی) و دادن رأی به او؛ ۲- اعتراض به تحمیل فرد منتخب از طرف دولت [کمال‌وند] که مدیر کل نخست‌وزیری و غیرمحملی و ناشناخته است؛ ۳- اعتراض به علی‌اکبر بهروز سرپرست بخش‌داری ملاوی به دلیل تشکیل انجمن جدید نظارت و انحلال انجمن قبلی و پرونده‌سازی علیه انجمن قبلی.

بلا تکلیفی انتخابات ملاوی در برخی نشریات منعکس شد و پیام‌های تبریک برای هر دو رقیب انتخاباتی در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۷/۱۵/۴۰ کنار یکدیگر چاپ شد. عزت‌الله سردارپور گودرزی که خود را پیروز انتخابات ملاوی می‌دانست در نامه‌ای خطاب به عنایت‌السلطنه نصیری ریاست سنی مجلس شورای ملی - که رونوشت آن را برای دکتر مصباح‌زاده نماینده مجلس و رئیس شعبه اول رسیدگی به اعتبارنامه‌ها هم فرستاد - با ضمیمه کردن کپی اعتبارنامه خود - که به امضای اعضای اصلی انجمن رسیده بود و تنها بخشدار از امضای آن خودداری کرده بود - و تلگراف انجمن نظارت ملاوی و تلگراف مورخ ۲۷/۱۵/۴۰ اهالی ملاوی، خواستار احقاق حق خود شد. این نامه در ۲۷/۱۸/۴۰ در دبیرخانه مجلس ثبت شده و در آن ادعا شده است که آرای علی کمال‌وند در اثر تعویض صورت مجلس و تغییر آراء است و بخشدار منصوب از طرف کمال‌وند برای جلوگیری از رسوایی بیشتر مانع از قرائت آرا شده است. سردارپور گودرزی در ۱۵ مهر ۴۲ در نامه‌ای که با عنوان نماینده مجلس شورای ملی از ملاوی امضا کرده و در ۲۷/۲۰/۴۰ در دبیرخانه مجلس ثبت شده است با اشاره به اعتبارنامه مورخ ۹ مهر ۴۲ خود به امضای ۹ نفر از اعضای انجمن نظارت بر انتخابات ملاوی که با گواهی دفتر اسناد رسمی برایش ارسال شده است، به صدور اعتبارنامه ثانی برای علی کمال‌وند اعتراض کرد و دست‌اندرکاران این امر را به جعل اسناد رسمی متهم کرد که قابل تعقیب هستند و تشکیل انجمن جدید را فاقد ارزش قانونی دانست. از نکات جالب انتخابات این حوزه در حمایت از عزت‌الله سردارپور گودرزی تلگراف پنج تن از زنان به‌نماینده‌گی از صدها زن دهقان حوزه انتخابیه ملاوی (پل دختر) است که در ۲۷/۱۸/۴۰ شکوائیه‌ای ارسال کرده‌اند - این شکوائیه در ۲۷/۲۰/۴۰ در دبیرخانه مجلس ثبت شده است - شامل این موارد: ۱- حمایت از لویح شش‌گانه و منویات شاه و حمایت از گودرزی و تأکید بر شاه‌دوستی او؛ ۲- اعتراض به تحمیل فردی خیانت‌کار و خائن به خاندان سلطنتی به‌جای نماینده حقیقی (کمام، کارتن ۱۸۱، جزوه‌دان ۱۴۴، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی ملاوی (پل دختر)).



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۱	آباده	رضا نجیمی	نصرالله اهورهوش	رقیب انتخاباتی	۴۲/۶/۱۲ (قبل از برگزاری انتخابات)	شاه	۱. صلاحیت نداشتن کاندید انتخاباتی (نجیمی) و حمایت فئودالها از او؛ ۲- اشاره به حُسن سوابق خدمتی و پایبندی خود به منویات شاه و داشتن مقبولیت محلی و مخالفت ابادی ایل قشقایی با خودش؛ ۳- انتقاد به دست اندرکاران انتخابات مانند احمد نفیسی و حسن علی منصور؛ ۴- شکایت از دعوت نکردن از حوزه آباده برای شرکت در کنگره آزادزان و آزادمردان.
۲	آباده	رضا نجیمی	فارسی‌های مقیم تهران	هواداران رقیب انتخاباتی	احتمالاً قبل از برگزاری انتخابات	شاه	۱. حمایت از نصراله اهورهوش و تأکید بر شاه دوستی او؛ ۲- صلاحیت نداشتن رضا نجیمی.
۳	آباده	رضا نجیمی	نصرالله اهورهوش	رقیب انتخاباتی	۴۲/۶/۲۷	فرمانداری و انجمن نظارت بر انتخابات (رونوشت به مجلس شورا)	۱. سوء استفاده فرد منتخب از موقعیت خویشاوندی با استاندار فارس؛ ۲- ارباب و تهدید مردم؛ ۳- پرکردن کارت‌های الکترا ل به نام فرد منتخب و اخذ رأی قبل از موعد مقرر.

جدول ۱

عرایض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	فهمینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۴	آباده	رضانجیمی	نصرالله اهورهوش	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۶	مجلس شورای ملی	۱. صلاحیت نداشتن فرد منتخب؛ ۲- اشاره به تلگراف سرگشاده مورخ ۴۲/۶/۱۲ به شاه؛ ۳- غیرمحمولی بودن و شایستگی نداشتن کاندیدا و تحمیل او به مردم؛ ۴- تأکید بر سوابق خدمتی خود و داشتن محبوبیت مردمی؛ ۵- اقدامات فرماندار آباده برای خوش خدمتی به استاندار فارس و تهدید و ارعاب و اعمال نفوذ او.
۵	آباده	رضانجیمی	نصرالله اهورهوش	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۸	وزارت کشور	۱. صلاحیت نداشتن فرد منتخب؛ ۲- اقدامات سوء فرماندار آباده.
۶	آباده	رضانجیمی	حسن زندپور	روزنامه‌نگار	۴۲/۷/۱۸	مجلس شورای ملی	استعفان دادن فرد منتخب از منصب دولتی
۷	ابهر	منوچهر سعیدی وزیری	محمد فتوحی	رقیب انتخاباتی و دادیار دیوان عالی کشور	۴۲/۷/۲۰	شاه	۱. سوابق همکاری فرد منتخب با فرقه دمکرات؛ ۲- تأکید بر موافقت خود با اصول شش‌گانه و خدمت به سلطنت مشروطه و خاندان پهلوی.
۸	اصطهبانات و نیریز	غلام‌رضا ایل‌خان	محسن مبارکی و حدود ۷۰ نفر دیگر	دهقانان منطقه	۴۲/۷/۲	شاه	۱- حمایت از کاندید معرفی شده به کنگره آزادمردان و آزادزنان به نام حاجی خیرخواه؛ ۲- صلاحیت نداشتن فرد منتخب؛ ۳- دخالت مالکان متنفذ در اخذ رای؛ ۴- درخواست اعزام بازرس دربار و تغییر فهمینده.

ادامه جدول ۱

عرایض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۹	بافت	نزهت نفیسی	تعدادی از اهالی	اهالی	بعداز انتخابات	مجلس شورای ملی	۱- غیربومی بودن فرد منتخب؛ ۲- قلابی بودن آرا و تحمیل شدن منتخب به دلیل نقش همسرش (احمد نفیسی، شهردار تهران) در کنگره آزادزان و آزادمردان؛ ۳- درخواست ابطال انتخابات و مجازات احمد نفیسی.
۱۰	بوشهر	محمدباقر بوشهری	مصطفی خجسته	اهالی	بعداز انتخابات	مجلس شورای ملی	۱- برگزاری انتخابات در محیط ارباب؛ ۲- گروگرفتن آب شرب درازای دریافت کارت انتخابات؛ ۳- مداخله فرمانداری و بخشداری؛ ۴- منع اقامت کاندیدای محلی مدنظر مردم در زادگاه خود.
۱۱	بهشهر	ابوالقاسم پاک‌ذات	تقی رستم‌کلایی و چند نفر دیگر	اهالی بهشهر	۴۲/۷/۲۰	مجلس شورای ملی، دادستان کل کشور	۱. ایرادات قانونی به طرز تشکیل انجمن نظارت بر انتخابات؛ ۲- ایرادات قانونی به اخذ رأی و استخراج آرا؛ ۳- صلاحیت نداشتن فرد منتخب
۱۲	بهشهر	ابوالقاسم پاک‌ذات	بیش از ۴۰ کارگران و زارعان بهشهر	هوداران نماینده منتخب	۴۲/۷/۲۰	ریاست مجلس، رونوشت به وزیر کشور، وزیر کار، ساواک	۱- حمایت از نماینده منتخب؛ ۲- تقی رستم‌کلایی را دشمن تاج‌وتخت نامیدند؛ ۳- اعلام آمادگی برای آمدن به تهران و تحصن در مجلس و فداکاری در راه اوامر ملوکانه.

ادامه جدول ۱

عریض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۱۳	دماوند	مجید محسنی مهر	حدود ۴۰ نفر از اهالی دماوند	طرفداران محمود دژکام (نامزد انتخاباتی)	۴۲/۶/۱۲	نخست وزیر، رونوشت به: وزیر کشور، ساواک، روزنامه‌های کیهان و بامشاد و فرمانداری و دادستان دماوند	اعتراض به ترکیب انجمن نظارت بر انتخابات دماوند
۱۴	دماوند	مجید محسنی مهر	محمود دژکام	رقیب انتخاباتی	۴۲/۶/۱۸	خواجوی فرماندار دماوند	صلاحیت نداشتن انجمن نظارت بر انتخابات دماوند
۱۵	دماوند	مجید محسنی مهر	مسعود محبی	رقیب انتخاباتی	۴۲/۶/۳۱	انجمن نظارت بر انتخابات دماوند	۱. صلاحیت نداشتن انجمن نظارت بر انتخابات؛ ۲- اعمال نفوذ در اخذ آرا و جلوگیری از ورود کاندیدا به حوزه اخذ رای و شمارش آرا.
۱۶	دماوند	مجید محسنی مهر	محمود دژکام	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱	انجمن نظارت بر انتخابات دماوند	۱. سوء استفاده فرد منتخب از موقعیت نمایندگی در شیروخورد؛ ۲- اقدامات خلافی فرماندار دماوند؛ ۳- مخدوش بودن آرا.
۱۷	دماوند	مجید محسنی مهر	محمود دژکام	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۷	مجلس شورای ملی دماوند	ارسال تلگراف مورخ ۴۲/۶/۱۲ و نامه‌های مورخ ۴۲/۶/۱۸ و ۴۲/۷/۱ و انتقاد به دخالت فرماندار دماوند

ادامه جدول ۱

عرایض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۱۸	سنندج	مهدی شیخ‌الاسلامی و هوشنگ کهانگر	ناصر یمین مردوخی	رقیب انتخاباتی و نویسنده مطبوعات	۴۲/۷/۲	انجمن نظارت بر انتخابات سنندج دادستان سنندج مجلس شورای ملی	۱. محیط خفقان و مرعوب شدن انجمن‌های نظارت؛ ۲- دخالت مقامات محلی سنندج و قروه در انتخابات؛ ۳- ضرب و شتم زارعان مخالف کاندیداهای تحمیلی و پرونده‌سازی علیه آن‌ها.
۱۹	سنندج	مهدی شیخ‌الاسلامی و هوشنگ کهانگر	کشاورزان قریه نیاز	نمایندگان زارعان و کشاورزان	بعداز انتخابات	مجلس شورای ملی	۱. استشهادیه در زمینه تهدید و ارباب ازسوی فرماندار قروه و حمایت مقامات محلی از کاندیداهای تحمیلی؛ ۲- جلوگیری از رأی‌دادن به کاندیداهای مدنظر خود.
۲۰	شاهرود	امیرقاسم معینی	۷ تن از اهالی	اهالی شاهرود	۴۲/۷/۱۰	مجلس شورای ملی	۱. تعیین کفیل فرمانداری شاهرود ازطرف فرمانداری کل سمنان؛ ۲- مداخلات غیرقانونی اشخاص و سازمان‌های غیرمسئول؛ ۳- اجبار و تهدید و تطمیح در اخذ رأی و مخدوش‌بودن آرا.
۲۱	شمیرانات	محسن خواججه‌نوری	مهدی منصوری نراقی	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۲	انجمن نظارت بر انتخابات	۱. رعایت نکردن مقررات در زمینه انتخاب اعضای انجمن نظارت؛ ۲- اعمال نفوذ وابستگان کاندیدای کنگره در انجمن‌های نظارت؛ ۳- دخالت مأموران و تهدید و ارباب رأی‌دهندگان.

ادامه جدول ۱

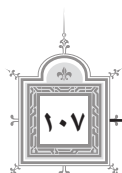
عرایض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	فایده‌مند منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۲۲	شمیرانات	محسن خواجه‌نوری	مه‌دی منصوری نراقی	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۷	مجلس شورای ملی	۱. تخلفات انجمن نظارت در اخذ و قرائن آراء؛ ۲- تهدید و ضرب و شتم رأی‌دهندگان مخالف کاندیدای منتخب.
۲۳	شوشتر	علی‌اکبر حکیم شوشتری	سیدحسین امام	وکیل دادگستری	۴۲/۶/۲۰	رئیس انجمن نظارت بر انتخابات شوشتر	دخالت افراد ناآشنا به مقررات در انجمن نظارت بر انتخابات.
۲۴	شوشتر	علی‌اکبر حکیم شوشتری	سیدحسین امام	وکیل دادگستری		استاندار خوزستان	۱. دخالت مأموران انتظامی در انتخابات به نفع فرد منتخب؛ ۲- صلاحیت‌نداشتن اعضای انجمن نظارت بر انتخابات.
۲۵	شوشتر	علی‌اکبر حکیم شوشتری	سیدعبدالله امام	اهالی	۴۲/۶/۲۸	استاندار خوزستان	۱. اعمال نفوذ و دخالت افراد غیرمسئول در انتخابات؛ ۲- جلوگیری از رأی‌دادن به دیگر کاندیدایها.
۲۶	شوشتر	علی‌اکبر حکیم شوشتری	کاظم افشین	رقیب انتخاباتی	۴۲/۶/۲۸	فرماندار شوشتر	۱. تبلیغ و تقویت کاندیدای کنگره آزاد زنان و آزاد مردان از طرف اداره کشاورزی؛ ۲- حمایت فرمانداری از کاندیدای کنگره؛ ۳- حمایت انجمن نظارت از کاندیدای کنگره؛ ۴- ارباب طرفداران دیگر کاندیدایها.

ادامه جدول ۱

عرایض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۲۷	شوستر	علی اکبر حکیم شوشتری	اهالی قراء اطراف شوستر	دهقانان و کدخدایان و ریش سفیدان	بعداز انتخابات	مجلس شورای ملی	۱. جلوگیری از رأی دادن مخالفان کاندیدای کنگره و تحقیر و توهین آن‌ها از سوی مأموران و هواداران نماینده منتخب؛ ۲- دخالت افراد غیرمسئول و مأموران در اخذ و قرائت آرا با تبنی با انجمن نظارت.
۲۸	شوستر	علی اکبر حکیم شوشتری	سیدحسین امام	از اهالی	۴۲/۷/۱۰	مجلس شورای ملی	دوری مسافت حوزه‌ها و کمبود صندوق رأی و بی‌اعتنایی فرمانداری و انجمن نظارت به این موضوع.
۲۹	شهری	هادی هدایتی	عده‌ای از اهالی	اهالی شهری	۴۲/۷/۱۶	استاندار تهران	۱. رعایت نکردن مقررات مربوط به ترکیب انجمن نظارت بر انتخابات؛ ۲- خویشتاوندی و وابستگی اعضای انجمن به دکتر هادی هدایتی و آستانه حضرت عبدالعظیم به تولیت محمدعلی هدایتی پسرعموی او.
۳۰	شهرکرد	حسن حسینی	علی اکبر اسلامی	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۸	مجلس شورای ملی	۱. فرد منتخب مالک عمده و ساکن تهران است؛ ۲- ابلاغ حکم از طرف وزارت کشور مبنی بر عزیمت به شیراز و اجبار به ترک حوزه انتخاباتی.

ادامه جدول ۱

عریض حوزه‌های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۳۱	فیروزآباد	حسین زرآور	اهالی منطقه	اهالی	بعد از انتخابات	مجلس شورای ملی	۱. تحمیل فرد منتخب و بومی نبودن او؛ ۲- حمایت اداره جات دولتی از فرد منتخب پس از اعلام او از طرف کنگره آزادزان و آزاد مردان؛ ۳- ثبت آرای قلابی برای فرد منتخب.
۳۲	کازرون	عبدالحسین طباطبایی	حسن زندپور	روزنامه نگار		مجلس شورای ملی	۱. نماینده منتخب مسئولیت دولتی دارد؛ ۲- دخالت همراه با ارباب و تهدید از سوی هواداران نماینده منتخب در انتخابات و سوءاستفاده او از مقام قضایی.
۳۳	لار	حسین خطیبی	حسن زندپور	روزنامه نگار	۴۲/۷/۱۶	مجلس شورای ملی	۱. غیرمحمولی بودن فرد منتخب؛ ۲- تحمیل نماینده منتخب با اجبار دولت.
۳۴	مرند	ابوالحسن احتشامی	یدالله امیراحمدی	اهالی		دادستان کل کشور و کلیه مقامات مسئول	۱. اعتراض به مقامات و مسئولان در تعطیلی اساس مشروطیت؛ ۲- اعتراض به تشکیل کنگره آزادزان و آزاد مردان و دودرجه ای کردن انتخابات؛ ۳- تحمیل کاندیدا و جلوگیری از فعالیت سایر نامزدها به ویژه مخالفان اصولی لوائح شش گانه.

ادامه جدول ۱

عرایض حوزه های انتخابیه



ردیف	نام حوزه	نماینده منتخب	شاکی	جایگاه شاکی	تاریخ شکایت	مخاطب شکایت	مفاد عریضه و شکایت
۳۵	ملاوی (پلدختر)	علی کمال‌وند	حدود ۴۰ نفر	اهالی منطقه	۴۲/۷/۱۲	نخست‌وزیر (رونوشت به وزارت کشور، دادستان کل کشور و مجلس شورای ملی)	۱. حمایت و رأی‌دادن به کاندیدای کنگره (عزت‌الله سردارپور گودرزی) و صدور اعتبارنامه ازطرف انجمن نظارت بر انتخابات برای او؛ ۲- مخالفت بخشدار ملاوی و بازداشت و زندانی کردن اعضای انجمن؛ ۳- تشکیل انجمن جدید و صدور اعتبارنامه قلبی برای علی کمال‌وند.
۳۶	ملاوی (پلدختر)	علی کمال‌وند	عزت‌الله سردارپور گودرزی	رقیب انتخاباتی	۴۲/۷/۱۵ ثبت دیبرخانه مجلس ۴۲/۷/۲۰	مجلس شورای ملی	۱. ارسال اعتبارنامه انجمن نظارت با گواهی دفتر اسناد رسمی؛ ۲- اعتراض به صدور اعتبارنامه ثانی برای علی کمال‌وند.
۳۷	ملاوی (پلدختر)	علی کمال‌وند	عزت‌الله سردارپور گودرزی	رقیب انتخاباتی	ثبت دیبرخانه مجلس ۴۲/۷/۱۸	ریاست سنی مجلس و مصباح‌زاده رئیس شعبه اول رسیدگی به اعتبارنامه‌ها	۱. خودداری بخشدار از امضای صورت‌جلسه انجمن نظارت؛ ۲- تشکیل انجمن نظارت جدید و تغییر آرا به نام علی کمال‌وند.
۳۸	ملاوی (پلدختر)	علی کمال‌وند	پنج تن از بانوان به نمایندگی از صدها زن	اهالی پلدختر	۴۲/۷/۱۸	مجلس شورای ملی	۱. حمایت از عزت‌الله سردارپور گودرزی؛ ۲- اعتراض به تحمیل کاندیدای ازسوی دولت.

ادامه جدول ۱

عرایض حوزه‌های انتخابیه



۲. نتیجه گیری

جامعه آماری: تعداد عرایض بررسی شده در این پژوهش ۳۸ عدد است. آمار عرایض از نظر انفرادی و جمعی و براساس تاریخ قبل و بعد از برگزاری انتخابات در ۲۶ شهریور ۴۲، به تفکیک زیر است:

کل عرایض استخراج شده	عرایض انفرادی	عرایض دسته جمعی	قبل از انتخابات	بعد از انتخابات
۳۸	۲۵	۱۳	۵	۳۳

جدول ۲

جامعه آماری عرایض

عرایض قبل از برگزاری انتخابات مربوط به تبلیغ نامزد مدنظر عریضه نویسان پس از برگزاری کنگره آزاد زنان و آزاد مردان (نمونه سنندج) و یا پس از مشخص شدن ترکیب اعضای انجمن نظارت بر انتخابات (نمونه دماوند) است. از میان عرایض دسته جمعی ۹ عریضه اسم یا امضا دارد.

مخاطب عرایض: از میان عرایض بررسی شده، مخاطب ارسال عرایض و یا ارسال رونوشت به مقامات و مسئولان امر به شرح زیر است:

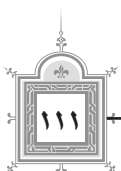
مخاطب عرایض	انجمن نظارت بر انتخابات و فرمانداریها	وزیر کشور و نخست وزیر	مجلس شورای ملی	شاه	سایر (دادستان کل کشور، دادستان مراکز استانها، وزیر کار، استانداران، ساواک، جراید)	جمع کل عرایض
تعداد	۹	۴	۲۲	۴	۹	تعداد کل عرایض ۳۸ عدد است، ولی تعداد مخاطبان عرایض ۴۴ تاست؛ چون مخاطب بعضی از عرایض بیش از یک نفر است.

جدول ۳

مخاطبان عرایض

موقعیت اجتماعی شاکیان و عریضه نویسان:

از عرایض مطرحه برمی آید که اغلب شاکیان از رقبای انتخاباتی ای بودند که از زادگاهشان کاندیدای انتخابات شده بودند و البته برخی مقیم و ساکن تهران شده بودند؛ هواداران آنها و کسانی که تعلقات بومی و منطقه ای داشتند در رده بعد بودند. اطلاعات پایگاه اجتماعی شاکیان کافی نیست و برخی قضات، کارکنان وزارت خانه ها و روزنامه نگاران در آنها مشاهده می شود و در یک مورد (ملاوی) زنان عریضه نوشته اند. آمار موارد بررسی شده به قرار زیر است:



موقعیت شاکیان	رقیب انتخاباتی	هواداران رقیب انتخاباتی	سایر اشخاص حقیقی	طرفداران نماینده منتخب	جمع کل
تعداد	۱۶	۱۱	۱۰	۱	۳۸

جدول ۴

موقفیت اجتماعی عریضه نویسان

موضوع عرایض:

موضوع عرایض متعدد است؛ ولی ۳ موضوع در عرایض بیشتر قابل مشاهده است:

۱. ذکر سوابق خدمتی و وفاداری به شاه و خاندان سلطنت (در عریضه‌های انفرادی) یا اعلام حمایت از کاندیدای مدنظر (در عریضه‌های جمعی) و ذکر این‌که برخی از نمایندگان از طرف کنگره آزاد زنان و آزادمردان نیز معرفی شده‌اند.
۲. اشاره به صلاحیت نداشتن فرد منتخب و اعتراض به تحمیل او و آرای قلابی او. در چند مورد غیرمحلّی بودن نمایندگان منتخب از موارد اعتراض است (نمونه بافت، لار، فیروزآباد). هم‌چنین استعفان دادن از منصب دولتی و سوءاستفاده از مقام و مسئولیت هم از موارد اعتراض بوده است (نمونه آباءه، کازرون). ارتباط با گروه‌های مخالف سلطنت (مانند فرقه دمکرات و ایل قشقایی) یا مالک بودن و مناسبات حسنه با مالکان، از دیگر موارد اشاره شده در عرایض علیه نمایندگان منتخب است.
۳. اشاره به دخالت مقامات (فرمانداران و بخشداران و مأموران انتظامی و ...) و متنفذان محلّی (مالکان) و اشخاص و سازمان‌های غیرمسئول در انتخابات و به‌ویژه ایراد به ترکیب اعضای انجمن نظارت بر انتخابات؛ انجمن‌های نظارت بر انتخابات که زیر نظر فرمانداران و بخشداران مناطق گزینش می‌شدند نقشی اساسی در روند انتخابات و گزینش نهایی نمایندگان مجلس داشتند.

شاکیان، از ارباب و تهدید و تطمیع و در تنگنا قراردادن مردم برای دریافت کارت الکترا قبل از برگزاری انتخابات (نمونه بوشهر) و جمع‌آوری کارت‌های الکترا (انتخاباتی) و اعمال نظر مأموران در اخذ و قرائت آرا و حمایت نهادهای حکومتی از فرد منتخب هم شکایت داشته‌اند. فرمانداران و مقامات ژاندارمری و شهربانی و شهرداری و در مواردی اداره اصلاحات ارضی در این زمینه نقشی اساسی داشتند. قدرت فرمانداران و بخشداران تاحدی بود که در مواردی رأی انجمن نظارت بر انتخابات را هم تو می‌کردند و انجمن جدیدی را جایگزین انجمن قبلی می‌کردند (نمونه ملاوی). شکایت از وزارت کشور از سوی یکی از کارکنان با سابقه آن وزارت‌خانه نیز در میان شکایات‌ها وجود دارد. اجبار به ترک حوزه انتخابیه هم یکی از موارد شکایت است. علاوه بر این بعضی انتقادهای اساسی تر



نیز در تعدادی از عرایض منعکس است؛ مانند انتقاد به دست‌اندرکاران انتخابات و مقاماتی که موجب تعطیل اساس مشروطه شده‌اند (نمونه آباءه، مرنده).

درخواست شاکیان:

شاکیان در اغلب موارد شکایت خود را به انجمن نظارت بر انتخابات و فرمانداری‌ها و سپس به مقامات محلی (استانداران) ارسال می‌کردند و طبیعتاً با رد شکایتشان به سایر مقام‌ها و نهادها متوسل می‌شدند و در نهایت آخرین ملجأ آن‌ها مجلس شورای ملی بود تا از تأیید اعتبارنامه نمایندگان منتخب و معرفی شده از سوی انجمن نظارت، جلوگیری کنند. شاکیان در چند مورد پس از اعلام نظر کنگره آزادزان و آزادمردان و قبل از برگزاری انتخابات به شاه نامه نوشته‌اند. چند مورد درخواست عریضه‌نویسان برای ابطال انتخابات و تغییر نماینده معرفی شده از جانب انجمن‌های نظارت، و چند مورد درخواست اعزام بازرس به محل هم در بین عرایض موجود است. چندین مورد شکایت برای رسیدگی و پیگیری وقوع جرم به دادگاه شهرستان و دادستان کل کشور و گاهی نیز رونوشت شکایت به سازمان امنیت ارسال شده‌است.

ادبیات عرایض:

شاکیان در مواردی منتخبان را متهم می‌کردند که از مالکان بزرگانده و فئودال‌ها و زمین‌داران بزرگ حامی آن‌ها هستند (نمونه آباءه). نکته مهم در اغلب عرایض هم‌گامی با سیاست کلی حاکمیت است؛ از این رو تأکید بر پیروی از منویات شاه و اصول شش‌گانه انقلاب سفید در اغلب عرایض مشاهده می‌شود. شاکیان حتی در مواردی که به آزادی انتخابات اشاره کرده‌اند، تصریح کرده‌اند که این موضوع خواسته شاه است و اعلی‌حضرت آزادی اعطا فرموده‌اند. واژه‌هایی چون «شاه‌دوستی» از کلمات رایج و تکراری در عرایض است. خوش‌بینی یا اقتضای شرایط حاکم ایجاب می‌کرده‌است که اقدامات ظالمانه را برخلاف منویات شاهانه، تلقی و تأکید کنند. تنها استثنا شکایت یک نفر از مرنده است که به مخالفت خود با لوایح شش‌گانه اشاره کرده و شکایتش از کلیه مقامات نقض‌کننده قانون اساسی و تعطیلی مشروطیت بوده‌است. کاندید بودن در کنگره آزادزان و آزادمردان از مواردی است که شاکیان و هواداران آن‌ها به آن اشاره کرده‌اند و به این امر به منزله پایگاه مردمی خود استناد کرده‌اند. در مواردی نیز کاندید شدن در این کنگره را خلاف اصل آزادی انتخابات تلقی کرده‌اند (نمونه، ابهر، بافت، مرنده). عریضه‌نویسان به شاه، به هر طریق ممکن سعی کرده‌اند سابقه فرد منتخب را منفی جلوه دهند و بلکه او را حائن بنامند و از دیگر سو سوابق

خدمتی خود را بازگو کنند و بر پیروی خود از منویات شاه و نیز پایگاه مردمی خود و مخالفت با مالکان بزرگ تأکید کنند. این عریضه نویسان چون یگانه راه رسیدن به مقصود را از طریق دربار و شخص شاه می دانستند خواستار صدور اوامر ملوکانه بودند (نمونه ابهر). در عرایض دسته جمعی به شاه در کنار بیان حمایت از کاندیدای مدنظر خود، علیه نماینده منتخب نکاتی گفته اند و به هم راستابودن او با مالکان و متنفذان محلی و اخذ رأی به اجبار اشاره کرده اند و براین اساس از شاه درخواست داشته اند تا با فرمانی نماینده منتخب را تغییر دهد (نمونه اصطهبانات). در مقابل شکوائیه های جمعی علیه نماینده منتخب، مورد نادری از حمایت دسته جمعی از نماینده منتخب هم وجود دارد (نمونه بهشهر).

منبع

اسناد

- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام):
 کارتن ۳۸، جزوه دان ۱، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی آباءه.
 کارتن ۴۰، جزوه دان ۴۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی ابهر.
 کارتن ۵۲، جزوه دان ۱۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی اصطهبانات و نی ریز.
 کارتن ۷۶، جزوه دان ۳۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی بهشهر.
 کارتن ۶۱، جزوه دان ۲۴، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی بافت.
 کارتن ۷۲، جزوه دان ۳۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی بوشهر.
 کارتن ۱۰۲، جزوه دان ۶۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی دماوند و فیروزکوه.
 کارتن ۱۲۳، جزوه دان ۸۶، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی سنندج.
 کارتن ۱۲۷، جزوه دان ۹۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شاهرود.
 کارتن ۱۳۵، جزوه دان ۹۸، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرری.
 کارتن ۱۳۶، جزوه دان ۹۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شهرکرد.
 کارتن ۱۳۰، جزوه دان ۹۳، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شمیرانات.
 کارتن ۱۳۲، جزوه دان ۹۵، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی شوشتر.
 کارتن ۱۴۷، جزوه دان ۱۱۰، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی فیروزآباد.
 کارتن ۱۵۳، جزوه دان ۱۱۶، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی کازرون.
 کارتن ۱۶۶، جزوه دان ۱۲۹، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی لارستان.
 کارتن ۱۷۵، جزوه دان ۱۳۸، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی مرند.
 کارتن ۱۸۱، جزوه دان ۱۴۴، پوشه ۱، پرونده انتخاباتی ملاوی (پل دختر).



کتاب

- آبادیان، حسین. (۱۳۸۵). *دو دهه واپسین حکومت پهلوی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر*. (احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی و لیلیایی، مترجمان). تهران: نی.
- اسناد انقلاب اسلامی*. (۱۳۶۹). (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسناد نهضت آزادی ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۴: جلد ۱: جریان تأسیس و بیانیه‌ها*. (۱۳۶۱). تهران: نهضت آزادی ایران.
- بازرگان، مهدی. (۱۳۷۶). *یادداشت‌های روزانه*. تهران: قلم.
- بصیرت‌منش، حمید؛ منصور، توران. (۱۳۹۴). *مجلس بیست و یکم شورای ملی*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حسن‌زاده، اسماعیل. (۱۳۸۷). *انقلاب اسلامی در مرند*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حنیف، محمد. (۱۳۸۳). *اصفهان در انقلاب*. تهران: عروج.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. (جلد ۱۰).
- سیر مبارزات امام خمینی در آینه اسناد به روایت ساواک*. (۱۳۸۶). (ج ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طلوعی، محمود. (۱۳۷۳). *پدر و پسر: ناگفته‌ها از زندگی و روزگار پهلوی‌ها*. تهران: علم.
- فردوست، حسین. (۱۳۷۰). *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست*. (ج ۲). تهران: اطلاعات.
- کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۷۴). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. (محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، مترجمان). تهران: نشر مرکز.
- لاجوردی، حبیب. (۱۳۷۶). *خاطرات علی امینی*. تهران: گفتار.
- مروار، محمد. (۱۳۸۶). *مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مؤمن، ابوالفتح. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در همدان*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- میلانی، عباس. (۱۳۸۲). *معمای هویدا*. تهران: اختران.
- نگاهی به ساختار و کارکرد مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست و یکم و بیست و دوم): مجموعه مقالات ششمین همایش تخصصی تاریخ مجلس*. (۱۳۹۶). (علی ططری، کوشش‌گر). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۳۴۴-۱۳۳۱*. (جلد ۱۴). (۱۳۸۹). (رابرت مایکل بارل، ویراستار؛ افشار امیری، مترجم). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مقاله

رسولی پور، مرتضی. (پاییز ۱۳۷۷). «پهلوی دوم، از سردرگمی تا خودکامگی؛ گفت‌وگو با دکتر حسین خطیبی نایب‌رئیس مجلس شورای ملی». *تاریخ معاصر ایران*، س ۲، ش ۷.

سادات، سید محمود؛ عامری، فرزانه. (بهار و تابستان ۱۳۹۷). «تحلیل مطالبات زنان تهران در دوره پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۳۲ش) براساس عرایض مجلس شورای ملی». فصل‌نامه *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، سال ۲۸، ش ۲۱، پیاپی ۱۰۶.

شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹). «عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال بیستم، دفتر سوم، پائیز ۱۳۸۹.

طبری، علی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه عریضه در پژوهش‌های اسنادی». *پیام بهارستان*، ۲، س ۱، ش ۴.

نشریات

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۰۵۰۰، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۰.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۰۵۳، ۷ فروردین ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۰۸۹، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۰۹۱، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۱۲۳، ۳ تیر ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، ۶ تیر ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۱۳۰، ۱۱ تیر ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۱۵۵، ۱۰ مرداد ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۱۸۰، ۱۰ شهریور ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، ۱۳ شهریور ۱۳۴۲.

روزنامه *اطلاعات*، شماره ۱۱۱۹۴، ۲۶ شهریور ۱۳۴۲.

مجله *خواندنی‌ها*، سال بیست‌وسوم، شماره ۹۹، شنبه ۹ شهریور ۱۳۴۲.

مجله *خواندنی‌ها*، سال بیست‌وسوم، شماره ۱۰۴، سه‌شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۴۲.

روزنامه *مهر ایران*، شماره ۱۹۰۸، ۶ شهریور ۱۳۴۲.

سایر

پروژه تاریخ شفاهی دانشگاه هاروارد، مصاحبه با هلاکو رامبد. (۱۹۸۳).



English Translation of References

Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):

Box 38, File holder number 1, Folder 1, Ābādeh (Abadeh) election file.

Box 40, File holder number 40, Folder 1, Abhar (Abhar) election file.

Box 52, File holder number 15, Folder 1, Estahbānāt va Neyriz (Estahbanat and Neyriz) election file.

Box 76, File holder number 39, Folder 1, Behšahr (Behshar) election file.

Box 61, File holder number 24, Folder 1, Bāft (Baft) election file.

Box 72, File holder number 35, Folder 1, Bušehr (Boushehr) election file.

Box 102, File holder number 65, Folder 1, Damāvand va Firuzkuh (Damavand and Firouzkouh) election file.

Box 123, File holder number 86, Folder 1, Sanandaj (Sanandaj) election file.

Box 127, File holder number 90, Folder 1, Šāhrud (Shahroud) election file.

Box 135, File holder number 98, Folder 1, Šahr-e Rey (Shahr-e Rey) election file.

Box 136, File holder number 99, Folder 1, Šahr-e Kord (Shahr-e Kord) election file.

Box 130, File holder number 93, Folder 1, Šemirānāt (Shemiranat) election file.

Box 132, File holder number 95, Folder 1, Šuštar (Shoushtar) election file.

Box 147, File holder number 110, Folder 1, Firuzābād (Firouzabad) election file.

Box 153, File holder number 116, Folder 1, Kāzerun (Kazeroun) election file.

Box 166, File holder number 129, Folder 1, Lārestān (Larestan) election file.

Box 175, File holder number 138, Folder 1, Marand (Marand) election file.

Box 181, File holder number 144, Folder 1, Malāvi, Pol-e Doxtar (Malavi, Pol-e Dokhtar) election file. [Persian]

Books

Abadian, Hossein. (1385/2006). "*Do dahe-ye vāpasin-e hokumat-e Pahlavi*" (The last two decades of Pahlavi domination). Tehran: Mo'assese-ye Motāle'āt va Pažuheš-hā-ye Siyāsi (Political Studies and Research Institute). [Persian]



- Abrahamian, Ervand. (1377/1998). *“Irān bein-e do enqelāb: Darāmedi bar jame’e-šenāsi-ye siāsi-ye mo’āser-e Irān”* (Iran between two revolutions). Translated by Ahmad Golmohammadi, & Mohammad Ebrahim Fattahi Valilayi. Tehran: Ney. [Persian]
- “Asnād-e enqelāb-e Eslāmi”* (Documents of the Islamic revolution) (vol. 1). (1369/1990). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- “Asnād-e nehzat-e āzādi-ye Irān 1340 – 1344; Jeld-e 1: Jariyān-e ta’sis va bayāniyehā”* (Documents of Iran’s freedom movement 1961-1965; Volume 1: Establishment process and statements). (1361/1982). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Irān (Freedom Movement of Iran). [Persian]
- Basiratmanesh, Hamid; & Mansouri, Touran. (1394/2015). *“Majles-e bišt-o-yekom-e Šorā-ye Melli”* (Twenty-first session of the national assembly). Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Bazargan, Abdolali. (1376/1997). *“Yāddāšt-hā-ye ruzāneh”* (Daily notes). Tehran: Nehzat-e Āzādi-ye Irān (Freedom Movement of Iran). [Persian]
- Dehkhoda, Ali- Akbar. (1377/1999). *“Loqat-nāmeḥ”* (Dehkhoda Dictionary) (Vol. 10). [Persian]
- Fardoust, Hossein. (1371/1992). *“Zohur va soqut-e saltanat-e Pahlavi; Xāterāt-e Artešbod-e Sābeq Hossein-e Fardoust”* (The rise and fall of Pahlavid dynasty). (vol. 2). Tehran: Ettela’āt. [Persian]
- Hanif, Mohammad. (1383/2004). *“Esfahān dar enqelāb”* (Esfahan in revolution). Tehran: ‘Oruj. [Persian]
- Hasanzadeh, Esmael. (1387/2008). *“Enqelāb-e eslāmi dar Marand”* (The Islamic revolution in Marand). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali. (1374/1995). *“Eqtesād-e siāsi-ye Irān; az mašrutiat tā pāyān-e selsele-ye Pahlavi”* (Political economics in Iran; From constitutional revolution to the end of Pahlavid era). Translated by Mohammad Reza Nafisi &



- Kambiz Azizi. Tehran: Goftār. [Persian]
- Lajevardi, Habibollah et al. (1387/2008). *“Xāterāt-e Ali Amini”* (Memories of Ali Amini). Tehran: Safhe-ye Sefid. [Persian]
- Milani, Abbas. (1382/2003). *“Mo’ammā-ye Hoveidā”* (The mystery of Hoveyda). Tehran: Axtarān. [Persian]
- Momen, Abolfath. (1386/2007). *“Enqelāb-e Eslāmi dar Hamedān”* (The Islamic revolution in Hamedan). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- Morvar, Mohammad. (1386/2007). *“Majles-e Šorā-ye Melli: Dore-hā-ye bišt-o-yekom tā bišt-o-čāhārom”* (The national assembly: Twenty-first to twenty-fourth terms). Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]
- “Negāhi be sāxtār va kār kard-e majles-e Šorā-ye Melli (Dore-hā-ye bišt-o-yekom va bišt-o-dovvom): Majmu’e maqālāt-e šešomin hamāyeš-e taxassosi-ye tārix-e majles”* (A look at the structure and function of the National Assembly (21st and 22nd periods): Collection of articles of the 6th specialized conference on the history of the assembly). (1396/2017). Edited by Ali Tatarri. Tehran: Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- “Seir-e mobārezāt-e Emām Xomeini dar āyine-ye asnād be ravāyat-e Sāvāk”* (The course of Imam Khomeini’s struggles in the mirror of documents according to Savak) (vol. 2). (1386/2007). Tehran: Mo’assese-ye Tanzim va Našr-e Āsār-e Emām Xomeini (The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works). [Persian]
- Tolouei, Mahmoud. (1373/1994). *“Pedar va pesar: Nāgoft-e hā az zendegi va ruzegār-e Pahlavi-hā”* (The father and the son). Tehran: ‘Elm. [Persian]
- “Yāddāšt-hā-ye siyāsi-ye Irān 1331 – 1344”* (Iran political diaries) (vol. 14). (1389/2010). Edited by Burrell, R. M. (Robert Michael). Translated by Afshar Amiri. Tehran: Markaz-e Asnād-e Enqelāb-e Eslāmi (Marāsān) (Islamic Revolution Documents Center). [Persian]

Articles

- Rasoulipour, Morteza. (Fall 1377/1998). "Pahlavi-ye dovvom, az sardargomi tāxodkāmegi; Goft-o-gu bā Doktor Hossein Xatibi nāyeb raees-e Majles-e Šorā-ye Mellī" (Second Pahlavi, from confusion to autocracy; Interview with Dr. Hossein Khatibi, Vice Chairman of the National Assembly). *Tārix-e Mo'āser-e Irān* (Institute for Iranian Contemporary Historical Studies), 3(2). [Persian]
- Sadat, Seyyed Mahmoud; & Ameri, Farzaneh. (Spring & Summer 1397/2018). "Tahlil-e motālebāt-e zanān-e Tehrān dar dowre-ye Pahlavi-ye dovvom (1320 – 1332 SH) bar asās-e 'arāyez-e Majles-e Šorā-ye Mellī" (Analysis of the demands of Tehran women in the second Pahlavi period (1941 – 1953) based on the petitions to the National Assembly). *Fasl-nāme-ye Tārix-negari va Tārix-negāri* (Historical Perspective & Historiography), 28(21), series no. 106. [Persian]
- Shohani, Siyavash. (1389/2010). "Arāyez; Rahyāfti be tārix-e forudastān (Barresi-ye asnād-e 'arāyez-e Majles-e Šorā-ye Mellī)" (Petitions; an Approach to the History of Lower Classes (A Study on the Petition Records in the National Consultative Assembly). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 20(3), Fall 1389/2010. [Persian]
- Tatarri, Ali. (1388/2009). "Barresi-ye jāygāh-e 'arizeh dar pažuheš-hā-ye asnādī" (Examining the position of the petition in documentary research). *Payām-e Bahārestān*, 1st year, 2(4). [Persian]

Press

- Majalle-ye *Xāndani-hā* (Khandaniha Magazine), 23rd year, issue 99, Saturday 9 Šahrivar 1342 SH / 31 August 1963. [Persian]
- Majalle-ye *Xāndani-hā* (Khandaniha Magazine), 23rd year, issue 104, Tuesday 26 Šahrivar 1342 SH / 17 September 1963. [Persian]
- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 10500, 20 Ordibehešt 1340 SH / 10 May 1961. [Persian]
- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11053, 7 Farvardin 1342 SH / 27 March 1963. [Persian]
- Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11089, 21 Ordibehešt 1342 SH



/ 11 May 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11091, 24 Ordibehešt 1342 SH

/ 14 May 1961. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11123, 3 Tir 1342 SH / 24 June 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), 6 Tir 1342 SH / 27 June 1961. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11130, 11 Tir 1342 SH / 2 July 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11155, 10 Mordād 1342 SH / 1 August 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11180, 10 Šahrivar 1342 SH / 1 September 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), 13 Šahrivar 1342 SH / 4 September 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Ettelā'āt* (Ettelaat daily newspaper), issue 11194, 26 Šahrivar 1342 SH / 17 September 1963. [Persian]

Ruznāme-ye *Mehr-e Irān* (Mehr-e Irān newspaper), issue 1908, 6 Šahrivar 1342 SH / 28 August 1963. [Persian]

Others

“Porože-ye ārix-e Šafāhi-ye Dānešgāh-e Hārvārd, mosāhebeh bā Holāku Rāmbod”

(Harvard University Oral History Project, Interview with Holaku Rambod).

(1983). [Persian]





Determining the National Railway Route of Iran: Ups and Downs

Mostafa Nouri¹

Abstract:

Purpose: This article aims to depict the ups and downs of constructing the first national railway of Iran and determining its route at the time of Reza Shah, as well as foreigners' approach towards it, especially England.

Method and Research Design: Library resources, archival records, and the press reports were studied, described and analyzed.

Findings and Conclusion: The investigations clarified that from the very beginning of the railway-construction debates in Iran, some proposals considered Iran's railway as a connecting corridor of Europe and East Asia, whereas the others propose a national railway within the borders of Iran. Although, there was never a practical and serious effort to build a national railway in Iran during the Qajar period, we cannot ignore the fact that many plans were presented and considerable theoretical discussions were raised. Some of those proposals such as Sani al-Dawlah's were used to build the national railway at the time of Reza Shah. In addition, it seems that the first serious effort of the Iranian government to build a national railway started at the time of Watouq al-Dawlah, the prime minister. The British were unsuccessful to persuade the Iranian authorities to build a railway from Qasr-Shirin to Tehran and the Iranian authorities' insistence on building a north to south railway reveals their failure. Reza Shah's persistence had a great impact on building the first national railway of Iran.

Keywords: National Railway; The Qajar; Reza Shah Pahlavi; England; Russia.

Citation: Nouri, M. (2022). Determining the National Railway Route of Iran: Ups and Downs. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 122-149 | doi: 10.30484/ganj.2022.2934

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Ph.D. in Iranology, Researcher of Document Research Institute, National Library and Archives of Iran, Tehran, Iran
m_n_savadkouhi@yahoo.com
Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier (DOI): 10.30484/GANJ.2022.2934

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 122 - 149 (28) | Received: 3, Nov. 2021 | Accepted: 19, Feb. 2022

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

فرازوفرود تعیین مسیر راه آهن سراسری در ایران

مصطفی نوری^۱

چکیده:

هدف: این مقاله برآن است تا با بهره‌گیری از منابع دست‌اول فرازوفرود احداث راه آهن سراسری و انتخاب مسیر آن و نیز رویکرد قدرت‌های خارجی به‌ویژه انگلستان در این زمینه را به‌تصویر بکشد و سیر انتخاب نخستین مسیر خط راه آهن در دوران نخست‌وزیری و سلطنت رضاشاه را باز کند.

روش / رویکرد پژوهش: در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای، اسناد آرشیوی و گزارش‌های مطبوعاتی، موضوع تعیین مسیر راه آهن سراسری ارزیابی می‌شود.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: از همان آغاز شروع بحث راه آهن در ایران برخی پیشنهادها، راه آهن ایران را بخشی از کریدور اتصال اروپا به شرق آسیا در نظر می‌گرفتند و برخی طرح‌ها به ساخت راه آهن سراسری در داخل مرزهای ایران معطوف بودند. هرچند در دوران قاجار هرگز تلاشی عملی و جدی برای ساخت راه آهن سراسری ایران در میان نبود، ولی نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که طرح‌های بسیاری در این زمینه عرضه شد و مباحث نظری فراوانی مطرح شد که برخی از آن‌ها مانند پیشنهادهای صنایع‌الدوله به کار ساختن راه آهن سراسری در عصر رضاشاه آمد. به نظر می‌رسد که نخستین تلاش جدی دولت ایران برای ساخت راه آهن سراسری از زمان نخست‌وزیری و توفیق‌الدوله آغاز شد.

شاید مهم‌ترین دستاورد تحقیق حاضر را بتوان آشکارکردن رویکرد بریتانیا به راه آهن سراسری ایران دانست. ساخته‌نشدن راه آهنی که بریتانیا در نظر داشت از قصرشیرین به تهران بکشد و پافشاری مقامات ایرانی بر ساختن راه آهن شمال به جنوب نشانه شکست تلاش‌های مقامات بریتانیا در این زمینه است. نکته دیگر آنکه پافشاری و پیگیری شخص رضاشاه در بنیاد نهادن نخستین راه آهن سراسری در ایران تأثیری به‌سزا داشته‌است.

کلیدواژه: راه آهن سراسری؛ قاجار؛ رضاشاه پهلوی؛ انگلستان؛ روسیه.

استناد: نوری، مصطفی. (۱۴۰۱). فرازوفرود تعیین مسیر راه آهن سراسری ایران. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۲)،

۱۴۹-۱۲۲ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲,۲۹۳۴

۱. دکتری ایران‌شناسی، پژوهشگر پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.

m_n_savadjouhi@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲,۲۹۳۴

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۲۲ - ۱۴۹ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۱۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

راه‌آهن سراسری ایران و انتخاب نخستین مسیر آن، از سال‌های نخست سلطنت ناصرالدین‌شاه موضوع بحث و گفت‌وگو بود. از مجموع طرح‌هایی که در عصر ناصرالدین‌شاه درباره راه‌آهن ایران مطرح شد چندین طرح و امتیاز با نگاه ساخت راه‌آهن سراسری مطرح شده بود؛ باوجوداین هیچ‌یک از این خیالات به منصه ظهور نرسید. دراین‌بین پای روس و انگلیس هم به ماجرای راه‌آهن ایران باز شد. این دو کشور به موضوع راه‌آهن سراسری ایران از پشت عینک منافع ملی خود می‌نگریستند. مطرح‌شدن منافع انگلستان و روسیه در این ماجرا باعث شد تا راه‌آهن سراسری فرازونشیب بسیاری را تجربه کند. اتحاد بین این دو کشور و تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ و منطقه‌ای بی‌طرف در ۱۹۰۷ و نگرانی روس و انگلیس از نفوذ آلمان در ماجرای راه‌آهن ایران به یک‌رشته مذاکرات پر دامنه بین آن‌ها و پدید آمدن ایده اتصال راه‌آهن روسیه به هندوستان از طریق ایران انجامید. روشن‌فکران ایرانی همچون مستشارالدوله، کاشف‌السلطنه و صنیع‌الدوله نیز در آثار خود به موضوع راه‌آهن سراسری و مسیرهای احتمالی آن پرداخته‌اند.

در آستانه جنگ جهانی اول شکل‌گیری سندیکای راه‌آهن ایران توسط انگلیسی‌ها و تلاش آن‌ها برای ساخت راه‌آهن از محمره (خرم‌شهر فعلی) به خرم‌آباد و ازسوی دیگر ساخت راه‌آهن جلفا به تبریز در خلال جنگ توسط روس‌ها و نیز ازسرگیری ماجرای ساخت راه‌آهن پس از پایان جنگ و در دوران وثوق‌الدوله توسط سندیکا برای فهم تکوین طرح نهایی انتخاب مسیر راه‌آهن بااهمیت است. باوجوداین، تلاش مستمر و تکوین طرح ساخت راه‌آهن سراسری ایران را در خلال تلاش‌های بعد از کودتای ۱۲۹۹ باید جست‌وجو کرد. باآنکه ایران در خلال سال‌های سلطنت چهار پادشاه پایانی قاجار با انبوهی از اقدامات بی‌سرانجام در زمینه راه‌آهن سراسری روبه‌رو بود، ولی در میان همین تلاش‌ها موضوع انتخاب نخستین مسیر راه‌آهن سراسری ایران در جریان بود و سیر تکوین خود را می‌پیمود. در سال‌های پرتلاطم اواخر دوره قاجار موضوع راه‌آهن سراسری و انتخاب نخستین مسیر آن همواره مورد توجه مقامات ایرانی، سفارت‌خانه‌های خارجی و نوگرایان ایرانی بود و براینده همه آنچه در طول این سال‌ها مطرح شد زمینه‌ای برای انتخاب نهایی مسیر راه‌آهن ایران در نخستین سال سلطنت رضاشاه بود.

تحقیق حاضر برآن است تا به این پرسش پاسخ دهد که راه‌آهن سراسری از چه زمانی در ایران مطرح شد و تا زمان تأسیس چه فراز و فرودهایی را طی کرد و قدرت‌های خارجی در برابر آن چه موضعی گرفتند؟



منابع دست اول و پیشینه تحقیق

هرچند در منابع منتشر شده به امتیازات اخذ شده برای ساخت راه آهن و مسیرهای پیشنهادی اشاراتی شده است، ولی اثری که بحثی درباره موضوع انتخاب مسیر راه آهن از اواسط دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی مطرح کرده باشد به ترتیبی که در مقاله حاضر مطرح شده، منتشر نشده است. در بین آثار منتشر شده بارزش و بااهمیت باید از نشریه «راه آهن سراسر ایران» نام برد که در سال ۱۳۱۷ خ به مناسبت افتتاح راه آهن سراسری ایران منتشر شده است. اثر بعدی را مهندس آناتول ترسکینسکی بانام «تاریخچه مختصر راه آهن ایران» به انجام رسانده است. اثر بعدی کتاب «راه آهن ایران» اثر مهندس مجتبی ملکوتی است که در سال ۱۳۲۷ منتشر شده است. ویژگی مشترک این آثار این است که در ضمن اشاره به تاریخچه راه آهن عصر قاجار و چگونگی ساخت راه آهن سراسری ایران در دوره رضاشاه به بخشی از مباحث مطرح شده در مقاله حاضر و نه همه آن اشاراتی دارند. آثار منتشر شده در دوره های بعد نیز همین ویژگی را دارند.

در میان آثار منتشر شده در دهه های بعد از سلطنت رضاشاه نظراتی منتشر شده مبنی بر اینکه راه آهن سراسری به دستور انگلستان ساخته شده و منافع استعماری انگلستان در پس پرده آن بوده است که از جمله آنها می توان به کتاب «کهنه سرباز» و کتاب «سایه به سایه رضاشاه» اشاره کرد. کتاب کهنه سرباز خاطرات سیاسی و نظامی سرهنگ ستاد غلام رضا مصور رحمانی است. همان طور که از عنوان فصل دوم این کتاب یعنی «مشاهدات و ملاحظات من در راه آهن سراسری ایران» برمی آید نویسنده به موضوع راه آهن ایران پرداخته است. او به زعم خود موضوع راه آهن را همراه با نظریات اقتصادی، نظامی و اجتماعی بررسی کرده است تا «انگشت گذاری روی عیب آسان شود». به طور خلاصه نویسنده این اثر بر این عقیده است که راه آهن سراسری ایران برای دفاع استراتژیکی هندوستان در قبال حمله احتمالی روس ها ایجاد شد. فکر و طرح این راه آهن را انگلیسی ها به رضاشاه دادند و تمام تسهیلات مالی و بین المللی را در اختیار رضاشاه قرار دادند تا هر چه زودتر خیالشان از لحاظ دفاع استراتژیکی هندوستان راحت شود. البته به نظر نویسنده تبلیغات بسیار ماهرانه استعمار «انجام آن طرح استعماری را به صورت عملی ساختن یکی از آرزوهای ملی ایرانیان وانمود کرد تا همکاری صمیمانه ایرانیان در اجرای آن طرح جلب شود» (مصور رحمانی، ۱۳۶۸، صص ۸۰-۸۱). مصور رحمانی در کتاب خود بر این عقیده است که مسیر راه آهن بدون هیچ گونه مشورتی و تنها براساس کاغذی تعیین شد که سفیر انگلیس به رضاشاه داد. خرید لکوموتیو و تجهیزات نیز حالت «حسب الامر» داشت. نویسنده با نظرات خود که سراسر انتقاد از رضاشاه در

موضوعات گوناگون از جمله در ساخت راه آهن سراسری است، دستاویزی برای کسانی ایجاد کرده است که در تلاش اند تا مستندات لازم را برای تبیین نظریه «دست‌نشانده بودن رضاشاه» دست‌وپا کنند؛ حال آنکه بررسی مصور رحمانی با مستندات تاریخی‌ای که اکنون در دسترس است و در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت، ابدأ هم‌خوانی ندارد و نظرات ایشان پر از سوگیری‌های واضح است. (برای آگاهی از نظرات مصور رحمانی بنگرید به: مصور رحمانی، ۱۳۶۸، صص ۷۹-۱۲۰).

«کتاب سایه‌به‌سایه رضاشاه، تاریخ راه آهن سراسری ایران، خاطرات یک وزیر؛ دکتر محمد سجادی» جدیدترین اثری است که به زبان فارسی درباره راه آهن سراسری منتشر شده است. در این کتاب موضوع انتقاد سرهنگ غلام‌رضا مصور رحمانی از مسیر راه آهن توأم با نظرات خسرو معتضد درباره انتخاب مسیر راه آهن سراسری مشاهده می‌شود. همان‌گونه که در متن این تحقیق روشن می‌شود نظرات معتضد با واقعیات تاریخی فاصله بسیاری دارد. (برای آگاهی از نظرات خسرو معتضد بنگرید به سایه‌به‌سایه رضاشاه، ۱۳۹۹، صص ۳۴۸-۳۵۰).

مقاله حاضر بر آن است تا با استفاده از منابع دست‌اول فارسی و انگلیسی و با دنبال کردن مسیری که موضوع راه آهن سراسری ایران و انتخاب مسیر آن در طول سال‌های نخست سلطنت ناصرالدین شاه تا سال‌های نخست سلطنت رضاشاه طی کرده است، تصویری از تاریخچه مباحث مطرح شده درباره مسیر راه آهن سراسری در دهه‌های پایانی حکومت قاجار، رویکرد قدرت‌های خارجی در این زمینه، و چگونگی انتخاب مسیر نخستین خط راه آهن را ارائه دهد.

پرسش اصلی مقاله آن است که انتخاب مسیر راه آهن سراسری ایران از نیمه دوم سلطنت قاجار تا اوایل عصر پهلوی، چه فراز و فرودی را طی کرده است؟

۲. سودای راه آهن سراسری در دوران میانی قاجار

هم‌زمان با طلوع سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در ایران، موضوع راه آهن سراسری در ایران به‌عنوان بخشی از پروژه‌های بزرگ‌تر مطرح شد که در صدد بود اروپا را به هند وصل کند. فریدون آدمیت نخستین کسی بود که به بررسی تاریخی این موضوع براساس اسناد دولت بریتانیا پرداخت. او در کتاب «امیرکبیر و ایران» از این طرح به‌عنوان «نخستین نقشه راه آهن ایران که تاکنون دانسته نشده [است]» یاد می‌کند (آدمیت، ۱۳۶۲، ص ۴۱۶). امروزه با دسترسی به آرشیوهای بریتانیا اسناد و مدارک بیشتری از این موضوع در دسترس قرار دارد. براساس نقشه‌ای که در ۱۸۵۰م (ر.م. استفن‌سون)^۱ مدیر راه آهن کلکته تدارک دیده

1. Rowland Macdonald Stephenson, Managing Director of the Calcutta Railway



بود راه آهن اروپا از طریق عثمانی و ایران به هند می‌رسید (IOR/R/15/1/124).^۱ ظاهراً در دهه‌های بعد استغف‌سون وصل کردن راه آهن هند به راه آهن چین را هم در سر می‌پروراند. تا آنجا که به حدود ایران مربوط می‌شود این راه آهن از وان در قلمرو عثمانی به تبریز و سپس میانه می‌رسید و پس از گذشتن از قزوین به دارالخلافت تهران وارد می‌شد؛ پس از آن، راه شاه‌رود و مشهد را در پیش می‌گرفت تا به هرات برسد و بعد وارد قلمرو هند شود (IOR/ Mss Eur F126/109).



شکل ۱

نقشه استغف‌سون (IOR/ Mss Eur F126/109).

البته یادآوری این نکته ضروری است که براساس تحقیقات فریدون آدمیت تصمیم اولیه بر آن بوده‌است که راه آهن از وین شروع شود و در عثمانی به بغداد و بصره برود و از خوزستان، فارس، کرمان و بلوچستان بگذرد و به سِند منتهی شود؛ ولی از آنجا که این نقشه پرخرج بوده‌است کنل جاستین شیل^۲ وزیرمختار انگلیس در دربار تهران، نظراتی اصلاحی داده که در نقشه نهایی اعمال شده‌است. شیل بر آن بود که بهتر است راه آهن از آسیای صغیر به آذربایجان متصل شود و از آنجا به تهران و اصفهان برود و یا از خراسان بگذرد و به افغانستان برسد. او علت این پیشنهاد را این‌گونه بیان می‌کند: «... بصره و بغداد بازار مهم صدور کالای اروپا به ایران نیست؛ بلکه بیشتر صادرات [اروپا به ایران] از راه طرابوزان به تبریز می‌آید و از آنجا به تهران و اصفهان و ایالات مرکزی فرستاده می‌شود... پس از لحاظ بازرگانی داخلی و خارجی ایران، خط آهن شمالی و مرکزی به مراتب مهم‌تر از راه آهن جنوبی ایران می‌باشد» (آدمیت، ۱۳۶۲، صص ۴۱۶-۴۱۷)؛ بنابراین آمال استغف‌سون زود به فراموشی سپرده شد.

۱. اسناد آرشیو بریتانیا که در این مقاله استفاده شده‌است از سایت کتابخانه ملی قطر به آدرس <https://www.qdl.qa> به دست آمده‌است.

2. Colonel Justin Sheil



به نظر می‌رسد که دومین تلاش برای برنامه‌ریزی ساخت راه‌آهن سراسری در ایران به قرارداد معروف رویتر پیوند می‌خورد. با صادرات میرزا حسین خان سپه‌سالار اندیشه به کار انداختن سرمایه خارجی در ایران تحرکی تازه یافت. امتیازنامه رویتر در ۱۹ جمادی الثانی ۱۲۸۹ق / ۲۴ آگوست ۱۸۷۲م به تصویب مقامات ایرانی رسید (آدمیت، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، صص ۲۴۳-۲۴۶). براساس این امتیازنامه «... دولت علیه ایران از برای مدت هفتاد سال امتیاز مخصوص و انحصاری و قطعی راه‌آهن بحر خزر را الی خلیج فارس به «بارون جولپوس دو رویتر»^۱ و به شرکاء یا به وکلای او اعطا و واگذار ...» کرد. در ادامه این امتیازنامه تصریح شد که دولت ایران به رویتر «... حق مخصوص و انحصاری و قطعی می‌دهد که هر شعبات راه‌آهن که مناسب بدانند خواه به جهت اتصال ولایات و شهرها در داخله خاک ایران، خواه به جهت اتصال راه‌های آهنی ایران به راه‌های آهنی ممالک خارجه از هر نقطه در نقاط سرحدات ایران رو به فرنگستان و هندوستان بسازند و به کار بیندازند.» علاوه بر امتیاز راه‌آهن سراسری امتیاز استخراج معادن، ساختن تراموا و بهره‌برداری از جنگل نیز به رویتر داده شد (قرارداد رویتر، نسخه خطی، ۳۲۴۹۶-۵).

پس از امضای این امتیازنامه سپه‌سالار به شاه نوید داد که تا سه سال آینده راه‌آهن رشت به تهران تمام شود؛ ولی از همان آغاز کار، سفارت روس با این امتیازنامه به مخالفت برخاست. یک سال بعد از امضای قرارداد رویتر گذر ناصرالدین شاه و سپه‌سالار در سفر فرنگ به سن پترزبورگ افتاد و تزار روس مخالفت خود را با این امتیازنامه صراحتاً بیان داشت. مخالفت روس‌ها و موفق نبودن رویتر در جلب سرمایه و انجام تعهدات خود کافی بود که دولت ایران این امتیازنامه را در ۱۹ رمضان ۱۲۹۰ق / [۱۰ نوامبر ۱۸۷۳م] باطل اعلام کند. بدین ترتیب این طرح راه‌آهن سراسری نیز به نتیجه‌ای نرسید (آدمیت، ۲۵۳۵ شاهنشاهی، صص ۲۴۶-۲۶۵).

در سال‌های بعد نیز تلاش خارجی‌ها برای به دست آوردن امتیاز راه‌آهن ادامه داشت. در ۱۸۸۲م مسیو بوتال^۲ - که امتیازاتی برای تأسیسات برق و راه‌سازی به دست آورده بود - توانست امتیازی را برای ایجاد چند رشته خط آهن از مقامات ایرانی کسب کند. براساس این قرارداد عمده‌ترین خط آهنی که قرار بود کشیده شود از رشت به تهران می‌رسید و پیش‌بینی شده بود در آینده به بوشهر ختم شود. هر چند مقدمات کار انجام شده بود، ولی پیشنهادها در بوتال نیز به سرنوشت دیگر پروژه‌ها دچار شد و هیچ‌وقت عملی نشد. در سال ۱۸۹۰م دو مقاطعه کار روسی وارد صحنه شدند و نقشه مفصلی برای حق انحصاری راه‌آهن مطرح کردند که خطوطی از مبدأ جلفا-تهران به بندرعباس، و جلفا تا محمره، و تهران تا مشهد احداث کنند؛ این پروژه حتی به مذاکرات جدی هم نرسید (کرزن، ۱۳۷۳، صص ۷۸۳-۷۸۸).

۱. به آلمانی: Paul Julius Freiherr von

Reuter

2. Boital



از سال ۱۸۹۰م به بعد موضوع راه آهن ایران به طور جدی در کشاکش رقابت روس و انگلیس در ایران قرار گرفت و هر کدام از این دو قدرت تلاش کردند تا براساس منافع خود با موضوع راه آهن ایران روبه‌رو شوند (IOR/L/PS/18/C124). در همین سال‌هاست که لرد کرزن جوان به عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به ایران سفر کرد و حاصل مشاهداتش را در ۱۸۹۲م با عنوان «ایران و قضیه ایران» منتشر کرد. با آنکه کرزن در زمان نوشتن این کتاب ۳۰ سال بیشتر نداشت، بررسی و پیش‌بینی‌های شگفت‌انگیزی از آینده راه آهن سراسری ایران ارائه داد. او ضمن اشاره به خصوصیات جغرافیایی ایران به عنوان سدی در برابر راه آهن سراسری، ولی عامل عمده تأسیس نشدن راه آهن در ایران را به بی‌کفایتی سیاست‌مداران ایرانی معطوف کرد. او هم‌چنین بر این باور بود که مقاومت و مخالفت روسیه تزاری یکی از اصلی‌ترین موانع ایجاد راه آهن سراسری و ورود ایران به عصر مدرنیته است (کرزن، ۱۳۷۳، صص ۷۸۰ و ۷۹۲). به درستی می‌توان ادعا کرد که در طول سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه، سلطنت مظفرالدین‌شاه و محمدعلی‌شاه، ایران به دلیل فشارهای روسیه و انگلستان از حق احداث راه آهن محروم شد (ایران نو، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۸، ص ۳).

کرزن بعد از بررسی مسیرهایی که راه آهن سراسری ایران می‌توانست از آن عبور کند، درباره وصل شدن خطوط احتمالی و شکل گرفتن راه آهن سراسری نوشت: «... این فکر و خیال بسیار هم جالب توجه است و اگر به مرحله اجراء درآید مایه رستگاری سرزمین ایران خواهد شد.» او گمان نمی‌کرد که به دلیل موانع طبیعی بین شیراز و خلیج فارس هیچ‌گاه راه آهن تهران به بوشهر عملی شود. شاید کرزن از نخستین کسانی باشد که راهی را از تهران به جنوب ایران پیشنهاد کرد که به مسیر ساخت راه آهن در دوران رضاشاه بسیار نزدیک بود: «... از دهانه رود کارون از میان شهرهای بزرگ ایالات زرخیز غربی تا پایتخت ساخته شود. از قرار معلوم جملگی بر این قول‌اند که یگانه خط آهن ایران که امکان سود تجاری دارد خطی است که از شوشتر (به احتمال بیشتر شاید محمره) شروع [شود] و از میان لرستان به خرم‌آباد و بروجرد منتهی شود و از آنجا می‌توان آن را به آسانی به کرمانشاه و همدان و خط تهران و بغداد ارتباط داد و از طرف دیگر با سلطان‌آباد و قم و مآلاً به تهران.» نویسنده در ادامه یادآور می‌شود: بدین ترتیب «... بندر جدید جنوبی ایران چند صد میل به پایتخت نزدیک‌تر خواهد شد و مانع عظیمی هم مانند کتل‌راه کاروانی بوشهر-شیراز ندارد؛ [و] علاوه بر آنکه تجارت وارداتی و صادراتی ایران را به سمت خلیج فارس معطوف خواهد ساخت، از میان غله‌خیزترین نواحی ایران نیز خواهد گذشت و در حال و آبادانی شهرها تأثیر خواهد نمود.» او در ضمن این یادداشت امکان دسترسی آسان ایرانیان به اماکن زیارتی مانند قم، کربلا، نجف و سامره و سودی را یادآور شد که از این

۱. کتل: بلندی؛ گردنه؛ کوه. کتل‌راه: راه کوهستانی و سخت‌گذر و گردنه‌دار.

رهگذر به راه آهن می‌رسید. این طرح از آن جهت با اهمیت است که چند دهه قبل از ساخت راه آهن سراسری ایران عرضه شده است (کرزن، ۱۳۷۳، صص ۷۹۹-۸۰۰).
 کرزن در جایی دیگر می‌نویسد: «... خط واقعی سراسری ایران راه آهنی است که مراکز فلاحتی و صنعتی و تجارتي ایران را به هم پیوند دهد و در این کار احتیاجات ایران و انگلستان هر دو ملحوظ افتد.» کرزن در پایان بحث خود درباره راه آهن سراسری ایران نتیجه می‌گیرد: «... با آنکه ایران هنوز به کلی عقب مانده است، ولی [امکان تکانی ناگهانی یا توجه و علاقه‌ای ناشی از اقدام او] منظور ایران است [به منظور پیشرفت‌های آینده در میان است]» (کرزن، ۱۳۷۳، صص ۸۰۷-۸۰۹).

در خلال این سال‌ها روشن‌فکران ایرانی نیز دغدغه ساخت راه آهن سراسری را در سر می‌پروراندند. در آرا و نظرات کسانی چون ملک‌خان به ضرورت تأسیس راه آهن در ایران اشاره شده است (آدمیت، ۱۳۴۰، ص ۱۵۱). اگر از اشارات ملک‌خان در آثارش مبنی بر ضرورت ساخت راه آهن در گذریم (رحمانیان و یارمهدوی، ۱۳۹۰، صص ۱۲۲-۱۲۳)، میرزایوسف‌خان مستشارالدوله در ۱۲۹۷ق لایحه‌ای را درباره راه آهن خراسان به ناصرالدین شاه تقدیم کرد. او که تأسیس راه آهن از مشهد به تهران و قم را در سر می‌پروراند یادآور شد: «... راه آهن خراسان از شاه‌رود یک رشته‌اش باید به بندر گز استرآباد برود که یک سر راه به دریا متصل بشود که هم برای تجارت و هم به جهت حمل و نقل میل‌های آهن و سایر اسباب راه مزبور تسهیل در عمل باشد.» هدف عمده او در این لایحه تسهیل در زیارت اماکن مقدسه و سودی بود که از قبل حمل و نقل مسافر به دولت ایران می‌رسید (مستشارالدوله، ۱۲۹۷ق، چاپ سنگی).

حاجی محمد میرزا کاشف‌نایب‌اول سفارت دولت ایران در پاریس را باید از نخستین کسانی دانست که رساله‌ای درباره ضرورت و فواید راه آهن تصنیف کرده است. او کتابچه «تغییرات و ترقیات در وضع و حرکت و مسافرت و حمل اشیاء و فواید راه آهن» را در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م میلادی نوشت. او در پایان این رساله مسیرهایی برای احداث راه آهن در ایران پیشنهاد داده است. او پس از پیشنهادهایی درباره مسیره‌های راه آهن که به راه آهن بین‌المللی وصل می‌شد خاطر نشان می‌کند: «... اگر بخواهیم که راه آهن خطوط دیگر را از خود ایران شروع نمائیم تنها خطی که اولین اهمیت را دارد اتصال فی مابین بحر خزر و خلیج فارس هست از بندر آمل به شوشتر؛ و این رشته مادر خطوط دیگر خواهد شد در ایران» (کاشف، ۱۳۰۶ق، نسخه خطی، ص ۲۰۲).

وقوع انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م میلادی تغییراتی اساسی در پیکر اجتماعی و سیاسی جامعه ایران پدید آورد. یکی از اساسی‌ترین و پابرجاترین این تغییرات



شکل گیری قوای سه گانه در ایران بود. از قضا مرتضی قلی خان صنیع الدوله نخستین رئیس مجلس شورای ملی یکی از رجال ایرانی به حساب می آید که در سال ۱۳۲۵ قمری در رساله «راه نجات» ضرورت ساخت راه آهن را گوشزد کرد (صنیع الدوله، ۱۳۲۵ق، صص ۱-۱۵). در سال بعد صنیع الدوله به عنوان وزیر مالیه دو لایحه به مجلس شورای ملی برد. در لایحه اول که در مجلس قرائت شد او ضمن آنکه امیدوار بود: «... در اندک مدتی راه های اصلی مملکت مبدل به راه آهن شده اسباب نیک بختی اهالی فراهم آید»، دو پیشنهاد به مجلس داد و تأکید کرد: «... قطعه اولی که به نظر بنده اهم خطوط می آید خطی است که از دریای خزر به خلیج فارس ممتد می شود.» او مصمم بود که برای تدارک سرمایه لازم برای ساخت راه آهن بر قند و شکر و چای مالیات ببندند (مشروح مذاکرات مجلس، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۶، جلسه ۲۶۲). هر چند در آن زمان مقدمات امر مهیا نبود تا چنین پیشنهادهایی به عرصه عمل درآید، ولی هنگامی که در دوران رضاشاه موضوع ساخت راه آهن سراسری جدی شد دقیقاً همین پیشنهادها عملی شد.

۳. پس از قرارداد ۱۹۰۷

در حالی که در خلال سال های نخست سده بیست میلادی ملاحظات سیاسی بین روسیه و بریتانیا در جریان بود، آلمان به عنوان قدرت سوم در سپهر سیاسی ایران سر برآورد و قرارداد ۱۹۰۷ به امضای روسیه و بریتانیا رسید. در پی آن ساخت راه آهن ایران نیز وارد مرحله جدیدی شد و روسیه و انگلیس برای ساخت راه آهن ایران سیاست همکاری را در پیش گرفتند. صحبت بر سر کشیدن راه آهن از جلفا به سمت محمره، تهران، مشهد، بندرعباس و خورموسی در میان بود (IOR/L/PS/18/C124). این نقشه در ژوئن ۱۹۰۸م با توجه به تلاش های ایزولسکی^۱ وزیر امور خارجه روسیه شکلی جدی تر به خود گرفت و دولت روسیه موافقت خود را برای ساخت راه آهن از جلفا تا فارس و محمره اعلام کرد؛ ولی زیر بار تأمین سرمایه لازم برای این کار نرفت. در سال های ۱۹۰۹-۱۹۱۰ ایده اتصال راه آهن روسیه به هندوستان پدید آمد (Spring, 1976, pp 61-62). این راه آهن می بایست از تفلیس به ساحل دریای خزر و تهران می رسید و در ادامه از اصفهان، یزد، کرمان و بلوچستان می گذشت و به هندوستان می رسید. چون یکی از دلایل عمده اتحاد بین روس و انگلیس در ۱۹۰۷ میلادی مقابله با نفوذ آلمان بود، این راه آهن علاوه بر آنکه راه انگلستان به هند را کوتاه می کرد، می توانست در بی فایده کردن راه آهن بغداد که آلمان ها در تدارک ساخت آن بودند نقشی اساسی بازی کند. روزنامه حبل المتین در گزارشی مفصل درباره سیاست روس و انگلیس در مواجهه با موضوع راه آهن ایران افشاگری می کند: «... اتحادیه روس و

1. A. P. Izvol'sky



انگلیس که یک‌صد سال به رقابت یکدیگر ضرب‌المثل بودند برای جلوگیری از نفوذ آلمان در وسط آسیا و به‌واسطه راه آهن بغداد است. وقتی راه آهن بغداد تمام شود، هیچ‌یک از ملل اروپا در مقابل آلمان در وسط آسیا بلکه در کلیه آسیا سبقت در تجارت نتوانند گرفت» (حبیل‌المتین، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۸ق، صص ۳-۶). سازونوف^۱ وزیر امور خارجه روسیه در سپتامبر ۱۹۱۰م اظهار داشت توافق‌نامه ۱۹۰۷ تا وقتی که این راه آهن عملیاتی نشود و خط بغداد را بی‌اعتبار نکند هرگز به اهداف خود نخواهد رسید (Spring, 1976, pp 61-62). چندی بعد در پاییز ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق تزار روسیه با قیصر آلمان در پوتسدام باهم ملاقات کردند و در ضمن موافقت‌هایی که درباره چگونگی عملکرد آتی آن‌ها در ایران انجام شد، موضوع راه آهن نیز بررسی شد و مشخص شد که هرکدام از دو طرف در چه مسیری راه آهن احداث کنند. آلمان، منافع روسیه در شمال ایران را به رسمیت شناخت و پذیرفت در محدوده تحت نفوذ روسیه تلاشی برای دستیابی به امتیازات راه آهن، راه‌ها و تلگراف انجام ندهد (IOR/L/PS/18/C122). تصمیم بر آن قرار گرفت تا برای کشیدن خط راه آهن از تهران تا خانیقین در سرحدات ایران و عثمانی، تحت نظارت صاحب‌امتیاز روسی سهمی از سرمایه آلمان و بخش دیگر از سرمایه روسیه به‌کار گرفته شود و آلمان اجازه تأسیس یک رشته راه آهن از بغداد به خانیقین را به‌دست آورد؛ این توافقات می‌توانست زنگ خطری برای انگلستان باشد (شوستر، ۱۹۱۵، صص ۲۸۸-۲۹۲).

مذاکرات بین روس و انگلیس درباره این راه آهن تا سال‌ها ادامه داشت و ملاحظات تهیه سرمایه لازم، به توافق نرسیدن انتخاب مقصد نهایی راه آهن در خلیج فارس و اصرار انگلستان بر انتخاب بندرعباس برای این منظور، تلاش بریتانیا در جهت حفظ منافعش در هندوستان و اقدامات پیشگیرانه از حمله احتمالی روسیه به هندوستان، از عواملی بود که ساخت این راه آهن را ناممکن کرد. با شروع جنگ جهانی اول اقداماتی از این دست به فراموشی سپرده شد (Spring, 1976, pp 66-82). با بررسی گفت‌وگوها و تلگراف‌های مربوط به این موضوع به‌نظر می‌رسد که هم روس‌ها و هم انگلیسی‌ها منافع سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می‌کرده‌اند و علاقه داشته‌اند تا در محدوده تحت نفوذ خودشان راه آهن احداث کنند. برای بریتانیا خط محمره به خرم‌آباد و نیز کشیدن راه آهن از اهواز و خورموسی به سمت بندرعباس اهمیتی ویژه داشت (IOR/L/PS/18/C122).

در نهایت دولت انگلستان از ایران خواست تا امتیاز خط آهن از خورموسی در حوالی محمره (خرم‌شهر فعلی) تا خرم‌آباد را به این دولت دهد. از آنجاکه در آینده این امکان وجود داشت تا خرم‌آباد را به راه آهن بغداد وصل کنند، این درخواست به سيطرة سیاسی بریتانیا در مناطق نفوذش مربوط می‌شد. در همان ایام روس‌ها نیز خواهان امتیاز خط آهن

1. Sazonov



جلفا به تبریز بودند که نهایتاً یکی دو سال بعد به دست آوردند. این راه آهن در جنگ جهانی اول کمک شایانی به روسیه کرد. در همان زمان که روس ها امتیاز راه آهن جلفا به تبریز را به دست آوردند دولت ایران به دولت انگلستان نیز برای راه آهن محمره-خرم آباد قول های مساعدی داد (محمود، بی تا، ج ۸، صص ۲۴۸-۲۴۹).

بدین ترتیب راه آهن فرامرزی ای که قرار بود از ایران بگذرد به فراموشی سپرده شد و دو پروژه جداگانه آغاز شد. سر چارلز گرینوی^۱ مدیرعامل شرکت نفت ایران و انگلیس و یکی از مدیران بانک شاهنشاهی در ژانویه ۱۹۱۱م به وزارت خارجه بریتانیا نوشت که به این نتیجه رسیده است که احتمالاً احداث راه آهن از اهواز به شوشتر، دزفول، بروجرد و سلطان آباد (اراک) که ارتباط جاده ای آسانی با کرمانشاه، همدان، اصفهان و تهران فراهم می کند، مؤثرترین و اقتصادی ترین وسیله برای محافظت از منافع انگلستان در خلیج فارس است و در عین حال مانعی هم در برابر تجاوزات آلمان از طریق راه آهن اروپا-بغداد خواهد بود (IOR/L/PS/18/C122).

در همان سال ها هر چند مقامات ایرانی از خطر مداخله قدرت های خارجی در ایران به واسطه ساخت راه آهن سراسری واهمه داشتند، ولی به ضرورت ساختن آن نیز اذعان می کردند. مقامات بریتانیا با استناد به دست خط ناصرالدین شاه (هدایت، ۱۳۴۴، ص ۶۴) اصرار داشتند دولت ایران به هنگام ساختن راه آهن در محمره یا هر نقطه ای در جنوب باید با سندیکای بریتانیایی وارد مذاکره شود. در این راستا سر چارلز گرینوی، بانک شاهنشاهی^۲ و کمپانی حمل و نقل ایران^۳ مأموریت یافتند تا مقدمات مذاکره در این باره را فراهم کنند (IOR/L/PS/18/C122). بدین ترتیب سندیکای راه آهن ایران^۴ شکل گرفت و ساخت راه آهن از محمره به خرم آباد را به دولت ایران پیشنهاد داد (IOR/L/PS/18/C124). سندیکا در ۱۹۱۱م پیش نویس قراردادی را برای نقشه برداری، ساخت و کار در راه آهن ایران تنظیم کرد که ساخت راه آهن از محمره یا خورموسی به خرم آباد و نیز از بندرعباس به محمره، کرمان و شیراز را در نظر داشت (IOR/L/PS/10/177).

در ۲ مارس ۱۹۱۳م دولت ایران مصوبه ای را گذراند که به سندیکای راه آهن ایران اجازه داد در زمینه ساخت راه آهن از محمره یا نقطه ای در حوالی آن به خرم آباد اقداماتی را با دولت ایران آغاز کند. نقشه کشی می بایست بلافاصله آغاز می شد و در هجده ماه به پایان می رسید. بنا بر آن شد تا در شش ماه پس از انعقاد این قرارداد دولت ایران تصمیم بگیرد که آیا راه آهن را سندیکا با هزینه دولت ایران و به عنوان راه آهن دولتی بسازد یا امتیازی در این باره به سندیکا داده شود. در این قرارداد پیش بینی شده بود که در صورت وقوع رخداد غیر مترقبه، مدت زمان نقشه برداری قابل افزایش است (Iran political Diaries, 1997, vol 6, p391). از سوی دیگر دولت

1. C. Greenway
2. Imperial Bank of Persia
3. Persian Transport Company
4. Persian Railway Syndicate



ایران پذیرفت مهندسی و مطالعات اولیه را به کمک سندیکا و با مخارج خودش شروع کند و مسیو آلفرد دو بروک^۱ بلژیکی را به ریاست هیئت تحقیق ایرانی‌ای برگزید که به آن نواحی اعزام شدند (ساکما، ۲۳۲۷۸-۲۴۰). بخشی از نقشه‌کشی به‌انجام رسید ولی بروز برخی ناآرامی‌ها در خوزستان و لرستان در کنار بروز جنگ جهانی اول اوضاع را به‌هم ریخت و مانع از اتمام نقشه‌کشی راه‌آهن شد (Iran political Diaries, 1997, vol 6, p391). مسیو دو بروک بر این عقیده بود که «... صرف‌نظر از اوضاع محلی که موانع بزرگ برای این کار تولید کرده ... با ترتیبات جنگ اروپا که حواس دول مصروف آن شده و با کم‌یابی آهن و ریل برای راه‌آهن سندیکا نمی‌تواند تصمیمی در این باب حاصل کند و چند سالی فرجه لازم است تا دولت انگلیس و سندیکای راه‌آهن بتواند خود را برای ساختن این قبیل راه‌های آهن حاضر و مستعد کند» (ساکما، ۲۳۲۷۸-۲۴۰). این پیش‌بینی درست از آب درآمد و درگیری در جنگ جهانی اول برای سال‌ها موضوع راه‌آهن ایران را به بوته فراموشی سپرد.

پس از پایان جنگ، بحران حمل‌ونقل در ایران بیش‌از گذشته نمایان شد و فکر چاره‌جویی برای آن حتی به صفحات مطبوعات هم کشیده شد (ایران، ۱۲۹۷/۲/۲۲، ص ۱). در خلال جنگ، ارتش بریتانیا بغداد را اشغال کرد و انگلیسی‌ها با هدف تقویت قوای نظامی خود خط راه‌آهنی از بغداد تا قوره‌تو در نزدیکی قصر شیرین بنا کردند (Rail-ways in Persia, 1927, p340). به‌نظر می‌رسد مباحث بعدی و اصرار انگلستان بر تعیین مسیر قصر شیرین به تهران که می‌توانست به‌راحتی به راه‌آهن بغداد وصل شود با تأسیس راه‌آهن بغداد به قصر شیرین ارتباط زیادی دارد.

فکر اصلاحات اساسی کشور و نجات از وضعیت فاجعه‌باری که ایران در آن دست‌وپا می‌زد، در دوران نخست‌وزیری وثوق‌الدوله بار دیگر جان گرفت (ایران، ۱۲۹۸/۶/۲۶، ص ۱). نصرت‌الدوله فیروز وزیر خارجه ایران در اولین سفر خود به لندن اشتیاق دولت ایران برای از سرگیری پروژه راه‌آهن را به اطلاع مقامات بریتانیا رساند. او بر رویکردی جامع درباره راه‌آهن ایران تأکید داشت. فیروز در زمینه اتصال راه‌آهن ایران به شبکه راه‌آهن بغداد با صاحب‌منصبان انگلیسی همچون لرد کرزن هم‌نظر بود و تأکید داشت راه‌آهن از خانقین، کرمانشاه و همدان به تهران و سپس به مشهد برسد تا در نهایت به راه‌آهن ماورای خزر وصل شود. او در نظر داشت از تهران دو خط به سمت بندر انزلی و استرآباد (گرگان امروزی) کشیده شود. از سوی دیگر وثوق‌الدوله نخست‌وزیر ایران به نماینده سندیکا در تهران اظهار داشت که اولویت ساخت راه‌آهن با خط محمره، خرم‌آباد و سپس تهران است. پس از یک‌رشته تلگراف‌های ردوبدل‌شده بین فیروز و وثوق‌الدوله و بیان استدلال‌های فیروز مبنی بر ضرورت راه‌آهن غرب به شرق و دلایل وثوق درباره ضرورت

1. Alfred Adrian de Brucc



راه آهن شمال به جنوب به وزیر امور خارجه دستور داده شد تا در مذاکره با طرف انگلیسی اولویت خود را بر خط شمال به جنوب بگذارد (Bast, 2017, pp 62-72).

اظهار نظر درباره تعیین مسیر راه آهن تنها به مقامات سیاسی ایران و بریتانیا محدود نبود بلکه این بحث به مطبوعات نیز کشیده شده بود. یکی از استدلال های کوتاه ولی پرمغز را سردار مقتدر غفاری بیان کرد. او ضمن اشاره به اهتمام اولیای دولت ایران برای ساخت راه آهن نوشت: «به عقیده ما اولین خط آهن ایران باید دارای خواص ذیل باشد: عبور از مرکز و نقاط مهمه دیگر؛ منتهی شدن به دو نقطه سرحدی؛ شمول فوائد عمده تجارتي داخله و خارجه؛ حتی المقدور عبور از نواحی پر جمعیت پر بهره معمور؛ گذشتن از نواحی معدنی و جنگلی برای تحویل ذغال سنگ، آهن، چوب و غیره؛ شمول نقل و انتقال زوار؛ ارتباط به دریا؛ قابلیت انشعاب و ارتباط خطوط دیگر تجارتي داخله و خارجه.» او پس از برشمردن این خصوصیات خاطر نشان کرد: «... به نظر ما هرگاه اولین خط از قصر شیرین ... شروع [شود] و از نقاط و نواحی ذهاب، ماهی دشت، کرمانشاه، کنگاور، اسدآباد، همدان، درجزین، خرقان، افشار، قزوین، تهران، دماوند، فیروزکوه، سوادکوه، علی آباد، ساری، اشرف، گذشته به بندر گز منتهی شود، خط مطلوب خواهد بود»؛ و در دفاع از این خط پیشنهادی چنین اظهار کرد: «چون طول این خط زیاده از صد و پنجاه فرسخ نیست، مستلزم زیاده از سی میلیون تومان سرمایه نخواهد بود. یک قسمت مهم عراق عجم را از یک طرف به طبرستان، دریای مازندران و صحرای ترکمان و از طرف دیگر به بغداد عراق عرب و لهذا خلیج فارس ربط می دهد؛ مراکز را به واسطه ارتباط با نواحی معموره از خطر احتمال قحطی نجات می دهد؛ به واسطه ایاب و ذهاب زوار عراق عرب فایده مند است؛ حرکات سوق الجیشی را از نواحی قشون خیز برای تأدیب اشرار ترک، کرد، لر، ترکمان و غیره سهل می کند.» غفاری برخی محسنات دیگر این راه و نیز امکان انشعاباتی را گوشزد کرد که در آینده می توانست از آن صورت بپذیرد (ایران، ۱۲۹۸/۸/۲۸، صص ۲-۳).

از سوی دیگر سندیکای راه آهن ایران که به دلیل جنگ جهانی نتوانسته بود کار نقشه کشی راه آهن خرم آباد به محمره را به پایان برساند بار دیگر دست به کار شد و تلاش کرد کار خود را از سر بگیرد. در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰م نصرت الدوله فیروز نامه ای به سندیکا فرستاد و حق ساخت راه آهن از محمره به خرم آباد را برای آن محترم شمرد و از سوی دیگر برای اقداماتی در زمینه ساخت راه آهن از خانقین به تهران و انزلی به آنان اجازه داد و موافقت دولت متبوع خود را برای وصل شدن راه آهن محمره-خرم آباد به راه آهن یادشده اعلام کرد؛ بنابراین سندیکا دست به یکسری اقدامات عملی زد. بررسی ها و نقشه کشی های اولیه آغاز شد و سندیکا در جولای ۱۹۲۱م نقشه های مربوط به خط

خانقین به تهران را به دولت ایران ارائه داد (Iran political Diaries, 1997, vol 6, p392). در خلال همین اقدامات و براساس موافقت‌نامه ۱۹۲۰م دولت ایران بود که سندیکا به فرانک گرو^۱ -مهندس راه‌آهن- مأموریت داد تا مسیر راه‌آهن احتمالی را بررسی کند و نقشه و تخمین اولیه از وضعیت مسیر را ارائه دهد. مهندس گرو در سال ۱۹۲۰م سفر خود را از حدود قصرشیرین به سمت کرد، کرمانشاه، همدان، قزوین، تهران و دماوند آغاز کرد. سپس در بهار سال بعد، پس از عبور از جاده همدان به اصفهان و سپس با گذشتن از حدود بختیاری خود را به اهواز رساند. او بررسی‌ای دقیق و جدی از وضعیت جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، انسانی و وضعیت راه‌ها ارائه داد و احتمالات مسیر راه‌آهن را نیز بررسی کرد (A railway engineer's journeys in Persia, 1922, pp 60-80).

باوجود همه این اقدامات به نظر می‌رسد که به‌پایان رسیدن دولت وثوق‌الدوله در تابستان ۱۲۹۹خ و بروز کودتا در اسفند همان سال کار سندیکای راه‌آهن ایران را با مشکلات فراوانی روبه‌رو کرد و سرانجام سندیکا هم نتوانست در ساخت راه‌آهن ایران نقشی داشته باشد.

۴. ازسگیری موضوع راه‌آهن پس از کودتای ۱۲۹۹خ

کودتای ۱۲۹۹خ/۱۹۲۱م که به‌قدرت‌رسیدن رضاخان سردارسپه انجامید زمانی رخ داد که ایران با یکی از بحرانی‌ترین ادوار تاریخ معاصر خویش روبه‌رو بود. اگرچه طرح کودتا را مقامات انگلیسی مستقر در ایران ریختند، ولی عوامل داخلی نقشی تعیین‌کننده ایفا کردند. هدف اساسی بریتانیا آن بود که دولتی باثبات با نیروی مسلح قوی در ایران ایجاد کند که بتواند از رسوخ بیشتر بلشویک‌ها در خاورمیانه و هند ممانعت به‌عمل آورد؛ ولی از همان ابتدای کودتا دولت ایران در زمینه سیاست خارجی با نزدیک‌شدن به ایالات متحده آمریکا به‌نوعی به سیاست قدرت سوم روی آورد (زرگر، ۱۳۷۲، صص ۵۹ و ۶۲ و ۹۸). در یکی‌دو سال بعد از کودتا که ماجرای راه‌آهن سراسری بار دیگر در کانون توجه محافل روشن‌فکری ایران قرار گرفت کاشف‌السلطنه -که در سال‌های پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه اولویت مسیر راه‌آهن را از دریای مازندران به خلیج فارس تلقی کرده بود- اینک در بهار ۱۳۰۱خ در کتابچه‌ای با عنوان «مجله ممات و حیات» عقیده‌اش را تغییر داد و اظهار داشت: «... به‌عقیده نویسنده و جمعی از ارباب بصیرت چنین رسیده‌است که نافع‌ترین و مهم‌ترین خطوط آهن برای ایران خط فاصله فی‌مابین سیستان و تبریز است و کشیدن این خط ... اتصال جمیع خطوط اروپا با ایران و هندوستان را حائز خواهد بود... شهرها و مراکز عمده ایران را به همدیگر متصل و

1. Frank Grove



مربوط خواهد نمود مثل سیستان، مشهد، طهران و تبریز.» او فواید دیگری نیز برای این راه آهن برشمرد (کاشف السلطنه، ۱۳۰۱، ص ۳۵).

در بهار سال بعد یعنی سال ۱۳۰۲ ع. م. اویسی نیز در کتابچه‌ای به نام «راه عملی برای ساختن راه آهن در ایران» ضمن آنکه تأکید داشت «... راه آهن از نقاط آباد و حاصل خیز مملکت گذشته و از نقطه نظر سوق الجیشی هم مفید بوده باشد»، بر این عقیده بود که «... بهترین خطی که حائز شرایط مطلوبه تواند بود در بدو امر خطی است که دو دریا را به هم وصل کند... خط بندر جز ساری-فیروزکوه-دماوند-طهران-قم-عراق [عجم]، ملایر-بروجرد-خرم‌آباد-دزفول-شوشتر اولین خطی تواند بود که دارای مزایای فوق‌الذکر می‌باشد» (اویسی، ۱۳۰۲، صص ۲۲-۲۳). در اواخر این سال کمیسیونی از وزرا و مطلعین در وزارت فواید عامه و تجارت تشکیل شد تا درباره طرح نقشه و احداث راه آهن باهم مذاکره کنند (کوشش، ۱۳۰۲/۱۲/۱۰، ص ۳).

در میان انبوهی از پیشنهادها برای ساخت راه آهن، در تصور سردار سپه چشم‌انداز ساخت راه آهن در چهار مسیر تهران به محمره، تبریز، زاهدان و مشهد شکل گرفته بود و در اواخر سال ۱۳۰۲ خ / اوایل سال ۱۹۲۴ م مذاکراتی در تهران بین دولت ایران با مستر بنت^۱ نماینده شرکت یولن^۲ امریکا برای ساخت راه آهن ایران از تهران به محمره و در ادامه به سمت بندر گز آغاز شده بود. دولت انگلستان به این مذاکرات اعتراض کرد؛ چون براساس توافقات قبلی از حق احداث راه آهن برای سندیکای راه آهن ایران پشتیبانی می‌کرد (Iran political Diaries, 1997, vol 7, p209).

هم‌زمان با مطالبه عمومی برای راه آهن و تبدیل شدن آن به مطالبه‌ای ملی، روشن‌فکران ایران سراسر سال ۱۳۰۳ خ به بحث و تبادل نظر درباره جنبه‌های سیاسی و اقتصادی، و نیز چگونگی اولین خط احداثی راه آهن و مسائلی از این دست پرداختند. با رجوع به مطبوعات آن دوره مانند ایران، حبل‌المتین و شفق سرخ با مقالاتی مفصل در این زمینه روبه‌رو می‌شویم. برای نمونه عباس اقبال آشتیانی که راه آهن را ضامن استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و «مؤید و مقوی وحدت ملی» می‌دانست از اینکه «اراده قوی حضرت آقای رئیس‌الوزرا... متوجه این مهم شده و برای احداث راه آهن ایران تصمیم قطعی در کار...» است اظهار خرسندی کرد و در مقاله‌ای نوشت: «... راه آهن سرتاسری ایران آن خطی خواهد بود که از یک طرف آن به طرف دیگر منتهی شود. مثلاً از خط تبریز به یکی از بنادر جنوبی ممتد کنند و یا یکی از بنادر شمالی را به بنادر خلیج فارس و بحر عمان متصل نمایند» (شفق سرخ، ۱۳۰۲/۱۲/۵، ص ۱). او حدوداً یک سال بعد پیشنهاد روشن‌تری را ارائه داد: «... در میان خطوط سرتاسری، سهل‌الوصول‌ترین تمام راه‌ها راهی است که طهران

1. Mr Bennet
2. Ulen Company



را از طریق قم و سلطان‌آباد و بروجرد و خرم‌آباد به محمره مربوط کند... اگر امتداد آن به بحر خزر برسد کوتاه‌ترین طُرُق بری خلیج فارس به دریای مازندران خواهد شد. به واسطه عبور از نواحی غله‌خیز و پرنعمت و ثروت از طُرُق مهم به‌شمار خواهد آمد و پایتخت را به مهم‌ترین بنادر جنوب و به جلگه حاصل‌خیز کارون و معادن نفت ذی‌قیمت خوزستان مربوط خواهد کرد» (شفق سرخ، ۱۳۰۳/۱۰/۱۶، صص ۱ و ۴).

روزنامه حبل‌المتین نیز در مقاله‌ای با عنوان «ایران محتاج راه‌آهن است» نگاه واقع‌بینانه‌ای را در زمینه انتخاب نخستین مسیر ارائه داد. نویسنده بر آن بود که قدم اول آن است که از بندری مانند محمره یا انزلی شروع به کار شود تا از طریق دریا بتوان لوازم ساخت راه‌آهن را وارد کرد (حبل‌المتین، ۲۲ صفر ۱۳۴۳ق، صص ۱ و ۴).

علاوه بر آن در راستای همین تلاش‌ها بود که در اواخر پاییز این سال «جمعیت ملیون ایران» کمیسیون راه‌آهن را تشکیل داد و لایحه‌ای را تقدیم مجلس و دولت کرد. در این لایحه تصریح شده بود: «... البته باید بدو به فکر ساختن راه‌آهنی متناسب با وضعیت اقتصادی مملکت افتاد و آن را هم از نزدیک‌ترین خطی که دو دریای شمال و جنوبی ما را به هم متصل ساخته و راه ما را به بازارهای تجارت دنیا نزدیک و کم‌خرج می‌نماید عبور داد تا با قدرت مالی ما متناسب بوده و درعین حال مقصود را هم انجام دهد» (شفق سرخ، ۱۳۰۳/۱۰/۲، ص ۳). از اعضای فعال این جمعیت اویسی مدیرکل وزارت فواید عامه، نویسنده کتابچه یادشده در بالا بود (شفق سرخ، ۱۳۰۳/۱۰/۲۵، ص ۲). رضاخان سردار سپه این پیشنهاد را پذیرفت و به وزارت فواید عامه دستور داد تا این لایحه را برای تصویب به مجلس بفرستد (حبل‌المتین، ۱۵ رمضان ۱۳۴۳، ص ۲۳).

۵. اقدامات عملی

باتوجه به اینکه سردار سپه بعد از اخذ رأی اعتماد از مجلس به‌عنوان رئیس‌الوزرای ایران، در برنامه‌های کابینه خود «لایحه راه‌آهن و راه شوسه با استفاده از منابع ثروت مملکت» را نیز گنجانده بود (مشروح مذاکرات مجلس، دوره پنجم، جلسه ۱۱)، در پاییز ۱۳۰۳ خ مقامات دولتی طرح قانونی راه‌آهن را براساس منابع مالی داخلی تهیه کردند و به مجلس شورای ملی فرستادند. در این طرح، دولت انحصار قند، شکر و چای را برای ساخت راه‌آهن مطالبه کرد (کوشش، ۱۳۰۳/۹/۲۰، صص ۱-۲). هدف از این انحصار تأمین هزینه‌های راه‌آهن بدون وام از خارجیان بود. در طی چند ماه بعدی مجلس ایران به بررسی طرح انحصار قند و چای مشغول بود و در نهایت در ۹ خرداد ۱۳۰۴ خ این طرح به تصویب رسید و راه برای ساخت راه‌آهن سراسری با اتکا به منابع داخلی هموار شد. برطبق همین قانون



بخش اعظم هزینه‌های ساخت راه آهن سراسری در دوران رضاشاه تأمین شد (راه آهن سراسر ایران، ۱۳۱۷، ص ۲۹).

در تابستان ۱۳۰۴ خ بحث بر سر اینکه خط راه آهن غربی-شرقی مناسب تر است یا خط شمال به جنوب، صاحب نظران را به دو دسته تقسیم کرد. طرفداران خط غرب به شرق پیشرفت خطوط ارتباطی بین النهرین و ترکیه را مدنظر داشتند و معتقد بودند که خط غرب به شرق ایران را به دریای مدیترانه از یکسو و هندوستان از سوی دیگر وصل می کند و این پل ارتباطی بین اروپا و هندوستان درآمد سرشاری برای ایران به همراه دارد که کسر بودجه راه آهن را در سال های اول جبران می کند. در مقابل طرفداران خط شمال به جنوب بر آن بودند که خط سراسری غرب به شرق چون می بایست از نقاط بایر عبور کند مخارج نگهداری آن زیاد است و نمی توان امیدوار بود که هندوستان با داشتن بنادر و نزدیک بودن به دریا حمل مال التجاره خود را از راه آهن ایران انجام دهد. از آن گذشته خط غرب به شرق، ایران را ملزم می کند که «... مخرج خود را در سرحدات دیگران قرار داده و برای حمل هر قسم مال التجاره محتاج به اجازه ترانزیت از آن ها باشیم» (کوشش، ۱۳۰۴/۴/۲۴، ص ۱).

شکرالله صفوی مدیرمسئول روزنامه کوشش که موضوع مسیر راه آهن را به دقت بررسی می کرد می نویسد: «... به عقیده ما خط شمال به جنوب به ملاحظات سیاسی و اقتصادی به مراتب به راه غرب به شرق رجحان داشته ... و ما را به دریای آزاد خلیج فارس متصل» می کند. او بعد از بررسی معایب آذربایجان و گیلان به عنوان نقطه آغاز راه آهن در شمال و معایب بوشهر و بندرعباس در جنوب اظهار داشت: «... تنها خط باصرفه و جامعی که از شمال به جنوب باید برود خطی است که از بندر جز شروع شده و به تهران می آید که ... ایالات شمال شرقی را به مرکز و جنوب وصل کرده ... پس از برقراری امنیت در صفحه لرستان و خوزستان طرفداران خطوط مختلفه جنوبی حال متفق اند که اقصرترین و باصرفه ترین خطوط، راه طهران به محمره است.» صفوی ضمن اشاره به اینکه چون ملزومات ساخت راه آهن باید از کشورهای خارجی تأمین شود، نیاز به بندری برای وصل شدن به بازارهای دنیا و خرید لوازم ساخت راه آهن را بااهمیت تلقی می کند و بندر محمره را برای این کار پیشنهاد می دهد و در پایان ارزیابی خود را این گونه عنوان می کند: «... پس می توان این طور نتیجه گرفت که اولین خط آهن ایران که باید مقدم بر سایر خطوط ساخته شود راه بندر جز-طهران-قم-عراق [عجم]-بروجرد-خرم آباد- و محمره است که از لحاظ اقتصاد و سیاست و وصل نقاط مرکزی به دریای آزاد و رفع احتیاجات ما از حیث ترانزیت اقصرترین و بهترین راهی است که مفید به حال مملکت است» (کوشش، ۱۳۰۴/۴/۲۴، ص ۱).

ازسوی دیگر با تصویب قانون انحصار قندوچای نوبت رسید به مرحله بعدی یعنی تصویب لایحه ساخت راه آهن و تعیین مسیر قطعی نخستین راه آهن سراسری. در پاییز ۱۳۰۴ خ دولت سرگرم تنظیم لایحه ساختن راه آهن بود تا به مجلس بفرستد (کوشش، ۱۳۰۴/۷/۱۰، ص ۱). چند صباحی بیشتر از به سلطنت رسیدن رضاشاه نگذشته بود که پس از بررسی ها و مطالعات بسیار، علی اکبر داور وزیر فواید عامه لایحه راه آهن را در اواخر دی ماه ۱۳۰۴ خ به مجلس برد (کوشش، ۱۳۰۴/۱۰/۳۰، ص ۱).

در این زمان عزم مقامات ایرانی برای ساخت راه آهن از بندر گز به تهران و محمره - به عنوان نخستین خط سراسری - کاملاً هویدا بود. سر پرسی لورین وزیر مختار انگلستان از این تصمیم ناراضی بود و مخاطرات احداث این خط را به طور محرمانه به داور گوشزد کرد. در گزارش محرمانه ای که اداره امور خارجه انگلستان در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۲۶ م/ ۲۱ دی ماه ۱۳۰۴ خ به اداره هند فرستاد تأکید شد: «... سیاست دولت انگلستان تاکنون بر آن بود تا بر دولت ایران فشار بیاورد که احداث راه آهن از غرب به شرق که نقطه آغاز آن در مرز عراق و نزدیک خانقین باشد و از طریق همدان و نوبران به تهران برسد مطلوب است. چنین راه آهنی در نهایت می تواند به راه آهن نوشکی و زاهدان وصل شود. دلایل قوی اقتصادی و استراتژی نشان می دهد که از نقطه نظر منافع انگلستان این راه آهن به راه آهن محمره به دریای مازندران ارجحیت دارد» (British Documents On Foreign Affairs, vol 21, 1991, PP 1-2). نه تنها انگلیسی ها از ساخت راه آهن شمال به جنوب خرسند نبودند، بلکه رقیب دیرینه آنها یعنی روس ها نیز به ملاحظه خطراتی که از لحاظ حمله به شوروی متصور بود مخالف ساخت این راه آهن بودند (متینی، ۱۳۸۱، صص ۴۷۵-۴۷۶). باتوجه به اینکه طرح راه آهن در مراحل اولیه بود و قاعدتاً ساخت چنین راه آهنی سال ها به طول می انجامید سر آستین چمبرلین^۱ وزیر امور خارجه انگلستان بر آن بود که برای دوری از خطر نزدیک شدن دولت ایران به شوروی از مخالفت صریح و فشار جدی به دولت ایران پرهیز شود (British Documents On Foreign Affairs, vol 21, 1991, P7).

با وجود این مخالفت ها، مقامات ایرانی برای اجرای تصمیم خود تلاش جدی داشتند. در آخرین روزهای عمر مجلس پنجم و در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۰۴ خ «قانون اجازه ساختن خطوط آهن اصلی و مهمه مملکت» به تصویب رسید. همین قانون به دولت اجازه داد که یک متخصص آمریکایی راه آهن را استخدام کند (ساکما، ۵۸۷۵-۲۹۰). پس از بررسی های دکتر میلیسپو (رئیس کل مالیه ایران) و مذاکره با چندین شرکت راه آهن آمریکایی در نهایت مستر پولند^۲ به عنوان مهندس و مدیر کل راه آهن در تابستان سال بعد به استخدام دولت ایران درآمد (اطلاعات، ۱۳۰۵/۶/۲۱، ص ۱) و اندکی بعد هم یازده مهندس آمریکایی دیگر

1. Sir Austen Chamberlain
2. Mr. Poland



به او پیوستند (اطلاعات، ۱۳۰۵/۸/۴، ص ۱) و در اواخر پاییز ۱۳۰۵ خ کار نقشه‌کشی را آغاز کردند (کوشش، ۱۳۰۵/۹/۲۳، ص ۳).

یکی دو ماه بعد مطالعات اولیه هیئت آمریکایی به پایان رسید و مخبر السلطنه هدایت وزیر فواید عامه لایحه ساختمان راه آهن از بندر گز به بندر خور موسی را تقدیم مجلس کرد. در این لایحه ضمن اشاره به ضرورت ساخت راه آهن در مسیرهای متعدد کشور تأکید شد: «... پس از مطالعه و مذاقه کاملی که از طرف متخصصین به عمل آمده [است] اولین خط که باید ساخته شود مابین بندر محمره (خور موسی) از طریق همدان و طهران و بندر جز خواهد بود. منافع امتداد خط مزبور با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی و جغرافیایی و تجارتی مملکت ایران به خوبی معلوم خواهد شد.» مخبر السلطنه در پاسخ مدرس درباره ضرورت این خط اظهار داشت: «... ما متخصص آوردیم که از راه‌های ممکنه در ایران کدام خرجش کمتر است و کوتاه‌تر است؟ این قسمت را متخصص تشخیص داده که این راه کم‌خرج‌تر است و نزدیک‌تر است؛ حالا تونل باید ساخت و پل کشید حرف دیگری است» (کوشش، ۱۳۰۵/۱۲/۳، صص ۱-۴). کاملاً روشن بود که هر چند اظهارات مستر پولند مورد توجه اولیای امور بود، ولی تصمیم نهایی انتخاب مسیر را مقامات ایرانی اتخاذ کرده بودند. این لایحه با وجود اظهارات برخی مخالفان، در ۴ اسفند ۱۳۰۵ خ به تصویب مجلس شورای ملی رسید (کوشش، ۱۳۰۵/۱۲/۵، ص ۱). یکی از این مخالفان دکتر محمد مصدق بود که مسیر محمره به بندر گز را از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی‌دانست و ترجیح می‌داد بودجه این کار صرف کارخانه قند شود تا وابستگی کشور از واردات قند کمتر شود. او طرفدار مسیر غرب به شرق بود که اروپا را به آسیا وصل می‌کرد (متینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴). چند ماه بعد پس از اینکه مساحتی‌های اولیه و قسمتی از نقشه نهایی در شمال و جنوب را نقشه برداران و متخصصان به پایان رساندند، رضاشاه کلنگ شروع ساخت خط سراسری ایران را در ۲۳ مهر ۱۳۰۶ خ در محلی نزدیک ایستگاه کنونی راه آهن تهران به زمین زد (راه آهن، ۱ تیر ماه ۱۳۳۴، ص ۳۷). طی سال‌های بعد با اندکی تغییرات در مسیر، راه آهن سراسری ایران را از شمال به جنوب سندیکای آلمانی-آمریکایی و بعد از آن کنسرسیوم سوئدی-دانمارکی کامپساکس احداث کردند و در شهریور ۱۳۱۷ خ رضاشاه آن را افتتاح کرد (راه آهن سراسر ایران، ۱۳۱۷، صص ۳۴-۴۲).

۷. نتیجه

ماجرای لزوم ساخت راه آهن سراسری ایران از همان آغاز مطرح شدن پدیده راه آهن در ایران مورد توجه بود. در بخشی از پیشنهادها و طرح‌های ارائه شده در دوران قاجار مانند

آنچه استغفون سون در نظر داشت یا آنچه را که روس و انگلیس در آستانه جنگ جهانی اول در سر می‌پروراندند، ایران به‌عنوان کریدوری در نظر گرفته شده بود که اروپا را به شرق آسیا وصل می‌کرد و در واقع راه‌آهن ایران بخشی از پروژه‌های بزرگ‌تر به حساب می‌آمد. بخش دیگر، طرح‌هایی مانند امتیازنامه رویتز بود که به ساختن راه‌آهن در داخل مرزهای ایران معطوف می‌شد. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که ماجرای راه‌آهن سراسری از همان دوران ناصری و نیز در دوره‌های بعد موضوعی مهم تلقی می‌شده است.

روشن‌فکران عصر قاجار مانند مستشارالدوله، کاشف‌السلطنه، و صنیع‌الدوله نیز در رسایل خود ضمن پرداختن به اصل ماجرا یعنی لزوم ساخت راه‌آهن در ایران، به مسیرهای احتمالی آن نیز پرداختند. هرچند در دوران قاجار هرگز تلاشی عملی و جدی برای ساخت راه‌آهن سراسری ایران در میان نبود، ولی نمی‌توان از این واقعیت چشم پوشید که طرح‌های بسیاری در این زمینه عرضه شد و مباحث نظری فراوانی مطرح شد که برخی از آن‌ها مانند پیشنهاد های صنیع‌الدوله به کار ساختن راه‌آهن سراسری در عصر رضاشاه آمد.

در کنکاش صورت گرفته در موضوع راه‌آهن سراسری ایران از اواخر جنگ جهانی اول تا آغاز سلطنت رضاشاه چند نکته مهمی ویژه دارد. نخست اینکه دوران وثوق‌الدوله را باید آغاز دوره مطرح شدن جدی ساخت راه‌آهن سراسری ایران به‌شمار آورد. به‌نظر می‌رسد نخستین کشمکش‌ها بر سر مسیر شمال به جنوب یا غرب به شرق در همین دوره بین مقامات دولتی آغاز شده باشد. دوم آنکه انگلیسی‌ها نه‌تنها خواهان ساخت راه‌آهن از بندری در جنوب ایران به بندری در شمال ایران نبودند، بلکه تمام تلاش خود را برای منصرف کردن دولت ایران به‌کار بستند تا مسیر راه‌آهن قصر شیرین به تهران را که منافع آن‌ها را تأمین می‌کرد، به دولت ایران بقبولانند. انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول بغداد را در تصرف داشتند و راه‌آهن آنجا را تا قوره‌تو در نزدیکی قصر شیرین رسانده بودند؛ بنابراین کاملاً طبیعی بود که برای حفظ منافع خود و بهره‌برداری مناسب از راه‌آهن بخواهند راه‌آهن ایران از همان نقطه‌ای آغاز شود که راه‌آهن تحت سیطره آن‌ها به پایان رسیده بود؛ یعنی حدود قصر شیرین. همان‌گونه که شرح آن آمد این تلاش دیپلماتیک انگلیسی‌ها موفق از کار در نیامد و آن‌ها به ملاحظه کشانده‌نشدن دولت ایران به دامن شوروی اقدامی عملی در جلوگیری از ساخت راه‌آهن شمال به جنوب انجام ندادند. بنابراین برخلاف آنچه که برخی نویسندگان از جمله غلام‌رضا مصور رحمانی و خسرو معتضد اظهار کرده‌اند مبنی بر این که مسیری را که نخستین راه‌آهن سراسری ایران در آن کشیده شد، مقامات بریتانیا به رضاشاه دیکته کرده‌اند، بررسی حاضر نشان داد که انگلیسی‌ها هرگز به ساخته شدن این راه‌آهن رضایت نداشتند و نخستین مسیر راه‌آهن ایران با ملاحظاتی نظیر انتخاب



کوتاه‌ترین مسیری که دو دریا را در شمال و جنوب به هم وصل می‌کرد و علاوه بر تسهیل در واردات ملزومات ساخت راه آهن، برای تجارت کشور هم با اهمیت بود و ملاحظات سیاسی مانند گذشتن از مناطق حادثه‌خیز مانند ترکمن صحرا، لرستان و خوزستان تعیین شد. نکته دیگر آنکه در کنار مطالبات عمومی که جلوه‌ای از آن را در مطبوعات و رسایل آن عصر می‌توان دید، تأکید و اراده رضاخان سردار سپه و رضاشاه بعدی در عملیاتی شدن و به سرانجام رسیدن راه آهن سراسری ایران انکارناپذیر است.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۲۳۲۷۸-۲۴۰؛ ۵۸۷۵-۲۹۰.

نسخه خطی و چاپ سنگی

قرارداد رویترا. سازمان اسناد و کتابخانه ملی. نسخه خطی ۳۲۴۹۶-۵.
کاشف، محمد. (۱۳۰۶ق). **تغییرات و ترقیات در وضع و حرکت و مسافرت و حمل اشیاء و فواید راه آهن.** کمام، نسخه خطی ۲۶۶۱۲.
مستشارالدوله، میرزایوسف خان. (۱۲۹۷ق). **لایحه مستشارالدوله دریاب راه آهن خراسان.** سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، چاپ سنگی ۷۷۷۵۴۹.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۴۰). **فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت.** تهران: سخن.
آدمیت، فریدون. (۱۳۶۲). **امیرکبیر و ایران.** تهران: خوارزمی.
آدمیت، فریدون. (۲۵۳۵ شاهنشاهی). **اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپه سالار.** تهران: خوارزمی.
اویسی، ع. م. (۱۳۰۲). **راه عملی برای ساختن راه آهن در ایران.** طهران: مطبعة فاروس.
راه آهن سراسر ایران ۱۳۰۶-۱۳۱۷: نشریه وزارت طرق به مناسبت پایان ساختمان راه آهن سراسری ایران. (۱۳۱۷). تهران: وزارت طرق.
زرگر، علی اصغر. (۱۳۷۲). **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه.** (کاوه بیات، مترجم). تهران: پروین؛ معین.
سایه سایه رضاشاه «تاریخ راه آهن سراسری ایران»: خاطرات یک وزیر، دکتر محمد سجادی. (۱۳۹۹). (خسرو معتضد، کوشش گر). تهران: ماهریس
شوستر، مورگان. (۱۹۱۵). **اختناق ایران.** کلکته: مطبع حبل المتین.



صنیع الدوله، مرتضی قلی خان. (۱۳۲۵ق). *راه نجات*. طهران: مطبعه فاروس.
 کاشف السلطنه، پرنس دو چای. (۱۳۰۱). [مجله] *مماات و حیات*. طهران: مطبعه مجلس.
 کرزن، جرج ناتانیل. (۱۳۳۳). *ایران و قضیه ایران*. (ج ۱). (غلام علی وحید مازندرانی، مترجم). طهران:
 علمی و فرهنگی.
 محمود، محمود. (بی تا). *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی*. (ج ۸). طهران: اقبال.
 مشروح مذاکرات مجلس: (دوره اول، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۶، جلسه ۲۶۲)؛ (دوره پنجم، جلسه ۱۱).
 مصور رحمانی، غلام رضا. (۱۳۶۸). *کهنه سرباز: خاطرات سیاسی و نظامی سرهنگ ستاد غلام رضا مصور
 رحمانی*. (۱۳۶۸). طهران: رسا.
 هدایت، مهدی قلی (مخبر السلطنه). (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات*. طهران: زوار.

مقالات

رحمانیان، داریوش؛ یارمهدوی، سارا. (۱۳۹۰). «راه آهن ایران در عصر قاجار». فصل نامه *تاریخ اسلام و
 ایران*، ش ۱۰، پیاپی ۹۳.
 متینی، جلال. (بهار ۱۳۷۸). «دکتر مصدق، راه آهن سراسری، و سلطان احمدشاه». *ایران شناسی*، سال ۱۱،
 ش ۱.
 متینی، جلال. (پاییز ۱۳۸۱). «مخالفت انگلیسی ها با راه آهن جنوب به شمال ایران». *ایران شناسی*، ش ۵۵،
 صص ۴۶۷-۴۷۸.

روزنامه و نشریه

اطلاعات: ۱۳۰۵/۶/۲۱؛ ۱۳۰۵/۸/۴.
ایران نو، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۸.
ایران، ۱۲۹۷/۲/۲۲؛ ۱۲۹۸/۶/۲۶؛ ۱۲۹۸/۸/۲۸.
حبل المتین: ۱۸ ذی قعدة ۱۳۲۸ق؛ ۲۲ صفر ۱۳۴۳ق؛ ۱۵ رمضان ۱۳۴۳.
راه آهن، اتیرماه ۱۳۳۴.
شفق سرخ: ۱۳۰۳/۱۰/۲؛ ۱۳۰۳/۱۰/۲۵؛ ۱۳۰۲/۱۲/۵؛ ۱۳۰۳/۱۰/۱۶؛ ۱۳۰۳/۱۰/۱۶.
کوشش: ۱۳۰۲/۱۲/۱۰؛ ۱۳۰۳/۹/۲۰؛ ۱۳۰۴/۴/۲۴؛ ۱۳۰۴/۷/۱۰؛ ۱۳۰۴/۱۰/۳۰؛ ۱۳۰۴/۹/۲۳؛ ۱۳۰۵/۱۲/۳؛ ۱۳۰۵/۱۲/۳.
 ۱۳۰۵/۱۲/۵.



منابع خارجی

British Library: India Office Records and Private Papers (IOR): IOR/R/15/1/124; IOR/Mss Eur F126/109; IOR/L/PS/10/177; IOR/L/PS/18/C122; IOR/L/PS/18/C124.

Retrieved from: <https://www.qdl.qa>

British Documents on Foreign Affairs. (Vol 21). (1991). (Robin Bidwell, Editor). University Publications Of America.

Iran Political Diaries, 1881-1965. (1997). (editors: Robert Michael Burrell; Robert L. Jarman), Oxford: Archive Editions, vol 6-7.

"A railway engineer's journeys in Persia". (1992). Journal of the **Royal Central, Asian Society**, 9, 2, pp 60-80.

"Railways in Persia". (1927). Journal of the **Royal Central Asian Society**, 14(4).

Bast, Oliver. (2017). "Sheer Madness" or "Railway Politics" Iranian Style? – The Controversy over Railway Development Priorities within the Persian Government in 1919–1920 and British Railway Imperialism". **Iran** (journal of the British Institute of Persian Studies), 55(1).

Spring, D. W. (1976). "The Trans-Persian Railway Project and Anglo-Russian Relations, 1909-1914". **The Slavonic and East European Review**, Vol. 54, No. 1 (Jan., 1976), pp 60-82.

English Translation of References

Documents

British Library: India Office Records and Private Papers (IOR): IOR/R/15/1/124; IOR/Mss Eur F126/109; IOR/L/PS/10/177; IOR/L/PS/18/C122; IOR/L/PS/18/C124.

Retrieved from: <https://www.qdl.qa>.

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran): 240-23278; 290-5875. [Persian]



Manuscripts and lithography

Kashef, Mohammad. (1306 AH/). *“Taqyirāt va taraqqiyāt dar vaz’ va harekat va mosāferat va haml-e ašyā’ va favāyed-e rāh-āhan”* (Developments and improvements made in conditions, mobility, travel, transportation and benefits of the railway). Kemām (Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament), manuscript 26612. [Persian]

Mostashar Al-Dowleh, Mirza Yousof Khan. (1297 AH/). *“Lāyehe-ye Mostašār-od-dowleh dar bāb-e rāh-āhan-e Xorāsān”* (The bill of the chancellor of Khorasan railway). Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran), lithography 777549. [Persian]

“Qarārdād-e Ruyter” (Reuter concession). Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran). Manuscript 5-32496. [Persian]

Books

Adamiat, Fereydoun. (1362/1983). *“Amir Kabir va Irān”* (Amir Kabir and Iran). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Adamiat, Fereidoun. (2535/1956). *“Andiše-ye taraqqi va hokumat-e qānun-e asr-e sepah-sālār”* (The idea of progress and the rule of law: The Era of Sepahsalar). Tehran: Xāazmi. [Persian]

Adamiat, Fereydoun. (1340/1961). *“Fekr-e āzādī va moqaddame-ye nehzat-e mašrutīyat”* (The idea of freedom and the introduction of the constitutional movement) (1st ed.). Tehran: Soxan. [Persian]

British Documents on Foreign Affairs. (Vol 21). (1991). (Robin Bidwell, Editor). University Publications of America.

Curzon, George Nathaniel. (1373/1994). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Elmi Farhangi. [Persian]

Hedayat, Mahdi Gholi (Mokhber Al-Saltaneh). (1344/1965). *“Xāterāt va xatarāt”*



- (Memories and dangers). Tehran: Zovvār. [Persian]
- Iran political diaries, 1881-1965*. (1997). (Eds.: Robert Michael Burrell; Robert L. Jarman), Oxford: Archive Editions, vol 6-7.
- Kashef Al-Saltaneh, Mohammad. (1301/1922). “[*Majalle-ye/Mamāt o hayāt*]” ([Journal of] Death and life). Tehran: Matbaʿe-ye Majles. [Persian]
- Mahmoud, Mahmoud. (n. d.). “[*Tārix-e ravābet-e siāsi-ye Irān va Engelis dar qarn-e nuzdahom-e milādi*]” (History of Iran-Britain political relations in the nineteenth century) (vol. 8). Tehran: Eqbāl. [Persian]
- “*Mašruh-e mozākerāt-e majles*” (Detailed discussions of the parliament): (1st term, 23 Rabi’ al-Awaal 1326 AH / 25 April 1908 AD, session 262); (5th term, session 11). [Persian]
- Mosavvar Rahmani, Gholamreza. (1368/1989). “[*Kohneh-sarbāz: Xāterāt-e siyāsi va nezāmi-ye sarhang-e setād Qolāmrezā Mosavvar Rahmāni*]” (Veteran: Political and military memoirs of the staff colonel Gholamreza Mosavvar Rahmani). Tehran: Rasā. [Persian]
- Oveisi, A. M. (1302/1923). “[*Rāh-e amali barā-ye sāxtan-e rāh-āhan dar Irān*]” (A practical way to build railways in Iran). Tehran: Matbaʿe-ye Fārus. [Persian]
- “*Rāh-āhan-e sarāsar-e Irān 1306 – 1317: Našriye-ye vezārat-e toroq be monāsebat-e pāyān-e sāxtemān-e rāh-āhan-e sarāsari-ye Irān*” (All-Iran Railway 1306-1317 SH / 1927 – 1938 AD: Ministry of Roads publication on the occasion of the completion of the construction of the All-Iran Railway). (1317/1938). Tehran: Vezārat-e Toroq. [Persian]
- Sani’ Al-Dowleh, Morteza Gholi Khan. (1363/1984). “[*Rāh-e nejāt*]” (The way of salvation). Tehran: Matbaʿe-ye Fārus. [Persian]
- “*Sāyeh be sāye-ye Rezā Šāh: Tārix-e rāh-āhan-e sarāsari-ye Irān; Xāterāt-e yek vazir, Doktor Mohammad Sajjādi*” (History of Iran’s nationwide railway: Memoirs of a minister, Dr. Mohammad Sajjadi). (1399/2020). Edited by Khosro Mo’tazed. Tehran: Māhris. [Persian]
- Shuster, William Morgan. (1915). “[*Extenāq-e Irān*]” (The strangling of Persia). Kolkata: Matbaʿe-ye Habl ol-Matin. [Persian]

Zargar, Ali Asghar. (1372/1993). “*Tārix-e ravābet-e siāsi-ye Irān va Engelis dar dowre-ye Rezā Šāh*” (Anglo - Iranian relations: 1941 -1925). Translated by Kaveh Bayat. Tehran: Parvin; Moēen. [Persian]

Articles

“A railway engineer’s journeys in Persia”. (1992). Journal of the *Royal Central, Asian Society*, 9: 2, pp 60-80.

“Railways in Persia”. (1927). Journal of the *Royal Central Asian Society*, 14(4).

Bast, Oliver. (2017). “Sheer Madness” or “Railway Politics” Iranian Style? – The Controversy over Railway Development Priorities within the Persian Government in 1919–1920 and British Railway Imperialism”. *Iran* (journal of the British Institute of Persian Studies), 55(1).

Matini, Jalal. (Spring 1378/1999). “Doktor Mosaddeq, rāh-āhan-e sarāsari, va Soltān Ahmad Šāh” (Dr. Mossadegh, General Railway, and Sultan Ahmad Shah). *Irān-šenāsi*, II(1).[Persian]

Matini, Jalal. (Fall 1381/2002). “Moxālefat-e Engelisi-hā bā rāh-āhan-e jonub be šomā-e Irān” (British opposition to Iran’s south-north railway). *Irān-šenāsi*, 55, pp. 467 – 478.[Persian]

Rahmanian, Daryoush; & Yarmahdavi, Sara. (1390/2011). “Rāh-āhan-e Irān dar asr-e Qājār” (Iran railway issue in Qajar era). *Fasl-nāme-ye Tārix-e Eslām* (History of Islam and Iran), issue 10, series 93.[Persian]

Spring, D. W. (1976). “The Trans-Persian railway project and Anglo-Russian relations, 1909-1914”. *The Slavonic and East European Review*, Vol. 54, No. 1 (Jan., 1976), pp 60-82.

Newspapers & press

Ettelā’āt. 1305/6/21 SH / 13 September 1926 AD; 1305/8/4 SH / 27 October 1926 AD.[Persian]

Irān-e no: 23 Rabi’ al-Awwal 1328 AH / 4 April 1910 AD.[Persian]

Irān. 1297/2/22 SH / 13 May 1918 AD; 1298/6/26 SH / 18 September 1919 AD;



1298/8/28 SH / 20 November 1919 AD.[Persian]

Habl-ol-Matin: 18 Dhu al-Qadah 1328 AH / 21 November 1910 AD; 22 Safar 1343 AH / 22 September 1924 AD; 15 Ramadan 1343 AH / 9 April 1925 AD.[Persian]

Rāh-āhan: 1 Tir 1334 SH / 23 June 1955 AD.[Persian]

Šafaq-e sorx: 1303/10/2 SH / 23 December 1924 AD; 1303/10/25 SH / 15 January 1924 AD; 1302/12/5 SH / 25 February 1924 AD; 1303/10/16 SH / 6 January 1925 AD.[Persian]

Kušeš: 1302/12/10 SH / 1 March 1924 AD; 1303/9/20 SH / 11 December 1924 AD; 1304/4/24 SH / 15 July 1925 AD; 1304/7/10 SH / 2 October 1925 AD; 1304/10/30 SH / 20 January 1926 AD; 1305/9/23 SH / 15 December 1926 AD; 1305/12/3 SH / 23 February 1927 AD; 1305/12/5 SH / 25 February 1927 AD.[Persian]



Quantitative and qualitative environmental biological monitoring in Documentation Center and Library of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute

Nasrin Noohi¹ | Manizhe Hadian Dehkordi² | Parastoo Erfanmanesh³

Abstract:

Purpose: Biodeterioration of library materials is a worldwide problem in the archives and libraries. Investigation of biological agents (quantitatively and qualitatively) and environmental factors that affect the survival and persistence of microorganisms, are the main parts of preventive conservation. Therefore, we studied the biological pollution in repositories and other parts of the Documentation Center and Library of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute and evaluated the environmental factors (temperature, relative humidity).

Method and Research Design: Quantitative and qualitative investigations of biological contaminants (bacteria and fungi) were performed using sedimentation method (passive method). Besides, environmental factors (temperature and relative humidity) were monitored in audiovisual and records repositories.

Findings and conclusion: Relative humidity and temperature variation rate were high and non-standard in the audiovisual and records repositories. Biological studies showed that the fungal and bacterial contamination level in the library repository was higher than the alert level. The most frequent bacterial isolates were Bacillus and Staphylococcus and the dominant fungal isolates belonged to the genera Aspergillus, Penicillium, Alternaria, Cladosporium, most of which have a high potential to produce decomposing enzymes.

Keywords: Preventive conservation; Archives; Library; Biodeterioration; Environmental Monitoring.

Citation: Noohi, N., Hadian Dehkordi, M., & Erfanmanesh, P. (2022). Quantitative and qualitative environmental biological monitoring in the Documentation Center and Library of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 150-178.

doi: 10.30484/ganj.2022.2935

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Research Center for Conservation of Cultural Relics, Research Center of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization, Tehran, Iran
nasrinnoohi@gmail.com
 2. Assistant Professor, Research Center for Conservation of Cultural Relics, Research Center of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization, Tehran, I. R. Iran
m_hadian@yahoo.com
 3. Researcher, Research Center for Conservation of Cultural Relics, Research Center of Iranian Cultural Heritage and Tourism Organization, Tehran, I. R. Iran
parastoo.erfanmanesh@yahoo.com
- Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2022.2935

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 150 - 178 (29) | Received: 23, Dec. 2021 | Accepted: 6, Mar. 2022

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئولوژی

مقاله پژوهشی

بررسی کمی و کیفی عوامل بیولوژیک و پایش عوامل محیطی در مخازن و فضاهای کتابخانه‌ای در مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران

نسرین نوحی^۱ | منیژه هادیان دهکردی^۲ | پرستو عرفان‌منش^۳

چکیده:

هدف: یکی از مشکلات عمده کتابخانه‌ها و مراکز اسناد در سراسر جهان، مربوط به آسیب‌های بیولوژیکی مواد کتابخانه‌ای است. شناخت کمی و کیفی عوامل بیولوژیک و عوامل محیطی مؤثر بر بقا و رشد میکروارگانیسم‌ها از بخش‌های اصلی حفاظت پیشگیرانه به‌شمار می‌آید. در این مطالعه در راستای حفاظت پیشگیرانه از تخریب آثار کاغذی و نسخ خطی موجود در مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری ایران، به بررسی آلودگی‌های بیولوژیک مخازن و بخش‌های مختلف این مرکز و ارزیابی فاکتورهای محیطی (دما، رطوبت نسبی) پرداخته‌ایم.

روش/ رویکرد پژوهش: در این مطالعه بررسی کمی و کیفی آلودگی‌های بیولوژیک (باکتریایی و قارچی) با کمک روش رسوبی (غیرفعال) انجام شده‌است. هم‌چنین از فاکتورهای محیطی (دما و رطوبت نسبی) در دو مخزن اصلی این مرکز شامل مخزن دیداری شنیداری و مخزن اسناد نمونه‌برداری انجام شده‌است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: میزان نوسانات دما و رطوبت نسبی در مخزن اسناد و دیداری شنیداری زیاد و خارج از محدوده استاندارد بود. هم‌چنین در بررسی‌های بیولوژیک مخازن، میزان آلودگی باکتریایی قارچی مخزن کتابخانه بالاتر از سطح هشدار بود. سوبه‌های غالب باکتریایی جداسازی شده در این مطالعه به جنس‌های باسیلوس و استافیلوکوکوس و سوبه‌های غالب قارچی جداسازی شده به جنس‌های اسپریلوس، پنی‌سیلیوم، آلترناریا، کلادوسپوریوم تعلق داشتند که اغلب آن‌ها ظرفیت زیادی برای تولید آنزیم‌های تجزیه‌کننده کاغذ دارند.

کلیدواژه‌ها: حفاظت پیشگیرانه؛ مرکز اسناد؛ کتابخانه؛ فرسودگی زیستی؛ پایش محیطی.

استناد: نوحی، نسرین، هادیان دهکردی، منیژه، عرفان‌منش، پرستو. (۱۴۰۱). پایش کمی و کیفی محیطی و بیولوژیک در مخازن و فضاهای کتابخانه‌ای در مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایران. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۲)، ۱۷۸-۱۵۰. doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۲.۲۹۳۵

۱. استادیار، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران
nasrinnoohi@gmail.com
۲. استادیار، پژوهشکده حفاظت و مرمت، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران
m_hadian@yahoo.com
۳. کارشناس پژوهشی، پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران
parastoo.erfanmanesh@yahoo.com



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۲.۲۹۳۵

نمایه در: ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۵۰ - ۱۷۸ (۲۹)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

تحقیقات آرشئولوژی

۱. مقدمه

کاغذ یکی از ابزارهای اصلی برای ثبت دانش بشری در سراسر جهان است و فرسودگی آن یکی از مسائل مهم در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد به‌شمار می‌آید. اگرچه امروزه خوانندگان به منابع الکترونیکی دسترسی دارند، ولی اکثر سوابق گذشته روی کاغذ است و بسیاری از کاربران هنوز ترجیح می‌دهند مطالب چاپی را بخوانند. سلولز ماده اصلی تشکیل دهنده کاغذ است و مواد دیگر مانند لیگنین، همی سلولز، پکتین، موم، تانن، پروتئین و مواد معدنی بسته به منشأ ماده اولیه ساخت کاغذ به مقدار کمتر در ساختار کاغذ وجود دارند (Bankole, 2010). آسیب به مواد کتابخانه‌ای یکی از چالش‌های بزرگ کتابخانه‌ها در سراسر جهان است. از جمله عوامل مسبب آسیب و فرسودگی کاغذ عبارت‌اند از: عوامل فیزیکی؛ عوامل شیمیایی (ترکیبات اسیدی، گرما، رطوبت، نور)؛ عوامل بیولوژیکی (میکروارگانیسم‌ها، حشرات، جونندگان) (Moncmanová, 2007).

ذرات بیولوژیکی می‌توانند خطراتی را برای آثار موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و هم‌چنین برای سلامت کارکنان و بازدیدکنندگان به‌وجود آورند. جمعیت میکروبی در هر ساختمانی براساس نوع ساختمان، مصالح به‌کاررفته در آن، آثار و اسباب و اثاثیه موجود در ساختمان، و حضور کارکنان و بازدیدکنندگان متغیر است (Mandrioli et al., 2003). حضور انسان‌ها یکی از مهم‌ترین منابع آلودگی هوا در محیط‌های داخلی محسوب می‌شود. پوست منبع طبیعی میکروارگانیسم‌هاست و این موجودات به‌صورت مداوم از پوست به محیط پخش می‌شوند. موهم منبع بالقوه آلودگی میکروبی به‌شمار می‌آید. صحبت کردن، سرفه و عطسه میکروارگانیسم‌ها را وارد محیط می‌کند. هم‌چنین میکروارگانیسم‌ها از طریق حیوانات و منابع مختلف محیطی داخلی و خارجی، مواد و اشیاء آلوده، نقص در سیستم‌های تهویه، و هرگونه فعالیت نوسازی و اصلاح ساختمان‌ها - که به‌طور اجتناب‌ناپذیری گردوغبار و زباله ایجاد می‌کند - افزایش می‌یابند و به بروز آلودگی میکروبی و به‌ویژه اسپورهای قارچی منجر می‌شوند. گسترش میکروارگانیسم‌ها در هوا و سطوح به ویژگی‌های ساختاری و متابولیکی آن‌ها و وجود شرایط مطلوب از جمله وجود مواد مغذی و شرایط محیطی بستگی دارد (Pasquarella et al., 2015).

در دما و رطوبت نسبی مناسب، میکروبیوتای^۱ هوا می‌توانند همراه با مجموعه‌ها و افراد در اکوسیستمی خاص بدون ایجاد خسارت قابل توجه هم‌زیستی کنند؛ ولی هنگام افزایش دما در مخازن، میکروارگانیسم‌ها می‌توانند فرسودگی زیستی را تسریع کنند. برای تعیین کیفیت هوا در مخازن و آگاهی از اکوسیستم‌های داخلی، لازم است به‌طور سیستماتیک غلظت میکروبی هوا ارزیابی شود. اکثر میکروارگانیسم‌ها در محیط‌های بسته، ساپروفیت

1. microbiota



هستند و مواد مغذی خود را از مواد معدنی و آلی مانند چوب، کاغذ، نقاشی، گردوغبار و ... به دست می آورند. قارچ‌ها مهم‌ترین ارگانسیم‌های تجزیه‌کننده مواد آلی به‌شمار می‌آیند که با تولید آنزیم‌های خارج سلولی و فشار مکانیکی ناشی از هیف‌هایشان سبب آسیب به آثار مختلف می‌شوند. رشد و تکثیر میکروارگانسیم‌ها در قفسه کتاب‌خانه‌ها و مراکز اسناد یا بر روی کتاب‌ها یا اسناد به‌میزان اسپورهای سطح مواد، شرایط محیطی (دما، رطوبت نسبی، نور) و میزان فعالیت آب (water Activity) بستگی دارد (Borrego et al., 2012). یکی از اهداف اصلی رویکرد حفاظت پیشگیرانه در حوزه میراث فرهنگی محدود کردن زوال میکروبی آثار و جلوگیری از بیماری در کارکنان و بازدیدکنندگان این مراکز است. هوا عامل اصلی پراکندگی میکروارگانسیم‌ها است و طی دهه‌های گذشته، ارتباط بین میکروارگانسیم‌های موجود در هوا و آسیب‌های میکروبی به آثار هنری تأیید شده است. به‌طور کلی در بسیاری از موارد، میکروارگانسیم‌های موجود در هوا با میکروارگانسیم‌های جداشده از آثار هنری فرسوده یکسان یا مشابه‌اند. از آنجاکه آلودگی قارچی می‌تواند نتیجه پراکندگی اسپورهای قارچی در هوا و سطوح باشد، پایش بیولوژیکی محیطی خاص براساس نتایج هر دو نوع نمونه (هوا، سطح) بسیار مهم است (Borrego et al., 2017). شناخت عوامل بیولوژیکی (از نظر کمی و کیفی) و عوامل مؤثر بر بقا و رشد و گسترش آن‌ها، از اجزاء اصلی حفاظت پیشگیرانه به‌شمار می‌آید. برای مطالعه کیفیت محیط، نظارت کمی و کیفی بر آلودگی میکروبی سطح اشیاء و هوای اطراف آن‌ها، همراه با ارزیابی شرایط محیطی ضروری است (Pasquarella et al., 2015; Pasquarella et al., 2020).

پیشینه پژوهش

در مطالعات انجام‌شده پیشین در مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، فدایی و همکاران در سال ۹۴ در قالب طرحی با عنوان «آسیب‌شناسی، پایش و ارزیابی محیطی اسناد در مخزن نگهداری اسناد پژوهشگاه و ارائه طرح حفاظت با دیدگاه حفاظت پیشگیرانه» عوامل بیولوژیکی و میزان گردوغبار را در مخزن نگهداری اسناد و مخزن دیداری شنیداری در مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی پایش کردند (فدایی و همکاران، ۱۳۹۴). برطبق این گزارش جنس قارچ جداسازی‌شده از هوا، گردوغبار و اسناد مختلف این مرکز اغلب کلادوسپوریوم شناسایی شد. بیشترین سطح گردوغبار در مخزن اسناد در قفسه‌های رو به در ورودی و در مخزن دیداری شنیداری در بخش‌های نزدیک به پنجره و هم‌چنین رو به در ورودی مشاهده شد. در بررسی دیگری که گروه آسیب‌شناسی و آزمایشگاه اداره کل حفاظت و مرمت سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی

۱. آب مورد نیاز برای میکروارگانسیم‌ها با عنوان آب قابل‌دسترس یا فعالیت آبی بیان می‌شود که عبارت است از نسبت فشار بخار آب در ماده غذایی به فشار بخار اشباع‌شده در همان درجه حرارت.



ایران در فروردین ماه ۹۷ انجام داد، پایش بیولوژیکی و هم‌چنین پایش عوامل محیطی (دما، رطوبت، نور) در مخازن و بخش‌های مختلف مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری انجام شد (اداره کل مرمت و حفاظت سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ج.ا.ا، ۱۳۹۷). در این مطالعه، سطح دما و رطوبت نسبی در مخزن اسناد و مخزن کتاب‌خانه، نشریات و کتاب‌خانه مرجع در سطح توصیه‌شده استاندارد گزارش شد؛ هم‌چنین دما در مخزن دیداری شنیداری مطابق با استاندارد، ولی رطوبت نسبی خارج از محدوده استاندارد گزارش شد. لازم به ذکر است که در این مطالعه سنجش دما و رطوبت به صورت مقطعی بوده و پایش ۲۴ ساعته در طی ماه در این باره انجام نشده است. پایش بیولوژیکی در مخزن دیداری شنیداری، آلودگی را بالاتر از سطح استاندارد نشان داد.

در این مطالعه تلاش بر این است تا با بررسی کمی و کیفی آلودگی‌های بیولوژیک در مخازن و بخش‌های مختلف مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، براساس تجزیه و تحلیل نمونه هوا و گردوغبار موجود روی قفسه‌ها، کتب و اسناد موجود در مخازن و کتاب‌خانه و هم‌چنین ارزیابی عوامل محیطی (دما، رطوبت نسبی)، گامی در جهت شناخت عوامل بیولوژیکی و کیفیت محیط مخازن و فضاهای کتاب‌خانه برای حفاظت پیشگیرانه از آثار کاغذی موجود در این مرکز برداشته شود.

۲. روش تحقیق

۲.۱. مرکز اسناد و کتاب‌خانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

این مرکز در دو بخش کتاب‌خانه و مرکز اسناد فعالیت می‌کند. مخازن این مرکز عبارت‌اند از: مخزن اسناد و مدارک (به مترمراژ ۲۰۲ مترمربع)؛ مخزن دیداری شنیداری (به مترمراژ ۲۱ مترمربع)؛ مخزن کتاب‌خانه (به مترمراژ ۳۱۵/۸۹ مترمربع) (موقعیت مکانی مخازن در شکل ۱ آمده است). منابع اطلاعاتی موجود در این مرکز متنوع و شامل کتاب، نشریه، گزارش، عکس، فیلم، نقشه و انواع مواد آرشیوی دیگر است. در بخش کتاب‌خانه این مرکز ۳۰۳۱۰ جلد کتاب فارسی و عربی، ۱۳۶۶۴ جلد کتاب لاتین، ۱۰۵ جلد کتاب چاپ سنگی، ۸ جلد کتاب خطی، ۱۴'۴۵۵ شماره نشریه فارسی، و ۷'۷۷۶ شماره نشریه لاتین وجود دارد و بخش اسناد شامل منابع مختلف از جمله میلیون‌ها سند تاریخی، نقشه، عکس، اسلاید، فیلم و ... است.



۲.۲. پایش محیطی

پایش محیطی از نظر تجهیزات (سیستم تهویه هوا، سیستم اعلام حریق و ... و بررسی صحت عملکرد آنها) و شرایط نگهداری منابع (از نظر نحوه چیدمان و قفسه‌بندی و ...) هم‌چنین پایش دما و رطوبت نسبی، در شهریورماه سال ۹۸ در دو مخزن اصلی مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری شامل مخزن اسناد و مخزن دیداری شنیداری انجام شد. در این مطالعه برای بررسی میزان رطوبت نسبی و دما از دیتالاگر مدل TESTO 174H استفاده شد. فاصله زمانی ثبت داده‌ها در دیتالاگرها هر نیم ساعت یک‌بار تنظیم شد.

۲.۳. پایش بیولوژیک

برای بررسی عوامل بیولوژیک آسیب‌رسان، پایش بیولوژیک در مخازن و بخش‌های مختلف مرکز شامل مخزن نشریات، مخزن کتابخانه، مخزن دیداری شنیداری، قرائت‌خانه اسناد، اتاق مدیریت، اتاق مسئول دفتر، اتاق کارشناسان کتابخانه، قرائت‌خانه کتابخانه، و مخزن اسناد و مدارک انجام شد.

۲.۳.۱. مطالعه آلودگی بیولوژیک در هوا

در این بررسی برای نمونه‌برداری از روش رسوبی^۱ (غیرفعال) پیشنهادی اوملیانسکی^۲ استفاده شد (Awad & Mawla, 2012). برای این منظور در نقاط مختلف مخزن و کتابخانه (نمونه‌های A1-A12) در ارتفاع حدود یک‌ونیم متر، پلیت‌های نوترینت آگار^۳ (برای بررسی جمعیت میکروبی)، و رز پنگال آگار^۴ و ساپرو دکستروز آگار^۵ (برای بررسی جمعیت قارچی) به قطر ۸ سانتی‌متر به مدت ۴۵ یا ۹۰ دقیقه -براساس میزان احتمال آلودگی بیولوژیکی در بخش‌های مختلف مرکز- قرار داده شد (شکل ۱ و ۲). پس از انکوباسیون، کلونی‌های رشد کرده در هر پلیت شمارش شد و تعداد واحدهای تشکیل‌دهنده کلونی (CFU/m3) با کمک فرمول اوملیانسکی محاسبه شد.

$$N=5a \times 10^4 (bt)^{-1}$$

N: تعداد میکروب‌ها در مترمکعب هوا (CFU/m3)

a: تعداد کلونی‌های رشد کرده در هر پلیت

b: سطح پلیت بر حسب cm²

t: زمان انجام آزمایش بر حسب دقیقه

1. Sedimentation method
2. Omeliansky
3. Nutrient agar
4. Rose Bengal agar
5. Sabouraud Dextrose agar



۲.۳.۲. نمونه برداری از گردوخاک روی میزها و قفسه‌ها

برای بررسی میزان آلودگی بیولوژیک موجود در گردوخاک روی میز کار و قفسه‌ها، با کمک سواب آغشته به سرم فیزیولوژی استریل، از سطحی به ابعاد ۲*۲ سانتی متر (۴ cm²) نمونه برداری انجام شد (نمونه‌های B1-B8) (شکل ۲).

۲.۳.۳. نمونه برداری از منابع مختلف موجود در مخازن مرکز اسناد

برای بررسی میزان آلودگی در منابع مختلف موجود در مخازن، با کمک سواب استریل و به‌طور غیر تخریبی (حداقل مداخله) از اسناد و کتب، فیلم‌ها و نگاتیوها، کتب مراجعه‌کنندگان و کتب چاپ سنگی نمونه برداری شد (شکل ۲). در این مطالعه در مجموع ۲۵ نمونه شامل ۱۴ نمونه از مخزن اسناد (D1-D8 و C1-C6)، ۵ نمونه از مخزن دیداری شنیداری (S1-S5) و ۶ نمونه از مخزن کتاب‌خانه (K1-K6) از نظر آلودگی بیولوژیکی بررسی شدند.

۲.۴. بررسی‌های وابسته به کشت

۲.۴.۱. جداسازی باکتری‌ها و قارچ‌ها

نمونه‌های مورد مطالعه، بر روی محیط‌های کشت نوترینت آگار (برای بررسی جمعیت میکروبی)، و رز بنگال آگار و سابرو دکستروز آگار (برای بررسی جمعیت قارچی) کشت داده شدند و در دمای ۲۸ درجه سانتی‌گراد به مدت ۳ روز برای بررسی باکتری‌ها و ۶ روز برای بررسی قارچ‌ها انکوبه شدند. کلونی‌های تشکیل شده روی محیط‌های کشت، از نظر مورفولوژیکی بررسی شدند؛ سپس برای بررسی‌های بیشتر خالص‌سازی شدند.

۲.۴.۲. شناسایی باکتری‌ها

باکتری‌های خالص‌سازی شده بر روی نوترینت آگار، پس از رنگ‌آمیزی گرم^۱، بر طبق دستورالعمل برگگی^۲ با کمک تست‌های بیوشیمیایی شناسایی شدند (Vos et al., 2011). برای این منظور، برای شناسایی باکتری‌های کوکسی گرم مثبت از تست‌های کاتالاز^۳، کوآگولاز^۴، اکسیداز^۵، حساسیت به باسیتراسین^۶ و نوویوسین^۷ استفاده شد. هم‌چنین برای شناسایی باکتری‌های باسیل گرم مثبت، به ترتیب تست رنگ‌آمیزی اسپور، کاتالاز و بررسی تولید H₂S انجام شد. برای شناسایی باکتری‌های گرم منفی در ابتدا آزمایش TSI^۸ انجام شد و پس از بررسی نتایج حاصل از این تست، تست‌های تکمیلی شناسایی شامل اندول^۹، متیل رد^{۱۰}، و گس-پروسکائر^{۱۱}، هیدرولیز سیترات^{۱۲} و ... انجام شد.

1. Gram Staining
2. Bergey
3. Catalase
4. coagulase
5. oxidase
6. bacitracin
7. novobiocin
8. Triple Sugar Iron
9. Indole
10. Methyl red
11. Voges-Proskauer
12. Citrate



۲.۴.۳. شناسایی قارچ‌ها

قارچ‌های جداسازی شده، پس از خالص سازی و براساس مورفولوژی کلونی و همین طور مورفولوژی ساختاری، با کمک میکروسکوپ نوری بررسی و شناسایی شدند (Barnett & Hunter, 1972). در این مطالعه برای رنگ آمیزی قارچ‌ها از محلول رنگ آمیزی لاکتوفنل کاتن بلو استفاده شد. برای این منظور، قسمت کوچکی از کلونی قارچی با کمک لوپ برداشته شد و روی یک قطره از محلول رنگ آمیزی قرار داده شده روی لام پخش شد. سپس با قراردادن لامل روی آن، بررسی با میکروسکوپ نوری با بزرگ‌نمایی‌های 40x انجام شد.

۳. یافته‌ها

۳.۱. پایش مخازن از نظر تجهیزات و شرایط نگهداری منابع

برای تأمین و تنظیم تهویه، دما و رطوبت نسبی مناسب، تمام مخازن این مرکز به سیستم تهویه (دستگاه هواساز) مرکزی مجهز است. این مخازن به سیستم اعلام حریق مجهز است و کپسول‌های اطفاء حریق دستی در بخش‌های مختلف در دسترس است. چیدمان و طبقه‌بندی منابع در مخازن مناسب است و منابع داخل قفسه‌های فلزی ریلی با پوشش لعاب‌دار قرار دارند. سیم‌کشی‌های داخل مخزن مناسب است و به صورت روکار انجام شده است. نور داخل مخازن را لامپ‌های مهتابی بدون پوشش جاذب پرتو فرابنفش تأمین می‌کند که این می‌تواند برای اشیاء آسیب‌رسان باشد. پنجره‌های مخازن از پوشش کامل برای جلوگیری از تابش نور به داخل مخازن برخوردار نیست. در کف مخزن اسناد از اپوکسی (اپوکسی قابل شست‌وشو و ضد عفونی است ولی خودش به منابع آسیب‌رسان است) و کف مخزن دیداری شنیداری و مخزن کتاب‌خانه از پارکت (نامناسب برای شستشو و ضد عفونی مکرر) استفاده شده است.

۳.۲. پایش شرایط محیطی (دما و رطوبت نسبی)

داده‌های حاصل از پایش درجه حرارت و رطوبت نسبی در شهریورماه سال ۹۸ در مخزن اسناد و مخزن دیداری شنیداری نشان داد که محدوده دما در این ماه در مخزن اسناد بین ۲۱ تا ۲۴ و در مخزن دیداری شنیداری بین ۲۲ تا ۲۴ درجه سانتی‌گراد و میزان رطوبت نسبی از حداقل ۳۰ تا حداکثر ۶۴ درصد در مخزن اسناد و ۳۵ تا ۴۳ درصد در مخزن دیداری شنیداری متغیر بوده است (شکل ۳).



۳.۳. پایش بیولوژیک

نتایج حاصل از بررسی آلودگی‌های بیولوژیکی در هوا، و گردوخاک روی قفسه‌ها و هم‌چنین روی سطوح منابع موجود در مخازن و فضاهای کتاب‌خانه به‌ترتیب در جدول ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده‌است. این نتایج نشان می‌دهد که میزان آلودگی بیولوژیکی در اتاق کارشناسان کتاب‌خانه، قرائت‌خانه کتاب‌خانه و مخزن کتاب‌خانه بیش از حد استاندارد و غیرقابل قبول است.

۳.۴. شناسایی باکتری‌ها و قارچ‌ها

اغلب سویه‌های قارچی جداسازی شده در این مطالعه به جنس‌های اسپرژیلوس^۱، پنی‌سیلیوم^۲، آلترناریا^۳، و کلادوسپوریوم^۴ تعلق داشتند. هم‌چنین سویه‌های باکتریایی جداسازی شده در این مطالعه به جنس‌های باسیلوس^۵، استافیلوکوکوس^۶، میکروکوکوس^۷ و اکتینومایست^۸ تعلق داشتند (جدول ۱، ۲ و ۳).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

کتاب‌خانه‌ها و مراکز اسناد حاوی میلیون‌ها کتاب و سندند که به دهه‌ها یا حتی سده‌های پیش تعلق دارد. به‌دلیل ساختار شیمیایی کاغذ که جزء مواد آلی است، این آثار به‌میزان زیادی در معرض فرسودگی زیستی^۹ به‌وسیله میکروارگانیسم‌های مختلف از جمله باکتری‌ها و قارچ‌های تولیدکننده آنزیم سلولاز قرار دارند. اگرچه اکثر میکروارگانیسم‌ها برای رشد و نمو به رطوبت و دمای نسبی زیادی نیاز دارند، ولی برخی از گونه‌ها قادرند در رطوبت پایین نیز رشد کنند. این گروه از میکروارگانیسم‌ها اغلب اسپورهایی تولید می‌کنند که از طریق هوا به‌راحتی پراکنده می‌شوند. آنها کاملاً با محیط‌های بسته سازگارند و می‌توانند در فضای داخلی آرشیوها، کتاب‌خانه‌ها و موزه‌ها که کاغذ زیادی در آنها وجود دارد، یافت شوند. گردوغبار منبع خوبی برای تغذیه و رشد این میکروارگانیسم‌هاست و شرایط آلودگی میکروبی را تشدید می‌کند (Borrego et al., 2017; Kadaifciler, 2017). بنابراین نظارت بر آلودگی میکروبی سطح اسناد و کتاب‌ها و هوای اطراف آنها در محیط‌های کتاب‌خانه‌ای هم‌چنین ارزیابی شرایط محیطی در راستای حفاظت پیشگیرانه امری ضروری به‌شمار می‌آید.

درزمینه دما و رطوبت نسبی مطلوب برای مواد کتاب‌خانه‌ای و مراکز اسناد اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. طبق استاندارد NISO، حداکثر دمای استاندارد در بخش‌هایی که هم جنبه ذخیره‌سازی و هم کاربری دارد ۲۱ درجه سانتی‌گراد (۷۰ درجه فارنهایت)

1. Aspergillus
2. Penicillium
3. Alternaria
4. Cladosporium
5. Bacillus
6. Staphylococcus
7. Micrococcus
8. Actinomyces
9. Biodeterioration



است. این دما در بخش‌هایی با جنبه صرفاً ذخیره‌سازی باید ۱۸ درجه سانتی‌گراد (۶۵ درجه فارنهایت) باشد. سطح قابل قبول برای رطوبت نسبی در مراکز اسناد و کتابخانه‌ها طبق این استاندارد ۳۰-۵۰ درصد است (Wilson, 1995). هم‌چنین طبق راهنمای ارائه‌شده توسط Canadian Conservation Institute (CCI) دمای توصیه‌شده برای نگهداری کتاب در مراکز اسناد و کتابخانه‌ها ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی مناسب ۴۵-۵۵ درصد است (CCI, 1995, Note 11/7). هم‌چنین براساس استاندارد ارائه‌شده توسط مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (ISIRI 10443)، حداکثر دمای قابل قبول برای این مراکز ۱۸ درجه سانتی‌گراد و میزان رطوبت نسبی ۳۰-۵۰ درصد است. قابل ذکر است که میزان نوسان دما و رطوبت نسبی قابل قبول برای داخل مخازن دارای منابع کاغذی به ترتیب ± 2 درجه سانتی‌گراد و ± 3 درصد است.

پایش دما در مخزن اسناد در شهریورماه سال ۹۸ نشان داد که دما در این مخزن از ۲۱ تا ۲۴ درجه متغیر است و این غیرقابل قبول است؛ چون با استانداردهای بین‌المللی مطابقت ندارد. نوسان رطوبت نسبی مخزن اسناد هم بسیار بیشتر از سطح استاندارد است و رطوبت از حداکثر ۶۴ تا حداقل ۳۰ درصد نوسان دارد. نوسان رطوبت نسبی محیط، می‌تواند تنش‌های فیزیکی و مکانیکی همچون تغییر ابعاد را در آثار کاغذی به وجود آورد. این تغییرات ابعادی، در درازمدت به شکنندگی و سست شدن ساختار آثار کاغذی منجر می‌شود.

حداکثر دما برای نگهداری محصولات عکاسی در مخزن دیداری شنیداری براساس استاندارد مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران (ISIRI 10443) ۱۸- درجه سانتی‌گراد است. دمای بالاتر از این مقدار در زمان طولانی باعث افزایش سرعت تخریب این‌گونه آثار می‌شود (نوحی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵). طبق استاندارد ISIRI 10443 میزان رطوبت نسبی قابل قبول در مخازن دیداری شنیداری ۳۰-۴۰ درصد است. البته در برخی منابع این دامنه محدودتر است و رطوبت نسبی 35 ± 3 توصیه شده است (نوحی، ۱۳۹۸، ص ۱۶۹). حداکثر نوسان قابل قبول دما و رطوبت نسبی داخل مخازن دیداری شنیداری به ترتیب ± 2 درجه سانتی‌گراد و ± 5 درصد است. در مخزن دیداری شنیداری مرکز اسناد، دما از ۲۲ تا ۲۴ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی بین ۳۵ تا ۴۳ درصد نوسان داشت؛ این میزان دما خارج از محدوده استاندارد است و این سطح رطوبت نسبی هم تا حدودی بیشتر از سطح استاندارد است.

میکروارگانیسم‌های موجود در هوا، هم از جنبه آسیب به مجموعه‌ها و هم از نظر سلامت کارکنان اهمیت دارد؛ بنابراین براساس نوع کاربری بخش‌ها، محدوده استاندارد آلودگی

بیولوژیک هوا متفاوت است. بدین ترتیب قرائت‌خانه‌ها، اتاق کارشناسان، اتاق مدیریت و مسئول دفتر و انباری از جنبه سلامت کارکنان، و مخازن از جنبه آسیب به مجموعه‌ها ارزیابی شدند. در حال حاضر استاندارد بین‌المللی ثابت و مشخصی برای سنجش کیفیت بیولوژیکی هوا در محیط‌های بسته وجود ندارد و هر کشوری مقررات و استانداردهای مربوط به خود را دارد (Moldoveanu, 2015). سازمان بهداشت جهانی (WHO) محدوده مجاز تعداد اسپورهای قارچی هوا را کمتر از CFU/m^3 500 اعلام کرده است (WHO, 1988). کمیسیون جوامع اروپایی (CEC) سطح آلودگی باکتریولوژیکی هوا را به شرح زیر تعریف می‌کند: CFU/m^3 499-1 کم؛ CFU/m^3 999-500 متوسط؛ CFU/m^3 ۱۹۹۹-۱۰۰۰: زیاد؛ و بیش از CFU/m^3 2000: بسیار زیاد (European Collaborative Center, 1993).

نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میزان آلودگی بیولوژیک هوا در اتاق کارشناسان و قرائت‌خانه کتاب‌خانه بیش از حد قابل قبول است. در این بررسی تعداد قارچ‌ها در هر دو بخش CFU/m^3 1523 برآورد شد که در مقایسه با استانداردهای جهانی بسیار زیاد است. انسان‌ها یکی از منابع اصلی آلودگی به شمار می‌آیند و قادرند آلودگی‌های بیولوژیک مختلف را از طریق پوست، تنفس و ... در محیط پخش کنند. زیادبودن آلودگی بیولوژیک در هوای اتاق کارشناسان کتاب‌خانه و قرائت‌خانه کتاب‌خانه را می‌توان به تجمع زیاد افراد در این بخش‌ها نسبت داد.

در بررسی آلودگی بیولوژیکی هوای داخل مخازن با تمرکز بر حفاظت بر آثار کتاب‌خانه‌ای، محدوده‌های مختلفی از تعداد باکتری‌ها و قارچ‌ها در مترمکعب هوا ارائه شده است (Pinheiro et al., 2019). وزارت میراث فرهنگی ایتالیا (MIBAC) پیشنهاد کرده است که غلظت باکتری‌های هتروتروف باید کمتر از CFU/m^3 750 و قارچ‌ها باید کمتر از CFU/m^3 150 باشد (MIBAC, 2001). Cieplik محدوده‌ای را براساس نوع گونه‌های قارچی جداشده از هوا تعریف کرده است؛ بدین ترتیب که اگر بیواثرسل‌ها مخلوطی از چندین گونه قارچی باشند، نباید تعداد آن‌ها از CFU/m^3 150 تجاوز کند و اگر به یک گونه خاص قارچی متعلق باشد نباید از CFU/m^3 50 بیشتر باشد. هم‌چنین، نویسنده غلظت CFU/m^3 500 را در صورتی مجاز دانسته است که قارچ‌ها به جنس‌های میکروبی معمول موجود در هوا متعلق باشند (Cieplik, 1997). بیشترین آلودگی میکروبی مشاهده شده در این مطالعه در بین مخازن مرکز اسناد، مربوط به مخزن کتاب‌خانه است. هر سه فضای مورد مطالعه در این مخزن آلودگی قارچی زیادی داشتند.

در مطالعات فروردین سال ۹۷ که اداره کل مرمت و حفاظت سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ج.ا. انجام داده بود میزان آلودگی هوا در مخزن دیداری شنیداری زیاد گزارش شده



بود که در این مطالعه میزان آلودگی در این مخزن به سطح قابل قبول رسیده است. با توجه به بررسی های انجام شده، در طی سال ۹۷ نظارت بر نظافت بخش های مربوط به مخزن اسناد و مخزن دیداری شنیداری در حد قابل قبول است و استفاده از جاروبرقی مکند و ویژه گرد و خاک و تمیز کردن کف زمین با محلول ضد عفونی کننده دکونکس از جمله علل اصلی کاهش میزان آلودگی در این بخش نسبت به سال ۹۷ است. اگر چنین تمهیداتی برای بخش های دیگر از جمله (مرجع و ...) که در ضلع دیگر مرکز قرار دارد نیز انجام شود می تواند به کاهش آلودگی در این مرکز کمک کند. لازم به ذکر است که در فاصله زمانی دو پایش انجام شده در سال های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ تغییرات خاصی از نظر تجهیزات از جمله سیستم تهویه هوا، شرایط ساختمانی و نوع قفسه بندی اسناد و منابع در این مرکز اعمال نشده بود.

اکثر قارچ های جدا شده از هوای کتابخانه ها و انبارهای بایگانی گونه هایی اند که معمولاً در هوای اتاق های معمول از جمله اتاق های مسکونی هم وجود دارند. گونه های شاخص قارچی جدا شده از کتابخانه ها، مراکز اسناد و موزه ها شامل اسپرژیلوس، پنی سیلیوم، آلترناریا، ژئوتریکوم، کلا دوسپوریوم، موکور، ریزوپوس، تریکودرما و فوزاریوم هستند که اغلب قادرند سلولز را تجزیه کنند (Pastuszka et al., 2000; Pinheiro et al., 2019). اغلب سویه های قارچی جداسازی شده در مطالعه حاضر به جنس های اسپرژیلوس، پنی سیلیوم، آلترناریا، و کلا دوسپوریوم تعلق داشتند. گونه های کلا دوسپوریوم، اسپرژیلوس و پنی سیلیوم تقریباً در همه جا در نمونه های هوا وجود دارند. این گروه از قارچ ها اسپورهای زیادی تولید می کنند که به راحتی با هوا پراکنده می شود (Pinheiro et al., 2019). پنی سیلیوم و اسپرژیلوس از جنس های غالب قارچی در محیط های بسته اند که قادرند در محیط هایی با فعالیت کم آب هم ($aw < 0.8$) رشد کنند (Nielsen, 2003).

گونه های قارچی جداسازی شده از هوا در مطالعه حاضر با نتایج به دست آمده از سایر مطالعات مطابقت دارد. در مطالعه انجام شده توسط رئیس نیا در مخازن نگهداری از منابع آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا. اغلب سویه های قارچی جداسازی شده به جنس های اسپرژیلوس، کلا دوسپوریوم و پنی سیلیوم تعلق داشتند (رئیس نیا، ۱۳۹۵). در بررسی آلودگی در مرکز اسناد ملی کوبا، آنیا و همکاران مشاهده کردند که غالب گونه های قارچی جداسازی شده به جنس اسپرژیلوس تعلق دارند (Anaya et al., 2016). تحقیقات انجام شده در کتابخانه ها و مراکز اسناد مورد مطالعه هلند نشان داد که بیشترین گونه های قارچی موجود در هوای این مراکز به جنس های کلا دوسپوریوم و پنی سیلیوم تعلق دارند (Zielińska-Jankiewicz et al., 2008). در مطالعه انجام شده توسط کاربوسکا و همکارانش

1. Geotrichum
2. Mucor
3. Rhizopus
4. Trichoderma
5. Fusarium



بیشترین گونه‌های قارچی جداسازی شده از هوا در مخازن بررسی شده از جنس‌های پنی سیلیوم، آلترناریا و تریکوتسیوم^۱ بودند (Karbowska-Berent et al., 2011).

قارچ‌هایی که به واکنش‌های آلرژیک در انسان‌ها منجر می‌شوند اغلب به جنس‌های آسپرژیلوس، پنی سیلیوم، آلترناریا، کلا دوسپوریوم، موکور، تریکودرما، ریزوپوس و فوزاریوم تعلق دارند (Pinheiro et al., 2019; Valentín, 2007)؛ برخی از جنس‌های قارچی مذکور در مطالعه حاضر هم به وفور جداسازی شدند.

در بین سویه‌های باکتریایی جداسازی شده در مطالعه حاضر باکتری‌های گرم مثبت^۲ غالب بودند؛ این نتایج با سایر مطالعات انجام شده در محیط‌های بسته و کتاب‌خانه‌ها مطابقت دارد (رئیس‌نیا، ۱۳۹۵). در مطالعه حاضر باکتری‌های جنس استافیلوکوک، باسیلوس، میکروکوکوس و هم‌چنین اکتینومایست جداسازی شد. این جنس‌های باکتریایی در مطالعات پیشین هم از مخازن و کتاب‌خانه‌ها جداسازی شده‌اند (Borrego et al., 2010; Borrego et al., 2012; Di Bella et al., 2015; Skóra et al., 2015). مطالعات مختلف نشان داده‌است که گونه‌های جنس باسیلوس، باکتروئید^۳، کلسترییدیوم^۴ (آلوده‌کننده رایج مواد پروتئینی)، سودوموناس^۵، استرپتوکوک^۶، استافیلوکوک و برخی از سویه‌های میکروکوکوس می‌توانند مشکلات آلرژیک و سایر بیماری‌ها را در افراد ایجاد کنند (Valentín, 2007).

در بین باکتری‌های جدا شده از مخازن و کتاب‌خانه در مطالعه حاضر، سویه‌های متعلق به استافیلوکوک‌ها بسیار دیده شدند. این گروه از باکتری‌ها معمولاً روی پوست انسان وجود دارند و ممکن است در نتیجه تماس دست خوانندگان به کتاب‌ها و سطوح پُرتماس منتقل شوند. از طرف دیگر، باسیلوس‌ها به مقدار زیاد از نمونه‌های مربوط به کتاب و اسناد جداسازی شدند. این گروه از باکتری‌ها با توجه به داشتن ظرفیت تولید آنزیم سلولاز قادرند در صورت افزایش رطوبت کاغذ، با تولید آنزیم سلولاز باعث تجزیه مواد کتاب‌خانه‌ای حاوی سلولز شوند. هم‌چنین باسیلوس‌ها با داشتن ویژگی‌های پروتئولیتیک قابل توجه ممکن است باعث تجزیه چسب‌های اتصال کاغذ و جلد کتاب شوند. این گروه از باکتری‌ها می‌توانند اسپورهایی تولید کنند که در شرایط نامساعد و خشک برای مدت طولانی زنده می‌مانند (Danilova & Sharipova, 2020; Priest, 1977).

تجزیه و تحلیل کیفی گردوغبار جمع‌آوری شده از سطح کتاب‌ها و مواد بایگانی شده در مخازن بررسی شده نشان داد که ترکیب میکروبی موجود در این گردوغبار بازتابی از ترکیب آئروسول بیولوژیکی در این مخازن است. در بررسی گردوغبار ته‌نشین شده روی میز و سطح کتاب‌ها، گونه‌های قارچی متعلق به آسپرژیلوس و پنی سیلیوم بیش از سایر گونه‌ها جداسازی و شناسایی شدند.

1. Trichothecium

۲. یکی از روش‌های متداول و مهم رنگ‌آمیزی در میکروبیولوژی، رنگ‌آمیزی گرم (Gram staining) است. در این رنگ‌آمیزی، باکتری‌ها براساس رنگ باکتری پس از رنگ‌آمیزی -که به ساختار دیواره باکتری بستگی دارد- به دو گروه گرم منفی و گرم مثبت تقسیم می‌شوند.

3. Bacteroid

4. Clostridium

5. Pseudomonas

6. Streptococcus



در مجموع نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که در نمونه‌های هوا، کاغذ و گردوخاک، قارچ‌ها و باکتری‌هایی مشابه وجود دارد؛ البته این مقادیر به نسبت نمونه متفاوت است. مجموعه باکتری‌ها و قارچ‌های جدا شده از هوای مخازن در این مطالعه با ترکیب باکتریایی و قارچی خاک مشابه است. با توجه به وجود پنجره سرتاسری در مخزن دیداری شنیداری و مخزن اسناد و امکان ورود گردوغبار به داخل این مخازن، حضور این گروه از باکتری‌ها و قارچ‌ها را می‌توان به گردوغبار و ذرات معلق وارد شده به این مخازن نسبت داد. اکثر سویه‌های قارچی و باکتریایی جدا شده در این مطالعه فعالیت‌های سلولزی، پروتئولیتیک یا آمیلولیتیک را نشان می‌دهند که به تولید اسید و رنگ‌دانه‌های مختلف منجر می‌شوند و فرسودگی بسترهای میزبان رشد (آثار کاغذی و مواد آرشویی) را تسریع می‌کنند. با مشاهده نوسان زیاد رطوبت نسبی در مخزن اسناد می‌توان گفت که این وضعیت در بلندمدت، به آسیب‌های شیمیایی و مکانیکی به آثار کاغذی خواهد انجامید. سرعت زیاد تبادل هوا بین محیط داخل و خارج یکی از دلایل نوسان زیاد دما و رطوبت نسبی در محیط‌های داخلی است؛ بر این اساس بسته بودن مخزن دیداری شنیداری و کم بودن سرعت تبادل هوا، موجب کاهش نوسانات رطوبتی در این مخزن نسبت به مخزن اسناد شده است.

۵. توصیه‌ها

بازرسی و کنترل عملکرد دستگاه هواساز و همچنین کاهش سرعت تبادل هوا با درزگیری منافذ و بسته‌نگه داشتن در و پنجره‌های مرکز، علاوه بر جلوگیری از نوسان در دما و رطوبت نسبی محیط، مانع از ورود گردوخاک و نشست آن روی مواد کتابخانه‌ای و آرشویی و سبب جلوگیری از هجوم آفات و رشد عوامل بیولوژیک می‌شود. همچنین تداوم پایش محیطی و بازرسی دوره‌ای از آثار علاوه بر آگاهی از کیفیت نگهداری آثار، سلامتی کارکنان را نیز تضمین می‌کند.

سپاس‌گزاری

بدین وسیله نویسندگان مقاله حاضر مراتب تقدیر و تشکر خود را از سرکار خانم فریبا فرزام مدیر محترم مرکز اسناد و کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و کارکنان محترم این مرکز به دلیل همکاری‌های بی‌دریغشان اعلام می‌کنند.

منابع فارسی

کتاب

نوحی، سحر. (۱۳۹۸). *آشنایی با محصولات عکاسی پایه شیشه‌ای تاریخی: آسیب‌شناسی و فناوری ساخت*. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

مقاله

رئیس‌نیا، نگار. (۱۳۹۵). «مقایسه‌ای بین روش‌های نمونه‌برداری فعال و غیرفعال در مخازن نگهداری از منابع آرشیوی». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، سال بیست‌وششم، دفتر سوم، پاییز ۱۳۹۵، صص ۱۵۸-۱۷۳.

استاندارد

استاندارد ملی ایران. (۱۳۹۵). «اطلاعات و دبیزش (مستندسازی) الزامات ذخیره‌سازی مدرک برای منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای (ISIRI 10443)».

منابع منتشر نشده

اداره کل مرمت و حفاظت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا، گروه آسیب‌شناسی و آزمایشگاه. (۱۳۹۷). «برنامه استانداردسازی مخازن کتابخانه‌ای و آرشیوی مرکز اسناد پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری». ۲۸ فروردین ۱۳۹۷. (منتشر نشده).

فدایی، حمید؛ عرفان منش، پرستو؛ دارخال، نازلی؛ بحرالعلوم، فرانک. (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی، پایش و ارزیابی محیطی اسناد در مخزن نگهداری اسناد پژوهشگاه و ارائه طرح حفاظت با دیدگاه حفاظت پیشگیرانه». پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. تیرماه ۱۳۹۴. (منتشر نشده).

منابع لاتین

Anaya, Villalpanda; Borrego, Sofia; Gámez, Erasmo; Castro, Miguel; Molina, Alian; Valdés, Oderlaise. (2016). "Viable fungi in the air of indoor environments of the National Archive of the Republic of Cuba". *Aerobiologia*, 32(3), pp 513-527.

Awad, Abdel Hameed; Mawla, Hanan Abdel. (2012). "Sedimentation with the Ome-liansky formula as an accepted technique for quantifying airborne fungi". *Polish Journal of Environmental Studies*, 21(6), pp 1539-1541.

Bankole, Olubanke M. (2010). "A review of biological deterioration of library materials and possible control strategies in the tropics". *Library Review*, 59(6), pp 414-429.



- Barnett, H. L.; Hunter, B. B. (1972). *Illustrated genera of imperfect fungi*. (3rd edition). Burgess Publishing Company, Minneapolis.
- Borrego, Sofia; Guiamet, Patricia; de Saravia, Sandra Gómez; Batistini, Patricia; Garcia, Miche; Lavin, Paola; Perdomo, Ivette. (2010). "The quality of air at archives and the biodeterioration of photographs". *International Biodeterioration & Biodegradation*, 64(2), pp 139-145.
- Borrego, Sofia; Lavin, Paola; Perdomo, Ivette; de Saravia, Sandra Gómez; Guiamet, Patricia. (2012). "Determination of indoor air quality in archives and biodeterioration of the documentary heritage". *International Scholarly Research Notices*, Article ID: 680598.
- Borrego, Sofia; Molina, Alian; Santana, Adriana. (2017). "Fungi in archive repositories environments and the deterioration of the graphics documents". *EC Microbiology*, 11(5), pp 205-226.
- Canadian Conservation Institute (CCI). (1995). "Basic Care of Books, CCI Notes 11/7".
- Cieplik, Z. (1997). "Zagrzybienie of the book collection of the Polish Studies Library of the Faculty of Philology of the University of Silesia". *Studies in Bibliography*, 10, pp 107-119.
- Danilova, Iuliia; Sharipova, Margarita. (2020). "The practical potential of Bacilli and their enzymes for industrial production". *Frontiers in microbiology*, Volume 11, Article 1782.
- Di Bella, Marco; Randazzo, Donata; Di Carlo, Enza; Barresi, Giovanna; Palla, Franco. (2015). "Monitoring biological damage on paper-based documents in the historical archive of the palermo astronomical observatory". *Conservation Science in Cultural Heritage*, 15(2), pp 85-94.
- European Collaborative Center. (1993). "Indoor Air Quality And Its Impact On Man". Report No. 12, Biological Particles in Indoor Environment, Luxembourg.
- Kadaifciler, Duygu Göksay. (2017). "Bioaerosol assessment in the library of Istanbul University and fungal flora associated with paper deterioration". *Aerobiologia*, 33(1), pp 151-166.
- Karbowska-Berent, Joanna; Górny, Rafał L; Strzelczyk, Alicja B; Wlazło, Agnieszka.

- (2011). "Airborne and dust borne microorganisms in selected Polish libraries and archives". *Building and Environment*, 46(10), pp 1872-1879.
- Mandrioli, Paolo; Caneva, Giulia; Sabbioni, Cristina. (2003). *Cultural heritage and aerobiology: Methods and measurement techniques for biodeterioration monitoring*. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht.
- MIBAC (Ministry of Cultural Heritage and Activities). (2001). "Atto di indirizzo sui criteri tecnico-scientifici e sugli standard di funzionamento e sviluppo dei musei". Ambito VI. (D.Lgs. 112/1998 art. 150, comma 6). *Gazzetta Ufficiale*, 244(Suppl.): pp 34-43.
- Moldoveanu, Anca Maria. (2015). "Biological Contamination of Air in Indoor Spaces". In Book: *Current Air Quality Issues*. IntechOpen.
- Moncmanová, A. (2007). "Environmental factors that influence the deterioration of materials". In Book: *Environmental Deterioration of Materials*.
- Nielsen, Kristian Fog. (2003). "Mycotoxin production by indoor molds". *Fungal genetics and biology*, 39(2), pp 103-117.
- Pasquarella, Cesira; Balocco, Carla; Pasquariello, Giovanna; Petrone, Giuseppe; Saccani, Elisa; Manotti, Pietro; Ugolotti, M; Palla, Franco; Maggi, Franco; Albertini, Roberto. (2015). "A multidisciplinary approach to the study of cultural heritage environments: Experience at the Palatina Library in Parma". *Science of the Total Environment*, 536, pp 557-567.
- Pasquarella, Cesira; Balocco, Carla; Saccani, Elisa. Capobianco, Emanuela; Viani, Isabella; Veronesi, Licia; Pavani, Filippo; Pasquariello, Giovanna; Rotolo, Valentina; Palla, Franco. (2020). "Biological and microclimatic monitoring for conservation of cultural heritage: a case study at the De Rossi room of the Palatina library in Parma". *Aerobiologia*, 36(1), pp 105-111.
- Pastuszka, Jozef S; Paw, U. Kyaw Tha; Lis, Danuta O; Wlazło, Agnieszka; Ulfig, Krzysztof. (2000). "Bacterial and fungal aerosol in indoor environment in Upper Silesia, Poland". *Atmospheric Environment*, 34(22), pp 3833-3842.
- Pineiro, Ana Catarina; Sequeira, Sílvia Oliveira; Macedo, Maria Filomena. (2019). "Fungi in archives, libraries, and museums: a review on paper conservation and



- human health". *Critical reviews in microbiology*, 45(5-6), pp 686-700.
- Priest, F. G. (1977). Extracellular enzyme synthesis in the genus *Bacillus*. *Bacteriological reviews*, 41(3), pp 711-753.
- Skóra, Justyna; Gutarowska, Beata; Pielech-Przybylska, Katarzyna; Stępień, Łukasz; Pietrzak, Katarzyna; Piotrowska, Małgorzata; Pietrowski, Piotr. (2015). "Assessment of microbiological contamination in the work environments of museums, archives and libraries". *Aerobiologia*, 31(3), pp 389-401.
- Valentín, Nieves. (2007). "Microbial contamination in archives and Museums: Health hazards and preventive strategies using air ventilation systems". *The Getty Conservation Institute*, pp 1-26.
- Vos, Paul; Garrity, George; Jones, Dorothy; Krieg, Noel R; Ludwig, Wolfgang; Rainey, Fred A; Schleifer, Karl-Heinz; Whitman, William B. (2011). *Bergey's manual of systematic bacteriology: Volume 3: The Firmicutes*. Springer Science & Business Media.
- Wilson, William K. (1995). "Environmental guidelines for the storage of paper records". National Information Standards Organization, Technical Report (NISO, TR) 01.
- World Health Organization (WHO). (1988). "Indoor Air quality: Biological Contaminants". Report on a WHO meeting. European Series, Number No. 31. WHO Regional Publication, Copenhagen.
- Zielińska-Jankiewicz, Katarzyna; Kozajda, Anna; Piotrowska, Małgorzata; Szadkowska-Stańczyk, Irena. (2008). "Microbiological contamination with moulds in work environment in libraries and archive storage facilities". *Annals of Agricultural and Environmental Medicine (AAEM)*, 15(1), pp 71-78.

English translation of references

Books

- Barnett, H. L.; & Hunter, B. B. (1972). *Illustrated genera of imperfect fungi*. (3rd ed.). Burgess Publishing Company, Minneapolis.
- Mandrioli, Paolo; Caneva, Giulia; & Sabbioni, Cristina. (2003). *Cultural heritage and aerobiology: Methods and measurement techniques for biodeterioration moni-*



toring. Kluwer Academic Publishers, Dordrecht.

- Nouhi, Sahar. (1398/2019). “*Āšnāyi bā mahsulāt-e ‘akkāsi-ye pāye šīše-ee-ye tārixī: Āsib-šenāsi va fannāvāri-ye sāxt*” (Familiarity with historical glass-based photographic products: Pathology and manufacturing technology). Tehran: Pažuhešgāh-e Mirāš-e Farhangi va Gardešgari (Research Institute of Cultural Heritage and Tourism). [Persian]
- Vos, Paul; Garrity, George; Jones, Dorothy; Krieg, Noel R; Ludwig, Wolfgang; Rainey, Fred A; Schleifer, Karl-Heinz; & Whitman, William B. (2011). *Bergey’s manual of systematic bacteriology: Volume 3: The Firmicutes*. Springer Science & Business Media.

Articles

- Anaya, Villalpanda; Borrego, Sofia; Gámez, Erasmo; Castro, Miguel; Molina, Alian; & Valdés, Oderlaise. (2016). “Viable fungi in the air of indoor environments of the National Archive of the Republic of Cuba”. *Aerobiología*, 32(3), pp 513-527.
- Awad, Abdel Hameed; & Mawla, Hanan Abdel. (2012). “Sedimentation with the Ome-liansky formula as an accepted technique for quantifying airborne fungi”. *Polish Journal of Environmental Studies*, 21(6), pp 1539-1541.
- Bankole, Olubanke M. (2010). “A review of biological deterioration of library materials and possible control strategies in the tropics”. *Library Review*, 59(6), pp 414-429.
- Borrego, Sofia; Guiamet, Patricia; de Saravia, Sandra Gómez; Batistini, Patricia; Garcia, Miche; Lavin, Paola; Perdomo, Ivette. (2010). “The quality of air at archives and the biodeterioration of photographs”. *International Biodeterioration & Biodegradation*, 64(2), pp 139-145.
- Borrego, Sofia; Lavin, Paola; Perdomo, Ivette; de Saravia, Sandra Gómez; Guiamet, Patricia. (2012). “Determination of indoor air quality in archives and biodeterioration of the documentary heritage”. *International Scholarly Research Notices*, Article ID: 680598.
- Borrego, Sofia; Molina, Alian; Santana, Adriana. (2017). “Fungi in archive repositories environments and the deterioration of the graphics documents”. *EC Microbiol-*



- ogy, 11(5), pp 205-226.
- Canadian Conservation Institute (CCI). (1995). "Basic Care of Books, CCI Notes 11/7".
- Cieplik, Z. (1997). "Zagrzybienie of the book collection of the Polish Studies Library of the Faculty of Philology of the University of Silesia". *Studies in Bibliography*, 10, pp 107-119.
- Danilova, Iuliia; Sharipova, Margarita. (2020). "The practical potential of Bacilli and their enzymes for industrial production". *Frontiers in microbiology*, Volume 11, Article 1782.
- Di Bella, Marco; Randazzo, Donata; Di Carlo, Enza; Barresi, Giovanna; & Palla, Franco. (2015). "Monitoring biological damage on paper-based documents in the historical archive of the palermo astronomical observatory". *Conservation Science in Cultural Heritage*, 15(2), pp 85-94.
- European Collaborative Center. (1993). "Indoor Air Quality and Its Impact on Man". Report No. 12, *Biological Particles in Indoor Environment*, Luxembourg.
- Kadaifciler, Duygu Göksay. (2017). "Bioaerosol assessment in the library of Istanbul University and fungal flora associated with paper deterioration". *Aerobiologia*, 33(1), pp 151-166.
- Karbowska-Berent, Joanna; Górny, Rafał L; Strzelczyk, Alicja B; & Wlazło, Agnieszka. (2011). "Airborne and dust borne microorganisms in selected Polish libraries and archives". *Building and Environment*, 46(10), pp 1872-1879.
- MIBAC (Ministry of Cultural Heritage and Activities). (2001). "Atto di indirizzo sui criteri tecnico-scientifici e sugli standard di funzionamento e sviluppo dei musei". Ambito VI. (D.Lgs. 112/1998 art. 150, comma 6). *Gazzetta Ufficiale*, 244(Suppl.): pp 34-43.
- Moldoveanu, Anca Maria. (2015). "Biological Contamination of Air in Indoor Spaces". In Book: *Current Air Quality Issues*. IntechOpen.
- Moncmanová, A. (2007). "Environmental factors that influence the deterioration of materials". In Book: *Environmental Deterioration of Materials*.
- Nielsen, Kristian Fog. (2003). "Mycotoxin production by indoor molds". *Fungal genetics and biology*, 39(2), pp 103-117.

- Pasquarella, Cesira; Balocco, Carla; Pasquariello, Giovanna; Petrone, Giuseppe; Saccani, Elisa; Manotti, Pietro; Ugolotti, M; Palla, Franco; Maggi, Franco; & Albertini, Roberto. (2015). "A multidisciplinary approach to the study of cultural heritage environments: Experience at the Palatina Library in Parma". *Science of the Total Environment*, 536, pp 557-567.
- Pasquarella, Cesira; Balocco, Carla; Saccani, Elisa. Capobianco, Emanuela; Viani, Isabella; Veronesi, Licia; Pavani, Filippo; Pasquariello, Giovanna; Rotolo, Valentina; & Palla, Franco. (2020). "Biological and microclimatic monitoring for conservation of cultural heritage: a case study at the De Rossi room of the Palatina library in Parma". *Aerobiologia*, 36(1), pp 105-111.
- Pastuszka, Jozef S; Paw, U. Kyaw Tha; Lis, Danuta O; Wlazło, Agnieszka; & Ulfig, Krzysztof. (2000). "Bacterial and fungal aerosol in indoor environment in Upper Silesia, Poland". *Atmospheric Environment*, 34(22), pp 3833-3842.
- Pinheiro, Ana Catarina; Sequeira, Sílvia Oliveira; & Macedo, Maria Filomena. (2019). "Fungi in archives, libraries, and museums: a review on paper conservation and human health". *Critical reviews in microbiology*, 45(5-6), pp 686-700.
- Priest, F. G. (1977). Extracellular enzyme synthesis in the genus Bacillus. *Bacteriological reviews*, 41(3), pp 711-753.
- Rayisnia, Negar. (1395/2016). "Moqāyese-ee beyn-e raves-hā-ye nemune-bardāri-ye fa'āl va qeyr-e fa'āl dar maxāzen-e negahdāri az manābe'-e ārsivi" (A comparison of Active and Passive air sampling methods in the repositories of archival materials). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 26(3), Fall 1395, pp. 173 – 158. [Persian]
- Skóra, Justyna; Gutarowska, Beata; Pielech-Przybylska, Katarzyna; Stępień, Łukasz; Pietrzak, Katarzyna; Piotrowska, Małgorzata; & Pietrowski, Piotr. (2015). "Assessment of microbiological contamination in the work environments of museums, archives and libraries". *Aerobiologia*, 31(3), pp 389-401.
- Valentín, Nieves. (2007). "Microbial contamination in archives and Museums: Health hazards and preventive strategies using air ventilation systems". *The Getty Conservation Institute*, pp 1-26.
- Wilson, William K. (1995). "Environmental guidelines for the storage of paper records".



National Information Standards Organization, Technical Report (NISO, TR) 01.

World Health Organization (WHO). (1988). "Indoor Air quality: Biological Contaminants". Report on a WHO meeting. *European Series*, Number No. 31. WHO Regional Publication, Copenhagen.

Zielińska-Jankiewicz, Katarzyna; Kozajda, Anna; Piotrowska, Malgorzata; & Szadkowska-Stańczyk, Irena. (2008). "Microbiological contamination with moulds in work environment in libraries and archive storage facilities". *Annals of Agricultural and Environmental Medicine* (AAEM), 15(1), pp 71-78.

Standards

Estāndārd-e Melli-ye Irān (Institute of Standards and Industrial Research of Iran). (1395/2016). "*Ettelā'āt va dabizeš (Moštanad-sāzi-ye) elzāmāt-e zaxire-sāzi-ye madrak barāye manābe' āršivi va ketābxāne-ee*" (Information and documentation- document storage requirements for archive and library materials) (ISIRI 10443). [Persian]

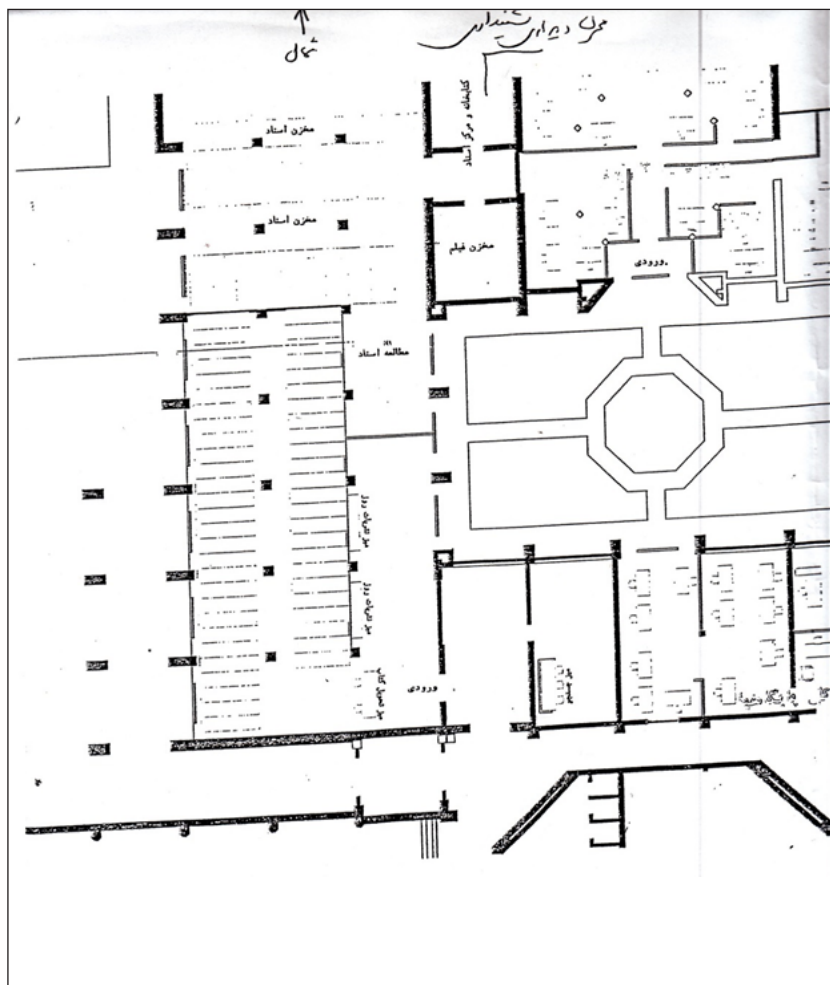
Unpublished Documents

Edāre-ye Koll-e Maremmat va Hefāzat-e Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye I.R.I, Goruhe Āsib-šenāsi va Āzmāyešgāh (General Department of Restoration and Protection of the National Library and Archives of I.R.I., Department of Pathology and Laboratory). (1397/2018). "*Barnāme-ye estāndārd-sāzi-ye maxāzen-e ketābxāne-ee va āršivi-ye markaz-e asnād-e pažuhešgāh-e Mirās-e Farhangi, Sanāye'-e dašti va Gardešgari*" (The standardization program of library and archival documentation storage of the Research Institute of Cultural Heritage and Tourism). 28 Farvardin 1397 SH/ 17 April 2018 AD. [Unpublished] [Persian]

Fadaei, Hamid; Erfanmanesh, Parastou; Darkhal, Nazli; & Bahr Al-Oloumi, Faranak. (1394/2015). "*Āsib-šenāsi, pāyeš va arzyābi-ye mohiti-ye asnād dar maxzan-e negahdāri-ye asnād-e pažuhešgāh va erā'e-ye tarh-e hefāzat bā dīdgāh-e*



hefāzat-e pišgirāneh” (Pathology, environmental monitoring and evaluation of documents in the documents repository of research institute and presentation of a conservation plan with a preventive conservation perspective.). Pažuhešgāh-e Mirāš-e Farhangi va Gardešgari (Research Institute of Cultural Heritage and Tourism). Tir 1394 SH / July 2015 AD. [Unpublished] [Persian]



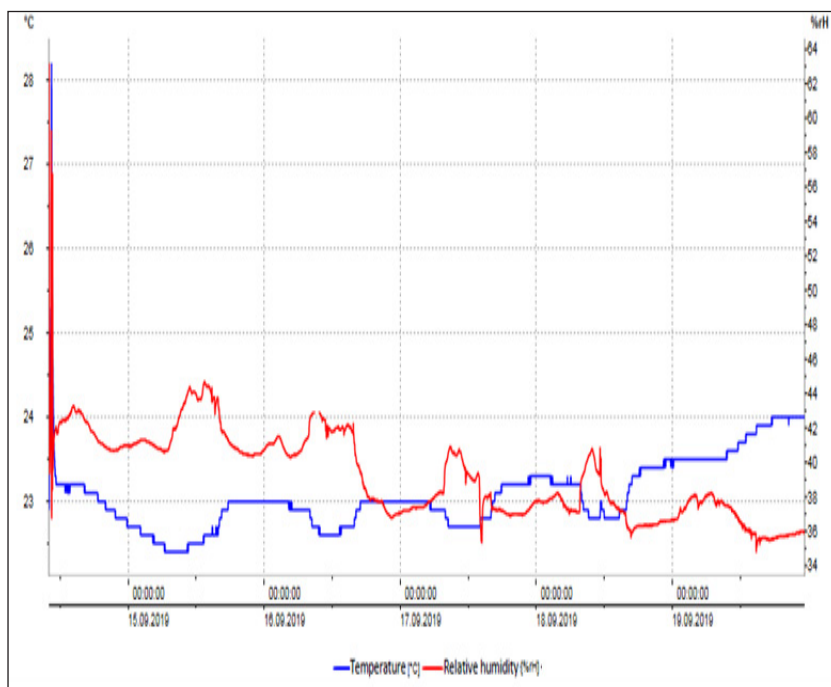
شکل ۱

بخش‌های کاری مطالعات بیولوژی
(میکروبی-قارچی) مشخص شده بر
روی نقشه مرکز اسناد



شکل ۲

نمونه‌گیری بیولوژیکی با کمک
سواب استریل از ۱ هوا (۲ اسناد ۳)
گردوخاک در مرکز اسناد



شکل ۳

مقادیر پارامترهای دما (°C) و
رطوبت نسبی (%RH) ثبت شده در
مخزن دیداری شنیداری

ردیف	محل نمونه برداری	نوع و تعداد میکروارگانیسم‌ها	زمان پلیت گذاری (دقیقه)	تعداد قارچ CFU/m ³	تعداد باکتری CFU/m ³	تعداد کل CFU/m ³
A1	قرائت‌خانه اسناد	قارچ ۳ (Alternaria, Aspergillus niger, Penicillium) باکتری ۲ (Acinetobacter, Arthrobacter)	۹۰	۲۰۸	۱۳۹	۳۴۷
A2	مخزن دیداری شنیداری	قارچ ۱ (Cladosporium) باکتری ۱ (Staphylococcus)	۹۰	۶۹	۶۹	۱۳۸
A3	اتاق کارشناسان کتابخانه	قارچ ۱۱ (Penicillium, Cladosporium)	۴۵	۱۵۲۳	-	۱۵۲۳
A4	قرائت‌خانه کتابخانه	قارچ ۱۱ (Penicillium)	۴۵	۱۵۲۳	-	۱۵۲۳
A5	مخزن نشریات (ارسی‌ها)	قارچ ۲ (Penicillium) باکتری ۱ (Staphylococcus)	۴۵	۲۷۷	۱۳۹	۴۱۶
A6	مخزن کتابخانه (۱)	قارچ ۵ (Alternaria, Cladosporium) باکتری ۲ (Actinomyces, Staphylococcus)	۴۵	۶۹۴	۲۷۸	۹۷۲

جدول ۱

نتایج حاصل از بررسی آلودگی هوا در بخش‌های مختلف مرکز اسناد



ردیف	محل نمونه برداری	نوع و تعداد میکروارگانیسم‌ها	زمان پلیت‌گذاری (دقیقه)	تعداد قارچ CFU/m ³	تعداد باکتری CFU/m ³	تعداد کل CFU/m ³
AV	مخزن کتاب‌خانه (۲)	قارچ ۷ (Penicillium, Cladosporium) باکتری ۳ (Staphylococcus, Micrococcus)	۴۵	۹۷۲	۴۱۶	۱۳۸۸
A۸	مخزن کتاب‌خانه (۳)	قارچ ۴ Alternaria, Cladosporium, (Aspergillus, Penicillium)	۴۵	۵۵۵	-	۵۵۵
A۹	اتاق مدیریت	قارچ ۱ (Aspergillus)	۹۰	۶۹	-	۶۹
A۱۰	اتاق مسئول دفتر	قارچ ۲ (Aspergillus flavus) باکتری ۱ (Staphylococcus)	۹۰	۱۳۹	۶۹	۲۰۸
A۱۱	مخزن اسناد و مدارک	باکتری ۱۱ Bacillus, Staphylococcus, (Micrococcus)	۹۰	-	۷۶۳	۷۶۳
A۱۲	انباری	باکتری ۱ (Bacillus)	۹۰	-	۶۹	۶۹

ادامه جدول ۱

نتایج حاصل از بررسی آلودگی هوا در
بخش‌های مختلف مرکز اسناد



تعداد CFU/cm ²	نوع میکروارگانیسم‌ها	تعداد کلونی‌های مشاهده شده در هر پلیت	محل نمونه برداری	تاریخ	ردیف
2.0	Alternaria, Aspergillus niger, (Penicillium (Bacillus)	قارچ 7 باکتری 1	کتابخانه و ورودی به بخش نشریات (قفسه)	۹۸/۶/۴	B۱
0.25	(Aspergillus flavus)	قارچ 1	مخزن اسناد و مدارک (قفسه)		B۲
5.25	(Penicillium) Bacillus, Staphylococcus, (Micrococcus, Actinomyces)	قارچ 4 باکتری 17	قرائت‌خانه اسناد (میز)		B۳
0	عدم رشد	عدم رشد	مخزن دیداری شنیداری (قفسه)		B۴
1.0	(Aspergillus niger) (Staphylococcus)	قارچ 2 باکتری 2	اتاق مدیریت (میز)		B۵

جدول ۲

نتایج بررسی آلودگی بر روی
گردو خاک میز و قفسه‌ها



ردیف	تاریخ	نام عنوان	محل نمونه برداری	نوع و تعداد میکروارگانیسم‌ها
C1	۹/۶/۴	سند 9289 doc	مخزن اسناد	عدم رشد
C2	۹/۶/۴	نقشه N1	مخزن اسناد	عدم رشد
C3	۹/۶/۴	نقشه N2	مخزن اسناد	قارچ 1 (Cladosporium)
C4	۹/۶/۴	اسناد راکد باستان شناسی	مخزن اسناد	قارچ 1 (Aspergillus niger)
C5	۹/۶/۴	کتاب RE1060	مخزن اسناد	عدم رشد
C6	۹/۶/۴	گزارش مردم شناسی RB1499	مخزن اسناد	قارچ 7 (Aspergillus niger) (Cladosporium) باکتری 7 (Actinomyces, Bacillus, Arthroacter)
CV	۹/۶/۴	گزارش RA1363	مخزن اسناد	عدم رشد
D1	۹/۶/۱۲	گزارش باستان شناسی 1062	مخزن اسناد	قارچ 1 (Aspergillus)
D2	۹/۶/۱۲	بازارچه آهنگری های ساوه 5633	مخزن اسناد	باکتری 3 (Staphylococcus)
D3	۹/۶/۱۲	پرونده شماره 18 سازمان ملی حفاظت آثار بستنی	مخزن اسناد	قارچ 2 (Aspergillus niger, Aspergillus flavus)
D4	۹/۶/۱۲	اسناد باستان شناسی (روبه روی نقشه ها ردیف بالا)	مخزن اسناد	عدم رشد
D5	۹/۶/۱۲	اسناد باستان شناسی (روبه روی نقشه ها ردیف بالا)	مخزن اسناد	قارچ 1 (Penicillium) باکتری 5 (Bacillus, Micrococcus)
D6	۹/۶/۱۲	اسناد باستان شناسی (روبه روی نقشه ها ردیف بالا)	مخزن اسناد	باکتری 1 (Staphylococcus)
DV	۹/۶/۱۲	عطف کتاب- گزارش های سایز بزرگ	مخزن اسناد	قارچ 1 (Cladosporium) باکتری 1 (Actinomyces)
DA	۹/۶/۱۲	نقشه ترانس B1455	مخزن اسناد	عدم رشد
S1	۹/۶/۱۲	اسلاید میلی متری	مخزن دیداری شنیداری	عدم رشد

جدول ۳

نتایج بررسی آلودگی بر روی منابع
موجود در مرکز اسناد



ردیف	تاریخ	نام عنوان	محل نمونه برداری	نوع و تعداد میکروارگانیسم‌ها
۵۲	۹/۶/۱۲	زونکن نگاتیو مردم شناسی شماره 1 پرونده 25	مخزن دیداری شنیداری	عدم رشد
۵۳	۹/۶/۱۲	نوار صدا	مخزن دیداری شنیداری	قارچ 19 (<i>Aspergillus flavus</i> , <i>Cladosporium</i>) باکتری 10 (<i>Bacillus</i> , <i>Staphylococcus</i>)
۵۴	۹/۶/۱۲	فایل فیلم P	مخزن دیداری شنیداری	عدم رشد
۵۵	۹/۶/۱۲	اسلاید 9767 تا 9943	مخزن دیداری شنیداری	قارچ 1 (<i>Aspergillus flavus</i>)
K1	۹/۶/۱۲	کتاب 032519	مخزن کتابخانه	باکتری 1 (<i>Bacillus</i>)
K2	۹/۶/۱۲	کتاب 032475	مخزن کتابخانه	قارچ 10 (<i>Aspergillus niger</i> , <i>Cladosporium</i> , <i>Penicillium</i>) باکتری 1 (<i>Micrococcus</i>)
K3	۹/۶/۱۲	کتاب م 395 ک	مخزن کتابخانه	قارچ 1 (<i>Penicillium</i>) باکتری 1 (<i>Bacillus</i>)
K4	۹/۶/۱۲	چاپ سنگی مخزن اولیه 92	مخزن کتابخانه	عدم رشد
K5	۹/۶/۱۲	چاپ سنگی شماره 50	مخزن کتابخانه	عدم رشد
K6	۹/۶/۱۲	چاپ سنگی مطلع الشمس 44	مخزن کتابخانه	عدم رشد

ادامه جدول ۳

نتایج بررسی آلودگی بر روی منابع
 موجود در مرکز اسناد





University Archives Management in the World's Top Universities

Kosar babaei Lashkami¹ | Zoya Abam² | Saeid Rezaei Sharifabadi³

Abstract:

Purpose: Identifying the processes of managing university archives in the world's top universities and providing solutions for proper management of university archives of Iran.

Method and Research Design: This is an applied and descriptive research. The statistical population was the archives of the top 150 universities in the world. Data was collected using a researcher-made questionnaire. The collected data was recorded in SPSS software and analyzed based on descriptive statistics.

Findings and Conclusion: Most of the university archives operate under the supervision of the university library and consist of administrative, historical, and research archives. Official university / administrative and financial records have the highest average in terms of the collection by university archives. Professors, students and researchers outside the university were the main users of university archives. Collection level was the most common level of records arrangement and description, and records arrangement and description are based on national and international standards, the most common of which is the ISAD standard. records and resources could only be used in the study room in most university archives. Training programs of records arrangement and description for employees were in the first ranks. Holding exhibitions ranked first among the types of educational programs for users. In general, all the different activities and aspects of managing the identified university archives were very important in the university archives perspectives, but their importance varied in each university archive according to the university policies.

Keyword: Archives; Archives Management; University Archives; World's Top Universities.

Citation: Babaei, K., Abam, Z., & Rezaei Sharifabadi, S. (2022). University Archives Management in the World's Top Universities. *Ganjine-ye Asnad*, 32(2), 180-212 | doi: 10.30484/ganj.2022.2936

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. M.A., Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran, (Corresponding Author)

kosarbabai69@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran
zoya.abam@alzahra.ac.ir

3. Professor, Department of Information Science, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran
srezaei@alzahra.ac.ir

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.



Ganjine-Ye Asnad

«126»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/ganj.2022.2936

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 32, No. 2, Summer 2022 | pp: 180 - 212 (33) | Received: 12, Apr. 2022 | Accepted: 3, Jan. 2022

Archival research



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های برتر جهان

کوثر بابایی لشکامی^۱ | زویا آبام^۲ | سعید رضائی شریف آبادی^۳

چکیده:

هدف: شناسایی فرایندهای مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های برتر جهان و دادن راهکارهایی برای مدیریت صحیح آرشیوهای دانشگاهی ایران.

روش / رویکرد پژوهش: پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع توصیفی است. جامعه آماری این پژوهش آرشیو ۱۵۰ دانشگاه برتر جهان است. پژوهش به روش سرشماری انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته بود. داده‌ها در نرم‌افزار اس.پی.اس.اس ثبت شد و نتایج حاصل از آن براساس آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: اکثر آرشیوهای دانشگاهی به شکل ترکیبی از آرشیو اداری، تاریخی و پژوهشی و تحت نظارت کتابخانه دانشگاه فعالیت می‌کنند. از لحاظ میزان جمع‌آوری منابع در آرشیوهای دانشگاهی «اسناد رسمی دانشگاه / پرونده‌های اداری و مالی» بیشترین میانگین را کسب کرده‌است. استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه، اصلی‌ترین مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی هستند. سطح مجموعه، رایج‌ترین سطح تنظیم و توصیف اسناد است و تنظیم و توصیف اسناد براساس استانداردهای ملی و بین‌المللی انجام می‌شود که رایج‌ترین آن، استاندارد ایس‌ا‌د است. «استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه»، رایج‌ترین خدمت آرشیوهای دانشگاهی برای کاربران است. برنامه‌های آموزشی در زمینه‌های تنظیم و توصیف اسناد در رتبه اول برنامه‌های آموزشی برای کارکنان قرار دارد. در بین انواع برنامه‌های آموزشی برای کاربران، برگزاری نمایشگاه‌ها در رتبه اول قرار دارد. از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی بررسی شده تمام فعالیت‌ها و جنبه‌های مختلف مدیریت آرشیوهای دانشگاهی اهمیت بسیاری دارد؛ ولی این میزان در هر آرشیو دانشگاهی باتوجه به سیاست‌های دانشگاه متفاوت است.

کلیدواژه‌ها: آرشیوها؛ آرشیوهای دانشگاهی؛ دانشگاه‌های برتر جهان؛ مدیریت آرشیو.

استناد: بابایی، کوثر، آبام، زویا، رضایی شریف آبادی، سعید. (۱۴۰۱). مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های برتر جهان. *گنجینه اسناد*، ۳۲(۲)، ۱۸۰-۲۱۲ | ۲۰۲۲، ۲۹۳۶ / ganj.۲۰۲۲، ۳۰۴۸۴ / doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات آرشیوی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
kosarbabaii69@gmail.com
۲. استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
zoya.abam@alzahra.ac.ir
۳. استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
srezaei@alzahra.ac.ir



گنجینه اسناد

۱۲۶

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/ ganj.۲۰۲۲، ۲۹۳۶

نمایه در ISC, SID, Researchgate, Google Scholar | ایران ژورنال | http://ganjineh.nlai.ir

سال ۳۲، دفتر ۲، تابستان ۱۴۰۱ | صص: ۱۸۰ - ۲۱۲ (۳۳)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۸ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۳

تحقیقات آرشیوی

۱. مقدمه و بیان موضوع

در عصر حاضر که میزان اطلاعات با سرعت افزایش می‌یابد، مراکز آرشیوی به‌عنوان یکی از مؤسسه‌های اطلاع‌رسانی، در دسترس‌پذیر کردن اطلاعات مفید و معتبر برای دانشمندان و پژوهش‌گران جایگاهی شاخص و خطیر دارند. هم‌اکنون آرشیوها توانسته‌اند جایگاه خود را به‌عنوان یکی از مراکز مهم اطلاع‌رسانی باز یابند و زیرساخت‌ها و فعالیت‌های خود را برای عرضه هرچه‌بہتر خدمات سامان‌دهی کنند. آرشیوها به‌عنوان منابع اصیل و منسجم اطلاعات، در پیشبرد اهداف پژوهش‌های تاریخی، دانش‌افزایی و تصمیم‌گیری صحیح براساس سوابق و شواهد تاریخی نقشی اساسی دارند. با توجه به همین نقش است که آرشیوها با ایجاد بستری مناسب برای دسترسی به اطلاعات اسنادی برای آحاد جامعه، به‌ویژه برای پژوهش‌گران، به دولت‌ها و سازمان‌ها در برنامه‌ریزی‌های کلان برای توسعه کشور کمک می‌کنند (رضایی شریف‌آبادی و نیکومنظری، ۱۳۸۸).

آرشیوها انواع مختلفی دارند و سازمان‌ها براساس نوع فعالیتشان آرشیوهای متفاوتی دارند. آرشیوهای سازمانی، مجموعه‌ای از اسناد و منابع‌اند که بر اثر فعالیت سازمان، واحدهای اداری، مؤسسه و فرد ایجاد می‌شوند و برای استفاده و مراجعات آینده حفظ و نگهداری می‌شوند (مزینانی، ۱۳۷۹)؛ بنابراین یکی از اهداف اصلی آرشیوهای سازمانی، حفظ سوابق تحولات و خط‌مشی‌تشیکلات و وظایف و فعالیت‌های سازمان‌هاست (بقایی، ۱۳۸۱). آرشیوهای دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و سایر مراکز آموزشی، همگی در شمار آرشیوهای سازمانی قرار می‌گیرند. این آرشیوها یا در درون کتابخانه‌ها قرار دارند و یا به‌عنوان بخشی مستقل در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند. وجه‌تمایز آرشیوهای دانشگاهی با دیگر آرشیوهای سازمانی آن است که آرشیوهای دانشگاهی علاوه بر منابع آرشیوی، منابع کتابخانه‌ای دارای ماهیت آرشیوی را هم نگهداری می‌کنند. آرشیوهای دانشگاهی، به‌عنوان حافظه سازمانی دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها عمل می‌کنند و برای ایفای نقششان منابع آرشیوی باارزشی را که اهمیتی به‌سزا در پیشرفت سازمان دارند، شناسایی و حفظ می‌کنند (انجمن آرشیویست‌های آمریکا، ۱۹۹۹).

آرشیو دانشگاهی به‌عنوان نهادی مهم در دانشگاه و به‌عنوان حافظه سازمانی دانشگاه، حفاظت از اسناد ارزش‌مند دانشگاهی را برعهده دارد. از جمله وظایف آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌ها، شناسایی اسناد سازمانی با ارزش دائمی و اطمینان از انتقال آن‌ها به آرشیو دانشگاه است و هم‌چنین شناسایی منابعی که متعلق به دانشگاه هستند ولی در جای دیگری نگهداری می‌شوند. از دیگر وظایف آرشیوهای دانشگاهی، مرتب‌سازی و توصیف منابع آرشیوی طبق اصول آرشیوی و ایجاد دسترسی منظم به آن‌ها برای محققان، دانشجویان،

1. The Society of American
Archivists (SAA).



اعضای هیئت علمی و عموم مردم است؛ مگر آن که ایجاد دسترسی به آن‌ها طبق الزامات قانونی، با محدودیت‌هایی روبه‌رو باشد. از دیگر وظایف آرشیوهای دانشگاهی عبارت است از: فراهم کردن شرایط مناسب برای ذخیره‌سازی، نگهداری و حفاظت از منابع آرشیوی دانشگاه؛ عرضه خدمات مرجع منظم برای انجام پژوهش با استفاده از اسناد آرشیوی؛ دادن مشاوره و کمک به افرادی که مسئول ایجاد و نگهداری اسناد دانشگاهی هستند؛ فراهم کردن برنامه‌های آموزشی برای توسعه دانشگاه؛ دادن مشاوره و همکاری با سایر آرشیوها (آرشیو دانشگاه بریتیش کلمبیا، ۲۰۲۰).

استفاده مؤثر از آرشیوهای دانشگاه‌ها برای میراث فرهنگی، اصلاحات آموزشی، تحقیقات علمی و نوآوری اهمیت زیادی دارد. آرشیوهای دانشگاه‌ها روند تاریخی پیشرفت دانشگاه را به‌طور واقعی ثبت می‌کنند، چشم‌انداز و اهداف دانشگاه را نشان می‌دهند و اساس و مرجع اطلاعات اصلی را برای تصمیم‌گیری اصلی دانشگاه فراهم می‌کنند. در سال‌های اخیر، با ارتقای ساختار استانداردسازی آرشیوها، شاخص کمی و کیفی آرشیوهای ایجادشده در دانشگاه‌ها افزایش یافته‌است. در حال حاضر تمام کالج‌ها و دانشگاه‌ها به مدیریت آرشیو اهمیت زیادی می‌دهند و مقررات مربوط به مدیریت آرشیو، آرشیو دیجیتال و مدیریت آن را براساس وضعیت دانشگاه خود تدوین می‌کنند (الوی و شی، ۲۰۲۰). مدیریت آرشیوهای دانشگاهی بخش مهمی از مدیریت دانشگاه است و نقشی تعیین‌کننده در توسعه پایدار مدیریت دانشگاه دارد (ژانگ و چن، ۲۰۱۷).

بدیهی است که فعالیت مؤثر آرشیوهای دانشگاهی و موفقیت آن‌ها، به ایجاد برنامه مؤثر مدیریت صحیح منوط است. مدیریت آرشیو دانشگاه، حفظ و نگهداری اسناد و منابع آرشیوی دانشگاه و توسعه آن‌ها را تضمین کند و نیز دانشگاه را از این نکته مطمئن می‌کند که اسناد و منابع آرشیوی به‌طور کارآمد مدیریت و نگهداری می‌شوند (آرشیو دانشگاه ویکتوریا، ۲۰۲۰).

با بررسی وب‌سایت آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان، می‌توان چنین استنتاج کرد که این نوع آرشیوها اهمیت زیادی در دانشگاه‌ها دارند. توسعه سیاست‌های مدیریت و روند کاری که حفظ و نگهداری اسناد و منابع آرشیوی دانشگاه را تضمین کند، از مهم‌ترین وظایف آرشیوهای دانشگاهی محسوب می‌شود. طراحی و استقرار برنامه مدیریت در آرشیوهای دانشگاهی، متشکل از فرایندها و زیرفرایندهایی است که در ارتقاء و اجرای هرچه بهتر و مؤثرتر فعالیت‌های مربوط به مدیریت دانشگاه نقشی به‌سزایفا می‌کند. هر فرایند با فعالیتی مشخص آغاز می‌شود و با فعالیتی مشخص پایان می‌یابد. تشخیص این فعالیت‌ها برای شناسایی فرایند اهمیت زیادی دارد. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که به‌طور کلی

1. University of British Columbia Archives: <https://archives.library.ubc.ca>
2. Zuheng Lv
3. Heyuzi Shi
4. Mei Zhang
5. Peijiang Chen
6. University of Victoria Archives: <https://www.uvic.ca/library/locations/home/archives/index.php>



مشخص نیست که آرشیوهای دانشگاه‌های جهان برای مدیریت آرشیوهای دانشگاهی خود چه فرایندهایی را طی می‌کنند و به چه مؤلفه‌هایی توجه می‌کنند. با استناد به پیشینه‌های پژوهش، تاکنون هیچ پژوهشی، حتی در خارج از کشور، به مطالعه فرایندهای مدیریت آرشیوهای دانشگاهی نپرداخته‌است. مطالعات موردی در سایر کشورها در زمینه مدیریت اسناد دانشگاه انجام شده‌است؛ ولی پژوهشی در زمینه مدیریت آرشیو دانشگاه‌های جهان یافت نشد. از این رو پژوهش حاضر به‌عنوان اولین پژوهش در کشور در حوزه مدیریت آرشیوهای دانشگاهی، با انجام پیمایش بر روی فرایندهای مدیریت آرشیو در دانشگاه‌های برتر جهان به شناسایی مؤلفه‌های مورد توجه در مدیریت آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان و مسائل مطرح شده در زمینه این مؤلفه‌ها پرداخته‌است و در پی آن است تا برای هرگونه برنامه‌ریزی و ایده‌پردازی در سایر آرشیوهای دانشگاهی تصویری روشن ترسیم کند.

پیشینه پژوهش

با جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی و خارجی مشخص شد که در زمینه موضوع پژوهش حاضر، مطالعات چندان مرتبطی انجام نشده‌است. به‌عبارتی، پژوهشی که به بررسی مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در دانشگاه‌های جهان بپردازد، انجام نشده‌است. در ادامه به پژوهش‌هایی که تا حدودی به این موضوع و آرشیوهای دانشگاهی مرتبط هستند و در داخل و خارج کشور انجام شده‌اند به اختصار اشاره می‌شود.

اشکو (۱۳۹۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با هدف ارائه الگویی برای ایجاد آرشیو دانشگاهی در دانشگاه خلیج فارس به شناسایی مؤلفه‌های آرشیو دانشگاهی پرداخته‌است. جامعه این پژوهش ۲۰۵ نفر از کتابداران و اعضای هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس بودند و داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری شد. یافته‌های پژوهش در چند بخش اصلی در ملزومات آرشیو (منابع و اسناد، قالب‌های اطلاعاتی گوناگون، دانش عمومی و تخصص کارکنان آرشیو، برخورداری از ضوابط اخلاقی، مهارت‌های فنی کارکنان، تجهیزات و امکانات لازم و ملزومات ساختمان) همراه با مؤلفه‌های آن‌ها دسته‌بندی شده‌است.

خوش مشرب (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با روش پیمایشی-توصیفی عوامل مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی در ایران را بررسی کرده‌است. جامعه این پژوهش ۳۸۴ نفر از کارکنان و کتابداران شاغل در دانشگاه‌های ایران است و ابزار این پژوهش پرسش‌نامه است. یافته‌های پژوهش نشان داد که اهداف مشخص و از پیش تعیین شده، خط‌مشی مشخص، ارزیابی اسناد موجود و تعیین ارزش عمر آن‌ها، شناسایی بخش‌های



مختلف سازمان تغذیه‌کننده و ارائه‌دهنده اسناد، تعیین نظام طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی با هدف استفاده یا مشاهده اسناد، مقررات و قوانین آسان در ارتباط با امور اسناد، تجهیز دانشگاه‌ها به فناوری اطلاعات و ارتباطات، از عوامل ساختاری مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی در ایران است. هم‌چنین اقداماتی برای نظم‌بخشی به اسناد دانشگاهی از سوی آرشیویست‌ها، آموزش مهارت‌های لازم به آرشیویست‌ها، علاقه‌مندی آرشیویست‌ها به کار، از عوامل رفتاری مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی در ایران محسوب می‌شود و بودجه مناسب، تعاملات لازم با محیط پیرامون برای تبادل اطلاعات، اقداماتی با هدف تفسیر و تبیین محیط اطلاعاتی و کاهش ابهام، برنامه‌ریزی صحیح درباره نحوه تشکیل و سامان‌دهی اسناد از سوی مدیران، از عوامل زمینه‌ای مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی در ایران محسوب می‌شود.

هوایان^۱، پری^۲، جی^۳، و شیائولینگ^۴ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «ساختار اطلاعاتی مدیریت آرشیوها در دانشگاه‌ها»، مشکلات موجود و اقدامات متقابل ساختار اطلاعاتی در دانشگاه‌های چینی را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که در روند ساختار اطلاعاتی آرشیوها در کالج‌ها و دانشگاه‌ها مشکلاتی وجود دارد؛ از جمله: بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری بیشتر؛ کمبود نیروی متخصص آرشیوی؛ نبود سیستم نرم‌افزاری عملی؛ و کمبود وب‌سایت‌های آرشیوی. برای حل این مشکلات اقداماتی را می‌توان انجام داد؛ از جمله: ساخت سیستم اطلاعاتی مدیریت آرشیو؛ آموزش مهارت‌های حرفه‌ای؛ توسعه سیستم‌های نرم‌افزاری؛ و افزایش تبلیغات. این مطالعه برای حل مشکلات موجود در ساخت سیستم اطلاعاتی مدیریت آرشیو در دانشگاه‌ها پیشنهادهایی منطقی ارائه می‌دهد. از جمله این پیشنهادها تقویت درک ضرورت ساخت سیستم اطلاعاتی مدیریت آرشیوها است؛ به طوری که مدیران آرشیوها باید بدانند که آرشیوها بخشی ضروری از دانشگاه‌ها هستند و سرمایه‌گذاری در آرشیوها باید افزایش یابد و آرشیوها باید به امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیشرفته در حوزه کاری خود مجهز شوند. آموزش نیروی انسانی در حوزه آرشیوها باید برنامه‌ریزی شده باشد؛ به طوری که توانایی فنی آرشیویست‌ها بهبود یابد. آرشیوها باید برای جلب توجه کاربران به آرشیوهای دانشگاهی از تبلیغات نوآورانه، ساخت فیلم‌های تبلیغاتی و برگزاری مسابقات همراه با جوایز استفاده کنند.

ژانگ^۵ و چن^۶ (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان «پژوهش بر روی ساختار اطلاعاتی مدیریت آرشیوهای دانشگاهی» اشاره کرده‌اند که هم‌زمان با رواج و توسعه فناوری اطلاعات، مدیریت آرشیوهای دانشگاهی به سمت مدیریت اطلاعات در حال تغییر است. اگرچه ساختار اطلاعاتی آرشیوهای دانشگاهی پیشرفت زیادی داشته‌است، ولی هنوز هم

1. Zhao Huaiyuan
2. Gemma pery
3. Tang Jie
4. Lu Xiaoling
5. Mei Zhang
6. Peijiang Chen



برخی مشکلات وجود دارد. پژوهش‌گر در این مقاله مفهوم اساسی و محتوای ساختار اطلاعاتی آرشیوهای دانشگاهی را تجزیه و تحلیل کرده است و بر روی مشکلات فرایند ساختار اطلاعاتی در کالج‌ها و دانشگاه‌ها مانند سیستم ناقص، فناوری کهنه و کیفیت کم کار کارکنان فنی دانشگاه بحث کرده است. هم‌چنین برخی اقدامات متقابل و پیشنهادهایی برای این مشکلات عرضه کرده است؛ از جمله: بهبود سیستم مدیریت آرشیو؛ تقویت و تحکیم گروه مدیریت؛ توسعه سیستم؛ و استفاده کامل از آرشیوها برای دستیابی جامع به اهداف اطلاعاتی مدیریت آرشیوهای دانشگاهی.

پروم^۱ (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «دسترسی بهینه؟ پردازش در آرشیوهای دانشگاهی و کالج‌ها» انجام داده است. روش مطالعه این پژوهش پیمایشی و جامعه این پژوهش ۹۱ آرشیو دانشگاه‌های آمریکا بوده است. این پژوهش به تجزیه و تحلیل روش‌هایی می‌پردازد که در آن‌ها شیوه‌های پردازش جاری، بر دسترسی به آرشیوهای دانشگاهی و کالج‌ها تأثیر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بک‌لاگ‌های^۲ پردازش مبتنی بر کاغذ با کاربرد تکنیک‌های پردازش فشرده ارتباطی ندارند و آن‌ها فقط با کاربرد فن‌آوری‌های توصیفی پیچیده مرتبط هستند. هم‌چنین بسیاری از مؤسسات به اندازه مطلوب اطلاعات توصیفی را به صورت آنلاین در دسترس قرار نداده‌اند و مؤسسات کمی فعالانه پردازش اسناد الکترونیکی را درخواست می‌کنند.

کیم^۳ و لی^۴ (۲۰۰۹) مطالعه‌ای را با عنوان «دیدگاه‌ها و گرایش‌های عصر دیجیتال در آرشیوهای دانشگاهی کره» انجام داده‌اند. روش مطالعه این پژوهش پیمایشی و جامعه این پژوهش ۵۱ آرشیو دانشگاهی دانشگاه‌های کره جنوبی بوده است و داده‌های مورد نیاز آن از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه به دست آمده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اصول مهم و پایه هنوز به طور کامل مشخص نشده‌اند. عملکردهای اجرایی، حفاظتی و مدیریتی قوی‌اند؛ ولی عملکردهای مربوط به خدمات و دسترسی، آموزش و پژوهش، استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و محیط دیجیتال ضعیف‌اند. تعداد کمی از آرشیوهای دانشگاهی به صورت مستقل فعالیت می‌کنند و بیشتر آرشیوها تحت حمایت بخش‌های اداری، کتاب‌خانه و موزه هستند. همکاری بین مؤسسات داخلی و خارجی هم فعال نبوده است. پیشنهاد پژوهش‌گران این بوده است که دستورالعمل‌های آینده باید به این نقاط ضعف توجه کنند؛ به ویژه به فناوری‌های اطلاعات که می‌توانند به طور مؤثر از توسعه آرشیوهای دانشگاهی حمایت کنند باید توجه شود.

چنان‌که مشاهده شد، پژوهش‌هایی در داخل کشور بر شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی تمرکز داشته‌اند. در یافته‌های این پژوهش‌ها از برنامه‌ریزی

1. Christopher J. Prom
2. Backlogs
3. Heejung Kim
4. Hyewoon Lee



و تعیین خط‌مشی در مدیریت آرشيو، دانش تخصصی کارکنان و تجهیزات و به‌ویژه تجهیزات مربوط به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان مواردی یاد می‌شود که در ایجاد و مدیریت آرشيوهای دانشگاهی مؤثرند. پژوهش‌های خارج از کشور که بر بهبود سیستم مدیریت آرشيوها تمرکز داشته‌اند، ضمن تأکید بر بسیاری از عوامل یادشده در پژوهش‌های داخل کشور، در پی طرح و شناسایی چالش‌های موجود در حوزه عملکرد آرشيوهای دانشگاهی هستند. آن‌ها به‌ویژه بر سیستم ناقص، فناوری قدیمی و نداشتن تخصص کارکنان اشاره می‌کنند و به‌ویژه بر امر دسترسی تأکید می‌کنند. اگرچه یافته‌های این پژوهش‌ها به‌عنوان بنیان نظری توانست به طراحی کلی طرح پژوهش حاضر، به‌ویژه ابزار پژوهش کمک کند، ولی همان‌گونه که بیان شد، هیچ پژوهشی با هدف به‌تصویر کشیدن کلی فعالیت‌های مدیریتی آرشيوهای دانشگاهی در سطح ملی و بین‌المللی - چنان‌که در پژوهش حاضر انجام شده‌است - اجرا نشده‌است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف از نوع کاربردی است و به‌لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی است. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش هم پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر آرشيو ۱۵۰ دانشگاه برتر جهان است که به‌صورت هدف‌مند انتخاب و بررسی شدند. لازم به ذکر است که در این پژوهش، نمونه‌گیری انجام نشد و جامعه پژوهش با رویکرد سرشماری مطالعه شد. از آن‌جاکه پرسش‌نامه می‌بایست برای آرشيو دانشگاه‌های مختلف جهان ارسال می‌شد، زبان انگلیسی برای طراحی پرسش‌نامه در نظر گرفته شد. ارتباط با افراد جامعه پژوهش و ارسال پرسش‌نامه برای آن‌ها از طریق پست الکترونیک امکان‌پذیر بود. بهترین منبع برای دستیابی به آدرس پست الکترونیک آرشيوهای دانشگاهی، وب‌سایت دانشگاه‌ها بود. منبع اصلی برای دستیابی به فهرست دانشگاه‌های برتر جهان، وب‌سایت «نظام رتبه‌بندی آموزش عالی تایمز ۲۰۲۰»^۱ بود؛ که طبق آن فهرستی از اسامی ۱۵۰ دانشگاه برتر جهان استخراج شد و وب‌سایت تمامی آن‌ها بررسی شد. از بین ۱۵۰ دانشگاه برتر جهان ۹ دانشگاه آرشيو دانشگاهی نداشتند و پیوند مرتبط با آرشيو دانشگاه در وب‌سایتشان یافت نشد. در ۷ دانشگاه هم هیچ آدرس ایمیلی از آرشيو دانشگاه و آرشيوست‌ها یافت نشد. برای تمامی ۱۳۴ آرشيو دانشگاه دارای پست الکترونیک لینک پرسش‌نامه الکترونیکی ارسال شد. از بین ۱۳۴ ایمیل‌رسانی ۳ ایمیل با موفقیت ارسال نشد. درنهایت از بین ۱۳۱ آرشيو دانشگاهی که ایمیل پرسش‌نامه با موفقیت برای آن‌ها ارسال شد، ۳۱ آرشيو دانشگاهی پرسش‌نامه را تکمیل کردند.

1. Times Higher Education: <https://www.timeshighereducation.com/student/best-universities/best-universities-world>

2. Link



برای سنجش روایی پرسش‌نامه محقق ساخته، از شیوه‌ی روایی صوری استفاده شد. اصلاحات لازم بر روی پرسش‌نامه را استادان راهنما و مشاور و هم‌چنین استادان متخصص و مجرب این حوزه در خارج از دانشگاه انجام دادند. پس از انجام این اصلاحات، روایی پرسش‌نامه را استادان راهنما و مشاور تأیید کردند. در این پژوهش، پایایی پرسش‌نامه به دلیل ماهیت خاص آن بررسی نشد. داده‌های گردآوری شده، با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس نسخه ۲۵ تجزیه و تحلیل شد و براساس مؤلفه‌های اصلی پژوهش (شامل فراهم‌آوری اسناد و منابع آرشیوی، سازمان‌دهی، تنظیم و توصیف، ارزش‌یابی اسناد، خدمات دسترسی و برنامه‌های آموزشی) پرسش‌های پرسش‌نامه دسته‌بندی شد و سپس از لحاظ آماری توصیف شد.

۲. یافته‌های پژوهش

در این بخش پرسش‌های پژوهش جداگانه مطرح می‌شود و براساس یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها، به آن‌ها پاسخ داده می‌شود و در رابطه با پاسخ‌های به‌دست آمده بحث و نتیجه‌گیری می‌شود.

پرسش اول: آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان از چه نوع آرشیوی هستند و زیرنظر کدام بخش یا سازمان در دانشگاه فعالیت می‌کنند؟

این پرسش با هدف شناسایی نوع آرشیوهای دانشگاهی و هم‌چنین سازمان یا بخشی که آرشیو دانشگاه زیرنظر آن فعالیت می‌کند، مطرح شد. در جدول ۱ توصیف آماری نوع آرشیوهای دانشگاهی آمده است.

نوع آرشیو	فراوانی	درصد فراوانی
ترکیبی از آرشیو اداری، تاریخی، پژوهشی	۲۸	۹۰/۳
اداری	۱	۳/۲
تاریخی	۱	۳/۲
اداری و تاریخی	۱	۳/۲
پژوهشی	۰	۰

جدول ۱

توصیف آماری انواع آرشیوهای دانشگاهی

طبق جدول ۱، اکثر آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش (۹۰/۳ درصد) اعلام کردند که آرشیو آن‌ها ترکیبی از آرشیو اداری، تاریخی، و پژوهشی است. در این نوع از آرشیوها، علاوه بر اسناد تاریخی مرتبط با دانشگاه، اسناد جاری دانشگاه، و انتشارات پژوهشی و یافته‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی و کارکنان نیز جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند. پس از آن، آرشیو یک دانشگاه اعلام کرد که آرشیو آن‌ها آرشیو اداری است و آرشیو دانشگاه دیگری نیز اعلام کرد که آرشیو آن‌ها آرشیو تاریخی است. در این میان تنها

1. Statistical package for social science (SPSS)



یک آرشیو دانشگاهی اعلام کرد که آرشیو آن‌ها، ترکیبی از آرشیو اداری و تاریخی است؛ یعنی این آرشیو شامل اسناد تاریخی و اسناد اداری ایجاد شده طی فعالیت‌های بخش‌های مختلف دانشگاه است که پس از فرایندهای ارزیابی، دارای ارزش دائمی برای نگهداری شناخته شده‌اند و انتشارات پژوهشی دانشگاه در این آرشیو نگهداری نمی‌شود. نتایج این پرسش که آرشیوهای دانشگاهی تحت سرپرستی کدام بخش از دانشگاه اداره می‌شوند در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

رتبه	بخش یا سازمان در دانشگاه	فراوانی	درصد فراوانی
۱	کتابخانه	۲۳	۷۴/۲
۲	اداره مرکزی دانشگاه	۳	۹/۷
۳	فناوری اطلاعات	۱	۳/۲
۳	دفتر دبیرکل دانشگاه	۱	۳/۲
۳	هیئت مدیره دانشگاه	۱	۳/۲
۳	مستقیم زیر نظر خود دانشگاه (بدون واسطه بخش‌های دیگر)	۱	۳/۲
۳	امور سازمانی	۱	۳/۲
-	موزه	۰	۰
	مجموع	۳۱	۱۰۰

جدول ۲

بخش متولی آرشیوهای دانشگاهی

باتوجه به جدول ۲ مشخص شد که بیشتر آرشیوهای دانشگاهی (۷۴/۲ درصد) زیر نظر کتابخانه مرکزی دانشگاه‌ها، فعالیت می‌کنند. پس از آن، ۹/۷ درصد از آرشیوهای دانشگاهی زیر نظر اداره مرکزی دانشگاه فعالیت می‌کنند. بخش فناوری اطلاعات، دفتر دبیرکل دانشگاه، هیئت مدیره دانشگاه، و امور سازمانی، هر کدام با یک مورد، بخش‌های دیگری هستند که آرشیوهای دانشگاهی زیر نظر آن‌ها فعالیت می‌کنند. یک آرشیو هم بدون واسطه بخش‌های دیگر، مستقیم زیر نظر خود دانشگاه فعالیت می‌کند.

پرسش دوم: ماهیت آرشیوهای دانشگاهی دانشگاه‌های برتر جهان از لحاظ نوع منابع و میزان استفاده مخاطبان چگونه است؟

این پرسش با هدف شناسایی ماهیت آرشیوهای دانشگاهی دانشگاه‌های برتر جهان از لحاظ نوع منابع و میزان استفاده مخاطبان مطرح شد. در واقع هدف از طرح این پرسش، شناسایی نوع اسناد آرشیوها و نوع قالب‌های موجود و روش‌های جمع‌آوری و

منابع این اسناد و هم‌چنین شناسایی میزان استفاده مخاطبان بود که این مخاطبان از کدام نوع از اسناد و منابع بیشترین استفاده را می‌کنند (جدول ۳).

میزان استفاده مخاطبان		خیلی زیاد		زیاد		تاحدودی		کم		اصلاً	
نوع منبع		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
اسناد رسمی دانشگاه / پرونده‌های اداری و مالی		۶۴/۵	۹	۲۹	۲	۶/۴	-	-	-	-	-
اسناد تاریخی		۳۸۷	۱۴	۴۵/۱	۵	۱۶/۱	-	-	-	-	-
اسناد و مدارک مرتبط به هر دانشکده		۲۵/۸	۱۶	۵۱/۶	۵	۱۶/۱	۲	۶/۴	-	-	-
منابع دیداری و شنیداری		۱۶/۱	۵	۱۶/۱	۱۳	۴۱/۹	۸	۲۵/۸	-	-	-
مجلات و روزنامه‌های دانشگاهی		۱۶/۱	۱۲	۳۸۷	۸	۲۵/۸	۶	۱۹/۳	-	-	-
اسناد انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی		۶/۴	۹	۲۹	۱۴	۴۵/۱	۶	۱۹/۳	-	-	-
نقشه‌های دانشگاهی		۶/۴	۱۰	۳۲/۲	۱۱	۳۵/۴	۸	۲۵/۸	-	-	-
اسناد و مدارک فارغ‌التحصیلان		۱۶/۱	۸	۲۵/۸	۹	۲۹	۷	۲۲/۵	۲	۶/۴	-
منابع اهدایی		۱۶/۱	۸	۲۵/۸	۱۰	۳۲/۲	۶	۱۹/۳	۲	۶/۴	-
اسناد و مدارک دانشجویان		۲۲/۵	۱۰	۳۲/۲	۶	۱۹/۳	۵	۱۶/۱	۳	۹/۶	-
نسخه‌های خطی		۲۹	۵	۱۶/۱	۸	۲۵/۸	۶	۱۹/۳	۳	۹/۶	-
تاریخ شفاهی		-	-	۱۶/۱	۱۰	۳۲/۲	۱۳	۴۱/۹	۳	۹/۶	-
یادگاری‌ها		-	-	۱۹/۳	۱۰	۳۲/۲	۱۱	۳۵/۴	۴	۱۲/۹	-
انتشارات علمی دانشگاه		۳/۲	۵	۱۶/۱	۹	۲۹	۱۲	۳۸۷	۴	۱۲/۹	-

جدول ۳

انواع اسناد و منابع در آرشيوهای دانشگاهی و میزان استفاده مخاطبان



براساس داده‌های جدول ۳، در آرشیوهای دانشگاهی «اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی» و «اسناد تاریخی» به میزان بسیار زیاد جمع‌آوری و نگهداری می‌شوند؛ به عبارت دیگر، این نوع از اسناد و منابع، بیشترین اهمیت را برای آرشیوهای دانشگاهی دارند.

برای رتبه‌بندی انواع اسناد و منابع براساس دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش از آزمون فریدمن استفاده شد که نتایج آن به ترتیب رتبه در جدول ۴ آمده است.

رتبه	میلگین رتبه	نوع منبع
۱	۱۱/۷۴	اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی
۲	۱۰/۵۸	اسناد تاریخی
۳	۹/۶۱	اسناد و مدارک مرتبط به هر دانشکده
۴	۸/۰۸	مجلات و روزنامه‌های دانشگاهی
۵	۷/۹۵	اسناد و مدارک دانشجویان
۶	۷/۵۰	نسخه‌های خطی
۷	۷/۲۳	منابع اهدایی
۸	۷/۱۹	اسناد و مدارک فارغ‌التحصیلان
۹	۷/۱۱	منابع دیداری و شنیداری
۱۰	۶/۸۷	اسناد انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی
۱۰	۶/۸۷	نقشه‌های دانشگاهی
۱۱	۵/۰۶	انتشارات علمی دانشگاه
۱۲	۴/۶۳	یادگاری‌ها
۱۳	۴/۵۶	تاریخ شفاهی

جدول ۴

رتبه‌بندی اهمیت اسناد و منابع
براساس آزمون فریدمن از دیدگاه
آرشیوهای دانشگاهی

در رتبه‌بندی انواع اسناد و منابع از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی، «اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی» بالاترین رتبه را دارد. این نشان می‌دهد که اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی، از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی اهمیت بسیاری برای نگهداری دارد و این نوع از اسناد، نوع غالب اسناد در آرشیوهای دانشگاهی است. تاریخ شفاهی، پایین‌ترین رتبه را در میان اسناد دارد.



درصد فراوانی	فراوانی	روش‌های جمع‌آوری اسناد و منابع
۹۳/۵	۲۹	در دانشگاه و تحت قوانین انتقال اسناد و منابع به آرشیو
۷۱	۲۲	اهداء از طرف سازمان‌های بیرونی
۳۲/۳	۱۰	خرید منابع
۹/۶	۳	اهداء از طرف افراد

جدول ۵

روش‌های جمع‌آوری اسناد و منابع
در آرشیوهای دانشگاهی

مطابق با جدول ۵ مشخص شد که معمول‌ترین روش آرشیوهای دانشگاهی برای فراهم کردن اسناد و منابع آرشیو خود انتقال اسناد و منابع خود دانشگاه به آرشیو است. طبق این قانون، تمام دانشکده‌ها و بخش‌های فعال در دانشگاه موظف‌اند اسناد و منابع غیر فعال و غیر جاری را که هم‌چنان ارزش سازمانی، قانونی و تاریخی دارند، به آرشیو دانشگاه تحویل دهند (آرشیو دانشگاه پن‌ا، ۲۰۲۰).

روش دیگر تهیه منابع در برخی از آرشیوهای دانشگاهی اهداء است؛ یعنی فراهم‌آوری اسناد و منابع در آرشیوهای دانشگاهی تنها از طریق بخش‌ها و سازمان‌های مرتبط با دانشگاه نیست و افراد زیادی هم هستند که اسناد مهم نزد خود را به آرشیوهای دانشگاهی اهداء می‌کنند. با بررسی وبسایت آرشیوهای دانشگاهی مشاهده شد که برخی از آرشیوهای دانشگاهی برای اهداء اسناد به آرشیو دانشگاه تبلیغات گسترده‌ای انجام می‌دهند و از عموم مردم می‌خواهند که اسناد با ارزش خود را به آرشیو دانشگاه‌ها اهداء کنند و در قبال آن مبلغی را دریافت کنند و بدین صورت افراد را برای انتقال اسناد خود به آرشیو دانشگاه تشویق می‌کنند.

در ادامه آمار مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی ذکر می‌شود (جدول ۶).

رتبه در آزمون فریدمن	میانگین رتبه بر اساس آزمون فریدمن	انحراف معیار	میلگین	نوع مخاطب
۱	۳/۹۷	۱/۱۵۵	۳/۹۰	استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه
۲	۳/۷۸	۰/۹۷۳	۳/۸۷	کارمندان درون دانشگاه
۳	۳/۷۳	۱/۰۴۸	۳/۷۳	عموم مردم
۴	۳/۴۳	۱/۰۴۰	۳/۵۷	دانشجویان درون دانشگاه
۵	۳/۴۲	۰/۹۶۸	۳/۶۰	استادان درون دانشگاه
۶	۲/۶۷	۰/۸۹۸	۳/۲۳	فارغ‌التحصیلان دانشگاه

1. University of Penn Satate
Archives: <https://policies.psu.edu/policies/ad35>

جدول ۶

توصیف آماری مخاطبان آرشیوهای
دانشگاهی



طبق داده‌های جدول ۶، در میان انواع مخاطبان مطرح شده «استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه» بالاترین میانگین را کسب کرده‌است که نشان‌دهنده ارتباط بیشتر آرشیوها با این مخاطبان است. هم‌چنین کم‌ترین میانگین مربوط به «فارغ‌التحصیلان دانشگاه» است. برای رتبه‌بندی انواع مخاطبان در استفاده از منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش، از آزمون فریدمن استفاده شد که در رتبه‌بندی انواع مخاطبان، «استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه» بالاترین رتبه را دارد و «فارغ‌التحصیلان دانشگاه» پایین‌ترین رتبه را دارد. برای رتبه‌بندی میزان استفاده کاربران از انواع اسناد و منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی، از آزمون فریدمن استفاده شد (جدول ۷).

رتبه در آزمون فریدمن	میانگین رتبه براساس آزمون فریدمن	انحراف معیار	میلگین	نوع منبع
۱	۱۱/۴۱	۰/۸۵۰	۴/۳۱	اسناد تاریخی
۲	۱۰/۴۰	۰/۶۸۰	۴/۰۳	اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی
۳	۹/۰۵	۰/۸۲۰	۳/۶۲	اسناد و مدارک مرتبط به هر دانشکده
۴	۸/۶۹	۱/۰۱۸	۳/۵۹	مجلات و روزنامه‌های دانشگاهی
۵	۸/۳۶	۱/۱۵۰	۳/۴۱	منابع اهدایی
۶	۸/۲۴	۱/۵۱۸	۳/۳۴	نسخه‌های خطی
۷	۷/۶۴	۱/۰۶۶	۳/۲۸	اسناد انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی
۸	۷/۵۳	۱/۳۹۸	۳/۱۰	اسناد و مدارک دانشجویان
۹	۶/۸۳	۱/۰۳۳	۳/۰۷	منابع دیداری و شنیداری
۱۰	۶/۵۲	۱/۲۲۳	۲/۹۳	اسناد و مدارک فارغ‌التحصیلان
۱۱	۵/۷۱	۱/۱۰۵	۲/۶۹	نقشه‌های دانشگاهی
۱۲	۵/۵۳	۱/۲۶۱	۲/۶۶	تاریخ شفاهی
۱۳	۵/۳۴	۱/۱۸۳	۲/۵۵	انتشارات علمی دانشگاه
۱۴	۳/۷۴	۱/۰۳۷	۲/۱۷	یادگاری‌ها

جدول ۷

میزان استفاده کاربران از انواع اسناد و منابع در آرشیوهای دانشگاهی



طبق داده‌های جدول ۷ مشخص شد که در میان انواع منابع مطرح شده، «اسناد تاریخی» با (۴/۳۱ درصد) بالاترین میانگین را به خود اختصاص داده است. به عبارتی، میزان استفاده کاربران و مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی از اسناد تاریخی بیش از سایر اسناد و منابع است. کم‌ترین میانگین هم به «یادگاری‌ها» تعلق دارد.

پرسش سوم: اسناد موجود در آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان چگونه تنظیم و توصیف می‌شوند؟

هدف سوم پژوهش حاضر، شناسایی چگونگی تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان است؛ برای نیل به این هدف، پرسش سوم مطرح شد. منظور از چگونگی تنظیم و توصیف اسناد در آرشیو دانشگاه‌ها، شناسایی سطوح تنظیم و توصیف اسناد و استانداردهایی است که آرشیوهای دانشگاهی برای تنظیم و توصیف اسناد و منابع از آن استفاده می‌کنند. برای پاسخ به پرسش سوم، ابتدا سطوح تنظیم و توصیف در آرشیوهای دانشگاهی بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۸ آمده است.

رتبه	سطوح تنظیم و توصیف	فراوانی	درصد فراوانی
-	سطح مخزن	۰	۰
۱	سطح مجموعه (فوند)	۹	۲۹
-	سطح گروه	۰	۰
۳	سطح ردیف	۴	۱۳
۲	سطح پرونده	۶	۱۹/۳
۴	سطح تک‌برگ (آیتم)	۲	۶/۴
۵	سلیز	۱۰	۳۲/۲

جدول ۸

توصیف آماری سطوح تنظیم و
توصیف اسناد و منابع در آرشیوهای
دانشگاهی

بنابر داده‌های جدول ۸ مشخص شد که بیشتر آرشیوهای دانشگاهی تنظیم و توصیف اسناد را در سطح مجموعه یا فوند انجام می‌دهند. در این سطح، همه اسناد، صرف‌نظر از شکل و رسانه‌ای که یک بخش یا سازمان در حین فعالیت یا انجام وظایف ایجاد و جمع‌آوری کرده است، سازمان‌دهی می‌شوند (عادلی و امیرخانی، ۱۳۸۷). برخی از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که سطوح تنظیم و توصیف اسناد به محتوای مجموعه بستگی دارد و برخی دیگر نیز اعلام کردند که در ابتدا اسناد در سطح مجموعه توصیف می‌شوند، سپس زمانی که منابع به‌طور کامل پردازش شدند، در سطح پرونده توصیف می‌شوند و اگر قرار باشد منابع دیجیتالی شوند، در سطح آیتم یا تک‌برگ سازمان‌دهی



می‌شوند. آرشیو دانشگاهی دیگری نیز اعلام کرد که اسناد و منابع در ابتدا در سطح سری یا ردیف و سپس در سطح آیتم سازمان‌دهی می‌شوند. هم‌چنین آرشیو دیگری اعلام کرد که منابع چندرسانه‌ای در سطح آیتم سازمان‌دهی می‌شوند و سایر منابع در سطح مجموعه سازمان‌دهی می‌شوند. باتوجه به پاسخ‌های مذکور می‌توان نتیجه گرفت که سطوح تنظیم و توصیف در آرشیوهای دانشگاهی به محتوا و حجم مجموعه بستگی دارد و هر آرشیو دانشگاهی براساس مجموعه خود، اسناد و منابع را سازمان‌دهی می‌کند.

در باره استانداردهایی که آرشیوهای دانشگاهی برای تنظیم و توصیف اسناد و منابع از آن پیروی می‌کنند، مشخص شد که اکثر آرشیوهای دانشگاهی (۹۳/۵ درصد)، برای توصیف اسناد و منابع آرشیوی خود از استانداردهای ملی و بین‌المللی استفاده می‌کنند. آمار استانداردهایی که آرشیوهای دانشگاهی از آن استفاده می‌کنند در جدول شماره ۹ آمده است.

1. International Standard Archival Description (ISAD)
2. Encoded Archival Description (EAD)
3. Describing Archives: A Content Standard (DACS)
4. Rules for Archival Description (RAD)
5. International Standard Archival Authority Record (ISAAR)

استاندارد توصیف آرشیوی استفاده شده در آرشیو	ایسادی	ای‌ای‌دی ^۲	دکس ^۳	رد ^۴	ایسار ^۵	استاندارد داخلی و خاص همان آرشیو	بدون استاندارد خاص	بدون پاسخ
فراوانی	۹	۶	۵	۴	۲	۱	۱	۳
درصد فراوانی	۲۹	۱۹/۳	۱۶/۱	۱۲/۹	۶/۴	۳/۲	۲/۲	۹/۶

جدول ۹

فراوانی و درصد فراوانی استانداردهای مورد استفاده در توصیف اسناد در آرشیوهای دانشگاهی

بنابر داده‌های جدول ۹ مشخص شد که ۲۹ درصد از آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش حاضر برای توصیف منابع آرشیوی خود از استاندارد بین‌المللی «ایسادی» استفاده می‌کنند. پس از آن به ترتیب، استاندارد «ای‌ای‌دی» با ۱۹/۳ درصد، استاندارد «دکس» با ۱۶/۱ درصد، استاندارد «رد» با ۱۲/۹ درصد و استاندارد «ایسار» با ۶/۴ درصد، در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در این میان تنها یک آرشیو دانشگاهی اعلام کرد که از استاندارد داخلی خودش برای توصیف منابع استفاده می‌کند. منظور از استاندارد داخلی، استاندارد داخلی است که تنها در همان آرشیو استفاده می‌شود و مطابق با سیاست‌های آرشیو آن دانشگاه ایجاد شده است. آرشیو دانشگاهی دیگری هم اعلام کرد که توصیف در آرشیو آن‌ها بر استاندارد خاصی مبتنی نیست. ۳ آرشیو هم سؤال را بی‌پاسخ گذاشتند.



در پاسخ پرسش پرسش نامه مبنی بر نرم افزار آرشیوی مورد استفاده در آرشیوهای دانشگاهی مشخص شد که ۳۰ درصد از آرشیوهای دانشگاهی از نرم افزار آرکایوز اسپیس استفاده می کنند. نرم افزار ایکا اتم نسخه ۱,۲ هم در رتبه دوم قرار دارد.

پرسش چهارم: آرشیوهای دانشگاه های برتر جهان، چه خدماتی را برای دسترسی کاربران به اسناد و منابع آرشیوی در نظر گرفته اند؟

این پرسش با هدف شناسایی انواع خدمات به کاربران در جهت دسترسی به اسناد و منابع آرشیوی در آرشیو دانشگاه های برتر جهان مطرح شده است؛ به عبارت دیگر، میزان دسترسی کاربران داخل و خارج از دانشگاه، انواع خدمات دسترسی به اسناد و منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی و ابزارهای آگاهی رسانی که آرشیوهای دانشگاهی از آن برای عرضه خدمات به کاربران استفاده می کنند مطالعه و بررسی شد (جدول های ۱۰، ۱۱، ۱۲).

نوع دسترسی کاربران خارجی	فراوانی	درصد فراوانی
دسترس بدون محدودیت فراهم شده است.	۱۷	۵۴/۸
دسترس با محدودیت فراهم شده است.	۵	۱۶/۱
برای کاربران خارجی دسترسی وجود ندارد.	۲	۶/۴
دسترس با دریافت هزینه فراهم شده است.	۰	۰
سایر	۷	۲۲/۵

جدول ۱۰

دسترس کاربران خارج از دانشگاه به اسناد و منابع موجود در آرشیو دانشگاه

بنابر داده های جدول ۱۰ مشخص شد که اکثر آرشیوهای دانشگاهی با فراوانی ۵۴/۸ درصد، برای کاربران خارج از دانشگاه، دسترسی بدون محدودیت در نظر گرفته اند. این بدین معنا است که اکثر آرشیوهای دانشگاهی، اسناد و منابع خود را نه تنها برای کاربران داخلی خود بلکه برای کاربران خارج از دانشگاه (پژوهش گران، محققان و حتی عموم مردم) هم بدون هیچ محدودیتی در دسترس قرار می دهند. پس از آن، تعدادی از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که دسترسی برای کاربران خارجی با محدودیت همراه است. برخی از آرشیوهای دانشگاهی برای دسترسی کاربران خارج از دانشگاه از جمله دانشجویان دانشگاه های دیگر و پژوهش گران و محققان، شرایطی را اعمال کرده اند؛ از جمله: ارائه معرفی نامه از دانشگاه مبدأ برای استفاده از منابع آرشیو. از بین آرشیوهای دانشگاهی شرکت کننده در پژوهش، دو آرشیو دانشگاهی اعلام کردند که برای کاربران خارج از

1. Archives space: <https://archivesspace.org/>
2. ICA-ATOM 1.2.8: <https://www.ica-atom.org/>



دانشگاه امکان دسترسی فراهم نکرده‌اند. برخی دیگر از آرشیوهای دانشگاهی نیز اعلام کردند که سطح دسترسی به نوع اطلاعات و مجموعه درخواستی بستگی دارد و برخی نیز اعلام کردند که درباره برخی از اسناد محدودیت اعمال شده‌است، ولی اکثر مجموعه‌ها برای استفاده تحقیقاتی باز هستند.

درباره دسترسی کاربران داخل دانشگاه به مجموعه‌های آرشیوی، ۶۱/۲ درصد از آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش اعلام کردند که میزان دسترسی کاربران داخل دانشگاه به مجموعه‌های آرشیوی خیلی زیاد است. به عبارتی، اکثر آرشیوهای دانشگاهی هیچ محدودیتی برای دسترسی کاربران داخل دانشگاه اعم از دانشجویان، استادان و کارمندان به اسناد و منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی ندارند و تمامی منابع طبق سیاست‌های دسترسی در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که سیاست‌های دسترسی به اسناد در هر آرشیو دانشگاهی متفاوت است. برخی از آرشیوهای دانشگاهی برای دسترسی به اسناد آرشیوی شرایطی را اعمال کرده‌اند؛ از جمله اجازه از صاحبان اصلی منابع آرشیوی، قبل از دسترسی دیگران به آن.

نوع خدمت	فراوانی	درصد فراوانی
استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه	۲۸	۹۰/۳
مجاز بودن عکس برداری به تشخیص آرشیویست	۳۷	۸۷
کپی کردن اسناد	۲۴	۷۷/۴
مجموعه دیجیتال آنلاین	۱	۳/۲
خدمات مرجع مجازی از طریق زوم	۱	۳/۲
عرضه خدمات با استفاده از اسکنر	۱	۳/۲
تکثیر اسناد در مقدار زیاد با استفاده از لابراتور دیجیتالی	۱	۳/۲

جدول ۱۱

توصیف آماری انواع خدمات دسترسی کاربران به اسناد و منابع آرشیوهای دانشگاهی

استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه، بیشترین درصد فراوانی را (۹۰/۳ درصد) کسب کرده‌است؛ به عبارت دیگر، اکثر آرشیوهای دانشگاهی، استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه آرشیو دانشگاه را برای مراجعه‌کنندگان فراهم کرده‌اند و کاربران این اجازه را دارند که طبق سیاست‌های دسترسی مربوط به اسناد و منابع آرشیوی، از نزدیک به منابع موجود در آرشیو دسترسی داشته باشند. پس از آن فراهم کردن امکان عکس برداری مجاز به تشخیص آرشیویست است که درصد فراوانی ۸۷ درصد را به خود اختصاص داده‌است. کپی کردن اسناد با درصد فراوانی ۷۷/۴ درصد از دیگر خدماتی است که آرشیوهای



دانشگاهی برای کاربران در نظر گرفته‌اند. آرشیوهای دانشگاهی برخی از اسنادی را که جنبه محرمانه ندارند و می‌توانند در دسترس کاربران قرار بگیرند، با استفاده از دستگاه‌های کپی برداری در اختیار کاربران قرار می‌دهند.

مجموعه دیجیتالی آنلاین، خدمات مرجع مجازی از طریق زوم، عرضه خدمات با استفاده از اسکنر، و تکثیر اسناد در مقدار زیاد با استفاده از لابراتور دیجیتالی، از دیگر خدماتی است که آرشیوهای دانشگاهی علاوه بر موارد ذکر شده قبلی برای کاربران خود فراهم می‌کنند. باتوجه به این موارد، دو نکته به نظر می‌رسد: اول آن‌که، باتوجه به پیشرفت تکنولوژی، آرشیوهای دانشگاهی در صددند تا میزان دسترسی کاربران به منابع آرشیوی را بیشتر کنند. با بررسی‌ای که در وبسایت آرشیوهای دانشگاهی انجام شد، می‌توان این نتیجه را گرفت که برخی از آرشیوهای دانشگاهی منابع خود را به صورت دیجیتالی در دسترس کاربران خود قرار داده‌اند. دیگر آن‌که، اکثر آرشیوهای دانشگاهی محدودیتی برای دسترسی کاربران اسناد و منابع آرشیوی ندارند و کاربران می‌توانند از طریق رایانه یا حتی بدون حضور فیزیکی و از طریق اینترنت از منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی استفاده کنند.

میانگین رتبه بر اساس آزمون فریدمن	انحراف معیار	میلگین	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	ابزار آگاهی‌رسانی
۱۰/۰۵	۱/۱۴۵	۴/۰۰	۲	۱	۴	۱۱	۱۳	وبسایت‌ها
۸/۱۷	۱/۵۵۵	۳/۱۷	۷	۴	۴	۸	۸	شبکه‌های اجتماعی
۶/۹۲	۱/۳۰۶	۲/۵۳	۸	۸	۷	۵	۳	راهنماها
۵/۶۵	۰/۷۸۵	۱/۹۳	۱۰	۱۲	۸	۰	۰	بروشورها
۶/۷۵	۱/۵۸۶	۲/۶۳	۱۱	۵	۴	۴	۷	وبلاگ‌ها
۶/۸۸	۱/۵۶۱	۲/۶۷	۱۱	۴	۴	۶	۶	کاتالوگ‌ها
۵/۲۳	۱/۰۲۰	۱/۸۳	۱۵	۸	۵	۳	۰	خبرنامه‌ها
۴/۶۷	۰/۸۳۷	۱/۷۰	۱۵	۱۰	۴	۱	۰	مجلات
۴/۲۵	۰/۸۵۸	۱/۵۷	۱۹	۶	۴	۱	۰	روزنامه‌ها
۴/۱۲	۰/۷۷۶	۱/۴۷	۲۰	۷	۲	۱	۰	رادیو و تلویزیون
۳۲/۳	۰/۳۰۵	۱/۱۰	۲۸	۲	۰	۰	۰	بیلبوردر فضای باز

جدول ۱۲

میزان استفاده آرشیوهای
دانشگاهی از ابزارهای آگاهی‌رسانی



طبق داده‌های جدول ۱۲ که میزان استفاده آرشیوهای دانشگاهی از ابزارهای آگاهی‌رسانی برای دادن خدمات به کاربران را نشان می‌دهد، مشخص شد که در میان انواع ابزارهای آگاهی‌رسانی مطرح شده، وبسایت‌ها بالاترین میانگین را کسب کرده‌است که این نشان‌دهنده استفاده بیشتر آرشیوهای دانشگاهی از این ابزار آگاهی‌رسانی است. هم‌چنین کم‌ترین میانگین مربوط به بیلبورد در فضای باز است. با توجه به میانگین رتبه براساس آزمون فریدمن که برای اولویت‌بندی ابزارهای آگاهی‌رسانی در آرشیوهای دانشگاهی انجام شده‌است، مشخص شد که تفاوت میانگین، معنادار بوده‌است. رتبه اول به‌لحاظ میانگین، به وبسایت‌ها و رتبه دوم، به شبکه‌های اجتماعی تعلق دارد؛ یعنی آرشیوهای دانشگاهی از این ابزارهای آگاهی‌رسانی بیشتر از سایر ابزارها استفاده می‌کنند.

پرسش پنجم: آرشیوهای دانشگاه‌های برتر جهان، چه برنامه‌های آموزشی‌ای برای کارکنان و کاربران خود در نظر گرفته‌اند؟

این پرسش با هدف شناسایی برنامه‌های آموزشی آرشیوهای دانشگاه‌های برتر جهان برای کارکنان و کاربران این آرشیوها، مطرح شد. منظور از برنامه‌های آموزشی برنامه‌هایی است که آرشیوهای دانشگاهی برای افزایش مهارت‌های کارکنانشان و هم‌چنین آشنایی کاربران و مراجعه‌کنندگان در زمینه نحوه استفاده از آرشیوهای دانشگاهی برگزار می‌کنند (جدول‌های ۱۳ و ۱۴).

میانگین رتبه براساس آزمون فریدمن	انحراف معیار	میلگین	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	نوع برنامه آموزشی
۵/۲۸	۱/۳۵۴	۲/۹۲	۶	۶	۵	۷	۳	تنظیم و توصیف اسناد
۵/۳۱	۱/۲۳۰	۲/۹۲	۵	۶	۷	۷	۲	دسترسی به اسناد و منابع آرشیوی
۴/۶۳	۱/۲۸۲	۲/۷۳	۷	۴	۸	۶	۲	امنیت اسناد
۴/۵۲	۱/۲۵۸	۲/۶۹	۶	۷	۶	۶	۲	مرمت اسناد
۴/۵۰	۱/۰۹۸	۲/۶۲	۶	۶	۱۰	۴	۱	حفاظت و نگهداری از اسناد
۴/۱۰	۱/۱۷۴	۲/۴۶	۷	۹	۶	۴	۱	روش‌های گردآوری اسناد
۳/۹۲	۱/۲۰۸	۲/۴۶	۸	۷	۷	۴	۱	ارزش‌یابی و امحاء اسناد
۳/۶۳	۱/۰۹۳	۲/۳۵	۸	۸	۶	۴	۰	زمان‌بندی نگهداری اسناد

جدول ۱۳

میزان برگزاری انواع برنامه‌های آموزشی برای کارکنان در آرشیوهای دانشگاهی



از مقادیر جدول ۱۳ مشخص شد که در میان انواع برنامه‌های آموزشی برای کارکنان، برنامه آموزشی «تنظیم و توصیف اسناد» بالاترین میانگین را کسب کرده‌است. بسیاری از آرشیوهای دانشگاهی برای شناسایی و توصیف دقیق زمینه و محتوای منابع آرشیوی و همچنین سازمان‌دهی اسناد و منابع براساس اصول پذیرفته‌شده آرشیوی، برنامه‌هایی آموزشی در زمینه تنظیم و توصیف اسناد و منابع آرشیوی برای کارکنان خود برگزار می‌کنند که این نشانه اهمیت فعالیت‌های مربوط به تنظیم و توصیف منابع آرشیوی است. کم‌ترین میانگین هم مربوط به برنامه آموزشی «زمان‌بندی نگهداری اسناد» است.

میانگین	رتبه براساس	انحراف	میانگین	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی	زیاد	نوع برنامه آموزشی برای کاربران
فریدمن	آزمون	معیار						زیاد		
۴/۹۷		۱/۳۶۳	۲/۷۳	۷	۷	۷	۵	۴		برگزاری نمایشگاه‌ها
۴/۱۲		۱/۲۹۵	۲/۳۳	۱۰	۸	۷	۲	۳		تشکیل کارگاه‌های آموزشی
۳/۹۷		۱/۰۴۰	۲/۲۳	۸	۱۱	۸	۲	۱		ایجاد کتاب‌های راهنما در زمینه چگونگی سپردن و انتقال اسناد به آرشیو
۳/۹۵		۱/۱۲۶	۲/۲۰	۱۰	۶	۱۰	۲	۲		انتشارات در قالب بروشور درباره پاسخ به پرسش‌های متداولی که در رابطه با آرشیو و خدمات آن پرسیده می‌شود.
۳/۹۰		۱/۳۱۱	۲/۲۷	۱۲	۶	۶	۴	۲		برگزاری سمینارهای آموزشی
۳/۵۸		۱/۳۳۲	۲/۰۰	۱۳	۱۱	۱	۳	۲		روابط عمومی در قالب تبلیغ، سخنرانی و...
۳/۵۲		۱/۲۵۹	۲/۲۰	۱۵	۷	۲	۵	۱		انتشارات در قالب خبرنامه‌هایی که فعالیت‌های آرشیو را به جامعه اعلام می‌کند.

جدول ۱۴

میزان برنامه‌های آموزشی آرشیوهای دانشگاهی برای کاربران میزان برنامه‌های آموزشی آرشیوهای دانشگاهی برای کاربران



مطابق جدول ۱۴، در میان انواع برنامه‌های آموزشی برای کاربران، «برگزاری نمایشگاه‌ها» بالاترین میانگین را دارد. به عبارتی، آرشیوهای دانشگاهی با برگزاری نمایشگاه‌ها سعی می‌کنند بازدیدکنندگان را برای آشنایی با آرشیو تشویق و به استفاده از آن ترغیب کنند. آرشیوهای دانشگاهی با برگزاری نمایشگاه‌ها، این امکان را به کاربران می‌دهند تا از نزدیک با ماهیت و انواع اسناد و منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی آشنا شوند (پدرسون، ۱۳۸۰).

پرسش ششم: برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان به چه صورت است؟

این پرسش با هدف شناسایی فرایند برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مدیریت آرشیوهای دانشگاهی در آرشیو دانشگاه‌های برتر جهان مطرح شد و جنبه‌های مختلف مدیریت آرشیوهای دانشگاهی مطالعه و بررسی شد (جدول‌های ۱۵-۱۸). یکی از جنبه‌هایی که در این پرسش بررسی و مطالعه شد، تدوین سیاست و خط‌مشی مدیریت اسناد و منابع آرشیوی بود که نتایج آن در جدول ۱۵ آمده است.

درصد فراوانی	فراوانی	میزان سیاست‌گذاری برای مدیریت اسناد و منابع آرشیوی
۵۱/۶	۱۶	سیاست‌گذاری کامل و مدون
۲۸/۷	۱۲	سیاست‌گذاری مختصر
۹/۶	۳	سیاست‌گذاری ضمنی و غیرمدون
.	.	بدون هیچ نوع سیاست‌گذاری

جدول ۱۵

سیاست‌گذاری در زمینه مدیریت اسناد و منابع آرشیوی

طبق داده‌های جدول ۱۵ مشخص شد که بیش از نیمی از آرشیوهای دانشگاهی (۵۱/۶ درصد) اعلام کرده‌اند که کاملاً در زمینه مدیریت اسناد و منابع آرشیوی به‌طور مدون سیاست‌گذاری کرده‌اند و خط‌مشی‌های مدونی برای این منظور تدوین کرده‌اند. این سیاست‌گذاری‌ها تمامی جنبه‌ها و مؤلفه‌های آرشیوهای دانشگاهی را شامل می‌شود و می‌تواند سازمان را در رسیدن به اهداف خود یاری کند.

درصد فراوانی	فراوانی	بودجه برای خرید منابع آرشیوی و نسخه‌های خطی
۳۸/۷	۱۲	بله، بودجه اختصاصی برای خرید منابع وجود دارد.
۳۸/۷	۱۲	خیر، بودجه مشخصی وجود ندارد؛ ولی می‌توان برای خرید به بودجه دسترسی پیدا کرد.
۱۹/۳	۶	خیر، بودجه برای خرید وجود ندارد.
۳/۲	۱	بی‌پسرخ

جدول ۱۶

توصیف آماری تخصیص بودجه برای خرید منابع آرشیوی



بنابر داده‌های جدول ۱۶ که قوانین مربوط به بودجه برای خرید منابع را نشان می‌دهد ۳۸/۷ درصد از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که بودجه اختصاصی برای خرید منابع در آرشیو دانشگاهی آنها وجود دارد. ۳۸/۷ درصد از آرشیوها هم اعلام کردند که بودجه مشخصی ندارند؛ ولی می‌توانند برای خرید به بودجه دسترسی پیدا کنند. تخصیص بودجه برای خرید منابع در آرشیوهای دانشگاهی به میزان بودجه آرشیوهای دانشگاهی باز می‌گردد. آرشیوهای دانشگاهی برای گسترش مجموعه خود، بخشی از بودجه خود را برای خرید منابع آرشیوی در نظر می‌گیرند. برخی از آرشیوهای دانشگاهی در زمان مقدمات تدوین بودجه، بخشی را برای این منظور کنار می‌گذارند و برخی دیگر نیز بودجه مشخصی را برای خرید منابع خود در نظر نمی‌گیرند؛ ولی در هنگام نیاز می‌توانند بخشی از بودجه آرشیو دانشگاه خود را صرف خرید منابع کنند.

انحراف معیار	میلگین	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	نوع سازمان آرشیوی
۰/۹۸۳	۳/۶۸	۱	۰	۱۴	۷	۸	دیگر آرشیوهای دانشگاهی کشور
۱/۱۲۰	۳/۰۷	۳	۵	۹	۹	۲	سازمان‌های آرشیوی
۱/۰۶۲	۲/۶۴	۴	۹	۱۰	۵	۲	آرشیو ملی کشور
۰/۹۹۴	۲/۳۹	۴	۱۴	۸	۲	۱	موزه‌ها
۰/۶۷۸	۱/۶۴	۱۲	۱۵	۰	۱	۰	کتاب‌خانه ملی
۰/۷۱۳	۱/۷۱	۱۲	۱۲	۴	۰	۰	آرشیو دانشگاهی سایر کشورها
۱/۶۳۴	۱/۴۳	۱۸	۸	۲	۰	۰	آرشیو ملی سایر کشورها

جدول ۱۷

میزان همکاری آرشیوهای
دانشگاهی با سایر سازمان‌های
آرشیوی

درباره همکاری آرشیوهای دانشگاهی با سایر سازمان‌های آرشیوی، مطابق با جدول ۱۷ مشخص شد که در میان انواع سازمان‌های آرشیوی، دیگر آرشیوهای دانشگاهی کشور بالاترین میانگین را دارد؛ یعنی آرشیوهای دانشگاهی بیشترین همکاری را با دیگر آرشیوهای دانشگاهی کشور خود دارند و این همکاری به دلیل اهمیت آرشیوهای دانشگاهی و منابع موجود در آنهاست.



درصد فراوانی	فراوانی	روش ارزشیابی
۳۲/۲	۱۰	«تحلیل وظایف سازمانی»، که وظایف اصلی سازمان را شناسایی می‌کند و هر وظیفه را به فعالیت‌های سازنده‌اش تجزیه می‌کند.
۲۵/۸	۸	ارزش‌یابی عملکردی (ارزش‌گذاری اسناد از طریق تعیین کارکردهای مستندشده؛ شناسایی شخص ایجادکننده سند مربوط به کارکردها و سپس انتخاب اسنادی که مستندات کامل و جامع‌تری را از آن کارکرد ارائه می‌دهند).
۱۳	۴	ارزش‌یابی زیبایی‌شناختی اسناد تاریخی که در آن ارزش و اهمیت اسناد تاریخی و محتوای تاریخی سند موردتوجه است.
۹/۶	۳	ارزش‌یابی کلان که تأکید این نوع ارزش‌یابی از اسناد، به ایجادکنندگان و فرایند ایجاد سند است.
۰	۰	راهبرد پروژه کاهش دوره انتقال
۱۹/۳	۶	سایر

جدول ۱۸

روش‌های ارزش‌یابی اسناد در آرشیوهای دانشگاهی

مطابق با آنچه در جدول ۱۸ مشاهده می‌شود، ۳۲/۲ درصد از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که شیوه ارزش‌یابی اسناد و منابع در آرشیو دانشگاهی آن‌ها براساس «تحلیل وظایف سازمانی» انجام می‌شود. طبق نظر سامونلز^۱ تأکید این شیوه بر شناسایی وظایف اصلی سازمان است و هر وظیفه را به فعالیت‌های سازنده‌اش تجزیه می‌کند. درعمل آرشیویست بررسی می‌کند که چه نوعی از اسناد مهم‌ترین وظایف و فعالیت‌ها را به‌طورکامل نشان می‌دهند. هم‌چنین مشخص می‌کند که چه مکانی در درون سازمان این اسناد را تولید می‌کند. سپس آرشیویست فعالیت‌های فراهم‌آوری را براساس مأموریت و اهداف سازمان انجام می‌دهد. برخی از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که شیوه ارزش‌یابی آن‌ها باتوجه‌به رویکرد و مجموعه آن‌ها در دانشگاه متفاوت است و برخی نیز اعلام کردند که از هیچ روش ارزش‌یابی مشخصی استفاده نمی‌کنند و این موضوع برای آن‌ها مسئله محسوب می‌شود و مشکل‌ساز است.

باتوجه‌به موارد بیان‌شده و تبعیت نکردن آرشیوهای دانشگاهی از روشی استاندارد در ارزش‌یابی اسناد، می‌توان گفت که احتمالاً هر آرشیو دانشگاهی براساس سیاست‌های خود در دانشگاه از روش ارزش‌یابی خاصی استفاده می‌کند؛ البته روش‌های ارزش‌یابی ذکرشده در جدول، ویژگی‌های مشترک بارزی هم دارند. مهم‌ترین ویژگی مشترک آن‌ها شیوه ارزش‌یابی بالابه‌پایین^۲ و پژوهش‌گرا است. هدف اساسی آرشیودارانی که از چنین روش‌هایی بهره

1. Samuels
2. Top Down



می گیرند آن است که قبل از بررسی اسناد، مکانی را که غنی ترین مدارک در آن واقع شده است، تعیین کنند؛ به عبارت دیگر در این شیوه قبل از آنکه بپرسند چه مدارکی باید حفظ شود، فرایند تصمیم گیری ارزش یابی را با پژوهش و تحلیل دقیق این که چه چیزی باید مستند شود، شروع می کنند (کوک، ۱۹۹۲، نقل در شریف نوبری و همکاران، ۱۳۸۸).

پرسش هفتم: آرشیوهای دانشگاهی با چه چالش هایی در مدیریت آرشیو روبه رو هستند؟

این پرسش با هدف شناسایی مهم ترین چالش های آرشیوهای دانشگاهی در فرایند مدیریت آرشیو، مطرح شد (جدول ۱۹).

انحراف معیار	میانگین	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	نوع چالش
۱/۰۱۵	۴/۲۷	۱	۰	۶	۶	۱۷	وجود انبوه اسناد و مدارک در دانشگاه
۰/۷۷۶	۴/۱۳	۱	۱	۵	۱۴	۱۰	امکان دسترسی به اسناد الکترونیکی
۰/۸۷۴	۳/۸۳	۰	۱	۱۱	۱۱	۸	بررسی و نقل و انتقال پرونده ها و اسناد
۱/۰۷۳	۳/۷۷	۰	۴	۹	۸	۱۰	نگهداری و حفاظت از اسناد
۰/۹۳۷	۳/۴۷	۰	۴	۱۳	۸	۶	تنظیم و توصیف اسناد
۰/۹۹۷	۳/۲۰	۱	۷	۱۲	۸	۳	تدوین مقررات مربوط به اسناد محرمانه و ممنوعیت خاص
۱/۰۶۲	۳/۱۰	۱	۹	۱۳	۵	۳	تعیین ارزش های اسناد و صدور مجوز امحاء اوراق زائد

جدول ۱۹

چالش های آرشیوهای دانشگاهی در مدیریت آرشیو دانشگاه

مطابق با جدول ۱۹ در میان انواع چالش های موجود، «وجود انبوه اسناد و مدارک در دانشگاه» بالاترین میانگین را دارد و مهم ترین چالشی است که آرشیوهای دانشگاهی با آن مواجه اند. درباره این چالش می توان چنین گفت که در دانشگاه ها هرروزه اسناد جدیدی در قالب های مختلف ایجاد می شوند و دانشگاه ها همیشه با مسئله انبوه اسناد و مدارک جدید مواجه اند. زمانی که اسناد و منابع زیادی در دانشگاه تولید می شود، در بسیاری از فرایندها اختلال ایجاد می شود و آرشیوها هم با مشکلات زیادی مواجه می شوند؛ چون با افزایش اسناد و مدارک، حفظ و نگهداری اسناد هم به مراتب پیچیده تر می شود و تنظیم و توصیف، انتقال اسناد، دسترسی به اسناد، تعیین ارزش های اسناد و امحاء صحیح اسناد و خیلی از موارد دیگر، تحت تأثیر این موضوع قرار می گیرد. بنابراین می توان گفت که بسیاری از چالش هایی که اکثر آرشیوهای دانشگاهی به میزان خیلی زیاد با آن روبه رو هستند، وجود انبوه اسناد و مدارک است که می تواند منشأ تمامی چالش های دیگر باشد.

1. Michael Cook



۳. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر برای شناسایی فرایندهای مدیریت آرشیو در دانشگاه‌های برتر جهان، انجام شد و جنبه‌های مختلف مدیریت آرشیوهای دانشگاهی را از قبیل انواع آرشیوهای دانشگاهی، ماهیت آرشیوهای دانشگاهی به لحاظ نوع مخاطب و منابع، تنظیم و توصیف اسناد، خدمات دسترسی، برنامه‌های آموزشی و فرایند برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های مدیریت آرشیوهای دانشگاهی را مطالعه کرد. باتوجه به نبود پیشینه کاملاً مرتبط، امکان مقایسه و مقابله یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های دیگر و بحث درباره آن در همه قسمت‌ها وجود نداشت؛ باین حال ذکر چند نکته و جمع‌بندی در این زمینه ضروری است: آرشیو اداری دانشگاه، اسناد تاریخی و اسناد ایجاد شده طی فعالیت‌های دانشگاهی در بخش‌های مختلف دانشگاه را که پس از فرایندهای ارزیابی اسناد، دارای ارزش دائمی برای نگهداری شناخته می‌شوند و به عبارتی حافظه سازمانی دانشگاه را تشکیل می‌دهند نگهداری می‌کند (آرشیو دانشگاه شفیلد^۱، ۲۰۲۰). منابع موجود در آرشیوهای پژوهشی، شامل انتشارات پژوهشی و یافته‌های پژوهشی تولید شده توسط اعضای هیئت علمی دانشگاه و مقالات علمی و شخصی اعضای هیئت علمی، کارمندان و دانشجویان و پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری است (آرشیو پژوهشی دانشگاه آکسفورد^۲، ۲۰۲۰). آرشیوهای تاریخی آرشیوهایی هستند که تنها منابعی را که به گونه‌ای تاریخیچه دانشگاه را مستند می‌کنند، در تمامی قالب‌ها جمع‌آوری و نگهداری می‌کنند. آرشیوهای دانشگاهی ممکن است به عنوان آرشیو اداری، آرشیو تاریخی، آرشیو پژوهشی و یا ترکیبی از این آرشیوها فعالیت داشته باشند (آرشیو دانشگاه کمبریج^۳، ۲۰۲۰). طبق یافته‌های پژوهش حاضر اکثر آرشیوهای دانشگاهی، ترکیبی از آرشیوهای اداری، تاریخی و پژوهشی هستند. در آرشیوهای ترکیبی، علاوه بر اسناد تاریخی مرتبط با تاریخچه دانشگاه، اسناد جاری و اداری دانشگاه، انتشارات پژوهشی و یافته‌های پژوهشی تولید شده توسط اعضای هیئت علمی و کارکنان نیز جمع‌آوری و نگهداری می‌شود. اکثر آرشیوهای دانشگاهی زیر نظر کتابخانه مرکزی دانشگاه فعالیت می‌کنند و گزارش فعالیت‌های خود را به کتابخانه مرکزی دانشگاه تحویل می‌دهند؛ یعنی کتابخانه مرکزی دانشگاه ناظر و متولی آرشیوهای دانشگاهی محسوب می‌شود.

درباره ماهیت آرشیوهای دانشگاهی به لحاظ منابع، «اسناد رسمی دانشگاه/پرونده‌های اداری و مالی»، «اسناد تاریخی» و «اسناد و مدارک مرتبط به هر دانشکده»، از اسناد و منابعی هستند که در تمامی آرشیوهای دانشگاهی به میزان خیلی زیاد نگهداری می‌شوند و اصلی‌ترین منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی به‌شمار می‌آیند. این نتیجه، یافته‌های

1. Sheffield University Administrative Archives: <https://www.sheffield.ac.uk/uso/archives>
2. Oxford University Research Archives: <https://libguides.bodleian.ox.ac.uk/ora>
3. Cambridge University Archives: <https://cudl.lib.cam.ac.uk/collections/cuarchives>



پژوهش پروم (۲۰۱۰) را تأیید می‌کند. در پژوهش پروم نیز انواع اسناد و منابع موجود در آرشیو دانشگاه‌ها بررسی شد و مشخص شد که «اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی» بالاترین میانگین جمع‌آوری و نگهداری را در آرشیوهای دانشگاهی دارد. اکثر آرشیوهای دانشگاهی، اسناد و منابع خود را از طریق قوانین و سیاست‌های مدون خود تهیه می‌کنند. طی این قوانین، بخش‌ها و سازمان‌های موجود در دانشگاه موظف‌اند تحت قوانین انتقال اسناد و منابع به آرشیو دانشگاه، اسناد و منابع خود را به آرشیو دانشگاه تحویل دهند (آرشیو دانشگاه تورنتو، ۲۰۲۰). لازم به توضیح است که برخی از آرشیوهای دانشگاهی از طریق اهداء و خرید هم، اسناد و منابع آرشیو دانشگاه خود را فراهم می‌کنند. مخاطبان اصلی آرشیوهای دانشگاهی عبارت‌اند از: استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه و کارمندان درون دانشگاه. علاوه بر مخاطبانی که به صورت پیش فرض در پرسش‌نامه آمده بود، یک آرشیو دانشگاهی نیز رسانه‌ها را هم به عنوان یکی از مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی اعلام کرده بود.

«اسناد تاریخی»، «نسخه‌های خطی» و «اسناد رسمی دانشگاه/ پرونده‌های اداری و مالی»، از اسناد و منابعی هستند که بیشترین استفاده را در بین مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی دارند. درباره سطوح تنظیم و توصیف اسناد و منابع در آرشیوهای دانشگاهی، سطح مجموعه یا فوند در رتبه اول قرار دارد که طبق این سطح، همه اسناد، صرف‌نظر از شکل و رسانه‌ای سازمان‌دهی می‌شوند که بخش یا سازمان ایجادکننده سند در حین فعالیت یا انجام وظایف خود ایجاد و جمع‌آوری کرده‌است (عادلی و امیرخانی، ۱۳۸۷). سطح پرونده در رتبه دوم قرار دارد و پس از آن، سطح ردیف و سطح آیم یا تک‌برگ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. البته برخی از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که سطوح تنظیم و توصیف به مجموعه بستگی دارد.

اکثر آرشیوها برای تنظیم و توصیف منابع از استانداردهای ملی و بین‌المللی استفاده می‌کنند و کمتر به طرح قوانین داخلی در این باره پرداخته‌اند.

میزان عرضه خدمات و دسترسی کاربران داخل دانشگاه به اسناد و منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی متفاوت است. در بیشتر آرشیوها، دسترسی به اسناد با رعایت قوانین و مقررات خاصی صورت می‌گیرد که به آن «سیاست دسترسی به اسناد» گفته می‌شود. سیاست دسترسی به اسناد، به شماری از ملاحظات قانونی، اخلاقی و عملی وابسته است (عزیزی، ۱۳۸۶). سیاست‌ها چارچوبی را به وجود می‌آورند که آرشیویست فرایند دسترسی به اسناد و منابع را تحت آن مدیریت می‌کند و محقق امکان می‌یابد تا به راحتی از اطلاعات استفاده کند (پدرسون، ۱۳۸۰). در پژوهش حاضر اکثر آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که به میزان



خیلی زیاد به کاربران داخل دانشگاه بدون محدودیت خدمات می دهند. بیشترین خدماتی که در زمینه دسترسی کاربران فراهم شده است، «استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه»، «مجاز بودن عکس برداری به تشخیص آرشیویست» و «کپی کردن اسناد» است که این خدمات با توجه به سیاست های آرشیوها برای کاربران فراهم می شود. هم چنین «مجموعه دیجیتال آنلاین»، «خدمات مرجع مجازی از طریق زوم»، «عرضه خدمات با استفاده از اسکنر» و «تکثیر اسناد در مقدار زیاد با استفاده از لابراتور دیجیتالی» از جمله خدماتی است که آرشیوهای دانشگاهی به فهرست خدماتشان اضافه کرده اند.

امروزه سازمان ها و مراکز آرشیوی برای بهبود کمی و کیفی فعالیت ها و خدمات خود، آموزش کارمندان را از اساسی ترین وظایف خویش به شمار می آورند. از این رو در سال های اخیر در مراکز آرشیوی، در جهت آموزش مداوم کارکنان در سطوح مختلف تلاش گسترده ای شده است. آموزش در افزایش کارایی کارکنان و نیز بهره گیران، نقشی به سزا دارد. سازمان های آرشیوی می توانند با کمک دیگر سازمان های مرتبط برنامه آموزش را اجرا کنند (فدایی عراقی، ۱۳۸۴). طبق یافته های پژوهش حاضر، میزان برگزاری برنامه های آموزشی در آرشیوهای دانشگاهی متفاوت است؛ ولی بیشترین برنامه آموزشی ای که در آرشیوهای دانشگاهی برای کارکنان برگزار می شود در زمینه تنظیم و توصیف و دسترسی به اسناد و منابع آرشیوی است. بیش از نیمی از آرشیوهای دانشگاهی اعلام کردند که در زمینه مدیریت اسناد و منابع آرشیوی سیاست گذاری مدونی دارند و خط مشی های مدونی برای این کار ترسیم کرده اند. این سیاست گذاری ها تمامی جنبه ها و مؤلفه های موجود در آرشیوهای دانشگاهی را شامل می شود.

همانند یافته های پژوهش کیم و لی (۲۰۰۹)، مبنی بر همکاری آرشیوهای دانشگاهی با یکدیگر، یافته های پژوهش حاضر نیز نشان داد که اکثر آرشیوهای دانشگاهی اغلب با یکدیگر و هم چنین با دیگر سازمان های آرشیوی از جمله آرشیوهای ملی در زمینه های مختلف به ویژه در زمینه برنامه های دسترسی همکاری دارند. روش های ارزش یابی در اغلب آرشیوهای دانشگاهی، بر اساس تحلیل وظایف سازمانی انجام می شود و همان طور که گفته شد، تأکید این شیوه بر شناسایی وظایف اصلی سازمان است که هر وظیفه را به فعالیت های سازنده اش تجزیه می کند (کوک، ۱۹۹۲، نقل در شریف نوبری و همکاران، ۱۳۸۸).

هر روزه در دانشگاه ها، اسناد جدیدی در قالب های مختلف ایجاد می شوند. انبوه این اسناد و مدارک اصلی ترین چالش اکثر آرشیوهای دانشگاهی است. با تولید انبوه اسناد و مدارک جدید، حفظ و نگهداری اسناد هم به مراتب پیچیده تر می شود و تنظیم و توصیف، انتقال اسناد، دسترسی به اسناد، تعیین ارزش های اسناد و امحاء صحیح اسناد و خیلی از

موارد دیگر، تحت تأثیر این موضوع قرار می‌گیرد (آرشیو دانشگاه بریتیش کلمبیا، ۲۰۲۰)؛ بنابراین می‌توان گفت که مهم‌ترین چالش اکثر آرشیوهای دانشگاهی انبوه اسناد و مدارک جدید است و این چالش می‌تواند منشأ چالش‌های زیاد دیگری هم بشود.

بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر، پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- * اکثر آرشیوهای دانشگاهی شرکت‌کننده در پژوهش اعلام کردند که طبق قوانین انتقال اسناد و منابع به آرشیو دانشگاه، اسناد و منابع خود را جمع‌آوری می‌کنند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز به تدوین قوانین و سیاست‌های انتقال اسناد بیشتر توجه کنند و از این طریق منابع خود را گسترش دهند.
- * در بین آرشیوهای دانشگاهی بررسی شده اهداء دومین روش جمع‌آوری اسناد و منابع بود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز تمهیداتی در این زمینه انجام دهند. برای نمونه آرشیوهای دانشگاهی ایران هم می‌توانند با انجام تبلیغات گسترده، اهمیت اسناد و منابع با ارزش را برای عموم افرادی که با دانشگاه سروکار دارند روشن کنند و آن‌ها را و به‌ویژه دانشجویان، استادان و افراد فعال در دانشگاه را تشویق کنند که اسناد با ارزش خود را به آرشیو دانشگاه اهداء کنند.

- * باتوجه به این که استادان، دانشجویان و پژوهش‌گران خارج از دانشگاه، عمده‌ترین مخاطبان آرشیوهای دانشگاهی هستند، پیشنهاد می‌شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز با ایجاد دسترسی به اسناد و منابع آرشیوی برای این گروه از مخاطبان آن‌ها را جذب کنند.
- * باتوجه به این که آرشیوهای دانشگاهی، تنظیم و توصیف اسناد را بر اساس استانداردهای بین‌المللی انجام می‌دهند و «استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی» (ISAD(G)) در اکثر آرشیوهای دانشگاهی استفاده می‌شود، پیشنهاد می‌شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز تنظیم و توصیف اسناد خود را بر اساس استانداردهای بین‌المللی و به‌ویژه «استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی» انجام دهند. در این زمینه آرشیو ملی به عنوان سازمان مادر، می‌تواند استاندارد بین‌المللی توصیف آرشیوی را در قالب دستنامه‌هایی منتشر کند و در اختیار آرشیوهای دانشگاهی و آرشیویست‌ها قرار دهد.

- * باتوجه به این که آرشیوهای دانشگاهی مذکور خدمات دسترسی متنوعی دارند؛ از جمله «استفاده از اسناد و منابع در اتاق مطالعه»، «مجاز بودن عکس‌برداری به تشخیص آرشیویست»، «کپی کردن اسناد» و نظایر آن، پیشنهاد می‌شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران هم باتوجه به شرایط و امکانات خود، چنین خدماتی را برای دسترسی راحت‌تر کاربران و پژوهش‌گران فراهم کنند و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌هایی را برای چگونگی دسترسی تهیه و تدارک ببینند.



* باتوجه به اهمیت آموزش و ارتقاء مهارت کارکنان در آرشیوهای دانشگاهی، پیشنهاد می شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران هم در زمینه هایی از جمله «تنظیم و توصیف اسناد»، «مرمت اسناد» و «امنیت اسناد» - که از دیدگاه آرشیوهای دانشگاهی شرکت کننده در پژوهش از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است - برنامه های آموزشی برگزار کنند. این کارگاه ها و کلاس های آموزشی می تواند در قالب اعزام و معرفی کارکنان به سایر مراکز آموزشی خارج از دانشگاه برای شرکت در کلاس ها، کارگاه ها و مجامع علمی و نظایر آن، راهنماهای درون سازمانی / کتابچه های راهنما، ایجاد دوره های آموزشی به طور مرتب، دعوت متخصصان از خارج از دانشگاه برای برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی و دوره های آموزشی آنلاین باشد.

* از آن جا که برگزاری نمایشگاه در آرشیوهای دانشگاهی بررسی شده فراوان ترین برنامه آموزشی برای آموزش کاربران و مخاطبان این آرشیوها بوده است، پیشنهاد می شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز نمایشگاه های بیشتری برای آشنایی مخاطبان با انواع منابع موجود در آرشیوهای دانشگاهی برگزار کنند. البته دیگر برنامه های آموزشی شناسایی شده در آرشیوهای دانشگاهی پژوهش حاضر هم می تواند به ایجاد تنوع در برنامه های آموزشی در آرشیوهای دانشگاهی ایران کمک کند.

* باتوجه به همکاری آرشیوهای دانشگاهی با سایر مراکز آرشیوی، به ویژه سایر آرشیوهای دانشگاهی و آرشیو ملی، در زمینه های مختلف از جمله برنامه های دسترسی، برنامه های ترویجی، فضای ذخیره سازی مشترک و برنامه های آموزشی مشترک، پیشنهاد می شود که آرشیوهای دانشگاهی ایران نیز برای عرضه خدمات بهتر و بیشتر به کاربران و مخاطبان خود، با سایر مراکز آرشیوی از جمله سایر آرشیوهای دانشگاهی و مراکز اسناد در دانشگاه ها و آرشیو ملی در زمینه های مذکور، همکاری کنند. چنین همکاری هایی می تواند از طریق تفاهم نامه یا قرارداد بین آرشیو دانشگاه ها با مراکز مختلف و مرتبط دیگر باشد.

منابع

کتاب

- پدرسون، آن. (۱۳۸۰). *نگهداری اسناد*. (رضا مهاجر، مترجم). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- رضایی شریف آبادی، سعید؛ نیکومنظری، نگین. (۱۳۸۸). *آرشیو، کتابخانه و موزه، وجوه اشتراک و افتراق: مجموعه مقالات هشتمین همایش سراسری انجمن علمی، دانشجویی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه الزهرا*. تهران: کتابدار.
- فدایی عراقی، غلام‌رضا. (۱۳۸۴). *مدیریت یادمانه‌ها (آرشیو)*. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات چاپ.
- مزیانی، علی. (۱۳۷۹). *کتابخانه و کتابداری*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

مقاله

- بقایی، محمد. (۱۳۸۱). «نگاهی به آرشیو و عملکرد آن در ایران». *کتاب ماه کلیات*. (۵۸ و ۵۹)، صص ۲۸-۳۳.
- شریف نویری، مریم؛ رضایی شریف آبادی، سعید. (۱۳۸۸). «نظریه‌های اساسی در حوزه ارزش‌یابی اسناد آرشیوی». *گنجینه اسناد*. (۳) ۱۹، ص ۱۰۸.
- عادل، معصومه؛ امیرخانی، غلام‌رضا. (۱۳۸۷). «تنظیم و توصیف منابع آرشیوی (با تأکید بر فهرست‌های راهنما)». *گنجینه اسناد*. ۷۲، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- عزیزی، غلام‌رضا. (۱۳۸۶). «دسترسی به منابع موجود در آرشیوها و کتابخانه‌ها». *گنجینه اسناد*. ۶۷، صص ۹۸-۱۱۰.

پایان‌نامه

- اشکو، اکرم. (۱۳۹۸). «ارائه الگوی ایجاد آرشیو دانشگاهی در دانشگاه خلیج فارس». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
- خوش‌مشرّب، سهیلا. (۱۳۹۴). «امکان‌سنجی عوامل مؤثر در ایجاد آرشیوهای دانشگاهی در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا (س)، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.



منابع لاتین

- Cambridge University Archives, [website]. Retrieved 2020December10 from: <https://cudl.lib.cam.ac.uk/collections/cuarchives>
- Huaiyuan, Zhao; Perey, Gemma; Jie, Tang; Xiaoling, Lu. (2020). "Information Construction of Archives Management in Universities". *Frontiers in Educational Research*, 3(3), pp 99-102, doi: 10.25236/FER.2020.030323. Retrieved 2020July2, from: <https://francis-press.com/index.php/papers/1648>
- Kim, Heejung; Lee, Hyewoon. (2009). "Digital-age trends and perspectives in Korean university archives". *The Electronic Library*, 27(3), pp 426-440. <https://doi.org/10.1108/02640470910966871>. Retrieved 2020July5, from: <http://www.emeraldinsight.com/0264-0473.htm>
- Ly, Zuheng; Shi, Heyuzi. (2020). "The Exploring on University Archives Management System Based on Information System". *Journal of Physics: Conference Series*, 1550(3), 032017. doi:10.1088/1742-6596/1550/3/032017 Retrieved 2020July4, from: <https://iopscience.iop.org/article/10.1088/1742-6596/1550/3/032017/meta>
- Oxford University Research Archives, [website]. Retrieved 2020December10 from: <https://libguides.bodleian.ox.ac.uk/ora>
- Prom, Christopher J. (2010). "Optimum Access? Processing in College and University Archives". *The American Archivist*, 73(1), pp 146-174. doi: <https://doi.org/10.17723/aarc.73.1.519m6003k7110760> Retrieved 2020July5, from: <https://meridian.allenpress.com/american-archivist/article/73/1/146/24221/Optimum-Access-Processing-in-College-and>
- Sheffield University Administrative Archives, [website]. Retrieved 2020December10 from: <https://www.sheffield.ac.uk/uso/archives>
- Society of American Archivists. (1999). "Guidelines for College and University Archives". Retrieved 2020December2, from: <https://www2.archivists.org/node/14800>
- Times Higher Education. (2020). "World University Rankings 2020". Retrieved 2020May5, from: <https://www.timeshighereducation.com/student/best-universities/best-universities-world>
- University of British Columbia Archives, [website]. Retrieved 2020April14, from: <http://www.ubc.ca/archives/>



ps://archives.library.ubc.ca/access-and-use-of-archival-materials

University of Penn Satate Archives, [website]. Retrieved 2020April16, from: <https://policies.psu.edu/policies/ad35>

University of Toronto Archives, [website]. Retrieved 2020April16, from: <https://utarms.library.utoronto.ca/archives>

Victoria University Records and Archives Policy, [website]. Retrieved 2020July2, from: <https://www.uvic.ca/library/locations/home/archives/index.php>

Zhang, Mei; Chen, Peijiang. (2017). "Research on the Informatization Construction of University Archives Management". *International Conference on Education Innovation and Social Science*. Retrieved 2020July2, from: <https://www.atlantisspress.com/article/25886770.pdf>



Table of contents

Ganjineh-Ye Asnad

(Peer-reviewed Journal)

Vol.32, No.2, (Summer 2022)

Ser.No: 126

ISSN: 1023-3652

E-ISSN: 2538-2268

Historical Research

- Representation of the Officials' Social Status in Correspondences between The Sa-
favid and The Mughal Courts at the Time of Shah Soleiman/Safi II (r. 1666-94)/
Ali MashhadiRafie 6-37(32)
- The nuclear program of the second Pahlavi government and the importance of
online digital archives in recognizing it/ **MohammaJafar Chamankar** 38-80(43)
- The Election Petitions of the Twenty-First National Consultative Assembly: An An
Analytical Survey/ **Hamid Basiratmanesh** 92-121(40)
- Determining the National Railway Route of Iran: Ups and Downs/ **Mostafa Nouri** 122-149(28)

Archival Studies

- Quantitative and qualitative environmental biological monitoring in Documenta-
tion Center and Library of the Cultural Heritage and Tourism Research Institute/
Nasrin Noohi, Manizhe Hadian Dehkordi, Parasto Erfanmanesh 150-178(29)
- University Archives Management in the World's Top Universities/ **Kosar babaei**
Lashkani, Zoya Abam, Saeid Rezaei Sharifabadi 180-212(33)
- English Abstracts \ **Sanaz Baghestani**

Ganjine-ye Asnad

Historical Research & Archival Studies Quarterly

Vol.32, No.2, (Summer 2022)

(126)

E-ISSN: 2538-2268 | ISSN: 1023-3652

A peer-reviewed journal published by the National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran

Editor-in-Chief:

Saeid Rezaei Sharifabadi, PhD srezaei@alzahra.ac.ir

Managing Editor:

Golamreza Azizi, PhD greazizi@gmail.com

Executive Officer: Seyyed Mahmood Sadat Bidgoli, PhD m.sadat@yahoo.com

Editorial Board:

Terry Eastwood, Professor, University of British Columbia, Canada.

Ray Edmondson, OAM, B.A. Dip Lib Phd, Australia.

Gholamreza Fadaei, Professor, University of Tehran, Iran.

A.Hossein Farajpahlou, Professor, Shahid Chamran University, Iran.

Saeid Rezaei Sharifabadi, Professor, Alzahra University, Iran.

Hossein Mirjafari, Professor, University of Isfahan, Iran.

Morteza Nouraei, Professor, University of Isfahan, Iran.

Mohammad Bagher Vosoghi, Professor, University of Tehran, Iran.

Fariborz Khosravi, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

Narges Neshat, Associate Professor, National library and Archives of Iran, Iran.

S. Amirmasoud Shahrannia, Associate Professor, University of Isfahan, Iran.

ganjineh.nlai.ir | Email: ganjinehasnad@gmail.com | Tel: 9821 81625554

Address: Iran National Archives, Kosha St, Haqani High way, Tehran, Iran

Index by: Google scholar, Research gate, ISC, SID & Iran Journal

